

فصلنامه علمی امام رضا (علیه السلام) و علوم روز

سال اول - شماره اول - زمستان ۱۴۰۰

● صاحب امتیاز: دانشگاه بین المللی امام رضا علیه السلام

● مدیر مسؤول: دکتر نعمت الله فیروزی

● سردبیر: دکتر محمد رضا رضوان طلب

● اعضای تحریریه:

دکتر حسن بشیر (استاد دانشگاه امام صادق علیه السلام)

دکتر علی اصغر پورعزت (استاد دانشگاه تهران)

دکتر عادل پیغامی (دانشیار دانشگاه امام صادق علیه السلام)

دکتر محمود خدادوست (دانشیار دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)

دکتر محمد علی خلیل زاده (دانشیار دانشگاه بین المللی امام رضا علیه السلام)

دکتر محمد رضا رضوان طلب (دانشیار دانشگاه تهران)

دکتر جمیله علم الهدی (دانشیار دانشگاه شهید بهشتی)

دکتر نعمت الله فیروزی (استادیار دانشگاه بین المللی امام رضا علیه السلام)

دکتر سید رضا مودب (استاد دانشگاه قم)

دکتر حسن نقی زاده (استاد دانشگاه فردوسی)

● دبیر اجرایی: اسماء خیری یزدی

● ویراستار: دکتر حمیدرضا نویدی مهر

● ویراستار انگلیسی: دکتر اکرم حسینی

● صفحه آرا: حامد همایونی

● کارشناس نشریه: زهرا خندان، تکتیم خانبازاده

نحوه ارتباط با فصلنامه علمی امام رضا علیه السلام و علوم روز

پایگاه اینترنتی مجله: www.ijs.imamreza.ac.ir

ارتباط تلفنی: ۰۵۱۳۸۰۴۱ داخلی ۳۱۲۰

پست الکترونیکی مجله: science@imamreza.ac.ir

نشانی: مشهد مقدس، خیابان دانشگاه ۱۵، دانشگاه بین المللی امام رضا علیه السلام

«آرای نویسندگان مقالات لزوما دیدگاه مجله نیست»

«نقل مطالب مجله با ذکر مأخذ بلامانع است»

فهرست مطالب

- ۷ **بایسته‌های گفتاری - رفتاری پاسخ به شبهات در سیره رضوی**
حسن خرقانی، البرز محقق گرمی
- ۲۸ **تبیین شبکه مفهومی ارتباط الگو مبتنی بر مناظرات امام رضا علیه السلام**
بهزاد حسن‌نژاد کاشانی، مهسا پایسته
- ۵۲ **مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی در منظومه احادیث امام رضا علیه السلام**
سید ابوالقاسم حسینی زیدی، مهدی عبادی
- ۶۸ **استراتژی‌های معنوی در مدیریت استرس با تأکید بر مطالعه تطبیقی**
تعالیم امام رضا علیه السلام و آراء روان‌شناسان معاصر
احسان پوراسماعیل، حانیه خوش
- ۹۵ **تسهیل ارتباط میان مردم و حاکمیت و ارائه الگوی مفاهمه و درک متقابل**
با استناد به قرآن و سیره رضوی
احمد عباسی دره‌بیدی
- ۱۳۴ **تحلیل مناظرات رضوی در فرآیند اقناع و تبلیغ معارف دینی (بر اساس الگوی Assure)**
نگار کاظمی اسفه
- ۱۴۵ **ترجمه چکیده‌ها.....**



فصلنامه علمی «امام رضا (علیه السلام) و علوم روز»



بی شک یکی از مهم ترین راهبردهای دینی و نیز رسالت متولیان آن نسبت به تبیین جایگاه دین و کارآمدی آن، شناخت و درک صحیح از مسائل و چالش های جامعه و یافتن پاسخ هایی عالمانه و منطقی مبتنی بر آموزه های مکتب وحی است. در این میان، نقش بی بدیل حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام یادگار رسول رحمت (صلی الله علیه و آله و سلم) در این سرزمین، نسبت به ترویج گفتمان های علمی و معرفتی و جایگاه بی نظیر ایشان در تعالی فرهنگ و تمدن ایرانی-اسلامی بر کسی پوشیده نبوده و نیست.

به یقین نهادینه شدن ولایت مداری حقیقی نسبت به ذوات مقدسه اهل بیت علیهم السلام، بدون تعمق در علوم و معارف والای الهی و آسمانی ایشان و نیز ارائه آن در قالب های علمی و فرهنگی جذاب به مخاطبان تشنه کام جامعه میسر نخواهد شد لذا ریشه بسیاری از چالش های موجود را باید در عدم تبیین و انتشار عالمانه و دلنشین این معارف الهی تلقی نمود که امام رضا علیه السلام در فرمایش «إِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا» به زیبایی نسبت به ضرورت فهم دقیق و بازآفرینی و ارائه متناسب با فهم زمان تاکید فرموده اند. (میزان الحکمه، ج ۸، ح ۱۳۷۹۷).

از سوی دیگر امام علی بن موسی الرضا علیه السلام در فرمایشی گهربار نسبت به ابعاد، آثار و ویژگی های علم و دانش و ضرورت تحصیل و پژوهش آن چنین می فرمایند: «الْعِلْمُ إِمَامُ الْعَمَلِ وَالْعَمَلُ تَابِعُهُ، يُلْهِمُ بِهِ السُّعْدَاءُ؛ عِلْمٌ، جُلُودَارٌ عَمَلٌ وَ عَمَلٌ، پُيُورٌ عِلْمٌ است. نیک بختان، از آن برخوردار و نگون بختان، از آن بی بهره هستند...» (مسند امام رضا علیه السلام، ج ۱، ص ۷)

با نگاهی به موضوعات و مسائل روز جامعه، باور داریم تولید، محدود و منحصر در تولید کالا و ارائه خدمات نیست. نگاه عمیق و راهبردی رهبر انقلاب اسلامی (حفظه الله تعالی) نگاهی کلان و در عین حال عالمانه و مجاهدانه و با رویکرد ضرورت نقش آفرینی همه مجموعه ها و عناصر به ویژه نخبگان و پژوهشگران خلاق و نوآور است. در این زمینه چه پیوندی زیباتر از تولید دانش کاربردی و استخراج راهبردهای علمی و اجرایی مبتنی بر تعالیم اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام برای گذر از چالش ها و مسائل روز جامعه دینی. بر همین اساس به عنوان یک اصل توحیدی و مکتبی تلاش داریم تشنگی علمی و اجرایی خود را در ساحل اقیانوس بی پایان علوم و معارف عالم آل محمد حضرت علی بن موسی الرضا المرتضی (صلوات الله علیهم اجمعین) سیراب نماییم.

محورهای اصلی فصلنامه:

۱. امام رضا علیه السلام، ارتباطات و تبلیغات
 ۲. امام رضا علیه السلام، اقتصاد، اشتغال و تولید
 ۳. امام رضا علیه السلام و علوم حقوقی
 ۴. امام رضا علیه السلام، علوم تربیتی و روان شناسی
 ۵. امام رضا علیه السلام، علوم پزشکی و سلامت
 ۶. امام رضا علیه السلام، علوم سیاسی و تاریخ
 ۷. امام رضا علیه السلام و علوم مدیریت
 ۸. امام رضا علیه السلام، هنر و معماری
- و...
- محور ویژه: تجربه نگاری و الگوسازی اقدامات و برنامه های شاخص و تاثیرگذار اعتبار مقدسه و اماکن متبرکه مذهبی
- (با محوریت اقدامات مدیریتی، اقتصادی، حقوقی، هنر و معماری، تبلیغی، تربیتی، بهداشت و سلامت، بهره وری موقوفات، محرومیت زدایی و...)

راهنمای تدوین مقالات

- مقالات باید علمی، پژوهشی، مستند و دارای نوآوری باشند.
- مقالات ارسالی نباید اینترنتی باشد یا قبلاً در نشریه دیگری چاپ شده و یا برای نشریه دیگری ارسال شده باشد.
- مقاله ارسالی حداقل ۶۰۰۰ کلمه و از ۹۰۰۰ کلمه بیشتر نباشد.
- تیترهای اصلی با شماره‌های ۱، ۲، ۳، زیرمجموعه آنها با ۱-۱، ۲-۱، ...، و ۱-۲، ۲-۲، و... مشخص شود.
- چکیده مقاله که آیینۀ تمام‌نما و فشرده بحث است، حداکثر در ده سطر ضمیمه باشد و واژگان کلیدی مقاله (سه تا هفت واژه) به دنبال هر چکیده بیاید.
- ارجاعات در متن مقاله بین پرانتز به صورت (نام خانوادگی مؤلف، سال انتشار: شماره صفحه یا شماره جلد/صفحه) نوشته شود.
- اگر ارجاع بعدی بلافاصله به همان مأخذ باشد از (همان یا همان: شماره جلد/صفحه) و اگر به مأخذ دیگری از همان نویسنده باشد (همو، سال انتشار: صفحه) استفاده شود.
- منابع لاتین، به صورت لاتین و از سمت چپ در بین پرانتز (صفحه/جلد: سال انتشار، نام

خانوادگی) و در ارجاع بعدی اگر بلافاصله باشد (Ibid.) نوشته شود و همچنین شکل لاتینی نامهای خاص، واژه‌های تخصصی و ترکیبات خارجی در پاورقی درج شود.

- نقل قول های مستقیم به صورت جدا از متن با تورفتگی (یک و نیم سانتی متر) از راست درج شود.

- یادداشت های توضیحی (توضیحاتی که به نظر مؤلف ضروری به نظر می‌رسد) در پاورقی درج شود.

- ارجاع در یادداشت ها به همان ترتیب متن و مشخصات تفصیلی مأخذ در فهرست پایان مقاله بیاید.

- منابع مورد استفاده در متن، در پایان مقاله و بر اساس ترتیب الفبایی نام خانوادگی یا نام مشهور نویسنده (نویسندگان) به شرح زیر آورده شود:

کتاب: نام خانوادگی، نام (نویسنده/ نویسندگان)، نام کتاب، نام مترجم، محقق یا مصحح، نوبت چاپ، محل نشر، نام ناشر، تاریخ انتشار ش. ق. یا م. (به ترتیب برای سالهای شمسی، قمری یا میلادی)

مقاله: نام خانوادگی، نام (نویسنده/ نویسندگان)، «عنوان مقاله داخل گیومه»، نام نشریه، دوره/ سال، شماره جلد، تاریخ انتشار

پایگاههای اینترنتی: نام خانوادگی، نام نویسنده، «عنوان موضوع داخل گیومه»، نام و آدرس پایگاه اینترنتی.

- نام کامل نویسنده، رتبه دانشگاهی یا عنوان علمی و نام مؤسسه متبوع وی به دو زبان فارسی و انگلیسی قید شود و همراه با نشانی پستی، شماره تلفن و نشانی الکترونیکی ارسال گردد. - مجله در ویرایش مقالات آزاد است.

- رعایت دستور خط فارسی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی الزامی است. - ارسال و دریافت مقالات صرفاً از طریق سامانه مجله امام رضا علیه السلام و علوم روز به نشانی <https://ijs.imamreza.ac.ir> انجام می‌گیرد.

- ارتباط با مدیریت مجله از طریق نشانی دفتر مجله (مشهد مقدس، دانشگاه بین المللی امام رضا علیه السلام) یا تلفن ۰۵۱۳۸۰۴۱ داخلی ۳۱۲۰ امکان پذیر است.

بایسته‌های گفتاری-رفتاری پاسخ به شبهات در سیره رضوی

حسن خرقانی^۱

البرز محقق گرفمی^۲

چکیده

پاسخگویی به شبهات، بر پایه‌هایی شناختی استوار است که به شکل‌هایی از قبیل مناظره، جدل، گفتگوی دوسویه، روشمند و یا نگارش نامه، رخ می‌نماید. شناخت روش‌های گفتاری - رفتاری پاسخگویی به شبهات در سیره و تعالیم امام رضا علیه السلام، در فراهم آوردن الگوی مناسب آداب شبهه‌پژوهی بسیار اثربخش است.

بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف تبیین بایسته‌های گفتاری - رفتاری پاسخ به شبهات در سیره رضوی و به روش تحلیل - استنتاجی با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، سامان یافته است. نمونه‌هایی از این بایسته‌ها عبارتند از: توجه به مقدمات و لوازم سخنوری، استحکام برهان و استدلال، شوق‌انگیزی در مخاطب برای حق‌جویی، اطمینان‌بخشی و اقناع مخاطب، محترم شمردن اندیشه‌ورزی و آزادی بیان، دفاع از حقانیت ادیان توحیدی در برابر جبهه کفر، هشدارهای اثربخش و پرهیز از آفات پاسخگویی و مناظره.

واکاوی‌ها حاکی از آن است که امام رضا (ع) با بهره‌گیری از اصول و قواعد اخلاق اسلامی، شناخت دقیق مخاطب و خاستگاه‌های ایجاد شبهه در هنگامه مواجهه با شبهات، پاسخ‌هایی را بیان می‌فرمایند که توجه به آن‌ها، در نظام سازی روش‌های پاسخگویی به شبهات بسیار مفید و کارگشاست.

کلید واژگان: شبهات، آداب پاسخگویی، روش گفتاری-رفتاری، سیره رضوی

۱. دانشیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی (نویسنده مسؤول) h.kharaghani@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی mohaghegh.gr@gmail.com

۱. مقدمه

از آنجا که اختلاف میان مردمان در امور دینی و دنیایی سابقه‌ای به درازنای تاریخ تفکر آدمی دارد، شناخت راه‌های رفع این اختلاف بایسته می‌نماید. یکی از این راه‌ها، سامان دادن گفتگوی منطقی بر اساس مقدمات، ضوابط و روش‌هایی است که سبب اقناع مخاطب می‌شود (طنطاوی، ۱۹۹۷: ۱۵). آداب گفتگوی علمی، مناظره و پاسخگویی به شبهات را به اعتبار دسته‌بندی‌های گوناگون می‌توان به آداب شخصی، علمی، گفتاری، رفتاری و عمومی تقسیم کرد (زمزمی، ۱۴۱۴: ۱۱۳). تواضع، عزتمندی، پایداری بر حق، احترام به طرف دیگر، تسلیم در برابر حق، اخلاص، انصاف و عدالت بخشی از آداب شخصی پاسخگویی به شبهات هستند (خصاونه، بی‌تا: ۲۰۰-۲۰۸؛ ابن حمید، ۱۴۱۵: ۳۲ و ۳۶؛ کامل، بی‌تا: ۶). دانش کافی، آغاز کردن از مبانی و نقاط مشترک، استدلال‌گرایی، بیان آشکار و منطقی نیز نمونه‌هایی از شرایط علمی مناظره دوسویه است (ابن حمید، ۱۴۱۵: ۱۴؛ کامل، بی‌تا: ۶ و ۱۹؛ خصاونه، بی‌تا: ۲۲۲-۲۴۰). برخی از آداب گفتاری نیز عبارتند از: گزیده‌گویی، بر ساختن عبارت‌های متناسب، استفاده از تلمیح به جای صراحت و گفتار سامان‌یافته (شهود، بی‌تا: ۱۱۶؛ کامل، بی‌تا: ۱۱-۱۳؛ خصاونه، بی‌تا: ۲۰۹-۲۱۱). آداب و قواعد رفتاری و گفتاری پاسخگویی به شبهات در کنار به کار بردن اسلوب‌های استوار علمی را می‌توان دو گام در ساختن دستگاه پاسخگویی به شبهات نامید. پیمودن گام اول از دو طریق ممکن است: ۱- استفاده از دانش‌های اخلاق و روان‌شناسی ۲- روش‌شناسی برخی مناظرات به عنوان نمونه. از آنجا که پژوهش‌های یادشده در پیشینه به روش‌شناسی یا الگوسازی برای پاسخگویی به شبهات توجه کافی نداشته‌اند، یافتن اسلوب رفتاری - گفتاری پاسخگویی به شبهات، بسیار بایسته می‌نماید.

از دیگر سو، اهل بیت پیامبر رحمت(ص) افزون بر بهره از برترین اخلاق، آگاه‌ترین افراد به روش‌های مناظره و پاسخگویی به شبهات و دفاع از کیان عقاید اسلامی هستند. از این‌رو، توجه در سیره آن‌ها با رویکرد روش‌شناسانه، الگویی مناسب برای ساختن الگوریتم رفتاری و اخلاقی پاسخگویی به شبهات فراهم خواهد آورد. در میان مناظرات امامان (ع)، گونه‌های مختلف شبهات و مناظرات عصر امام رضا (ع)، در کنار وجود کانون‌های گوناگون شبهه‌گر نمونه‌ای مناسب برای بازپژوهی شمرده می‌شود. پژوهش حاضر که در رده ارتباطات و تبلیغ دینی قرار می‌گیرد، از یک‌سو با مسائل نوین علم کلام پیوند دارد و از سوی دیگر با اخلاق عملی اسلامی. به دیگر سخن، این نوشتار با پی‌جویی سنت و سیره رضوی، درصدد یافتن الگوی مناسب رفتاری - گفتاری مواجهه با شبهه‌گران است که از این نظر، محتوایی نظری برای اخلاق کاربردی و روش‌های تبلیغ دینی فراهم می‌آورد.



۲. پیشینه بحث

اصول، قواعد و آداب گفتگوی دانش‌بنیان، همواره مورد توجه دانشوران علوم گوناگون، به‌ویژه علم اخلاق و رفتارشناسی، بوده است. این موضوع در کتاب‌های دانش‌های منطقی و کلام نیز با بیان روش گزاره (پیام)‌شناسی و روش کلی رویارویی با پیام‌ها، پی گرفته شده است، اما در این کتاب‌ها نه تعریفی جامع از شبهه ارائه شده و نه از اسلوب پاسخگویی به شبهات سخنی رفته است.

نوشته‌های فراوانی درباره آداب اخلاقی و رفتاری مناظره و جدل سامان یافته است. برخی از نوشته‌ها مانند «ادب الحوار فی الاسلام» نوشته محمد سید طنطاوی و «الحوار فی القرآن الکریم» محمد حسین فضل‌الله، بخش‌هایی را به انواع گفتگوهای مبتنی بر پرسشگری در قرآن و سنت نبوی اختصاص داده‌اند که جنبه تفسیری آنها پررنگ است. برخی دیگر، مانند «اصول الحوار و آدابه فی الاسلام» به کوشش صالح بن عبدالله بن حمید، «الحوار، آداب و أخلاق و ثقافة أمه» نوشته محمد فنخور عبدلی و جزوه عمر عبدالله کامل با نام «آداب الحوار و قواعد الاختلاف» به دسته‌بندی آداب گفتگو و بیان بایسته‌های اخلاقی دوسوی مناظره پرداخته‌اند. کتاب «الحوار، آدابه و ضوابطه فی ضوء الكتاب و السنه» به قلم یحیی زمزمی، یکی از بهترین پژوهش‌ها در دسته‌بندی آداب و روش‌های انواع گفتگوست.

با این‌همه، آداب و اسلوب رفتاری در پاسخگویی به شبهات کمتر مورد توجه دانشوران قرار گرفته است. همسان‌انگاری میان مناظره و شبهه‌پژوهی، یکی از دلایل احتمالی نبود نوشتارهای مستقل در این زمینه است. کتاب‌هایی چون «روش‌شناسی علم کلام، اصول استنباط و دفاع در عقاید» به کوشش رضا برنجکار و «روش‌شناسی پاسخگویی به پرسش‌های اعتقادی» به قلم محسن عباسی، بخش‌هایی از پژوهش خود را به بیان برخی آداب پاسخ به شبهات اختصاص داده‌اند. مقاله محی‌الدین عطیه در مجله الحوار و نیز مقاله «ادب الحوار و شرائط الجدل» از یوسف قرضاوی در شماره ۱۶۰ ماهنامه العالمیه، در همین راستا قابل ارزیابی است.

پژوهش حاضر با محور قرار دادن سیره و احادیث رضوی، در پی بازیابی الگوی رفتاری - گفتاری حاکم بر فرایند پاسخگویی به شبهات توسط وجود مقدس عالم آل محمد حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام است. برای این منظور، روایات منقول از حضرت در جوامع حدیثی به دقت تحلیل شده است. پس از کشف الگوی رفتاری - گفتاری حضرت در هر یک از نمونه‌های بررسی شده از موارد پیش گفته، دسته‌بندی منطقی آن‌ها در پانزده رده سامان یافت و عنوان متناسب با هر الگو تعیین شد. همچنین توضیحات عمومی لازم درباره هر یک از آنها تبیین شده و نمونه‌های متناسب، ذیل هر عنوان قرار گرفتند.

۳. مفهوم شناسی

از آنجاکه این پژوهش در پی یافتن اسلوب‌های اخلاقی و رفتاری امام هشتم (ع) در پاسخگویی به شبهات است؛ شناخت دو مفهوم شبهه و الگوی رفتاری - گفتاری پاسخگویی، ضروری است. در ادامه، تبیین این دو مفهوم پی گرفته خواهد شد.

۳-۱. شبهه

شُبّه بر وزن فُعْله، برآمده از ماده «ش ب ه» به معانی اختلاط، التباس، ابهام، آمیخته‌شدن حق با باطل، مانده حق (به‌مانند حق) و چیزی که درست آن از نادرست آن شناخته نمی‌شود، آمده است (فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹: ۴۰۴/۳؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲۴۳/۳؛ صبحی صالح، ۱۳۸۶: ۸۱). این کلمات نشانگر همسانی دو پدیده در ویژگی‌ها، چستی و چگونگی است (راغب، ۱۴۱۲: ۴۴۳). پس، هر گاه پدیده‌ای بیهوده و باطل، خود را به شکل پدیده حقیقی و استوار در آورد، مورد پذیرش گسترده قرار می‌گیرد. از همین رو، به آن پدیده نادرست شبهه می‌گویند.

۳-۲. شبهه در اصطلاح علم کلام

هر دستگاه صحیح فکری، متشکل از دسته‌ای از گزاره‌ها و روند استدلال است. برای نمونه، برهان، قیاسی منطقی است که از مقدمات یقینی تشکیل شده و غرض از آن اثبات حق است.

استدلال منطقی + دسته‌ای از گزاره‌های صحیح = دستگاه فکری صحیح

دستگاه شبهه‌سازی فاقد حداقل یکی از این مؤلفه‌های دانش‌محور است. شبهه بر نوعی استدلال یا برهان نیمه‌تمام استوار است که فاقد مؤلفه‌های پیش‌گفته است. ارکان شبهه عبارتند از: الف) حقیقت؛ ب) مشابه حقیقت؛ ج) وجه مشابهت؛ د) میزانی از مشابهت به حقیقت که سبب التباس و خطا می‌شود.

بر این اساس، هر انگاره استدلال‌گونه‌ای که یکی از باورهای اعتقادی، عملی و آموزه‌های دینی را به چالش می‌کشد یا سبب کج‌تابی در شناخت درست آن‌ها می‌شود، شبهه نام دارد. این انگاره (گزاره) استدلالی کاملاً منطقی نیست، بلکه شبه‌استدلالی است که منطقی می‌نماید و به شکل پیامی از طریق گفتار، نوشتار، تصویر و رفتار قابل انتقال است. این پیام (دستگاه ارتباطی) با نمودار کردن بخشی از حقیقت و آمیختن آن به استدلال‌های نادرست، درصدد ایجاد چالش و خطا در منظومه معرفتی انسان است.



۳-۳. الگوی رفتاری - گفتاری پاسخ به شبهات

الگوی رفتاری - گفتاری پاسخگویی به شبهات، مجموعه‌ای از رفتارها و گفتارهاست که بر اساس آگاهی از روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، شناخت روحيات مخاطب و شنونده بیرونی، جریان‌های سیاسی و... با استفاده از منابع دینی به شکل روشی اخلاقی و کنش‌های عملی، جلوه‌گر می‌شود. این روش‌ها به شکل مستقیم با متن شبهه و پرسش پیوند نمی‌خورد، ولی به گونه‌ای غیرمستقیم بر حل شبهه، اقناع مخاطب و شنونده کارگر خواهد بود. شمار فراوانی از آیات قرآن کریم دربردارنده احتجاج و کلام همراه برهان در موضوعاتی چون توحید، عدل، نبوت و معاد در مقابل ناباوران و شبهه‌گران است. اشاره قرآن کریم به بایستگی و نیاز به جدال احسن (نحل: ۱۲۵)، نشانه‌ای بر تشویق برای یافتن اسلوب و الگوی متناسب علمی، گفتاری و رفتاری در پاسخگویی به شبهات و گره‌های ذهنی و عملی است؛ الگویی که برای نمایاندن حق و دفاع از باورهای دینی بسیار ضروری می‌نماید.

۴. جریان‌شناسی شبهه‌گران و گونه‌شناسی شبهات در عصر رضوی

توسعه علوم مسلمین در عصر صادقین علیهما السلام و گسترش قلمرو سرزمین اسلامی در سال‌های بعد، سبب آشنایی مسمنان با مکاتب فکری یونان، هند، ماوراءالنهر و ایران باستان شد. در عصر ولایتعهدی ظاهری امام رضا (ع) نیز در منطقه خراسان، پیروان مسیحیت، یهودیت، زرتشت و صابئان در کنار بدنه اصلی امت که پیرو مکتب خلفا بودند، زندگی می‌کردند (علوی، ۱۳۷۹: ۱۸-۳۰). فطحیه، واقفیه، زیدیه، اسماعیلیه و نیز گالیان مهم‌ترین گروه‌های منتسب به شیعه بودند که سبب پیدایش شبهات فراوان درون مذهبی در زمانه امام هشتم علیه السلام گردیده بودند. برای نمونه، واقفیه با انگیزه‌های مالی و سیاسی، امتداد امامت پس از امام هفتم (ع) را منکر شده و زمینه‌ساز پیدایش شبهات فراوانی پیرامون ویژگی‌های امام، مهدویت و پایان امامت شده بودند (شهرستانی، ۱۴۰۴: ۱۶۸/۱).

شبهه‌گران عصر رضوی را در سه رده کافران ملحد، اهل کتاب و مسلمین می‌توان تقسیم کرد. باورمندان به اصالت ماده و طبیعت، مشرکان عرب و معتقدان به تناسخ، باورمندان به قدرتمندی شر و دوگانه‌گرایان، گونه‌هایی از کافران این دوره بودند. اهل کتاب نیز خود به چهار گروه مسیحیان، یهودیان، زرتشتیان و صابئان تقسیم می‌شدند. مسلمانان شبهه‌گر نیز سه دسته شیعی مذهب، عامه و خوارج را شامل می‌شدند. عامه خود در گروه‌هایی چون معتقدان به جبر الهی، باورمندان به تفویض و مجسمه قابل ارزیابی بودند. شیعیان نیز به گروه‌هایی چون واقفیه، گالیان و باورمندان به تأثیر نجوم رده‌بندی می‌شدند (واسعی، ۱۳۸۸).

۱۳۳). در این میان نیز افرادی مانند حسین بن خالد، تنها حامل شبهه بوده (طبرسی، ۱۴۰۳: ۴۱۶/۲) و در برساختن و باور به شبهه، هیچ نقشی نداشتند. از این رو، بهتر است این افراد را «کانون‌های متأثر از شبهه» بنامیم.

موضوعاتی مانند آموزه‌های حوزه توحید و نبوت مانند کیفیت صفات الهی، خلقت اولیه، هدف از ارسال پیامبران، چگونگی عصمت و برهان برای شفاعت آن‌ها، دلایل اثبات نبوت، اعجاز قرآن، ظواهر و بطون قرآن و توسل به پیامبران را در میان شبهات این دوره می‌توان برشمرد (طبرسی، ۱۴۰۳: ۳۹۶/۲؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۳۱۵/۱؛ احمدی میانجی، ۱۴۲۶: ۲۱/۵-۳۲). همچنین، مواردی پیرامون چیستی امامت، نیاز به امام و لزوم آن، فضایل امام علی (ع) و تقدم ایشان بر سایر صحابه، غصب فدک، علم امامان، عصمت ایشان، صفات معصومین (ع)، دلایل اثبات امامت امام هشتم علیه السلام و حکومت ناحق خلفا، برخی از شبهات پیرامون امامت در آن دوران بودند (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲۱۲/۱ و ۲۴۰؛ احمدی میانجی، ۱۴۲۶: ۵/۳۳-۵۷؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ۴۳۲/۲-۴۴۰).

برخی از مهم‌ترین گونه‌های روش‌های شبهه‌گری در عصر رضوی، به شرح زیر است: پرسشگری بیهوده و شبهات ناستوار بر برهان، بهره‌گیری از مغالطه کوچک‌نمایی و تخصیص توسط مأمون در شبهه‌گری به مقام اهل بیت علیهم السلام (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲۴۸/۱)، مغالطه تجسم و انگاره وجود حقیقت خارجی برای امور انتزاعی، سودجستن از مغالطه اکثریت در اثبات حقانیت مکتب خلفا توسط یحیی بن ضحاک (همان: ۲۳۲/۲)، استفاده از مغالطه کُنه و وجه توسط مأمون در مقایسه رفتار هر معترض سیاسی با زیدبن موسی (ع)، دستاویز قراردادن دور در شبهه زندیقی درباره آفریده نخستین، به‌کاربردن دروغ در شبهه انتساب اندیشه غلو به همه شیعیان و کاربست مغالطه نیافتن دلیلی معتبر در شبهه اثبات وجود خداوند متعال.

۵. روش‌های رفتاری - گفتاری امام رضا (ع) در پاسخ به شبهات

بنا بر گزارش ابراهیم بن عباس، رعایت آداب مناظره و دانش فراوان امام هشتم (ع) برای همه دانشوران روزگار حضرت آشکار بود (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱۸۰/۲). از آنجاکه این نوشتار در پی یافتن اسلوب رفتاری - گفتاری مناسب پاسخگویی به شبهات بر مبنای سیره رضوی است، تمامی روش‌ها و نمونه‌های پیش رو با استفاده از مطالعه در احادیث امام، گزارش‌های تاریخی مربوط به زمانه و نیز نگاشته‌های آن حضرت، سامان یافته است. برخی از این روش‌ها به شرح زیر هستند:

۵-۱. احترام به مخاطب و اهانت نکردن به مقدسات او

هرچند پاسخگویی به شبهات با رویارویی نقادانه همراه است و انکار نظریات رقیب را در پی دارد، لکن حفظ فضای محترمانه در شمار حقوق شبهه گر قرار می گیرد. این رفتار، شخصیت شبهه گر را در نظر دیگران نمی کاهد و سبب تشویق او به پذیرش حقیقت خواهد شد. گفتمان آمیخته با احترام و پاسداشت مخاطب، یکی از روش های برقراری ارتباط عاطفی و روانی با او در جهت تفهیم بهتر مبانی علمی است که قرآن کریم نیز به آن توجه داده است (حجرات: ۱۱). قرآن کریم یکی از محرک های انگیزشی لجاجت را، اهانت به مقدسات مخاطب می داند (انعام: ۱۰۸)؛ چرا که در محیط آمیخته به ناسزاگویی، استدلال های علمی و منطقی تأثیر گذار نخواهند بود. توصیه حضرت علی (ع) به پرهیز از کلام ناروا و آمیخته با توهین در بحبوحه جنگ با شامیان (صبحی، ۱۳۸۶: ۳۲۳)، نشان از اخلاق مداری پیروان راستین اسلام در سخت ترین شرایط دارد. شیخ اجل نیز در این باره می نویسد: «سنت جاهلان است که چون به دلیل از خصم فرو مانند، سلسله خصومت بجنبانند» (سعدی، ۱۳۷۲: ۱۶۶). قرآن کریم، فرعون را یکی از افرادی می داند که پس از درمانده شدن در برابر پاسخ های استوار حضرت موسی (ع) بر شبهه وجود پروردگار هستی، به توهین و تهدید روی آورد (شعراء: ۲۹) لذا زوده بودن کلام از طعنه، درشت گویی، تجریح، تمسخر و گونه های کوچک نمایی شبهه گر، از ویژگی های پاسخ مناسب است (ابن حمید، ۱۴۱۵: ۲۵).

امامان شیعه (ع)، مبانی فکری و آموزه های خویش را بر آزادی عقاید، احترام به صاحبان آنها، ترک دشمنی و تحمیل نکردن عقیده استوار کرده بودند (آقائوری، ۱۳۸۷: ۲۵۶) و در سفارش های فراوانی، پاس نداشتن حریم مخاطب و فرو کاستن منزلت او را ناروا شمرده اند (رک: مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۳/۷۲). آنان همچنین، به وابستگی های مذهبی - عاطفی مخاطبان توجه ویژه ای داشتند و در گفتگوهای خود با پیروان مذاهب، سبب تحریک احساسات مذهبی و فرقه ای نمی شدند. گزارش های فراوانی از سفارش امامان علیهم السلام به سنجیده گویی درباره اصحاب پیامبر رحمت (ص) وجود دارد (بروجردی، ۱۳۸۶: ۳۹۶/۱۸-۴۰۲).

امام رضا (ع) نیز به نقل از امام صادق (ع) می فرماید: «خاندان پیامبر همگی بر این باورند که باید درباره اصحاب پیامبر، به بهترین وجه سخن گفت» (رازی، ۱۴۰۸: ۵۰/۱). ایشان بر همین اساس شیعیان مناطقی را که مورد اهانت پیروان عثمان قرار می گرفتند، به بردباری در دولت باطل سفارش می نمودند (کلینی، ۱۴۲۹: ۲۴۷/۸). پاسخگویی مستدل به شبهه گری بی - احترامانه حسین بن قیاما (ابن بایویه، ۱۳۷۸: ۲۰۹/۲)، رعایت منزلت اجتماعی و دینی پیشوای یهودیان و مسیحیان در هنگامه مناظره (همان: ۱۵۸/۱) نمونه هایی از این احترام است.

۵-۲. رعایت آداب سخنوری و حفظ آرامش در سپهر گفتگو

یکی از شالوده‌های اثربخشی در مخاطب، بهره‌وری از سخن نرم، خوب گوش‌دادن و آهنگ گرمابخش در سخنوری است. قرآن کریم، افزون بر راهنمایی به بهترین شیوه گفتاری (اسراء: ۵۳، بقره: ۸۳)، یکی از راه‌های برقراری ارتباط مؤثر با مخاطب را مبتنی بر گفت‌وگو و لحن متناسب و آرام می‌داند. امام باقر (ع) نیز در این باره چنین توصیه می‌فرماید: «تیک گوش‌دادن را فرا بگیر، همان‌گونه که سخن نیک را می‌آموزی؛ و کلام هیچ کس را پیش از پایان آن قطع نکن» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۲۲/۱).

امام رضا (ع) برای رسیدن به درک همدلانه با مخاطب، کلام را به نرمی و توازن بیان فرموده و از سخنان رنج‌آور خودداری می‌کردند. نمونه‌هایی از کاربرست نظام‌پسندیده رفتاری - گفتاری در سیره رضوی، به این قرار هستند: استقبال از مناظره‌گران با عبارت‌های آمیخته با محبت و احترام، استوارسازی سخن بر انگاره‌های معتدل همه‌پذیر، رفتار متواضعانه در مجلس گفتگو، قطع‌نکردن سخن‌گوینده با وجود استدلال نادرست، رعایت آداب نامه‌نگاری در نوشته‌های حاوی شبهه و پذیرش گرم از منصرفان از اندیشه نادرست. نتیجه این رفتار، کاسته‌شدن حرارت و شور شبهه‌گران و تمایل آن‌ها به پذیرش مبانی حق است تا جایی که افرادی مانند فتح بن یزید جرجانی و احمد بن محمد بزنطی، به سبب پاسخ‌های دقیق امام به شبهات، از اندیشه نادرست خود دست شسته و به تشیع گرویدند (حلی، ۱۴۱۱: ۱۹؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۷۱).

ابراهیم بن عباس رفتار امام رضا (ع) را در پاسخگویی، چنین گزارش می‌کند: «من هرگز حضرت ابی‌الحسن الرضا (ع) را ندیدم که در سخنش به کسی ستم کند و بد بگوید و ندیدم سخن کسی را قطع کند، بلکه صبر می‌کرد تا او از سخن گفتن فارغ می‌شد بعد از آن تکلم می‌فرمود» (اربلی، ۱۳۸۱: ۳۱۶/۲). این ادب‌ورزی تا بدانجا بود که امام در مقابل همنشینان هرگز به چیزی تکیه نمی‌زدند (طبرسی، ۱۴۱۷: ۶۳/۲).

پرهیز از اطناب و سخنان دشوارفهم در کنار گزیده‌گویی نیز یکی دیگر از ویژگی‌های گفتاری امام هشتم علیه السلام در پاسخ به شبهات است. برای نمونه، امام (ع)، در پاسخ شبهه ناسازگاری اختیار آدمی با دستور الهی به انجام تکالیف، توجه به عدل الهی را راه‌حل فهم صحیح کیفیت تکالیف دانستند. همچنین، در شبهه ناسازگاری اختیار آدمی با تقدیر الهی، پاسخی جز دعوت به اندیشیدن پیرامون ناتوانی انسان در برابر خالق ارائه نکردند (طبرسی، ۱۴۰۳: ۴۱۴/۲). این گزیده‌گویی در مواردی رخ می‌نمود که شبهه برآمده از تفسیر نادرست، از آموزه‌های بنیادین اسلام می‌بود. در چنین مواردی، توجه‌دادن به نادرستی بنیان‌های عقیده مخاطب، ساختمان شبهه را فرو می‌ریزد و دیگر نیازی به تبیین و تشریح جزئیات و فروع نیست.



همچنین، پرهیز از کار بست واژگان نامتعارف به‌ویژه در مسائل اعتقادی، سبب گسترش فهم آموزه‌ها در لایه‌های شناختی گونه‌های متفاوت مخاطبان می‌شود. بر همین اساس، علی (ع)، پیراستگی سخن از پیچیدگی‌ها را سبب فهم آسان آن برای همه گروه‌های مخاطبان و مایه بلاغت کلام دانسته است (لیثی، ۱۳۷۶: ۵۶ و ۱۲۴). تبیین معانی مجازی و رهنمون شدن به روح معنا در شبهات حوزه صفات الهی (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۷/۳) نمونه‌های دیگر از رعایت آداب سخنوری در سیره رضوی برای پاسخگویی به شبهات است.

۵-۳. استقبال از پرسش و شبهه

بنا بر گزارش علی بن جهم، بردباری امام رضا (ع) در شنیدن و پاسخ به شبهات چنان فراوان بود که تنها در یک نمونه به چهارده شبههٔ پیاپی مأمون پیرامون عصمت پیامبران پاسخ دادند و به ۵۷ فراز از آیات قرآن، شماری از احادیث پیامبر خدا (ص)، گزارش‌های تاریخی و ده‌ها دستگاه استدلال منطقی استناد فرمودند (طبرسی، ۱۴۰۳: ۴۲۶/۲).

به گواهی حاکم نیشابوری، امام (ع) در زمان سکونت در مدینه، ساعاتی از روز را به پاسخگویی سؤال‌ها و شبهات در مسجد نبوی اختصاص می‌داد (نیشابوری، بی تا، ۱۳۱). مناظرهٔ امام رضا (ع) با سلیمان مروزی، متکلم بزرگ خراسانی نیز دربردارندهٔ پرسش‌ها و شبهات فراوان سلیمان از امام و پاسخ‌های متکی بر برهان بود که در ماندگی سلیمان از ادامهٔ مناظره را در پی داشت (طبرسی، ۱۴۰۳: ۴۰۴/۲). از سوی دیگر، گزارش حسن بن محمد نوفلی از مناظرهٔ امام با دانشوران ادیان و مکاتب، دربردارندهٔ استقبال امام هشتم علیه السلام برای مناظره با دانشور و رهبر معنوی زردشتیان آن روزگار است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰/۳۱۰). همچنین، با وجود پرسش‌های فراوان عمران صابی دربارهٔ وجود واحد و بایسته‌های آن، امام (ع) با جملاتی مانند «سَلِّ عَمَّا أَرَدْتَ» و «سَأَلْتَ فَأَفْهَمِ الْجَوَابَ» او را به پرسشگری بیشتر دعوت کردند. همین رفتار سبب علاقه‌مندی وی به امام رضا (ع) و پذیرش اسلام شد تا جایی که وی یکی از پاسخگویان شبهات کلامی پیرامون توحید گشت (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۴۳۹).

استوارسازی پاسخ شبهه بر منابع شناختی مورد قبول شبهه‌گر نیز یکی از روش‌های علمی - اخلاقی پاسخگویی به شبهات است. امام رضا (ع) این روش را به قدری بایسته به کار می‌بردند که سبب تشویق مخاطب در پرسش از نادانسته‌های دیگرش می‌شد. برای نمونه، امام پس از استناد به انجیل در مقابل رهبر کاتولیک‌های آن دوره، وی را در پرسیدن هر پرسشی آزاد گذاشت. ایجاد این فضای باز شناختی، جاثلیق را چنان مشتاق نمود که نادانسته‌های خود دربارهٔ حواریون حضرت عیسی (ع) را از ایشان جويا شد. دعوت‌های سه‌گانهٔ امام هشتم علیه السلام

به پرسشگری مجدد، برای جاثلیق چنان اثربخش بود که وی از ادامه مناظره با امام خودداری کرده و به برتری علمی و اخلاقی امام هشتم علیه السلام گواهی داد (طبرسی، ۱۴۰۳: ۴۱۸/۲). فرمایش «تَسْأَلُنِي أَوْ أَسْأَلُكَ؟» (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱۶۴/۱) به پیشوای یهودیان نیز گواهی بر آمادگی امام هشتم (ع) برای پاسخگویی به هر شبهه‌ای است.

۵-۴. ایجاد اشتیاق در مخاطب و تشویق وی به همراهی

برانگیختن مخاطب برای همراهی کردن در فرازهای مختلف گفتگو و مناظره، یکی از راه‌های زدودن گام‌به‌گام شبهات از صفحه ذهن اوست. این روش را با نام «همراهی سقراطی» نیز می‌شناسند. آغاز کردن کلام از قضایای بدیهی و وجدانی و مبانی مشترک میان دو سوی شبهه، زمینه‌ساز گفتگو و تبیین استوار پاسخ‌های مُجیب خواهد بود.

در سیره رضوی، تمایل مخاطب برای ادامه گفتگو، گواهی بر همدلی و همراهی مخاطب با کلام امام رضا علیه السلام و اشتیاق وی برای یافتن پاسخ است. اشتیاق سلیمان مروزی برای فهم بیشتر درباره مفهوم بدء، نمونه‌ای از کاربست مناسب این روش است (حر عاملی، ۱۳۸۰: ۳۰۶). تشویق مخاطب، افزون بر اینکه تشکر از او در پذیرش حق شمرده می‌شود، زمینه تعامل بیشتر با او را فراهم می‌سازد. برای نمونه، نوفلی جریان‌های پسامناظره امام رضا (ع) با عمران صابی و پیروزمندی برهان امام را چنین گزارش می‌کند که امام به دنبال عمران فرستاد و هدایایی به او بخشید و در مجلسش او را تکریم کرد (ابن بابویه، ۱۳۹۸، ص ۴۴۰) و او را به نمایندگی خود در اخذ وجوهات یکی از مناطق خراسان برگزید. وی نیز با اختیار مذهب تشیع، یکی از مدافعان مسائل کلامی گردید (همو، ۱۳۷۸: ۱۷۹/۱).

۵-۵. پایبندی به هدایت و اقناع مخاطب

نگرش باز به مسائل، تعهد به تأثیرگذاری در مخاطب، آمادگی برای بازگویی مطالب، توجه‌دادن مخاطب به بازاندیشی در دانسته‌های خود (حرّانی، ۱۴۰۴: ۴۲۴) نمونه‌هایی از پایبندی امام (ع) برای فهماندن مطالب به مخاطبان است.

برای نمونه، در مناظره امام با پیشوای مسیحیان، سرعت بخشی به فهم مخاطب با واسطه‌گری در تبیین صحیح مبانی شناختی او، رساندن مخاطب به فهم انتقادی و پیراسته و بهبود خودآگاه نقش آفرینی مخاطب در جریان مناظره، کاملاً آشکار است. همچنین، در مناظره با رأس الجالوت نیز توصیه امام رضا (ع) به وی درباره فهم و اندیشیدن درباره موجود اول، گزارش شده است (طبرسی، ۱۴۰۳: ۴۲۱/۲).

مرحوم صدوق در روایتی، پرسش فقهی ابوهاشم جعفری درباره چگونگی نماز شخص مصلوب را با پاسخی به روش تبیین آشکار مطلب از جانب امام رضا (ع) و دعای ایشان برای فهم پاسخ در اندیشه مخاطب، گزارش می کند (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲۵۶/۱). در پایان این روایت، امام (ع) برای هدایت یابی ابوهاشم دست به دعا برداشتند که نشانگر مسئولیت پذیری ایشان در هدایت مخاطب است.

۵-۶. توجه به آزادی اندیشه و بیان

تبیین معارف دینی نیز در سپهری به دور از تنش های برتری جویانه شکل می گیرد. از این رو، رسانیدن حس آرامش و امنیت به مخاطب در فضای گفتگو بسیار نقش آفرین است. قرآن کریم نیز با توصیه به فراهم آوردن شرایط امن، حس پناه جویی و انتخاب آزاد را در مخاطب پررنگ می سازد (توبه: ۶). یکی از آشکارترین ویژگی های پارادایم فرهنگی عصر رضوی، آزادی اندیشه و بیان است. حضور دانشوران غیرمسلمان و نیز فرقه های مسلمانان مخالف مکتب اهل بیت (ع) بهترین گواه بر وجود آزادی های ظاهری فکری و سیاسی در آن روزگار است.

بنا بر گزارشی نوفلی، امام رضا (ع) پس از مناظره با هربد، رو به حاضران فرمودند: «يَا قَوْمُ إِن كَانَ فِيكُمْ أَحَدٌ يَخَالِفُ الْإِسْلَامَ وَأَرَادَ أَنْ يَسْأَلَ فَلْيَسْأَلْ غَيْرَ مُحْتَشِمٍ» (جزائری، ۱۴۲۷: ۳۷۷/۲). پیام این عبارت به روشنی، آزادی گفتمان و گفتگوی مخالفان اسلام در اظهار عقاید و شبهات خود به اسلام است.

از آنجا که هدف از پاسخگویی، تبیین حقیقت است، بایسته است تا رقیب را در تغییر دادن نظرات برای دستیابی به پاسخ اقناعی، آزاد و در چیدمان مقدمات استدلال خویش و تغییر مواضع مختار گذاشت. دعوت امام رضا علیه السلام به پرسشگری و ایجاد فضای باز سیاسی و علمی به گونه ای بود که باورمندان به الوهیت ستارگان و خدا ناباوران، به سادگی شبهات خود درباره پروردگار و مخالفت با اسلام را، در حضور مقامات سیاسی دوران بیان می کردند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۸/۳). به عبارت دیگر، توجه به جایگاه سیاسی امام به عنوان مقام سیاسی دوم مملکت اسلامی اهمیت این امر را مضاعف می نماید.

۵-۷. استواری دلیل و برهان مداری

استوارسازی پاسخگویی به براهین انکارناپذیر خردورزان، سبب ساده سازی فهم کلام می شود. امام رضا (ع) نیز در پاسخ به شبهات مرتبط با آموزه های بنیادینی چون توحید، چگونگی صفات پروردگار، چیستی، لوازم و بایسته های امامت، عصمت انبیا و معاد، کلام خویش را بر براهین و

پذیرفته‌های بدیهی عقل استوار می‌ساختند. امام رضا (ع) با آموختن بن‌مایه‌ها و قواعد عقلانی به شاگردان خویش، روش‌هایی برای پاسخ به شبهات پی‌ریزی می‌کرد. برای نمونه، برای پاسخ به شبهات حوزه ناهمخوانی اراده و تقدیر الهی با اختیار آدمی، اصل «واسطه بودن مخلوقات در نقش اسباب جریان عالم» را برای پاسخ به همه شبهات این عرصه کافی دانست (مفید، ۱۴۱۳: ۱۹۸). از سوی دیگر، بنیان‌نهادن شبهه تثلیث مسیحیت بر براهین عقلی مانند مخلوق بودن حضرت عیسی (ع)، شباهت او به سایر آدمیان و عبادت‌های ایشان، سبب سکوت جاثلیق از ادامه شبهه‌گری شد (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱۵۹/۱).

روش ورود به پاسخ و خروج از آن، همگی با توجه به مخاطب و گونه شبهه در اسلوب‌هایی روشن قرار می‌گیرند که سبب حفظ صورت منطقی گفتار می‌شود. آغاز سخن از براهین مقدماتی و نتیجه‌گیری در انتهای سخن در همه پاسخ‌های امام رضا (ع) به چشم می‌خورد. برای نمونه، ایشان برای پاسخگویی به شبهه مأمون پیرامون ناسازگاری عصمت آدم (ع) با آیاتی مانند «وَعَصَىٰ آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَىٰ» (طه: ۱۲۱) گام‌های زیر را پیمودند: برشمردن آیات موضوع سکونت آدم در بهشت و چگونگی خوردن از شجره ممنوعه، تفسیر صحیح آیات، تمایز میان تشریع در دنیا با بهشت نخستین آدم و حوا و لزوم عصمت انبیا پس از نبوت. از آنجاکه شبهه مأمون برآمده از فهم نادرست قرآن بود، امام رضا (ع) در پیمایش منطقی خود برای پاسخگویی، همه گام‌ها را بر آیات الهی استوار ساخت (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۸/۱۱).

پاسخ‌های ایشان به گره‌های فکری مأمون، چنان استوار و منطقی بود که وی پس از شنیدن هر یک از پاسخ‌های امام علیه السلام به شبهات قرآنی، عبارت «فَرَجَتْ عَنِّي يَا أَبَا الْحَسَنِ فَرَجَ اللَّهُ عَنْكَ» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۴۱۱/۲) را به زبان می‌آورد. گفتن عباراتی چون «بارک الله فیک»، «جزاک الله عن الأنبياء»، «صدقَت یابن رسول الله»، «لِلَّهِ دَرْكٌ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ» و «لقد شفیت صدري» (همان: ۷۹) از شخصی مانند مأمون، نشانگر استواری سخن، منطقی بودن براهین و آگاهی کامل امام رضا (ع) از قرآن بود که سبب تمجید و تحسین بزرگترین دشمنان نیز می‌شد. ابراهیم بن عباس در گزارشی، تمامی پاسخ‌های امام رضا (ع) به این شبهات را برآمده از قرآن دانسته است (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۱۷/۶).

۵-۸. پرهیز از آفات مناظره به ویژه مجادله و مغالطه

هدف از مناظره مطلوب و پاسخگویی به شبهات، نمایاندن حق و قانع کردن مخاطب است نه به دام انداختن او برای ساکت شدن. مقصود از آفات مناظره، هر عمل یا انگاره غیراخلاقی و غیرعلمی است که مناظره را از مسیر حق‌جویی خارج می‌سازد. رفتارهایی چون حسد، دروغ،

تحریف انگاره‌ها، خودبرتر بینی و انواع مغالطه، نمونه‌هایی از این آفات هستند. با نگاهی به سیره رضوی می‌توان دریافت امام رضا (ع) با رفتار خویش آفات و کج‌تابی‌های دوسوی مناظره و پاسخگویی به شبهات را به حداقل می‌رساندند. پیشگیری از این آسیب‌ها در گرو احراز شرایط پاسخگویی و مناظره و پایبندی به بایسته‌های اخلاقی آن است.

اگرچه یکی از رایج‌ترین شیوه‌های شبهه‌گری و در پاره‌ای موارد پاسخگویی، استفاده از مغالطه کوچک‌نمایی است، لکن امام رضا (ع) برای اثبات نادرستی باورهای مخالفان هرگز این روش را به کار نبستند. نمونه‌های فراوانی از امانتداری در انگاره‌های شبهه‌گر و پرهیز از تحریف آن‌ها را در مناظرات حضرت با دانشمندان سایر ادیان و دقت در نقل گزاره‌های مقبول آن‌ها می‌توان دید (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱۵۴/۱-۱۵۸). کاربست مغالطه کوچک‌نمایی توسط سلیمان مروزی نیز، پاسخی جز استدلال‌های منطقی و رعایت آداب علمی و اخلاقی، در بر نداشت (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۷۸/۴۹).

۹-۵. فروتنی و پرهیز از کبر

تکبر در لغت به معنای خود را بزرگ پنداشتن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۹۷) و در علم اخلاق، برتر دانستن خود از دیگران و تحقیر و خوار دیدن آن‌هاست. یکی از اجزای اصلی شبکه شناختی شبهه‌گران، کبر علمی است. خوی متکبرانه زمینه‌ساز رویگردانی از راه کمال و میل به انحراف فکری و عملی می‌شود (اعراف: ۱۴۶). امام رضا علیه السلام با وجود دارا بودن مقام امامت و برترین دانش‌ها، رفتاری فروتنانه داشتند و به سبب این سیره، سبب زدودن بسیاری شبهات می‌شدند.

برای نمونه، مهرورزی امام به همسفران و خادمان و حضور بر سفره طعام آن‌ها، در کنار استدلال بر یکسان دانستن منشأ خلقت همه آدمیان، سبب زدودن شبهه رفتاری یکی از همراهان حضرت درباره برتری ظاهری افراد گردید (کلینی، ۱۴۲۹: ۲۳/۴). همچنین، گزارش رفتار و گفتار نیکوی امام هشتم توسط معروف کرخی برای پدرش، سبب زدودن شبهات وی پیرامون پذیرش اسلام با وجود آیین مسیحیت، گردید (مازندرانی، ۱۳۷۹: ۳۶۱/۴). در همین زمینه، حضور امام در مجلس مناظره‌ای که مأمون سامان داده بود، گواهی بر فروتنی حضرت در مقابل دانشوران ادیان و مذاهب بود، زیرا مأمون، امام را میان حضور در قصر سلطنتی یا حضور دانشمندان در محضر امام (ع)، مخیر کرده بود (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰/۴۰۰). امام رضا (ع) شبهه عباسیان درباره برخوردارنبودن امام از شایستگی علمی کافی برای ولایتعهدی را بدون هیچ اشاره‌ای به توانمندی علمی خویش، فروتنانه پاسخ گفت و تنها به یادکرد پروردگار هستی

و ابطال انگاره‌های سنخیت و عینیت میان خالق و مخلوق با براهین استوار پرداخت (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۰۰).

روح حاکم بر مناظره امام و سلیمان مروزی پیرامون شبهات مرتبط با آموزه بَداء و اراده الهی، فروتنی در برابر شبهه‌گری است که او را در مقابل پرسش‌های خویش ناتوان می‌پنداشت (جزایری، ۱۴۲۷: ۲/۳۷۸). فروتنی امام در برابر شبهه رهبر مسیحیان به گونه‌ای سبب ایجاد فضای باز علمی شد که وی در حضور دانشوران مسلمان و عالی‌ترین مقام دستگاه سیاسی اسلام، به شبهه‌گری علیه اسلام و نبوت پیامبر (ص) پرداخت (عروسی، ۱۴۱۵: ۳۱۳/۵).

۵-۱۰. انصاف و عدالت

امام رضا (ع) نه تنها انصاف و عدالت اخلاقی و علمی را یکی از بایسته‌های باورمندی به عقاید می‌دانست، بلکه به رعایت آن در طرح شبهات و پاسخگویی به معارضان توصیه می‌فرمود. ایشان یکی از شالوده‌های انصاف را مناظره بر مبنای نظام معرفتی، کتاب مورد قبول، پیامبر (ص) و شریعت پذیرفته‌شده از سوی دیگر مناظره می‌دانند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸۱/۴۹). سخن گفتن با هر شبهه‌گری بر اساس بایسته‌های زبانی و شناختی متناسب با آن‌ها (همان: ۷۵) نیز نمونه‌ای از کاربست این روش است.

برای نمونه، وقتی رهبر کاتولیک‌های روزگار مأمون، برای اثبات نبوت پیامبر اسلام دو شاهد غیر مسلمان از امام رضا علیه السلام طلب نمود، امام با فرمودن عبارت «الآن جئت بالنصفه»، روش علمی را منصفانه ارزیابی کرد و با معرفی یوحنا دیلمی و قسطاس رومی به عنوان دو شاهد آگاه بر سخنان حضرت عیسی (ع)، رضایت‌مندی جاثلیق را کسب کرد (حرّ عاملی، ۱۴۲۵: ۱۹۵/۱). امام رضا (ع) در جریان این مناظره با اقرار گرفتن از وی، درباره صحت آموزه‌های اناجیل چهارگانه با گواه گرفتن حاضران در مجلس، به شبهه عدم نیاز به پیامبر اسلام (ص)، با استناد به همان چهار انجیل پاسخ گفت (طبرسی، ۱۴۰۳: ۴۲۱/۲).

۵-۱۱. مدارا و تسامح دینی

هدایت‌گری علمی و رفتاری پیشوایان معصوم شیعه، همواره با بردباری در مقابل سختی‌ها، گزافه‌گویی‌ها و خواسته‌های مردم آمیخته است. پیامبر رحمت (ص) در این باره می‌فرمایند: «وَإِنْ أَزَارَ عَثْرَتِي وَأَطَائِبَ أَرْوَمَتِي أَحْلَمَ النَّاسِ صَغَارًا وَأَعْلَمَ النَّاسِ كِبَارًا أَلَا وَ إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ مِنْ عِلْمِ اللَّهِ عَلِمْنَا وَ بِحُكْمِ اللَّهِ حَكَمْنَا» (مفید، ۱۴۱۳: ۲۴۰/۱). در سیره رضوی نیز، رفق و مدارا یکی از شاخصه‌های رفتاری در مناظرات شمرده می‌شود. سختگیری و نداشتن

تسامح دینی یکی از آسیب‌های درون‌دینی است که ضربه‌های فراوانی به هم‌افزایی مذاهب و گفتگوی میان ادیان وارد کرده است. قرآن نیز با آزاد دانستن باطنی انتخاب دین (بقره: ۲۵۶)، پیامبران را با اوصافی چون بشیر، نذیر و پیام‌رسان معرفی کرده است (یس: ۱۷؛ سبأ: ۲۸). آیاتی چون «لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا» (مائده: ۴۸)، «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ فَلَا يُنَازِعَنَّكَ فِي الْأَمْرِ» (حج: ۶۷)، به رعایت ادب اسلامی در برابر صاحبان ادیان، پرهیز از سختگیری‌های بی‌مورد و انتقاد نابجا از مناسک و آداب ایشان رهنمون هستند. یادکرد این نکته بایسته است که تسامح دینی، هرگز به معنای پذیرش همه مبانی، باورها و آداب ادیان و مذاب گوناگون نیست، بلکه تنها راهی برای گفتمان‌سازی و توجه به نقاط مشترک بوده و نتیجه مبارک آن، علاقه‌مندسازی سایر ادیان به اسلام است.

امام رضا (ع) نیز یکی از ویژگی‌های مؤمنان حقیقی را مدارا کردن با مردم معرفی کرده است (کلینی، ۱۴۲۹: ۳۳۹/۳) و در پاسخ شبهه یکی از شیعیان درباره چرایی رفتار نیک با والدین مخالف مکتب اهل بیت (ع) می‌فرماید: «برای آن‌ها دعا کن و صدقه بده، حتی اگر حقیقت امامت را نپذیرفته باشند و با آن‌ها سازش کن، زیرا پیامبر خدا با رحمت برانگیخته شد نه با نامهربانی» (حرانی، ۱۳۶۶: ۴۲۶). مناظرات و نامه‌نگاری‌های امام رضا (ع) با پیروان سایر ادیان و حتی مخالفان سرسختی چون سلیمان مروزی، آکنده از خیرخواهی بوده و امام (ع) در نقش پیشوای معنوی و تکوینی همه موجودات، با دلسوزی در پی راهنمایی و هدایت گمراهان به سوی حقیقت بوده‌اند (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱/۱۷۹؛ احمدی میانجی، ۱۴۲۶: ۵/۲۷۰).

شیخ صدوق، یکی از اشعار منسوب به امام رضا (ع) را که مفاهیمی مانند فضیلت سازش اسلامی، صلح‌جویی، گذشت و همزیستی مسالمت‌آمیز را در بردارد، چنین گزارش کرده است:

وَذِي غَلَّةٍ سَأَلَتْهُ فَفَقَّرَتْهُ	فَأَوْفَرْتُهُ مَنَى لَعْفٍ وَالْتَجَمَّلَ
وَمَنْ لَا يُدَافِعُ سِيئَاتِ عَدُوِّهِ	يُحَاسِنُهُ لِمَ يَأْخُذُ الطَّوْلَ مِنْ عِلِّ
وَلَمْ أَرْ فِي الْأَشْيَاءِ أَسْرَعَ مَهْلَكًا	لِغَمْرِ قَدِيمٍ مِنْ وَدَادٍ مُعَجَّلٍ

«بسا دشمن پرکینه‌ای که با او سازش کردم و بر وی غالب آمدم. سپس با بخشش ارزشمند، او را تکریم کردم. هر کسی که اعمال ناروای دشمن خود را با نیکی دفع نکند، در بخشش و احسان به روش بزرگواران عمل نکرده است و برای زدودن کینه‌های قدیمی، هیچ چیز را از مهرورزی اثربخش‌تر نیافتم» (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲: ۱۷۵).

یادکرد این نکته شایسته است که در سیره رضوی مواردی را می‌یابیم که حضرت با قاطعیت فراوان و حتی نفرین به برخی جریان‌ها رفتار کرده‌اند. این روش در برخورد با جریان‌های افراطی

مانند غالیان، فرقه‌های منحرف‌کننده از اصول امامت مانند واقفیه و نیز باورمندان به انگاره‌های نادرست دربارهٔ پروردگار مانند مجسمه و مشبّهه، رخ نموده است. امام (ع) در این گونه موارد، سازش‌ناپذیر، دقیق، بدون اغماض و بسیار حسّاس بودند.

۵-۱۲. تعلیق عقاید

گاهی میان باورهای بنیادین شبهه‌گر و پاسخگو هیچ وجه مشترکی وجود ندارد، لذا لازم است تا پاسخگو برای بیان نادرست بودن انگارهٔ شبهه‌گر در گام نخست مناظره، از اثبات عقاید خود و نیز داوری دربارهٔ نادرستی شبهه دست بردارد و در گام پسین با به‌کاربردن قیاس ذوحدین، برهان خلف و تبیین لوازم و بایسته‌های منطق شبهه، ناروا بودن آن را آشکار سازد. این روش که به «پدیدارشناسی اپوخه» نیز مشهور است، به‌معنای تعلیق موقت عقاید فردی و به تعویق انداختن داوری دربارهٔ باورهای سوی مقابل است (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۹: ۲۷۳).

نمونه‌ای از کاربری این روش را در مناظره امام رضا (ع) با خدا ناباور منکر معاد، می‌توان دید. در این مناظره، امام به جای ردّ شبهه او در نبود جهان آخرت، تنها به بایسته‌ها و لوازم باورمندی به معاد و عدم آن اشاره کرد و از داوری ابتدایی دربارهٔ عقیدهٔ شبهه‌گر و نیز اثبات عقیدهٔ خود صرف‌نظر کرد تا با نمایاندن اصل منطقی وجوب دفع خطر محتمل، ناروا بودن معاد ناباوری را به اثبات برساند (کلینی، ۱۴۲۹: ۱/۱۹۴). نامه امام در پاسخ به شبههٔ یزید بن معاویه شامی دربارهٔ ناسازگاری اختیار آدمی با تقدیر الهی، نمونه‌ای دیگر از کاربری این روش است (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱/۱۲۶). ظاهر پاسخ امام دربردارندهٔ دفاع اولیه یا ابطال مستقیم هیچ یک از دو انگارهٔ جبر و اختیار مطلق نیست و تنها بر نادرستی بایسته‌ها و لوازم هر دو باور متکی است تا راه سوم به نام «أمر بین امرین» را پاسخی مناسب برای این گره ذهنی معرفی کند.

۵-۱۳. هشدار دادن به مخاطب در شبهات پیرامون آموزه‌های بنیادین اسلام

بنا بر متون روایی، اندیشیدن و پرسشگری در همهٔ امور رشدآفرین است، اما پرسش و شبهه دربارهٔ جزئیات چیستی پرودگار، نتیجه‌ای جز اضطراب و تشویش عقل و گمراه‌شدن خویش و دیگران در بر ندارد (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۳۸۳/۴). از این‌رو، پرسشگری در این حوزه ممنوع شمرده شده است (حرعاملی، ج ۱۶، ص ۱۹۵).

امام هشتم در پاسخ شبههٔ یکی از حدیث‌پژوهان هم‌عصر خویش به نام ابوقره، پیرامون تکلم مادی پروردگار با حضرت موسی (ع) وی را از بازگویی چنین باورهایی زنهارداد و با فرمودن عبارت «سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا تَقُولُ وَمَعَادَ اللَّهِ أَنْ يُشَبَّهَ خَلْقُهُ أَوْ يَتَكَلَّمَ مَا هُمْ بِهِ مُتَكَلِّمُونَ»



(مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰/۳۴۴)، پاسخگویی خویش را با هشدارِ تکان دهنده آغاز کرد. باید توجه داشت، در فرازهای دیگر همین مناظره، استدلال‌های امام بر براهین عقلی و نقلی استوار بود و تنها به سبب اهمیتِ مباحث خداشناسی، لازم بود تا امام انگاره‌های نادرست این سپهر را با هشدارِ اولیه در هم شکند.

نفرین امام بر باورمندان به راستی انتساب حدیث «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ عَلَى صُورَتِهِ» (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۱۵۳) نیز نمونه‌ای دیگر از این هشدارهاست که انگارهٔ شبهه‌ناکِ تشبیه آدمی به پروردگار را با چالش روبه‌رو می‌کند. در مناظره با یکی از خدا ناباوران نیز امام با عبارت «وَيْلَكَ، إِنَّ الَّذِي ذَهَبَ إِلَيْهِ غَلَطٌ» (کلینی، ۱۴۲۹: ۱/۱۹۴)، لرزشی سهمگین در انگاره‌های ناروای او دربارهٔ پروردگار ایجاد کرد.

یکی از راه‌های هشدار در کلام، سوگند است. سوگند، تأکیدی است که برای نمودار کردن اهمیت مطلب به کار می‌رود (سیوطی، ۱۴۴۰: ۲/۲۵۹). امام هشتم با بهره‌گیری از این راهکار تربیتی، در ابتدای مناظره با جاثلیق، وی را به عیسی (ع) و مادرش سوگند داد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۳۰۶) و از این طریق زمینهٔ آگاهاندن وی دربارهٔ نادرستی شبههٔ الوهیت مسیحی را آماده ساخت تا با استناد به براهین نقلی و عقلی، این شبهه را بزدايد. افزون بر این، کار بست عبارت سوگندی «بِحَقِّ الْإِبْنِ وَ أُمِّهِ»، کنایه‌ای به باور قدیس خدا انکارانهٔ اقاییم سه گانه (پدر، پسر و روح القدس) در سنت مسیحی بود.

هشدار دادن به عمران صابی با عبارت «سَلْ يَا عِمْرَانُ وَ عَلَيْكَ بِالنَّصْفَةِ وَ إِيَّاكَ وَ الْخَطَلَ وَ الْجَوْرَ» (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱/۱۶۸)، برای رعایت عدل و انصاف و پرهیز از گفته‌های ناروا پیرامون پروردگار، نمونه‌ای از قاطعیت امام در پاسخگویی به شبهات مربوط به توحید است.

روشنمندی رفتاری امام رضا (ع) در پاسخ به شبهات یکی از خدا ناباوران، چنان اثربخش بود که سبب مسلمان شدن وی گردید. برخی از آداب و روش‌های ایشان در مقابل زندیقان عبارت است از: هشدار دادن در زمان انگاره‌های ناروا دربارهٔ خدا، نفی انحصارگرایی شناختی، گزیده‌گویی، استحکام سخن (طبرسی، ۱۴۰۳: ۲/۳۹۶).

۵-۱۴. حفظ اصالت ادیان آسمانی و پرهیز از شبهه‌گری درباره آن

امام (ع) به جای شبهه به باورهای نادرست ادیان ابراهیمی، آموزه‌های استوار و درست باورمندان به این ادیان را شرح و تبیین می‌فرمود. توجه به این نکته بسیار مهم است که ادیان آسمانی به واسطهٔ اشتراک در آبخشور معارف و آموزه‌ها، جبههٔ واحدی در برابر خدا ناباوران و مکاتب غیرتوحیدی شمرده می‌شوند. تضعیف آن‌ها در برابر جبههٔ مقابل، اردوگاه همهٔ باورمندان به

توحید را با چالش روبه‌رو می‌سازد. از این‌رو، پاسداران راستینِ حریم اسلام، هیچ‌گاه به شبهه‌گری مغرضانه علیه سایر ادیان اقدام نمی‌کنند، اما با یادآوری و هشدار نسبت به انحراف‌ها، کجروی‌ها، برداشت‌های سلیقه‌ای و تحریف‌ها، در زدودن آن‌ها می‌کوشند.

کاربست جدال احسن در برابر شبهه‌گران منتسب به سایر ادیان آسمانی، تنها در حوزه فروع و آموزه‌های جنبی و انحرافات در آن‌هاست نه ایجاد تشکیک در اصالت این ادیان. امام رضا (ع) نیز با کاربری این روش، هرگز در بنیان‌های وجودی این ادیان، شبهه‌انگیزی نکردند بلکه با توجه دادن شبهه‌گران به بایسته‌ها و لوازم فاسد انگاره‌های خود در عقاید و احکام فرعی، به آن‌ها هشدار می‌داد.

مناظره امام رضا (ع) با رهبر دینی زردشتیان زمانه خود، گواهی بر حفظ اصالت همه ادیان الهی در مقابل شبهه‌گران است. در این گفتگو، هربد بزرگ، دلیل باورمندی خود به نبوت زردشت را گزارش‌های تاریخی بر وجود او و احکام متفاوت کیش زردشتی نسبت به سایر ادیان می‌دانست. امام (ع) در مقام دفاع از ستیر ادیان الهی، همین دلایل را برای حقانیت این ادیان نیز کافی دانست و از این طریق، به شبهه عدم نیاز به شرایع موسوی، عیسوی و پیامبر خاتم پاسخ گفت (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۴۳۰).

علاوه بر موارد مذکور، نمونه‌های دیگری از آداب و اخلاق پاسخگویی به شبهات را در سیره رضوی می‌توان یافت که کاربری آن‌ها در شبهه‌پژوهی، به آماده کردن پاسخی اثربخش خواهد انجامید. نمونه‌هایی از این روش‌ها عبارتند از: رعایت تناوب و ترتیب در نتیجه‌گیری و پاسخگویی، پرهیز از طولانی کردن پاسخ، کاربری الفاظ محترمانه برای مخاطب قراردادن شبهه‌گر و مهرورزی به خودی‌های دچار شبهه.

افزون بر این روش‌های اخلاقی و علمی، امام از روش‌های دیگری نیز برای بیدار کردن فطرت حق‌جوی آدمی بهره می‌گرفت. پاسخ به سؤال‌های ذهنی طرح نشده، آگاهاندن از امور مخفی بر همگان، دعا برای زدوده شدن انحراف‌های فکری و اخبار از ضمیر افراد، همگی نمونه‌هایی هستند که امام هشتم با کاربری آن‌ها سبب زدودن شبهات شناختی و عملی افراد می‌شد (حسینی قزوینی، ۱۳۷۸: ۲۷۸/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۷۱/۴۹؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۷۱).

امامان معصوم (ع) نه تنها در زمان حیات ظاهری شبهات فکری و عملی جویندگان حقیقت را می‌زدودند، بلکه پس از حیات مادی نیز سبب هدایت آن‌ها می‌شدند. برای نمونه، گزارش شیخ صدوق از هدایت یافتن یکی از تردیدکنندگان در امامت امام رضا (ع)، به نام محمدبن عمر نوقانی، نمونه‌ای از این راهگشایی‌هاست. در این گزارش، وی با دیدن نوری در اطراف محل دفن امام هشتم (ع) و گشوده شدن درهای بسته حرم رضوی، از شبهه‌گری درباره امامت امام رضا (ع)

دست برداشت و به همراه مادرش مذهب تشیع را برگزید (حر عاملی، ۱۴۲۵: ۳۴۵/۴).

نتایج:

۱. اصول، قواعد و آداب گفتگوی دانش بنیان، همواره مورد توجه دانشوران علوم گوناگون به ویژه علم اخلاق و رفتارشناسی بوده است. روش شناسی رفتار و گفتار امام رضا (ع) که بر نظام اخلاق اسلامی استوار است، الگویی مناسب برای پاسخگویی به شبهات در همه زمان هاست. بازیابی نظام مذکور در گرو تحلیل احادیث و سیره پژوهی رضوی و آگاهی از بایسته های دانش کلام اسلامی است.

۲. رعایت آداب مناظره و دانش فراوان امام هشتم (ع)، برای همه دانشوران روزگار حضرت آشکار بود. احترام به مخاطب و عدم اهانت به مقدسات او در سیره رضوی جایگاه مهمی دارد. امام رضا (ع) برای رسیدن به درک همدلانه با مخاطب، کلام را به نرمی و توازن بیان کرده و از سخنان رنج آور خودداری و از مناظره گران با عبارت های آمیخته با محبت و احترام استقبال می کردند. رفتار متواضعانه در مجلس گفتگو، قطع نکردن سخن گوینده با وجود استدلال نادرست، از دیگر آداب پاسخگویی امام (ع) به شبهات است.

۳. امام هشتم (ع) با بردباری از پرسش و شبهه استقبال و در مخاطب برای ادامه گفتگو و یافتن پاسخ، اشتیاق ایجاد می کردند و به هدایت و اقناع مخاطب پایبند بودند.

۴. از سیره رضوی، توجه به آزادی اندیشه و بیان است. دعوت امام هشتم (ع) به پرسشگری و ایجاد فضای باز سیاسی و علمی به گونه ای بود که خدا ناباوران به سادگی شبهات خود درباره پروردگار و مخالفت با اسلام را در حضور مقام های سیاسی دوران بیان می کردند.

۵. امام رضا (ع) انصاف و عدالت اخلاقی و علمی را یکی از بایسته های باورمندی به عقاید می دانست و به رعایت آن در طرح شبهات و پاسخگویی به معارضان توصیه می فرمود. همچنین، فروتن بود و از غرور علمی پرهیز داشت.

۶. هدایتگری علمی و رفتاری امام، با بردباری، مدارا و تسامح دینی همراه بود. در عین حال، نسبت به انحراف از حق و نسبت های ناروا به خداوند متعال دادن، به مخاطب هشدار می دادند.

۷. حفظ اصالت ادیان آسمانی و پرهیز از شبهه گری درباره آن از دیگر بایسته های گفتاری - رفتاری پاسخ به شبهات در سیره رضوی است.

۸. امام رضا (ع) نیز در پاسخ به شبهات مرتبط با آموزه های بنیادینی چون توحید، چگونگی صفات پروردگار، چیستی، لوازم و بایسته های امامت، عصمت انبیا و معاد، کلام خویش را بر براهین و پذیرفته های بدیهی عقل استوار می ساختند و با آموختن بن مایه ها و قواعد عقلانی،

روش‌هایی برای پاسخ به شبهات پی‌ریزی کردند.
۹. با نگاهی به سیره رضوی می‌توان دریافت، امام رضا (ع) از آفات مناظره و هر عمل یا انگاره غیراخلاقی و غیرعلمی که مناظره را از مسیر حق‌جویی خارج می‌سازد - همچون خودبرتربینی، تحریف انگاره‌ها، و انواع مغالطات - پرهیز داشتند.

منابع

۱. قرآن مجید، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، التوحید، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ق.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران، اول، نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
۴. ابن حمید، صالح، اصول الحوار و آدابه فی الاسلام، مکه، دارالمنازه، ۱۴۱۵ق.
۵. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الأعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۶. احمدی میانجی، علی، مکاتیب الاثمه، قم، دارالحديث، ۱۴۲۶ق.
۷. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی المعرفه الاثمه، بنی هاشمی، تبریز، ۱۳۸۱ق.
۸. آقا نوری، علی، امامان شیعه و وحدت اسلامی، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۷ش.
۹. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، موسسه بعثت، ۱۳۷۴ش.
۱۰. بروجرودی، آقا حسین، جامع احادیث الشیعه، تهران، فرهنگ سبز، ۱۳۸۶ش.
۱۱. جزائری، نعمت الله، ریاض الابرار فی مناقب الاثمه الاطهار، بیروت، موسسه التاريخ العربی، ۱۴۲۷ق.
۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیه، تهران، دهقان، سوم، ۱۳۸۰ش.
۱۳. حرّانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول، تهران، اسلامیة، ۱۳۶۶ش.
۱۴. حرعاملی، محمد بن حسن، اثبات الهداه بالنصوص و المعجزات، بیروت، اعلمی، ۱۴۲۵ق.
۱۵. حرعاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیه، تهران، دهقان، ۱۳۸۰ش.
۱۶. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، آل البيت، ۱۴۰۹ق.
۱۷. حسینی قزوینی، محمد، موسوعه الامام الرضا(ع)، قم، موسسه ولی عصر(عج)، ۱۳۸۷ش.
۱۸. حلّی، حسن بن یوسف، رجال العلامه الحلّی، نجف اشرف، دار الذخائر، ۱۴۱۱ق.
۱۹. خصاونه، رنده فؤاد، قواعد الحوار مع الآخر فی القرآن الکریم، مجله الجامعه الاسلامیه، شماره ۱۷۲، ص ۱۹۰-۲۲۱.
۲۰. رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۴۰۸ق.
۲۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الالفاظ القرآن، بیروت، دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
۲۲. زمزمی، یحیی، الحوار آدابه و ضوابطه فی ضوء الکتاب و السنه، مکه، دارالتربیه و التراث، ۱۴۱۴ق.
۲۳. سعدی، مصلح الدین، گلستان سعدی، غلامحسین یوسفی، تهران، خوارزمی، ۱۳۷۲ش.
۲۴. سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، قم، ذوی القربی، ۱۴۴۰ق.

۲۵. شهرستانی، عبدالکریم، الملل و النحل، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۴ق.
۲۶. شهود، علی بن نایف، الخلاصه فی اصول الحوار و ادب الاختلاف، ریاض، بیجا، بی تا.
۲۷. صالح، صبحی، نهج البلاغه، تهران، راه علم، ۱۳۸۶ش.
۲۸. طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، قم، آل البيت، ۱۴۱۷ق.
۲۹. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۳۰. طنطاوی، محمد سید، ادب الحوار فی الاسلام، قاهره، نهضة مصر، ۱۹۹۷م.
۳۱. طوسی، محمد بن حسن، الغیبه، دارالمعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ق.
۳۲. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
۳۳. علوی، سهراب، امام رضا (ع) در رزمگاه ادیان، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۷۹ش.
۳۴. فرامرزی قراملکی، احد، اخلاق کاربردی در ایران و اسلام، تهران، پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، ۱۳۸۹ش.
۳۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، هجرت، ۱۴۰۹ق.
۳۶. فیض کاشانی، محمد بن حسن، الوافی، اصفهان، کتابخانه امام امیر المؤمنین، ۱۴۰۶ق.
۳۷. کامل، عمر بن عبدالله، آداب الحوار و قواعد الاختلاف، مدینه، بیجا، بیتا.
۳۸. لیثی واسطی، علی، عیون الحکم و المواعظ، دارالحديث، قم، ۱۳۷۶ش.
۳۹. مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، قم، علامه، ۱۳۷۹ق.
۴۰. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، بیروت، دوم، ۱۴۰۳ق.
۴۱. مفید، محمد بن محمد، الاختصاص، قم، المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید، ۱۴۱۳ق.
۴۲. مفید، محمد بن محمد، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۴۳. نیشابوری، محمد بن عبدالله، تاریخ نیشابور، تهران، ابن سینا، بیتا.
۴۴. واسعی، سید علیرضا، درآمدی بر روش های تبلیغی ائمه، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶ش.

تبیین شبکه مفهومی ارتباط؛ الگوی مبتنی بر مناظرات امام رضا (علیه السلام)

بهزاد حسن نژاد کاشانی^۱

مهسا پایسته^۲

چکیده

هدف این مقاله شناخت ویژگی‌های ارتباطی امام رضا علیه السلام در مواجهه با مخاطبین خود و تبیین روش‌های ارتباطی در انجام مناظرات برای تبیین و تبلیغ دین اسلام، رفع اختلافات و عقاید مختلف زمان خود می‌باشد. بدین منظور از روش مثلث ارتباطی (مدل ارتباطی هایدر) استفاده شد. طبق این مدل بهترین حالت یک ارتباط زمانی است که بین اضلاع سه گانه مثلث ارتباطی یعنی پیام فرست، پیام و مخاطب، رابطه مثبتی برقرار باشد. پژوهش حاضر بر اساس روش کیفی و مبتنی بر سوال اصلی و موضوع تحقیق با استفاده از روش کتابخانه‌ای انجام شده است.

نتایج نشان داد که امام رضا علیه السلام با وجود اثبات حقانیت و ابطال ادعاهای طرف مناظره، از برخورد غیراخلاقی دوری فرموده و در کمال صراحت، دقت، ادب و احترام و با بهره‌گیری از ویژگی‌های ارتباطی موثر و تاثیرگذار توانستند، در مواجهه با نمایندگان ادیان و مذاهب گوناگون که مأمون آنها را با اهدافی شوم برای انجام مناظرات دعوت کرده بود به عرصه‌ای برای دفاع از مرزهای اعتقادی اسلام، امامت و عقاید به حق شیعه، به ویژه اثبات صلاحیت و حقانیت امام برای امامت و خلافت تبدیل نمایند. روش‌مندی مناظرات امام رضا علیه السلام، برخورداری از ویژگی‌های فردی و اجتماعی مطلوب، توجه به مهارت‌های بین فردی، روش‌های مناظراتی و نیز مخاطب‌شناسی در برقراری ارتباط از جمله یافته‌های این نتایج بود.

کلمات کلیدی: امام رضا علیه السلام، ارتباط، مناظره، مخاطب، پیام فرست، پیام



۱. دکترای مدیریت رسانه، دانشگاه بین المللی امام رضا علیه السلام، مشهد مقدس (نویسنده مسئول) bhkashani@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد ارتباطات گرایش حج و زیارت، دانشگاه بین المللی امام رضا علیه السلام mahsapayeste66@gmail.com

مقدمه

امام رضا (ع) هشتمین امام شیعه اثنی عشری است. نام ایشان علی، فرزند موسی، کنیه اش ابوالحسن، و یکی از القابش رضاست. در روز جمعه، یازدهم ذیقعد سال ۱۴۸ هـ.ق در شهر مدینه به دنیا آمدند و در آخرین روز از صفر سال ۲۰۳ هـ.ق در طوس به شهادت رسید. دوران امامت امام رضا (ع) مصادف با حکومت سه تن از خلفای عباسی به نام های، هارون، امین و مأمون بود. در این دوران علما و دانشمندان زیادی از نقاط مختلف جهان به دین اسلام روی آوردند. از همین رو، هر یک دارای عقاید فکری، فرهنگی و... بودند که باعث ایجاد اختلاف هایی در مسائل کلامی، فقهی، فرهنگی و... شد.

بیان مسأله

ارتباط از مؤلفه های اصلی زندگی است. مهارتِ برقراری ارتباط مؤثر یکی از مهم ترین پیش بینی کننده های سلامت روابط بین فردی به شمار می رود. از عوامل مؤثر در بهداشت روان انسان ها، توانایی برقراری ارتباط مناسب و مؤثر با دیگران است. انسان ها نیاز دارند افکار و احساسات خود را بیان کنند و بدانند که به آن ها گوش فرا داده و جدی گرفته می شوند. ارتباط مناسب می تواند منبع مهمی از حمایت های خانوادگی و اجتماعی را برای فرد فراهم آورد. از نظر ارتباطات انسانی، مبدأ و منشأ ارتباط، در روابط بین فردی و فرایند برقراری هر نوع ارتباطی بسیار مهم است. در متون اسلامی، آیات و روایات بسیار زیادی یافت می شوند که به عنصر کلیدی در ارتباطات اشاره می کند. خداوند انسان ها را برای ارتباط، محبت و کمک به یکدیگر خلق کرده است، اما امروز در همه جای دنیا جنگ، ناامنی، ترس و گمراهی وجود دارد (خامنه ای: رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۶). از همین جهت، این پرسش مطرح است که با توجه به بحران ها و معضلات موجود در حوزه علوم انسانی، می توان برای حل معضلات جامعه از روش ائمه و امام (ع) الگوبرداری کرد و راه های جدیدی را بر اساس فرهنگ جامعه خود ارائه داد؟ بنابراین، ویژگی های ارتباطی امام رضا (ع) در مناظرات چه بوده است؟

فرضیات پژوهش

- شناخت مخاطب در به کارگیری یک روش خاص برای بیان مطالب و گفتگو در مناظرات تأثیر بسزایی دارد.
- مستندسازی منبع پیام در تأیید، صحت و پذیرش مخاطب مؤثر است.

نوآوری

با وجود اقدام‌های گسترده‌ای که رسانه‌ها با روش‌های نامناسب ارتباطی و غیراخلاقی باعث حجمه‌های فرهنگی در جامعه شده‌اند، این پژوهش با ارائه شبکه مفهومی ارتباط الگو، روش مناسبی را در برابر هجوم عقاید نادرست ایجاد کرد تا بتوان علاوه بر استحکام معارف اسلامی، گام‌های مثبتی برای رفع شبهات موجود برداشت. با انجام پژوهش با استفاده از ویژگی‌های ارتباطی امام رضا(ع) از آن جهت که دوران ایشان به دلیل تنوع فرهنگ‌ها و عقاید، بسیار شبیه دوران کنونی ماست، باعث بهبود روابط مذهبی و اعتقادی بین مکاتب مختلف و اصلاح معضلات ارتباطی جامعه می‌شود. این پژوهش می‌تواند افق‌های جدید را پیش روی مناظره‌کنندگان و منتقدان قرار دهد تا با استفاده از این شیوه‌ها و روش‌های ارتباطی مؤثر، در مواجهه با دیگران بهتر عمل کنند.

ضرورت انجام پژوهش

ریشه بسیاری از مسائل و مشکلات فرهنگی اجتماعی جامعه، بی‌توجهی به ارتباط صحیح با دیگران، عدم شناخت مخاطب و روش‌های برقراری ارتباط سالم است. دقت در سیره زندگی اهل بیت (ع) و تأسی به شیوه رفتاری و سبک زندگی آن بزرگواران همواره می‌تواند ما را در رسیدن به الگوی مطلوب و اتخاذ روش صحیح زندگی و ارتباط صحیح با دیگران رهنمون سازد. دوران معاصر امام رضا (ع) تأثیرهای ارزشمندی در تبیین بسیاری از قواعد علمی در خصوص ارتباطات داشته است. از دین اسلام به‌عنوان دینی کامل، انتظار می‌رود با مردم ارتباط مؤثری برقرار کند. امام رضا (ع) نیز به این امر توجه داشتند و سعی می‌کردند تا دین اسلام را به مردم شناسانند. از همین رو، برای دعوت مردم به‌سوی پرودگار، ابتدا باید با مردم ارتباط برقرار کرد تا بتوان نظرها و عقاید آنان را تغییر داد و آن‌ها را اصلاح کرد. گفتار و کردار امام رضا (ع) به‌عنوان یک الگوی تأثیرگذار، می‌تواند به ما در جهت شناخت روش‌های ارتباطی مؤثر، بسیار کمک کند. در این پژوهش تلاش شده است با مشخص کردن ویژگی‌ها و روش‌های ارتباطی امام رضا (ع) در انجام مناظرات ایشان، به سؤال‌هایی درباره مشخصات یک پیام خوب و نقش مخاطب‌شناسی در این مناظرات، پاسخ داده شود. نتایج کاربردی حاصل از این تحقیق می‌تواند به افراد یا سازمان‌هایی که معتقدند گفتگو و مناظره در انجام امور و در نهایت موفقیت سازمان نقش مهمی دارد، کمک کند. همچنین، منتقدان و مناظره‌کنندگان با شناخت ویژگی‌های ارتباطی امام رضا (ع) می‌توانند در انجام نقد، گفتگو و ارتباط با دیگران بهتر عمل کنند. امید است با شناخت و الگوبرداری از ویژگی‌های ارتباطی ایشان، بتوان گام مثبتی را برای رفع مشکلات و



اختلاف‌های فرهنگی و عقیدتی جامعه برداشت.

پیشینه تحقیق

هر پژوهش باید به دستاوردهای پیشین متکی باشد، در حالی که خود هم سخنی تازه دارد و هم روش‌هایی دقیق‌تر در شناخت پدیده به کار می‌گیرد. طی تحقیق و بررسی در تحقیقات پیشین، مشخص شد که در این حوزه تحقیقاتی انجام شده است که در ادامه اشاره کوتاهی به آن‌ها می‌شود:

مروت (۱۳۸۵) در مقاله‌ای به بررسی اصول مشترک بین دو طرف مناظره پرداخته است. در این مقاله، شیوه پاسخگویی پیامبر (ص) و ائمه (ع) را متکی بر مناظره عقلی استوار دانسته است و در نهایت به این نتیجه رسید که اصل مشترک در تمامی مناظرات این است که باید از مشترکات برای رسیدن به اختلاف‌ها و رفع آن‌ها استفاده کرد. رجایی (۱۳۹۲) در پایان‌نامه خود «تجلی آموزه‌های قرآنی در مناظرات» را بررسی کرد و به این نتیجه رسید که امام رضا (ع) در گفتگوها و مناظرات خود از رهنمودها و آموزه‌های قرآنی استفاده کرده است. یوسفی (۱۳۹۰) در پژوهشی به بررسی «مناظره» به عنوان یکی از مؤثرترین روش‌ها در تبلیغ و بیان واقعیات پرداخت و به این نتیجه رسید که متکلمان شیعه با استفاده از بیانات امام رضا (ع)، توانستند برخی از سؤال‌ها و شبهات مطرح‌شده در زمینه توحید، نبوت، امامت و معاد را پاسخ گویند.

رجبی و مطهری (۱۳۹۴) در مقاله‌ای به بررسی ویژگی‌های مناظرات حضرت در بُعد علمی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که در فرایند روش مناظراتی امام سه مرحله وجود دارد: مرحله اول؛ مشخص کردن طرف مقابل، مرحله دوم؛ هدایت بحث و مرحله سوم؛ احقاق حق و حق‌مداری. همچنین مجیدی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای نقاط بارز سیره امام رضا (ع) در مواجهه ایشان با نمایندگان ادیان و مذاهب گوناگون را بررسی کرد و به این نتیجه رسید که مناظره‌ها را می‌توان رویارویی گفتمان امامت و ولایت از یک سو و گفتمان غیراسلامی، غیرشیعی و غیرولایی از سوی دیگر ارزیابی کرد که در نهایت در عرصه بحث و گفتگو، گفتمان امامت به پیروزی رسید.

با مطالعه پیشینه تحقیقات در این حوزه مشخص شد درباره مناظرات امام رضا (ع) مطالعات و پژوهش‌هایی انجام شده است که هر کدام از جنبه خاصی مناظرات حضرت را بررسی کرده‌اند، اما هیچ یک از مقالات فوق مناظرات را از منظر علم ارتباطات و جنبه ارتباطی، مورد بررسی قرار نداده‌اند. مقاله پیش رو به بررسی شیوه‌ها و روش‌های اتخاذشده در این مناظرات می‌پردازد که می‌تواند الگویی مناسب فراوری محققان و پژوهندگان عرصه‌های فرهنگی و علمی باشد و

عرصه مناسبی برای شناخت ابعاد وجودی امام معصوم(ع) و تأکید دوباره بر حقانیت اسلام و تشیع در عصر حاضر است و می‌تواند در گفتگوهای انتقادی و مناظره‌های شیعیان به کار رود.

چارچوب نظری تحقیق

عصر حاضر را عصر ارتباطات و اطلاعات نامیده‌اند، زیرا اطلاعات ابزاری لازم برای تصمیم‌گیری بجا و به موقع است تا افراد و سازمان‌ها بتوانند از میان گزینه‌های موجود، با انتخاب گزینه مطلوب، به هدف‌های خود دست یابند. در ابتدا، به جهت آشنایی و درک بهتر موضوع، مؤلفه‌های مهمی چون ارتباط، پیام، مخاطب، پیام‌فرست، روش و مناظره که در این پژوهش بررسی شد، معرفی می‌شود.

ارتباط: ارتباط در لغت در معنای اسم مصدر، بستگی، پیوند، پیوستگی و رابطه است و در مصدر متعدی به معنای ربط‌دادن است (معین، ۱۳۷۵). هر ارتباطی از سه عنصر اصلی یعنی متکلم، پیام و مخاطب تشکیل می‌شود. هدف از برقراری ارتباط نیز نقل و انتقال پیام به مخاطب است. تعریف‌های زیادی درباره ارتباط وجود دارد ولی آنچه در این تحقیق مدنظر است، تعریفی است که در کتاب ارتباط‌شناسی دکتر محسنیان‌راد آمده است: «ارتباط، عبارت است از فراگرد انتقال پیام از سوی فرستنده (پیام‌فرست) برای گیرنده (مخاطب)، مشروط بر آنکه دربرگیرنده پیام با معنی مشترک موردنظر فرستنده پیام باشد» (محسنیان راد، ۱۳۸۴). امروزه رایج‌ترین نوع برقراری ارتباط، ارتباط شفاهی (سخن‌گفتن) و کتبی (نوشتن) است. در حوزه تحقیقی این پژوهش، ارتباط همان ارتباط شفاهی است.

پیام: در لغت، پیام به معنای خبر یا سخنی را به دیگری رساندن است (معین، ۱۳۷۵). پیام یکی از عناصر اصلی فراگرد ارتباط است و آن چیزی است که در فرایند ارتباطات منتقل می‌شود (اسولیو و دیگران، ۱۳۸۵). در هر پیام حداقل سه عامل وجود دارد:

۱. رمز یا کدها که هر شکلی از نمادهای دارای معناست.

۲. محتوای پیام که همان مطالب درون پیام است که به وسیله منبع، برای بیان هدف او انتخاب شده است.

۳. نحوه ارائه پیام که همان تصمیم منبع (پیام‌فرست) برای انتخاب ترتیب کدها و محتوا برای ارائه به گیرنده پیام است.

در این پژوهش، منظور از پیام هر چیزی است که بین فرستنده و گیرنده رد و بدل می‌شود و دارای کد، محتوا و ارائه پیام است.

مخاطب: در لغت، مخاطب کسی است که به وی سخن گفته شود (لغت‌نامه دهخدا). به عبارت



دیگر، در یک ارتباط دو یا چندطرفه، به شخص یا اشخاصی که به او سخنی گفته می‌شود، مخاطب می‌گویند. برای مخاطب دو مفهوم از دو دیدگاه متفاوت می‌توان بیان کرد:

مفهوم مخاطب از دیدگاه علم ارتباطات: کلمه «مخاطب» مدت‌هاست برای کسانی که در حوزه ارتباطات فعالیت دارند، به جای «گیرندگان پیام» به کار می‌رود. این کلمه در فرایند ارتباطات جمعی، اصطلاح رایجی برای اشاره به دریافت‌کنندگان در مدل ساده خطی (منبع، مجرا/ کانال، پیام، دریافت‌کننده، اثرات) به کار می‌رود. مخاطبان دارای مختصاتی می‌باشند که شناخت آن‌ها فرایند ارسال پیام را تسهیل می‌کند، زیرا پیام باید متناسب با نیازهای مخاطب ارسال گردد (رفیع‌پور، ۱۳۷۸).

مفهوم مخاطب از دیدگاه اسلامی: از دیدگاه اسلامی و توحیدی دو نوع دیدگاه نسبت به مخاطب وجود دارد:

الف) نگرش الهی (دینی) به مخاطب و ب) نگرش غیرالهی (مادی) به مخاطب. هر یک از این دو نگرش دینی و مادی، اهداف خاصی را دارد و به تبع آن اهداف، از ابزار ویژه‌ای هم استفاده می‌کند. نگرش غیرالهی بر محور تأمین سود و سرمایه با بهره‌گیری از مخاطب استوار است. در این نگرش، تبلیغ و ارائه پیام با هر ابزاری که صورت بگیرد، به یک نتیجه ختم می‌شود و آن استفاده از مخاطب برای رسیدن به منافع مالی و مادی است. در دیدگاه اسلامی، برخلاف نگرش مادی، پایه و اساس تبلیغ، بهره‌گرفتن و استفاده از مخاطب نیست، بلکه سود رساندن به مخاطب است، با این تفاوت که سود و منفعت در نگرش دینی، معنای مادی خود را از دست می‌دهد و معنا و مفهوم الهی پیدا می‌کند که از آن با نام «هدایت» یاد می‌شود. در حوزه تحقیقی این پژوهش، منظور از مخاطب، افرادی است که توسط انبیا مورد هدایت قرار می‌گیرند.

پیام‌فرست: اولین قدم در هر ارتباطی، به‌وسیله ارتباط‌گر یا پیام‌فرست برداشته می‌شود. پیام‌فرست نقش مؤثری در انتقال پیام به مخاطب یا گیرنده پیام دارد؛ لذا باید دارای مهارت‌هایی برای برقراری بهتر ارتباط باشد. اطلاع‌دادن، آموزش و تغییر نگرش رفتار مخاطب، از اهداف اصلی یک پیام‌فرست است.

روش: روش در لغت به معنای قانون، شیوه و سبک است (معین، ۱۳۷۵). در این پژوهش، منظور از روش، راه‌های به‌کارگیری شیوه‌ها، فنون و مهارت‌های ارتباطی است که ارسال‌کننده پیام (پیام‌فرست) برای رسیدن به اهداف خودش از آن‌ها استفاده می‌کند.

مناظره: مناظره یکی از انواع گفتگوست که به صورت دوطرفه یا بیشتر است. در قرآن از آن به «جدال نیکو» یاد شده است که با واژه‌هایی مثل «قول»، «حوار»، «جدل نیکو» به آن اشاره شده است. مناظره در لغت به معانی ذیل است:

- مباحثه و مجادله کردن (معین، ۱۳۷۵).

- مباحث و گفتگو (انوشه، ۱۳۷۶).

- با هم سؤال و جواب کردن (اکبرنژاد، ۱۳۸۳).

در این مقاله منظور از مناظره همان گفتگویی است که دارای هدف است و آن هدف «روشن و مشخص شدن حق» است.

اهمیت مناظره

برای پی بردن به جایگاه مناظره در دین اسلام، کافی است از منظر قرآن به آیاتی که به این مهم تصریح دارند، نگاه شود. از منظر قرآن، انسان گفتگومحور است و سرنوشت او با گفتگو و بحث و مناظره پیوند عمیقی دارد و آن را خصلتی ذاتی برای انسان برمی شمرد. قرآن چندین عنصر را برای گفتگو و مناظره بیان می کند که تا عنصر اول محقق نشود، عناصر و مراحل بعدی محقق نخواهد شد. همچنین، از نسبت و رابطه‌ای ویژه بین انسان و خداوند با واژگانی چون «عبادی» و «فبشر» خبر می دهد که حاکی از موقعیت، اصالت و جایگاه مناظره است. از سویی، در آیاتی فراوان خداوند به این موضوع پرداخته است که نشان از اهمیت آن دارد. کلمه «قال» در قرآن ۵۲۷ بار، کلمه «حوار» در ۳ آیه و «جدال» در ۲۹ آیه آمده است. آیاتی که در آن پیامبران و انبیا، محور دعوت خود را گفتگو و مناظره برشمردند و آیاتی که بر آداب گفتگو و مناظره اشاره می کند نیز اهمیت مناظره در قرآن را نشان می دهد (صاحبی، ۱۳۸۴).

نظریه تعادل

ارتباط یکی از قدیمی ترین و در عین حال عالی ترین دستاودهای بشر بوده است. امروزه، اهمیت برقراری رابطه به حدی است که انسان، پیوسته در پی ابداع روش ها و شیوه های کارآمد جمعی و بین فردی است. در این پژوهش سعی شد از منظر مدل ارتباطی هایدر معروف به نظریه تعادل، مناظرات امام رضا (ع) را از جنبه ارتباطی بررسی و ویژگی ها و مهارت های ارتباطی امام رضا (ع) از آن نتیجه گیری کرد.

فریتز هایدر روان شناس متولد کشور اتریش در سال ۱۹۵۸ کتابی را با عنوان «روان شناسی روابط بین فردی» منتشر کرده است. هایدر در همین کتاب «نظریه تعادل» را که معروف به مثلث ارتباطی هایدر است و در روان شناسی بین فردی دارای جایگاه ویژه ای است، مطرح کرد. یکی از بهترین مدل های ارتباطی، مدلی است که انسان به طور همزمان فرستنده و گیرنده پیام است و بر ماهیت فعال و نظام مند بودن ارتباطات بین فردی تأکید دارد. در یک فرایند ارتباطی کارآمد و مؤثر طرفین، ارتباط هر یک به نوعی سهم مهمی دارند. اینکه پیام فرست باید پیامش

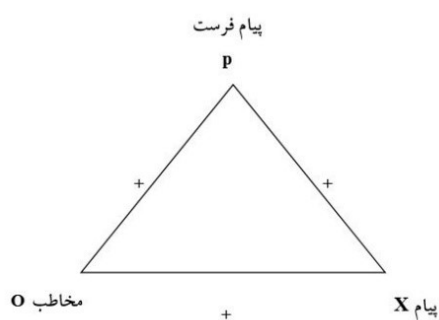
را روشمند و متناسب با نیازهای مخاطبش ارائه کند و به پاسخ‌های کلامی و غیرکلامی او در روند ارتباط توجه کند. در مقابل مخاطب نیز باید به‌صورت فعال به پیام گوش فرا دهد و پیام را درک کند و به پیام‌فرست بازخورد مناسبی ارائه کند. از زمان ارسطو تا به امروز، عناصر اصلی ارتباط (پیام‌فرست - پیام - مخاطب) است و تفاوت مهم و اساسی بین انواع مدل‌های ارتباطی با هم وجود ندارد. از آنجاکه مناظرات امام رضا(ع) به‌صورت حضوری برگزار شد و هیچ رسانه یا وسیله‌ای برای انتقال پیام استفاده نشده بود. از این روش، برای فهم روش‌های ارتباطی امام استفاده شد.

هایدر معتقد بود که همواره حالت‌های نامتعادلی در یک ارتباط کنش ایجاد می‌کند و نیروهایی برای ایجاد و برگرداندن تعادل تلاش می‌کنند. هایدر می‌گوید حالت تعادل زمانی به وقوع می‌پیوندد که واحدهای مشاهده‌شده و احساسات تجربه‌شده، بدون تنش در کنار یکدیگر قرار بگیرند (تانکارد و ورنرسورین، ۱۳۸۴).

همان‌طور که در شکل شماره ۱ (مثال ارتباطی هایدر) ترسیم شده است، الگو و مدل هایدر معطوف به دو فرد است؛ یکی شخص (p) که هدف تحلیل قرار دارد و شخص دیگر (O) و یک موضوع که ممکن است فیزیکی، اندیشه و یا رویداد باشد (X). هایدر در تمامی تحقیقاتش درصدد بود بداند رابطه بین این سه عنصر چگونه در ذهن شخص نظم می‌گیرد. بهترین و ایده‌آل‌ترین حالت تعادل زمانی ایجاد می‌شود که سه رابطه از سه جهت مثبت باشد یا اینکه دو رابطه منفی و یکی مثبت باشد (فرهنگی، ۱۳۷۴).

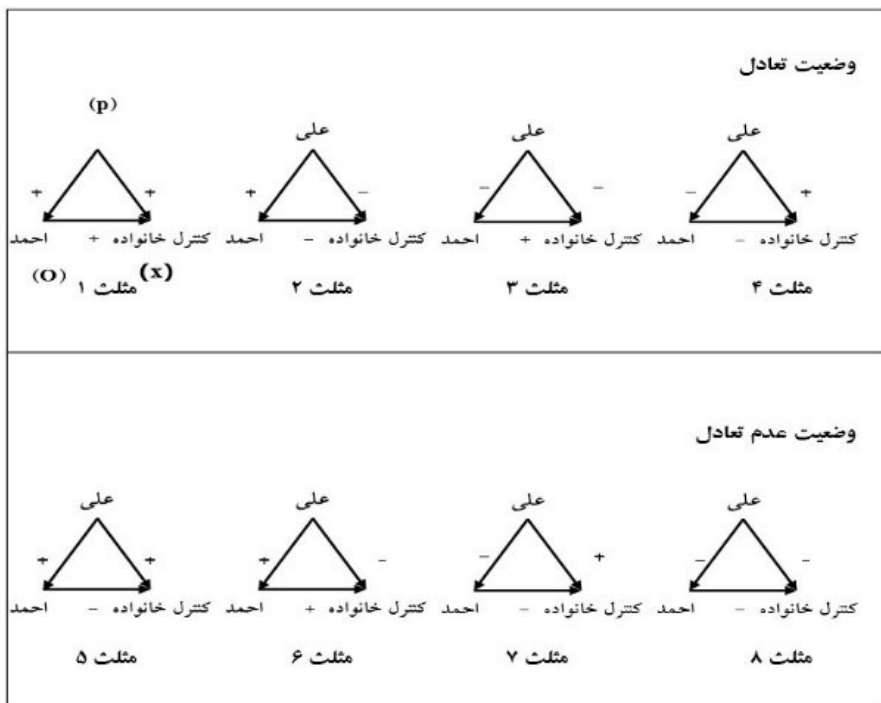
شکل ۱. مثلث ارتباطی هایدر

در مدل ترسیمی هایدر (وضعیت تعادل و عدم تعادل) نشان داده شده است. طبق شکل ۲



که مثال‌هایی از حالت‌های مختلف وضعیت تعادل و نامتعادل را با استفاده از تعریف هایدر نشان می‌دهد، تعادل هر مثلث دارای سه جزء شخص (p)، شخص دیگر (O)، موضوع (X) است. علامت مثبت نشانگر احساسات مثبت و علامت منفی نشان‌دهنده احساسات منفی بین دو نقطه است. جهت

احساسات نیز به‌وسیله پیکان نشان داده شده است (فرهنگی، ۱۳۷۴).



شکل ۲. مثال حالت‌های تعادل و نامتعادل با تعریف هایدرا از تعادل

هایدر بهترین حالت و ایده‌آل‌ترین زمان برای انتشار پیام از سوی پیام‌فرست را زمانی می‌داند که اضلاع سه‌گانه مثلث، مثبت باشد (شکل ۱) و بدترین حالت زمانی است که اضلاع سه‌گانه مثلث منفی باشد (مثلت ۸ در شکل ۲) (خان محمدی، ۱۳۸۶). از آنجاکه امام رضا (ع) نیز در انجام مناظرات خود با علما و سران ادیان دیگر قصد تغییر نگرش داشتند، این مدل ارتباطی برای بررسی این حوزه انتخاب شد.

روش تحقیق

نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند افق‌های جدید را پیش روی مناظره‌کنندگان و منتقدان قرار دهد تا با استفاده از این شیوه‌ها و روش‌های ارتباطی مؤثر در برخورد با دیگران بهتر عمل کنند. از این رو، پژوهش حاضر از نوع کاربردی است. روش اصلی این پژوهش، استقرایی است که مبتنی بر سؤال اصلی و موضوع تحقیق است. از همین رو، ابتدا با استفاده از تدابیر و فنون خاصی به مشاهده و گردآوری داده‌ها و اطلاعات درباره موضوع که همان ویژگی‌های ارتباطی امام رضا (ع) در مناظرات است، پرداخته شد و بعد از به حد نصاب رسیدن، اطلاعات لازم

برای انجام تحقیق، جستجو میان روابط ذاتی و اساسی بین هر یک از پدیده‌ها صورت گرفت. سپس تجزیه و تحلیل یافته‌ها و بررسی فرضیه تحقیق که همان تأثیرگذاری شناخت مخاطب در به‌کارگیری یک روش خاص برای بیان مطالب و گفتگو در مناظرات است، انجام شد. جامعه اصلی در این تحقیق همان مناظرات مختلفی است که امام رضا (ع) با سران ادیان مختلف داشته و به خواست مأمون در زمان حیات امام صورت گرفته است. از جمله مهم‌ترین آن‌ها که بخش مهم این تحقیق را تشکیل داده است، مناظره حضرت رضا (ع) با جاثلیق و دیگر علمای ادیان، مناظره امام رضا (ع) پیرامون عترت و امت با مأمون، مناظره امام رضا (ع) با عمران صابی، مناظره امام رضا (ع) با یحیی بن ضحاک سمرقندی، مناظره امام با سلیمان مرموزی درباره بداء و اثبات آن است. نمونه تحقیق نیز همان ویژگی‌های ارتباطی امام از جمله: نوع پیام، نحوه انتقال پیام، توجه به مخاطب و ... است که در این پژوهش بررسی شده است. با توجه به موضوع این پژوهش که در گروه علوم انسانی قرار دارد و اساساً بخش عمده‌ای از مطالعات مربوط به تأثیر ایدئولوژی دین، فرهنگ، سیاست، اخلاق و مانند آن، برکنش و رفتار انسان را که موضوع مطالعه بسیاری از رشته‌های علوم انسانی است، می‌توان با استفاده از روش تحلیل کیفی و عقلی، تجزیه و تحلیل کرد. از همین رو، روش اصلی در تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات این پژوهش، «روش کیفی» است.

یافته‌های پژوهش

مناظره به‌عنوان یکی از روش‌های سودمند جهت پی بردن به اندیشه‌های دیگران و در میان نهادن عقاید انسان‌ها با یکدیگر، برای کشف حق و حقیقت مورد توجه ادیان توحیدی بوده است و پیامبران الهی در مقابل عمل از آن بهره‌های فراوان اندوختند. در بین مناظرات معصومین (ع) مناظرات امام رضا (ع) از ویژگی خاصی برخوردار است زیرا مناظرات حضرت شامل مناظرات درون‌دینی و برون‌دینی بوده است. در ادامه به ویژگی‌های ارتباطی امام رضا علیه‌السلام اشاره شده است.

ویژگی امام رضا (ع) به‌عنوان پیام‌فرست

داشتن مهارت‌های اجتماعی، برای برقراری یک ارتباط ماهرانه و نفوذ میان‌فردی و اثربخش، ضروری است. متغیرهای مختلفی (منطقی تا هیجانی) در تغییر نگرش افراد نقش دارد. گاهی برای تغییر نگرش و جلب موافقت افراد باید از استدلال و منطق و گاهی دیگر باید از مهربانی و پاداش استفاده کرد. لیندزی و ارونسون معتقدند سه مؤلفه در نفوذ به دیگران مؤثر است: قدرت،

اعتبار، جذابیت (هارجی، ساندروز و دیکسون، ۱۳۸۶).

۱. قدرت

امام رضا (ع) با پذیرفتن ولایتعهدی «قدرت مشروع» به دست آوردند و همواره مورد تکریم خاص و عام بودند. (صدوق، ۱۳۸۰). این متأثر از موضوعات مختلف از جمله قدرت مشروعی است که برای حضرت وجود داشت.

دادن اطلاعات مهم و مفید یکی دیگر از منابع قدرت است و معلوماتی را شامل می شود که دیگران از آن بی خبرند. وقتی پیام ما با استدلال همراه باشد، بین مخاطب و پیام درگیری و ارتباط ایجاد می شود که باعث درک بهتر می گردد. امام رضا (ع) در مناظرات خود نشان دادند که از چه قدرت اطلاعاتی برتری نسبت به دیگران برخوردار هستند. از جمله، وقتی رأس الجالوت گفت: با این سخنان آشنا هستم، ولی معنی و تفسیر آن ها را نمی دانم. امام رضا (ع) فرمودند: «من برای شما خواهم گفت.» (همان). تسلط حضرت به موضوعات مختلف نیز در پذیرش سخنان ایشان توسط سایرین تأثیر مثبت داشت.

۲. اعتبار

ارسطو از اعتبار با نام «توس» (اعتبارگوینده) سخن گفته است. اعتبار منبع با ارزش های اجتماعی ارتباطی انکارنشدنی دارد. مردم زمانی متقاعد می شوند و نگرششان تغییر می کند که نشانی از حقیقت را در پیام فرست بیابند. لورج معتقد است: «مردم بیاناتی را که به افراد محترم و معتبر مانند رهبران دینی و اندیشمندان نسبت داده می شود، بیشتر قبول دارند» (همان). اعتبار پیام فرست (منبع) از یک سو به تخصص او مربوط است و از سوی دیگر به قابل اعتماد بودن او بستگی دارد. در قرآن کریم نیز به برخی از ویژگی های پیام فرست که باعث ایجاد اعتبار و اعتماد در مخاطب می شود، اشاره شده است. مواردی همچون: آگاهی، شجاعت، تواضع، اخلاص، باور قلبی، نرمخویی، دلسوزی شدید نسبت به مخاطب، سعه صدر، امیدواری، امانتداری و... امام رضا (ع) نیز با داشتن این ویژگی ها و صداقت، اخلاص، اخلاق شایسته، ارائه شواهد، منابع و مستندات، نحوه ارائه پیام توسط پیام فرست، پرهیز از منفعت طلبی و... باعث شدند تا هم اعتبارشان نزد مخاطبان افزوده شود و هم زمینه های نفوذ پیام را در مخاطب ایجاد کردند. «مامون در عجب شد و عرض کرد: یا ابالحسن، در روی زمین کسی نیست که این طور نیکو سخن گوید جز شما» (همان). در این مثال، شجاعت، آگاهی و تخصص و تسلط بر موضوع، قابلیت اعتماد و اعتبار امام رضا (ع) را نشان می دهد.



۳. جذابیت

یکی از ویژگی‌های تسهیل‌کننده ارتباط و متقاعدسازی افراد، جذابیت پیام‌فرست عنوان شده است. حال آنکه، داشتن مهارتی ویژه، محبوبیت اجتماعی «تشابه نگرشی و شخصیتی با مخاطب، آشنایی، کمیابی و...» که برجسته‌شدن شخصیت افراد را به دنبال داشته باشد، جنبه‌ای از جذابیت به‌شمار آمده و باعث می‌شود مخاطبان به این دلایل با منبع جذاب «همسان‌سازی هویتی یا همانندسازی» کنند، زیرا پیروی از افراد جذاب، به تأیید اجتماع می‌رسد که به نوبه خود گونه‌ای از پاداش است (هارجی، ساندروز و دیکسون، ۱۳۸۶).

حضرت علی بن موسی الرضا (ع) از جمله شخصیت‌هایی است که جذابیت ایشان منحصر به یک یا چند ویژگی محدود نمی‌شود و بر دیگر شئون نیز قابل تسری است. در ادامه به برخی از نمونه‌هایی که به جذابیت حضرت مربوط است، اشاره می‌شود: «فَلَمَّا دَخَلَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَامَ الْمَأْمُونُ وَ قَامَ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ وَ جَمِيعُ بَنِي هَاشِمٍ، فَمَا زَالُوا وَقُوفًا وَ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ جَالِسٌ مَعَ الْمَأْمُونِ حَتَّى أَمَرَهُمْ بِالْجُلُوسِ، فَجَلَسُوا» (صدوق، ۱۳۸۰). هنگامی که حضرت رضا برای مناظره با جاثلیق و دیگر علمای ادیان وارد مجلس مأمون شدند، مأمون، محمد بن جعفر (عموی حضرت رضا) و تمامی حاضران در آن مجلس به احترام امام برخاستند. حضرت و مأمون نشستند، ولی بقیه همان‌طور ایستاده بودند تا اینکه مأمون به آن‌ها دستور داد تا بنشینند.

این مثال، محبوبیت اجتماعی، شأن و جایگاه رفیع حضرت رضا (ع) و گوشه‌ای از جذابیت ایشان را نمایان می‌کند، به گونه‌ای که این احترام به حضرت، نشان از علو شأن، جایگاه، کمیابی و شخصیت جذاب حضرت دارد که به‌طور غیرمستقیم در متقاعدسازی و اثرگذاری در مخاطبان حضرت جایگاه ویژه‌ای داشته است.

تقویت‌کننده‌هایی مانند: تحسین، تشویق و حمایت اگر به شکل صحیحی از آن‌ها استفاده شود، موجب می‌شود افراد جذب پیام‌فرست شوند و به واسطه علاقه آن‌ها به پیام‌فرست، تأثیرپذیری افزایش پیدا می‌کند. برای نمونه، امام رضا (ع) با حمایت کلامی موجب شد عمران صابی، سؤال خود را مطرح کند و بدین وسیله بر جذابیت خود بیفزاید.

يَا قَوْمِ اِنْ كَانَ فِيكُمْ اَحَدٌ يَخَالِفُ الْاِسْلَامَ وَ اَرَادَ اَنْ يَسْأَلَ، فَلْيَسْأَلْ غَيْرَ مُحْتَشِمٍ، فَقَامَ اِلَيْهِ عِمْرَانُ الصَّابِيُّ... فَقَالَ يَا عَالِمُ النَّاسِ لَوْ لَا اَنْكَ دَعَوْتُ اِلَى مَسْأَلَتِكَ لَمْ اَقْدِمْ عَلَيْكَ بِالْمَسَائِلِ... حضرت بیان نمودند: اگر در بین شما فردی مخالف اسلام هست و سؤالی دارد، می‌تواند بپرسد. در این موقع، عمران صابی.. گفت: ای دانشمند! اگر دعوت به پرسش نکرده بودی، اقدام به سؤال نمی‌کردم... .

ویژگی‌های پیام امام رضا(ع)

پیام چیزی فراتر از موضوع را در بر دارد؛ بدین معنا که صرف نظر از موضوعی که در پیام نهفته است، اشکال تدوین پیام، طراحی و شیوه‌های انتشار و بیان آن، تأثیرهای متفاوتی بر نگرش‌ها و باورها دارد، به طوری که بعضی پیام‌ها تحت تأثیر شکل تدوین، طراحی و شیوه بیان به گونه‌ای اثرگذاری می‌کنند که مخاطب بدون آنکه چرایی آن‌ها را بفهمد، ممکن است نگرش خود را نسبت به موضوعی تغییر دهد. بنابراین، پیام‌فرست باید واری موضوع و استدلال‌هایی که در پیام می‌گنجاند، بداند که چه پیامی را چگونه و کجا بگوید تا اثرش بیشتر باشد و از قدرت نفوذ و ترغیب‌کنندگی بالایی برخوردار شود. به همین دلیل است که افلاطون پیام را کلید متقاعدسازی و متقاعدسازی را کلید قدرت می‌داند. (حکیم آراء، ۱۳۸۴).

در این مقوله تلاش شده است به ویژگی‌هایی اشاره شود که باعث تأثیرگذاری بیشتر پیام حضرت (ع) شده است. از جمله عوامل مؤثر در تأثیرگذاری پیام می‌توان به دو دسته «محتوا» و «ساختار» اشاره کرد. اگر محتوا و ساختار پیام آن گونه که باید تنظیم گردد، پیام از نفوذپذیری و اثرگذاری بالایی برخوردار می‌شود.

الف) محتوای پیام

برای تأثیرگذاری بیشتر پیام بر مخاطب، پیام مربوط باید برخی از مؤلفه‌ها را داشته باشد. از جمله:

۱. ارائه شواهد، مثال و تجربیات

با وجود اینکه شواهد آماری تأثیر زیادی در ترغیب دیگران دارند، مثال‌ها نیز تأثیری برابر و یا حتی شدیدتر از آن دارند. زیرا شواهد یا گواه عینی که به منظور تقویت و توجیه استدلال‌ها مطرح می‌شوند، در صورتی که معتبر تشخیص داده و پذیرفته شوند، استدلال‌ها نیز پذیرفته خواهند شد و احتمال موضعگیری مخاطبان به نفع مواضع مطرح شده، افزایش پیدا می‌کند. حضرت رضا (ع) در مناظرات خود از این مؤلفه اثرگذار بسیار استفاده می‌کردند. به طور مثال، در مناظره با مأمون درباره تمایز بین عترت و امت، مأمون پرسید آیا خداوند عترت را بر سایر مردم برتری داده است؟ حضرت فرمودند: «خداوند فضل عترت بر سایر مردم را در کتابش شرح داده است». مأمون مثالی طلبید و گفت: در کجای قرآن؟ حضرت فرمودند: «در آیه شریفه إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ... (آل عمران (۳)، آیه ۳۴



و ۳۳). (خداوند آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برگزید و...) (صدوق، ۱۳۸۰) و این گونه امام رضا (ع) با ارائه مثال از قرآن در تأیید گفته های خویش، به مأمون پاسخ داد.

۲. ترساندن (انذار)

یافته های مهم که بر گزارش های ترغیب کننده مبتنی است، نشان می دهد پیام هایی که ترس و اضطراب بیشتری ایجاد می کنند، ترغیب کننده ترند. چون این گونه پیام ها صرف نظر از اینکه پاسخ های هیجانی (ترس) در مخاطب ایجاد می کند، واکنش های شناختی هم به وجود می آورند؛ بدین معنا که پیام هایی که محتوای آن ها ترس و انذار است، به مخاطب می فهماند که عقاید و رفتار پیامدهای ناخوشایند، شدیدتر و مخرب تر از آن چیزی است که تصور می کرده اند. پس در این گونه پیام ها می شود اثربخشی پیام را معلول تغییرات شناختی مخاطب دانست نه تغییرات هیجانی او.

امام رضا (ع) در مناظره با جاثلیق، برای اثبات نبوت پیامبر اکرم (ص) وقتی به انجیل متمسک شده و برای اثبات ادعای خود مثالی مطرح کردند، خطاب به جاثلیق فرمود: «ماتقول یا نصرانی؟ هذا قول عیسی بن مریم علیهما السلام. فَإِنْ كَذَبْتَ بَمَا يَنْطَقُ بِهِ الْانْجِيلُ فَقَدْ كَذَبْتَ مُوسَى وَ عِيسَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَ مَتَى أَنْكَرْتَ هَذَا الذِّكْرَ وَ جَبَّ عَلَيْكَ الْقَتْلُ لَا تَكُنْ تَكُونَ قَدْ كَفَرْتَ بِرَبِّكَ وَ نَبِيِّكَ وَ بَكْتَابِكَ». (ای نصرانی چه می گویی؟ این عین گفتار حضرت مسیح (ع) است. اگر مطلب انجیل را تکذیب کنی، موسی و عیسی مسیح علیهما السلام را تکذیب کرده ای و اگر این مطلب را انکار کنی، قتلت واجب است، زیرا به خدا و پیامبر اسلام (ص) و کتابت کافر شده ای) (صدوق، ۱۳۸۰).

۳. خودانگاره

محتوای برخی پیام ها به گونه ای است که مخاطب را از لحاظ اخلاقی موظف می کند برخی از عقاید یا رفتارهای خود را تغییر دهد و گرنه دچار احساس منفی مانند شرم، گناه، حقارت و... می شود؛ بدین معنا که پیام فرست گاه از خودانگاره مخاطب، به نحو مثبتی استفاده و احساس مثبتی را در مخاطب ایجاد می کند و گاه از خودانگاره مخاطب به نحو منفی استفاده و احساسی منفی را در مخاطب به وجود می آورد. پیام فرست در این روش با متوسل شدن به اخلاقیات در موقعیت های میان فردی، به جلب موافقت مخاطب می پردازد تا پیامدهای درازمدتی را به همراه بیاورد.

امام رضا (ع) در مناظره با مأمون، بعد از تفسیر و توضیح آیه شریفه «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (شوری، آیه ۲۰) (بگو به خاطر رسالت، اجری از شما نمی خواهم

مگر دوستی خویشاوندانم) فرمودند: «ولی با پیغمبر خدا (ص) دربارهٔ علاقه و مهربانی‌اش نسبت به خاندانش و منتی که خداوند بر امتش نهاده، که زبان از درک آن عاجز است، به انصاف رفتار نکردند و آن را در حق فرزندان و خاندان پیامبر (ص) انجام ندادند و موقعیت آنان را در بین خود همانند چشم در سر ندانستند که این کار در واقع رعایت حال حضرت محمد (ص) و نشانه محبت به او بود». چگونه؟ و حال آنکه قرآن دربارهٔ این موضوع سخن می‌گوید و به آن دعوت می‌کند و... ولی کسی به وعده‌ای که در این مورد داده، عمل نکرد.

در این مثال، حضرت رضا (ع) با پیام خود سعی دارد به‌خاطر عملکرد مخاطبان، آن‌ها را متوجه رفتار غیراخلاقی خودشان کرده و به‌نوعی احساس گناه و شرم و پشیمانی را در آن‌ها ایجاد نمایند تا مانند پیشینیان خود به رفتار نادرست خود ادامه ندهند.

۴. قابلیت فهم پیام

قابلیت فهم از اولین و بدیهی‌ترین ویژگی‌های مربوط به پیام است. روشن است به پیامی که قابل فهم نباشد، فکر نمی‌شود. بنابراین، قابل فهم بودن پیام در کنار تدوین مناسب پیام و سادگی استدلال‌ها و استحکام و سازمان‌یافتگی، ما را در فهم و پذیرش پیام کمک می‌کند. در یک ارتباط سالم که در سطح آرمانی قرار دارد، پیام‌فرست باید مطمئن شود که مخاطب، پیام را به خوبی دریافت و سپس فهمیده و درون‌سازی کرده است.

حضرت رضا (ع) به این ویژگی پیام توجه بسیار و سعی داشتند مخاطب، پیام را به‌درستی بفهمد تا نتیجهٔ لازم حاصل شود. به‌طور مثال، در مناظره با عمران صابی، پس از اینکه عمران پرسش خود را مطرح ساخت، حضرت او را به دقت و فهم پیام خود تشویق کرده و فرمودند: «سَأَلْتَ فَأَفْهَمَ أَمَّا الْوَاحِدُ...» (سوال کردی، پس خوب دقت کن و بفهم، برای همیشه...) و پس از بیان قسمتی از جواب عمران، پرسیدند: «ای عمران! آیا این مطالب را می‌فهمی؟» گفت: بله، به خدا قسم ای سرور من! این نمونه‌ها، به ما می‌نمایاند که حضرت سعی داشتند پیام خود را به‌گونه‌ای بیان کنند که فهم آن برای مخاطب ممکن باشد و اگر متوجه نشده بود، به شکلی دیگر مطالب را برای عمران قابل فهم سازند.

۵. نتیجه‌گیری پیام

در ارتباطات متقاعدگرانه، سه شیوهٔ طرح نتیجه‌گیری از استدلال‌ها و پایان‌دادن به پیام قابل تصور است:

آنکه نتیجه‌گیری در خود پیام مطرح شود.

آنکه با طرح پرسشی نتیجه گیری به مخاطب واگذار گردد.

هر دو مورد فوق به کار گرفته شود.

اگر مخاطبان از انگیزه و توانایی لازم برای تجزیه و تحلیل پیام برخوردار نباشند، بهتر است نتیجه گیری در خود پیام طرح شود اما اگر افراد از انگیزه و توانایی کافی برای نتیجه گیری برخوردار باشند، بهتر است نتیجه گیری به خود آنان واگذار شود. چون وقتی خودشان به نتیجه برسند، بهتر متقاعد می شوند و در مواقع لازم خواهند توانست به طور شایسته از آن دفاع کنند. حضرت علی بن موسی الرضا (ع) در مناظره با یحیی بن ضحاک سمرقندی، پاسخ به سؤال یحیی بن ضحاک را با طرح یک پرسش به خود یحیی واگذار کرد و فرمود: «یا یحیی! أَخْبِرْنِي عَمَّنْ صَدَّقَ كَاذِبًا عَلَى نَفْسِهِ أَوْ كَذَبَ صَادِقًا عَلَى نَفْسِهِ، أَيْكُونُ مُحِقًّا مُصِيبًا أَوْ مُبْطِلًا مُخْطِئًا؟ فَسَكَتَ يَحْيَى؛ فَقَالَ لَهُ الْمَأْمُونُ؛ أَجَبُهُ فَقَالَ: يُعْغِبُنِي أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ جَوَابِهِ فَقَالَ الْمَأْمُونُ: يَا أبا الْحَسَنِ عَرَفْنَا الْغَرَضَ فِي هَذِهِ الْمَسْأَلَةِ.» (ای یحیی! بگو آن که تصدیق می کند کسی را، که او خود را تکذیب می کند، و آن که تکذیب می کند کسی را که خود را راستگو می داند. کدام یک از این دو حَقّند و درستکار و به واقع رسیده اند و کدامین باطل و خطاکار؟ یحیی ساکت شد. مأمون به او گفت: جواب بده. گفت: امیرالمؤمنین مرا از جواب این سؤال معاف بدارد، مأمون گفت: یا ابالحسن ما مقصود شما را از این سؤال فهمیدیم). در این مثال، نتیجه گیری و پاسخ به آن، از سوی حضرت، به یحیی واگذار شد.

حضرت نتیجه گیری پیام خود را با طرح سؤال به مخاطب واگذار کرد. بنابراین، به نوع دوم از دسته بندی پیش گفته متوسل گشتند اما چون مناظره در حضور علما و افراد مختلف بود، حضرت در صدد بود تا موضوع برای حاضران در مجلس روشن شود. از سویی، چون یحیی و مأمون به صراحت به سؤال حضرت پاسخ ندادند، در پایان مناظره حضرت به نوع اول از دسته بندی مطرح شده متمسک شدند و نتیجه گیری توضیحات خود را در پایان پیام گنجانند تا دیگر جای هیچ شک و شبهه ای درباره سؤال مطرح شده وجود نداشته باشد.

(ب) ساختار پیام

۱. معرفی منبع در ابتدا یا در انتهای پیام

اگر پیام فرست قصد داشته باشد گفته خود را به منبع معتبری مستند سازد، در صورتی پیام او متقاعد کننده تر است که منبع معتبر را در ابتدای پیام خود معرفی کند. در صورتی که مضمون پیام، ناظر به تأمین خواسته های منبع باشد، به نظر می رسد معرفی منبع متخصص و معتبر در

ابتدای پیام مؤثرتر باشد. اما در صورتی که مضمون پیام، ناظر به منافع مخاطب است و موضوع پیام برای مخاطب مهم باشد، ذکر منبع معتبر در پایان پیام به معنای تأیید اعتبار و صحت آن است (حکیم آراء، ۱۳۸۴).

پیام‌های امام رضا (ع) هم ناظر به تأمین خواسته امام بود و هم منافع مخاطب را در نظر داشت. بنابراین، حضرت در فرض مذکور، در ابتدای پیام خود به منبع متخصص و معتبر اشاره کردند. به طور نمونه، وقتی حضرت در مناظره با سلیمان مروزی درباره بدهاء و اثبات آن صحبت می‌کردند، سلیمان به حضرت رضا (ع) گفت: آیا در این باره، از پدران خود، روایت به شما شده است؟ فرمودند: بله، از حضرت صادق (ع) این روایت برایم نقل شده است که ایشان فرمودند: «خدا دو علم دارد؛ علمی مخزون و مکنون و پنهان، که کسی به جز خودش از آن علم آگاهی ندارد و بدهاء از آن علم نشأت می‌گیرد و علمی که به ملائکه و پیامبرانش تعلیم فرموده است و علمای اهل بیت پیامبر ما نیز از آن آگاهند (صدوق، ۱۳۸۰). چنان که مشاهده می‌شود، حضرت رضا (ع) در ابتدای پیام، منبع متخصص و معتبر پیام را معرفی می‌کند.

۲. ترتیب ارائه پیام

همراه با استدلال‌های محکم و قوی، ترتیب ارائه پیام نیز می‌تواند در ارتباط متقاعدگرانه مؤثر باشد. طبق تحقیقات «میلر و کمبل» به طور کلی چهار حالت برای این مسئله در نظر گرفته‌اند. ترتیب ارائه پیام در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. ترتیب ارائه پیام (میلر و کمبل)

با توجه به ترتیب ارائه پیام؛ مناظرات انجام شده از سوی حضرت رضا (ع) با مأمون و مخالفین و... به علت این که به صورت حضوری انجام می‌شد و در یک جلسه به اتمام می‌رسید و افراد حاضر در جلسه و مأمون ناظر بر مناظرات بودند و فاصله‌ای بین فرمایش‌های حضرت و گفته‌های طرف مقابل، وجود نداشت و افراد خود بعد از شنیدن سخنان مناظره‌کنندگان به سنجش گفتار دو طرف اقدام می‌کردند. در نتیجه، ترتیب ارائه پیام که یکی از متغیرهای مؤثر در اثرگذاری و متقاعدسازی است، در حالت فوق تأثیری برجای نگذاشت و اثرپذیری که در مناظرات انجام گرفته، از ناحیه مؤلفه‌های دیگر همچون استدلال‌های متین و محکم و... بوده است.

۳. تکرار پیام و تنوع تکرار

فایده بزرگ تکرار، تثبیت است. تکرار پیام به توانایی پردازش اطلاعات مربوط به موضوع کمک



می کند و از سویی زمینه های دقت موشکافانه نسبت به استدلال های پیام را تا آنجا که خستگی به بار نیاورد، فراهم می کند. حضرت رضا (ع) نیز همانند پیامبر اکرم (ص) پیام خود را گاه به شکل های گوناگون بیان می کند تا هم گروه ها و فرقه های گوناگون را متقاعد کند و هم با این شیوه تنوع پیام را به حدی برساند که مخاطب او که گاه افرادی از طیف های گوناگون بوده اند،

حالت اول	پیام اول	پیام دوم	فاصله زمانی	سنجش نگرش	(اثر تقدم) پیام اول مؤثرتر است
حالت دوم	پیام اول	فاصله زمانی	پیام دوم	سنجش نگرش	(اثر تأخر) پیام دوم مؤثرتر است
حالت سوم	پیام اول	پیام دوم	پیام دوم	سنجش نگرش	هیچ اثری ندارد
حالت چهارم	پیام اول	فاصله زمانی	پیام دوم	فاصله زمانی	سنجش نگرش - هیچ اثری ندارد

ناراحت نشوند.

برای مثال، امام رضا (ع) در مناظره با سلیمان مروزی وقتی در جهت اثبات بداء، آیات متعددی را بیان کرد. سلیمان از حضرت رضا (ع) روایتی از ائمه (ع) را در جهت تأیید آیات قرآن درخواست نمود. حضرت رضا (ع) فرمودند: «از امام صادق (ع) روایتی برایم نقل شده است که ایشان فرمودند: «خداوند دو علم دارد؛ علمی مخزون و مکنون و پنهان که کسی به جز خودش از آن علم و آگاهی ندارد و بداء از آن علم نشأت می گیرد و علمی که به ملائکه و پیامبران تعلیم فرموده است و علما و اهل بیت پیامبر ما نیز از آن آگاهند» (صدوق، ۱۳۸۰). پس از ارائه این روایت، سلیمان از حضرت آیه ای در جهت اثبات بداء درخواست کردند. حضرت فرمودند: «خداوند به پیامبرش می فرماید: «فَتَوَلَّ عَنْهُمْ فَمَا أَنْتَ بِمَلُومٍ» (از آنان اعراض کن، مورد ملامت نخواهی شد). سپس تصمیم خداوند عرض شد و فرمود «وَذَكَرَ فَإِنَّ الذِّكْرَ يَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ» (تذکر بده زیرا تذکر دادن برای مؤمنین نافع است). در ادامه مناظره، امام روایتی دیگر از امام علی (ع) برای مخاطب خود بیان کردند و فرمودند: «ای سلیمان، علم خدا دو نوع است: علمی که خداوند به ملائکه و پیامبران خودش آموخته است، آنچه را که خداوند به ملائکه و پیامبران آموخته باشد، انجام خواهد شد. علم دیگری که در نزد خداوند است و هیچ یک از مخلوقات شناختی از آن ندارد.» (همان).

حضرت در اینجا پیام خود را یک بار در قالب روایتی از امام صادق (ع) مطرح کردند و دوباره با تکرار آن در قالب روایتی از پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) در جهت اثرگذاری و متقاعدسازی مخاطب عمل کردند.

۴. بیان معنای اجمالی و سپس رفع اجمالی

هرگاه پیام از سوی پیام‌فرست ابتدا به طور اجمالی و کلی طرح شود و سپس به صورت مفصل توضیح داده شود، ذهن مخاطب با بیان اجمالی پیام آماده‌ی فراگیری پیام شده و از سویی مخاطب ترغیب می‌شود تا توضیح و تفصیلش را بداند و از جزئیات آگاه گردد. این گونه پیام، تأثیر خود را گذاشته و یک ارتباط فعال صورت می‌گیرد. امام رضا (ع) نیز از این شیوه برای ارائه کردن پیام‌های تأثیرگذار استفاده می‌کردند. برای نمونه:

در مناظره حضرت عمران صابی، عمران گفت آیا خدا در مخلوقات هست یا مخلوقات در اویند؟ امام ابتدا به طور کلی و اجمالی به عمران پاسخ دادند که «لیس هو فی الخلق و لا الخلق فیه»؛ (نه او در مخلوقات است و نه مخلوقات در اویند). سپس امام رضا (ع) در ادامه گفتند: «ساعلمک ما تعرفه به» (برایت توضیح خواهم داد). سپس با طرح مثال، پاسخ اجمالی خود را توضیح دادند و فرمودند: «اخبرنی عن المراء انت فیهام هی فیک...»؛ (عمران، بگو ببینم آیا تو خودت در آینه هستی یا آینه در تو؟ اگر هیچ کدام در دیگری نیستند، چگونه خودت را در آینه می‌بینی؟) عمران گفت: بله. حضرت فرمودند: «به ما نشان بده» عمران جواب نداد. در ادامه حضرت فرمودند: «از نظر من، نور بدون اینکه در یکی از شما دو تا باشد، تو و آینه را به خودتان نشان داده است».

۵. زبان‌شناسی مخاطب

نظر به اینکه دین اسلام حامل پیام جدید بود و می‌بایست ارتباطی مؤثر را برقرار کند، حضرت رضا (ع) در عصر خویش تلاش کردند تا حقیقت دین اسلام را به مردم نشان دهند و از این طریق عقاید و نظرات صحیح را بین افکار مردم عصر خود منتشر سازد. این امر در صورتی محقق می‌شد که به زبان اقوام و گروه‌های دیگر مسلط باشند. حضرت با بهره‌گیری از کلمات مورد فهم و زبان مخاطب خود، به تبیین دین اسلام پرداختند. اشخاصی که با حضرت مناظره می‌کردند، هر کدام از قوم و مذهب و ملتی دیگر بودند. بنابراین، حضرت در مناظره با آنان زبان آن‌ها را می‌شناخت و مراعاتشان می‌کرد. همچنین سعی می‌کردند با هر کدام از مناظره‌کنندگان با زبان خود او صحبت و از جملات و کلماتی استفاده شود که فهم آن برای مخاطب دشوار نباشد و با آن آشنا باشد.

مخاطب‌شناسی در مناظرات امام رضا (ع)

در این بخش، به مخاطب، به عنوان آخرین عنصر ارتباطی پرداخته شده است. عنصری که در نظر داشتن ویژگی‌ها و مختصات آن، ملاحظات را برای پیام‌فرست ایجاد می‌کند و از طرفی چگونگی طراحی، تدوین و ارائه پیام برای پیام‌فرست معین می‌شود. ملاحظات که

با در نظر گرفتن آن‌ها، یک ارتباط سودمند و اثربخش شکل خواهد گرفت. سؤالی که در این مجال مطرح می‌شود این است که نقش مخاطب در این فرایند تأثیرگذار به‌عنوان یکی از عناصر ارتباط چیست؟ در پاسخ به این سؤال می‌توان این‌گونه گفت که برای طراحی پیام، باید مؤلفه‌ها و مختصات مخاطب در نظر گرفته شود تا متناسب با آن، سایر متغیرهای مربوط به دو عنصر دیگر، یعنی پیام‌فرست و پیام، در خدمت هدف‌های تأثیرگذار و متقاعدگرانه درآیند و یک ارتباط قابل پذیرش ایجاد شود. پس شناخت مخاطب و نیازهای مخاطب از این حیث اهمیت دارد که می‌توان به‌واسطه آن به طراحی پیام و ارائه آن به‌نحو مناسبی، اقدام کرد.

نیازهای مخاطب:

طبق نظریهٔ آبراهام مازلو، نیازهای انسانی در سلسله‌مراتب نیازها مثل نردبانی طراحی شده‌اند که قبل از رسیدن به پلهٔ دوم، باید به پلهٔ اول رسید و الی آخر.

۱. نیازهای جسمانی

انسان‌ها اساساً نیازمند زنده ماندن هستند و ارتباط برقرار کردن، به رفع این نیاز کمک می‌کند. گاهی رفع نیازها آسان است و گاهی دشوار. گاهی اوقات باید برای اجابت درخواست خود دیگران را قانع کنیم که این مهم به برقراری ارتباط مؤثر نیازمند است.

۲. نیاز به امنیت و آرامش

یکی از دغدغه‌های مهم مشترک انسان‌ها از گذشته تاکنون، امنیت بوده است. نیازهای ایمنی عبارتند از: امنیت، ثبات، نظم، حمایت و رهایی از ترس و اضطراب. به اعتقاد مازلو، همهٔ ما تا اندازه‌ای نیاز داریم که امور، جریانی عادی و قابل پیش‌بینی داشته باشد و برای رسیدن به امنیت تلاش کرد.

حضرت رضا (ع) در مناظرات خود فرمودند: «بر متکلم خراسان سخت نگیرید و او را اذیت نکنید.» (صدوق، ۱۳۸۰).

۳. نیاز به تعلق و محبت

انسان‌ها از طریق پیوستن به گروه‌ها و همسان‌سازی شکلی و... و ایجاد رابطه با دیگران، نیاز به تعلق را برآورده می‌سازند. حضرت رضا (ع) در رفتار با عمران صابی ابتدا در طول مناظره امنیت روانی، فکری و... را برای عمران مهیا کرد. از سویی، برای ارضای نیاز به محبت و تعلق، لباسی برای عمران طلبیدند و خود با دستان مبارکشان آن را بر عمران پوشاند و به همراه آن یک مَرکَب و ده هزار دینار به او بخشید و این‌گونه با ایجاد رابطهٔ نزدیک و رفتار مهرآمیز با وی، نیاز به محبت را

در مورد عمران برآورده کرد و به شخصیت عمران مقبولیت و مشروعیت بخشید به گونه‌ای که بعد از این ماجرا متکلمین از گروه‌های مختلف نزد عمران می‌آمدند و او به سخنان و سؤال‌های آنان جواب داده و با بیان دلایل، سخنان آن‌ها را باطل می‌کرد.

۴. نیاز به عزت نفس و احترام

انسان هرگاه به اندازه کافی از احساس محبت و تعلق بهره‌مند گردد، آن‌گاه به احساس احترام گذاردن به معنای نگه داشتن حرمت مرزهای انسان نیاز خواهد داشت. برای دستیابی به عزت نفس و احترام به خود، فرد باید خود را خوب بشناسد و بتواند نقاط قوت و ضعف خود را به‌طور عینی تشخیص دهد و بداند چیست و کیست. به همین دلیل، کسانی که فاقد مهارت‌های لازم برای ارتباطات بین‌فردی هستند، عزت‌نفس پایینی دارند و در عرصه زندگی خود سرآمد نخواهند شد.

حضرت رضا (ع) درباره ارتباط با عمران صابی و ایجاد حس احترام در او، به غلام خود گفتند: «عمران صابی را نزد من بیاورید. مرکی برای عمران ببرید تا سوار شود.» غلام به نزد عمران رفت و او را نزد امام آورد. حضرت به او خوشامد گفت و عمران را سمت چپ خود نشاندد. این رفتارها با توجه به نیاز نوع انسان‌ها به احترام گذاشتن دیگران به آن‌ها، صورت گرفته و بدین صورت حضرت سعی در برطرف کردن نیاز مخاطب خویش داشته‌اند و از این طریق بود که عمران توانست خود را ارزشمند و شایسته احساس کند و عزت نفس را در خود به‌روراند.

۵. نیاز به خودشکوفایی

خودشکوفایی همان کمال عالی و کاربرد همه توانایی‌ها و محقق ساختن تمامی خصایص و قابلیت‌های خود است. از بررسی مناظره امام رضا (ع) با عمران صابی مشخص شد عمران صابی از جمله افرادی است که علاقه‌مند به رسیدن به خودشکوفایی بود، زیرا در بررسی مناظرات ایشان با حضرت رضا (ع)، برخی مواردی که مازلو برای افراد خودشکופا اشاره کرده بود، دیده شد. از جمله اینکه میان درست و نادرست تردید ندارند و دارای معیارهای اخلاقی مشخصی هستند. عمران صابی هیچ‌گاه اخلاق را زیر پا نگذاشت و انصاف را رعایت کرد. ویژگی دیگر افراد خودشکوفا، پذیرش دیگران، خویشان و طبیعت است. عمران این ویژگی را داشت و همین ویژگی بود که عمران را به‌سوی حق و حقیقت و کمال متمایل کرد.

۶. نیاز به دانستن و فهمیدن

در مناظره حضرت رضا (ع) با جاثلیق، او گفت: «این مطلب را تا به حال نمی‌دانستم و اکنون از



برکت آگاهی شما نسبت به انجیل برایم آشکار شد.» (أَمَّا هَذَا فَلَمْ أَعْلَمْهُ وَقَدْ عَلَّمْتُهُ الْآنَ). به منظور توجه به نیاز فهمیدن در مخاطب، حضرت رضا (ع) برای اینکه مخاطبش را مرحله به مرحله تا رسیدن به فهم پاسخ سؤال هایش همراهی کند، بعد از بیان هر پاسخ یا مقدمه‌ای، از آن‌ها می‌پرسد: «آیا مطلب را فهمیده‌اید؟ این مطلب را خوب بفهم و سپس سؤال‌های خود را ادامه بده. در جواب من دقت کن و آن را بفهم.» چرا که فهم مطلب مطرح شده، آمادگی برای ارائه دیگر مطالب ایجاد می‌کند.

حضرت رضا (ع) به عنوان رهبر، امام و فردی که به درجات عالی از رشد و کمال دست یافته است، در جامعه‌ای که انسان‌ها مسیر انحرافی را می‌پیموندند، درصدد بود تا از فرصت‌های پیش آمده، مخاطبان خود را در راستای رشد و شکوفایی و نیز رفع نیازهای یادشده، یاری کند. این عامل یعنی شناخت و توجه به نیازهای مخاطب، از سوی امام رضا (ع) باعث شد که افراد مناظره‌کننده در ظاهر یا در باطن و گاه در ظاهر و باطن، مجذوب شوند و تحت تأثیر ارتباط گفتاری و رفتاری حضرت رضا (ع) متقاعد می‌شدند. توجه به ویژگی‌های شخصیت افراد (مخاطب)، آشنایی با چارچوب‌های اعتقادی، زبان‌شناسی مخاطب، خبرگی و توجه به جزئیات توسط مخاطب، انگیزه و هدفمندی مخاطب در پذیرش و پردازش پیام، از جمله نکاتی است که در حضرت رضا (ع) در مناظرات خود به آن توجه داشتند.

نتیجه‌گیری

ابزاری که امام رضا (ع) بهره کافی و وافی را از آن در راستای دفاع از دین و احیای آن بردند، مناظره بود. ایشان با توجه به شرایط موجود برای اثبات حقانیت دین اسلام به‌خصوص تشیع، کوشیدند تا با برقراری ارتباط مؤثر و به‌کارگیری شیوه‌ها و روش‌های مختلف، حقانیت عقاید اسلامی اثبات و باطل بودن نظرهای مخالفان برای دیگران مشخص شود.

در این پژوهش مشخص شد مناظرات امام رضا (ع) هم دارای جنبه درون دینی و هم برون دینی بود. ایشان با داشتن روش‌ها و مهارت‌های گوناگون ارتباطی، پیام خود را هنرمندانه، به فراخور نیاز مخاطبان و در زمان مناسب ارائه و بدین‌صورت بر اثربخش بودن رفتار و پیام خود افزودند. حضرت با داشتن سه مؤلفه مهم «قدرت»، «اعتبار» و «جذابیت»، در نفوذ به دیگران و تغییر نگرش و رفتار مخاطب خویش موفق شدند. ایشان با ارائه شواهد، مثال و تجربیات و بیان پیام به‌گونه‌ای که مخاطب از لحاظ اخلاقی موظف شود تا برخی از عقاید و رفتارهای خود را تغییر دهد و با احساس مثبت ناشی از آن موافقت مخاطب را جلب نمود تا آمادگی پذیرش پیامدهای بعدی را داشته باشد. از آنجاکه پیام‌های امام رضا (ع) هم ناظر به تأمین خواسته

ایشان (مخاطب) و هم منافع مخاطب را در نظر داشت، در ابتدای پیام‌های خویش به منبع معتبری اشاره می‌فرمودند که این موضوع باعث مستندسازی پیام می‌شد و عمل متقاعدسازی مؤثر مخاطب بهتر و ماندگارتر صورت می‌گرفت.

امید است با بررسی و شناخت روش‌های ارتباطی امام رضا (ع) بتوان از آن‌ها در مناظرات و گفتگو با افراد مختلف به‌خصوص مخالفان دین و مذهب، به‌طور مؤثر بهره گرفت.

منابع:

۱. قرآن کریم.
۲. رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۸). آناتومی جامعه. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۳. حکیم آراء، محمدعلی (۱۳۸۴). ارتباطات متقاعدگرانه و تبلیغ. تهران: سمت.
۴. فرهنگی، علی اکبر (۱۳۷۴). ارتباطات انسانی، ۲ جلدی. تهران: موسسه فرهنگی رسا.
۵. محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۸۴). ارتباطات انسانی؛ میان فردی، گروهی، جمعی. تهران: انتشارات سروش.
۶. خان محمدی، کریم (۱۳۸۶). الگوی ارتباطات در قرآن. فصلنامه دانشگاه اسلامی، سال یازدهم، شماره ۱.
۷. مروت، طیبه (۱۳۸۵). توجه به مشترکات بین الادیان در مناظرات امام رضا (ع). اندیشه نو (ویژه نامه امام رضا علیه السلام)، شماره اول، آذرماه ۱۳۸۵.
۸. رجایی، محبوبه (۱۳۹۲). جایگاه قرآن و روش استفاده از آن در مناظرات امام رضا (ع)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قرآن و حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث، پاییز ۱۳۹۲.
۹. دهخدا، علی‌اکبر. لغت نامه، بی نا، بی جا، بی تا.
۱۰. رجبی، فاطمه، مطهری، اعظم (۱۳۹۴). سبک شناسی مناظرات کلامی امام رضا (ع)، فصلنامه علمی- پژوهشی (پژوهش‌های اعتقادی-کلامی)، سال پنجم، شماره ۱۹، پاییز ۱۳۹۴.
۱۱. انوشه، حسن (۱۳۷۶). فرهنگ نامه ادبی فارسی ۶ جلدی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
۱۲. معین، محمد (۱۳۷۵). فرهنگ فارسی. تهران: امیرکبیر.
۱۳. شیخ صدوق (۱۳۸۰). عیون اخبار الرضا(ع)، ترجمه‌ی علی‌اکبر غفاری و حمیدرضا مستفید. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۴. اکبرنژاد، مهدی (۱۳۸۳). گفتمان جدلی در قرآن. قم: اسوه.
۱۵. مجیدی، حسن (۱۳۹۲). تحلیل گفتمان مناظره‌های امام رضا (ع)، فرهنگ رضوی، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۲.
۱۶. یوسفی، میثم (۱۳۹۰). مناظرات امام رضا (ع) و تاثیر آن در کلام اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد، مدرسی معارف اسلامی، دانشگاه باقرالعلوم(ع).
۱۷. هارثلی، جان، اوسولیان، تام، ساندروز، دانی و هارثلی، جان (۱۳۸۴). مفاهیم کلیدی ارتباطات. ترجمه‌ی میرحسن رئیس‌زاده. تهران: نشر نو.

۱۸. هارجی. اون، ساندرز، کریستین و دیکسون، دیوید (۱۳۸۶). مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات میان فردی. ترجمه‌ی خشایار بیگی و مهرداد فیروزبخت. تهران: انتشارات رشد.
۱۹. صاحبی، محمدجواد (۱۳۸۴). مدخلی بر احیای سنتی مغفول، سنت گفت و گو و مناظره با ادیان و مذاهب. قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
۲۰. خامنه‌ای، سیدعلی؛ رهبر معظم انقلاب (۱۳۹۶). مراسم محفل نورانی انس با قرآن کریم در نخستین روز ماه مبارک رمضان khamenei.ir/news
۲۱. تانکارد، جیمز، ورنر، جوزف سورین، (۱۳۸۱). نظریه‌های ارتباطات. ترجمه علیرضا دهقان. تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.

مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی در منظومه احادیث امام رضا (علیه السلام)

سید ابوالقاسم حسینی زیدی^۱

مهدی عبادی^۲

چکیده:

از مهمترین شاخصه‌های ارزیابی سترگی یک دولت و حکومت، تکیه آن بر نظریه اقتصاد مقاومتی است که توسط مقام معظم رهبری و برای نخستین بار در سال ۱۳۸۹ بیان گردیده است. در این جستار بعد از تبیین دو واژه اقتصاد و مقاومت در لغت و اصطلاح و تبیین اصطلاح «اقتصاد مقاومتی»، به ارکان و مبانی اقتصاد مقاومتی در احادیث امام رضا علیه السلام پرداخته‌ایم.

ارکان و مبانی اقتصاد مقاومتی از منظر تعالیم امام رضا علیه السلام که مقام معظم رهبری «مد ظله العالی» هم با توجه به همین آموزه‌ها این نظریه را مطرح نموده‌اند عبارت است از: رسیدن به اقتدار اقتصادی، استقلال و جلوگیری از سلطه کفار، حفظ اصول و ارزش‌های اسلامی، اصلاح الگوی مصرف، مبارزه با مفاسد اقتصادی، عدالت اقتصادی. هم‌چنین در این مقاله بیان شده است که شاید مهم‌ترین رکن اقتصاد مقاومتی، اصلاح الگوی مصرف است که دارای چهار مؤلفه بسیار مهم می‌باشد: اعتدال و میانه‌روی، داشتن روحیه قناعت، ایجاد کردن فرهنگ صحیح مصرف و لزوم استفاده و مصرف کالاهای داخلی.

کلید واژگان: مبانی، اقتصاد مقاومتی، امام رضا علیه السلام.



۱. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد مقدس (نویسنده مسؤول) Abolghasem.6558@yahoo.com

۲. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود mahdi.ebadi.mail@gmail.com

مقدمه

با شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران، شیوه نوینی از حکومت در جهان پدیدار گشت که یکی از پایه‌های آن بر استکبارستیزی بنا شده است. با توجه به این که استکبار در جنبه‌های نظامی توفیق نداشته است، تهاجمات خود را گسترش داده و به عرصه‌های مختلف دیگر کشانیده است. یکی از این جهاتی که به وسیله استکبار کانون توجه قرار گرفته است، عرصه اقتصادی و تحریم می‌باشد که نظام جمهوری اسلامی همواره در تلاش بوده است تا با به کار گرفتن راه کارهای مختلف مانع از نفوذ دشمن در این عرصه گردد.

در همین زمینه، از مهم‌ترین نظریاتی که در این باب، طرح شده و مورد بحث و تأمل قرار گرفته است، اضافه نمودن اصطلاح «اقتصاد مقاومتی» به ادبیات اقتصادی کشور بوده است. تعبیر اقتصاد مقاومتی برای نخستین بار در سال ۱۳۸۹ در دیدار مقام معظم رهبری «مد ظله العالی» مطرح گردید (بیانات مقام معظم رهبری «مد ظله العالی» در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور، ۱۳۸۹/۰۶/۱۶) و بعد از آن در یک دهه اخیر، مباحث متنوع و گوناگونی در مورد آن شکل گرفته و ریشه و اساس این راه حل اقتصادی، به قرآن و روایات اسلامی ارجاع داده شده است.

در این جستار برآنیم تا ارکان و مبانی اقتصاد مقاومتی را در احادیث امام رضا علیه السلام به دست آورده و بیان نماییم که نظریه اقتصاد مقاومتی مقام معظم رهبری «مد ظله العالی» منطبق با آموزه‌های امام رضا علیه السلام بوده و ایشان به عنوان یکی از باتجربه‌ترین نظریه‌پردازان اسلامی، دیدگاه اقتصاد مقاومتی را مطرح نموده‌اند. اما قبل از شروع بحث می‌بایست دو واژه اقتصاد و مقاومت را در لغت و اصطلاح تبیین نموده و تعریف دقیق و جامعی از این اصطلاح بیان نماییم.

پیشینه بحث

در ارتباط با اقتصاد مقاومتی در مباحث قرآنی و حدیثی مقالاتی نوشته شده است که مهمترین آنها مقاله «مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی از منظر قرآن و حدیث با رویکردی بر دیدگاه مقام معظم رهبری» از کلثوم محمدی و فرحناز وحیدنیا است لکن در هیچ کدام از این مقالات به مباحث تطبیقی از دیدگاه امام رضا علیه السلام پرداخته نشده است.

مفهوم‌شناسی

الف) اقتصاد در لغت و اصطلاح

«اقتصاد» از ریشه قصد به معنای راست و مستقیم (دهخدا، ۱۳۶۲، ج ۳۷، ص ۳۲۲) و هم‌چنین اعتدال و میانه‌روی (فراهیدی، ۱۳۶۸، ج ۵، ص ۵۹ و فیروزآبادی، ج ۱، ص ۳۲۷) آمده است.

راغب در مفردات آورده است: «اقتصاد به معنای اعتدال در امور بدون افراط و تفریط به تناسب هر موضوع است؛ در معنای این واژه پرهیز از اسراف و بخل لحاظ شده است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۶۷۲). ابن منظور در لسان العرب هم به نکته دومی که راغب بیان نمود، تصریح کرده است (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۳۵۴)

البته مرحوم مصطفوی به عنوان جمع‌بندی کلام اهل لغت در ذیل این کلمه چنین می‌آورد: «اصل در معنای قصد توجّه کردن به کار و اقدام نمودن به منظور انجام آن فعل است لکن دیگر معانی این واژه از قرائن مختلف موجود در عبارت برداشت می‌گردد یا این که از لوازم معنای اصلی به شمار می‌روند» (مصطفوی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۲۶۸)

از اقتصاد در اصطلاح، تعارف متنوعی ارائه شده است که به نظر نمی‌رسد تمام اقتصاددانان معنای واحدی را قبول داشته باشند؛ از باب نمونه دو تعریف که از جامعیت بیشتری برخوردارند، بیان می‌گردد:

(الف) «اقتصاد عبارت است از بررسی، ارزیابی و انتخاب روش‌هایی که بشر برای استفاده از منابع به منظور تولید کالاها و خدمات و توزیع آن‌ها جهت مصرف به کار می‌گیرد» (مصباحی مقدم، ۲۲) (ب) «دانش اقتصاد به بررسی روش‌های به کارگیری منابع کمیاب به منظور تولید کالاها و خدمات برای توزیع میان افراد نیازمند و گروه‌های اجتماعی برای مصرف می‌پردازد» (ایروانی، ۱۳۸۴، ۲۴)

ب) مقاومت

واژه «مقاومت»، از ریشه «قوم» و از باب مفاعله بوده که مصدر دیگر آن قوام است و در زبان فارسی و عربی به معنای ایستادگی و پایداری استعمال شده است (معین، ۱۳۶۰، ج ۴، ص ۴۲۸۶). زبیدی در ذیل کلمه قوام آورده است: «و القوام - بالكسر - : نظام الأمر و عماده و ملاکه الذی یقوم به» (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۷، ص ۵۹۴) هم‌چنین در زبان عربی به معنای اعتدال هم مورد استفاده قرار گرفته است. (جوهری، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۰۱۷؛ طریحی، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۵۶۶)

این واژه در اصطلاح قرآنی و اسلامی از جایگاه رفیعی برخوردار بوده و به عنوان یکی از نشانه‌های افراد با ایمان و متدین معرفی شده است؛ این واژه در نگره قرآنی به معنای ایستادگی در برابر مشکلات، ناملایمات، گناه و انجام تکالیف الهی است. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید:

«إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أُبَشِّرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ؛ کسانی که گفتند پروردگار ما خداوند یگانه است سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آن‌ها نازل می‌شوند که نترسید و غمگین مباشید، و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است» (فصلت، ۳۰)

این که خداوند متعال توحید را در کنار استقامت و پایداری قرار داده است، حاکی از ارزش بالای پایداری و مقاومت در مسیر حق است. (طباطبایی، ج ۱۸، ص ۳۸۹)

هم چنین قرآن سربازان پیروز را که حتی با وجود نابرابری فاحش در برابر دشمن، مشمول نصرت الهی می شوند را به همین ویژگی توصیف کرده، می فرماید:

«إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ» هرگاه بیست نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر غلبه می کنند؛ و اگر صد نفر باشند، بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند، پیروز می گردند؛ چراکه آن ها گروهی هستند که نمی فهمند! (أنفال، ۶۵)

ج) تعریف اقتصاد مقاومتی

اصطلاح «اقتصاد مقاومتی» با توجّه به این که در کلام مقام معظم رهبری به کار رفته است، باید برای تعریف آن هم از بیانات ایشان استمداد نمود. به نظر می رسد با بیان ویژگی های اقتصاد مقاوتی در کلام ایشان بتوان به تعریفی دقیق دست یافت.

با در نظر گرفتن شش خصوصیتی که ایشان برای اقتصاد مقاومتی بیان نموده اند، می توان در تعریف اقتصاد مقاومتی چنین بیان نمود: اقتصاد مقاومتی به معنای «اقتصادی مقاوم^۱، درونزا^۲ و برون نگر^۳ است که مبتنی بر محور عدالت^۴ و توان ملی و مردمی^۵ و برگرفته از آموزه های اسلامی^۶ می باشد».

۱ - وظیفه همه ما این است که سعی کنیم کشور را مستحکم، غیر قابل نفوذ، غیر قابل تأثیر از سوی دشمن، حفظ کنیم و نگه داریم؛ این یکی از اقتضات اقتصاد مقاومتی است که ما مطرح کردیم. در اقتصاد مقاومتی، یک رکن اساسی و مهم، مقاوم بودن اقتصاد است. اقتصاد باید مقاوم باشد؛ باید بتواند در مقابل آن چه که ممکن است در معرض توطئه دشمن قرار بگیرد، مقاومت کند. (بیانات مقام معظم رهبری در حرم مطهر امام رضا علیه السلام، ۱/۱/۹۲/۰۱)

۲ - بدیهی است که حرکت به سمت این افق ها، معارضه ها و معارضه هایی هم دارد؛ بعضی از این معارضه ها انگیزه های اقتصادی دارد، بعضی انگیزه های سیاسی دارد، بعضی منطقه ای است، بعضی بین المللی است. این معارضه ها در مواردی هم منتهی می شود به همین فشارهای گوناگونی که مشاهده می کنید؛ فشارهای سیاسی، تحریم، غیر تحریم، فشارهای تبلیغاتی؛ این ها هست - لیکن در لایه های این مشکلات، در وسط این خارها، گام های استوار و همت ها و تصمیم هایی هم وجود دارد که بناست از وسط این خارها عبور کند و خودش را به آن نقطه مورد نظر برساند. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان، ۹۱/۰۵/۱۶)

۳ - البته اقتصاد مقاومتی، فقط جنبه نفی نیست؛ اینجور نیست که اقتصاد مقاومتی معنایش حصار کشیدن دور خود و فقط انجام یک کارهای تدافعی باشد؛ نه، اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که به یک ملت امکان می دهد و اجازه می دهد که حتی در شرایط فشار هم رشد و شکوفایی خودشان را داشته باشند. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان، ۹۱/۰۵/۱۶)

حال بعد از بیان مقدمات بحث، به بیان مبانی اقتصاد مقاومتی در کلام امام رضا علیه السلام پرداخته و آن را با بیانات مقام معظم رهبری «مد ظله العالی» تطبیق خواهیم داد.

۱. رسیدن به اقتدار اقتصادی

منطق قرآن کریم این است که هرگز نباید در برابر ظلم و ستم کوتاه آمد و باید با تمام قدرت و امکانات در برابر آن‌ها ایستادگی نمود:

«وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ...» در برابر آن‌ها (دشمنان) آن‌چه توانائی دارید از نیرو آماده سازید (و هم‌چنین) اسب‌های ورزیده (برای میدان نبرد) تا به وسیله آن دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید و (هم‌چنین) گروه دیگری غیر از این‌ها را که شما نمی‌شناسید و خدا می‌شناسد...» (أنفال، ۶۰)

کلمه «قُوَّة» کلمه ای کوچک ولی پر معناست، نه تنها وسائل جنگی و سلاح‌های مدرن هر

۴. این اقتصاد، عدالت‌محور است؛ یعنی تنها به شاخصهای اقتصاد سرمایه‌داری - [مثل] رشد ملی، تولید ناخالص ملی - اکتفا نمی‌کند؛ بحث این‌ها نیست که بگوییم رشد ملی این‌قدر زیاد شد، یا تولید ناخالص ملی این‌قدر زیاد شد؛ که در شاخصهای جهانی و در اقتصاد سرمایه‌داری مشاهده می‌کنید. در حالی‌که تولید ناخالص ملی یک کشوری خیلی هم بالا می‌رود، اما کسانی هم در آن کشور از گرسنگی می‌میرند! این را ما قبول نداریم. بنابراین شاخص عدالت - عدالت اقتصادی و عدالت اجتماعی در جامعه - یکی از شاخص‌های مهم در اقتصاد مقاومتی است، اما معنای آن این نیست که به شاخص‌های علمی موجود دنیا هم بی‌اعتنایی بشود؛ نخیر، به آن شاخص‌ها هم توجه می‌شود، اما بر محور «عدالت» هم کار می‌شود. عدالت در این بیان و در این برنامه به معنای تقسیم فقر نیست، بلکه به معنای تولید ثروت و ثروت ملی را افزایش دادن است. (بیانات مقام معظم رهبری در حرم مطهر، ۹۳/۰۱/۰۱)

۵. اقتصاد مقاومتی شریاطی دارد، ارکانی دارد؛ یکی از بخش‌هایش همین تکیه به مردم است؛ همین سیاست‌های اصل ۴۴ با تاکید و اهتمام و دقت و وسواس هر چه بیشتر باید دنبال شود؛ این جزو کارهای اساسی شماسست؛ در بعضی از موارد، من از خود مسئولان کشور می‌شنوم که بخش خصوصی به خاطر کم‌توانی‌اش جلوتر نمی‌آید. خب، باید فکری بکنید برای این که به بخش خصوصی توانبخشی بشود؛ حالا از طریق بانک‌هاست، از طریق قوانین لازم و مقررات لازم است؛ از هر طریقی که لازم است، کاری کنید که بخش خصوصی، بخش مردمی فعال شود. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۹۱/۰۶/۰۲)

۶. یک آرمان دیگر، اقتصاد مقاومتی است؛ که نسبت به آرمان قبلی که گفتیم، یک آرمان خرد است. با این که خود اقتصاد مقاومتی چیز مهمی است، اما در واقع در ذیل آن آرمان قبلی تعریف می‌شود. سلامت در جامعه، صنعت برتر، کشاورزی برتر، تجارت پر رونق، علم پیشرو، این‌ها همه‌اش جزو آرمان‌هاست. نفوذ فرهنگی در جهان، نفوذ سیاسی در جهان و در منظومه سیاسی سلطه در عالم، این‌ها همه‌اش جزو آرمان‌هاست. رسیدن به عدالت اجتماعی، جزو آرمان‌هاست.



عصری را در بر می‌گیرد، که تمام نیروها و قدرت‌هایی را که به نوعی از انواع در پیروزی بر دشمن اثر دارد شامل می‌شود، اعم از نیروهای مادی و معنوی ... قدرت‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، که آن‌ها نیز در مفهوم «قُوَّة» مندرج هستند و نقش بسیار مؤثری در پیروزی بر دشمن دارد نیز نباید غفلت کرد. (ر ک: طباطبایی، ج ۹، ص ۱۵۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۲۲۲) همان طور که بیان گردید، حفظ آمادگی و داشتن اقتدار در تمامی عرصه‌ها در برابر دشمنان اسلام ضروری است؛ مسلم است که یکی از بزرگترین عوامل برای مقابله با تهدیدات دشمن، رسیدن به مرحله‌ای است که نیازهای جامعه اسلامی در درون خود کشور تولید گردد و کشور در زمینه اقتصادی به اقتدار کامل دست یابد.

در همین راستا امام رضا علیه‌السلام بیان داشته‌اند که مسلمانان باید به آن مقدار به قدرت و اقتدار اقتصادی برسند که حتی وابستگی اقتصادی به برخی از مسلمانان هم نداشته باشند چه رسد به کفار؛ یکی از اصحاب رضا علیه‌السلام به نام احمد بن محمد بن ابی نصر، به آن حضرت عرض کرد: قربانت گردم! برای اسماعیل بن داود نامه‌ای بنویس و سفارش کن تا مرا (از اموال دنیا) بهره‌مند سازد. امام رضا علیه‌السلام فرمود: «دریغم می‌آید که از او و امثال او چیزی را تقاضا کنی؛ به مال من تکیه کن و خود را بی‌نیاز ساز» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۴۹)

۲. استقلال و جلوگیری از سلطه کفار

قطعاً مهم‌ترین نتیجه‌ای که اقتدار اقتصادی به دنبال خواهد داشت، استقلال و عدم تکیه داشتن به دیگران در زمینه اقتصاد خواهد بود؛ یکی از مهم‌ترین مبانی و اصول اقتصاد مقاومتی، از قاعده نفی سبیل استفاده می‌گردد؛ معنای این قاعده آن است که خدای متعال در قانون و شریعت اسلامی هیچ راهی برای نفوذ و مسلط شدن کافران بر مسلمانان قرار نداده است و راه هر نوع تسلطی از طرف کفار نسبت به مسلمانان را بسته است. (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۱۸۷) در نتیجه هرگز مسلط شدن کافران بر مسلمانان در زمینه‌های مختلف جایز نمی‌باشد.

(ر ک: شهید ثانی، ۱۴۱۸، ج ۱۳، ص ۲۰؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۱۰۷)

این قاعده قابلیت بهره‌گیری در محورهای مختلف فقهی، سیاسی، اقتصادی و ... را دارا می‌باشد و به طور مطلق هر نوع رابطه‌ای که سبب سلطه کافران بر مسلمانان گردد را ناروا می‌شمارد. بی‌تردید در زمان فعلی، مناسب‌ترین روش برای جلوگیری از نفوذ استعمار و بیگانگان، تمسک به این قاعده در بعد اقتصادی - و بطور اخص اقتصاد مقاومتی - است.

مهم‌ترین دلایل اعتبار این قاعده از قرآن، آیه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء، ۱۴۱) و از سنت روایت «الْإِسْلَامُ يَعْلُو وَ لَا يَعْلى عَلَيْهِ وَ الْكُفَّارُ بِمَنْزِلَةِ

الموتی لا یحبون و لا یورثون؛ اسلام (نسبت به سایر مکاتب و ملل) همیشه برتری دارد و هیچ چیزی بر آن برتری ندارد و کافران به منزله مرده‌ها هستند، مانع از ارث دیگران نمی‌شوند و خودشان نیز ارث نمی‌برند» (ابن بابویه قمی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۳۳۴، ر ک: بخاری، ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۹۶) می‌باشد.

در تفسیر آیه شریفه، امام رضا علیه‌السلام یکی از مصادیق این قاعده را بیان نموده و می‌فرماید: «مقصود از این فرموده خداوند متعال این است که خدا از برای کافر بر مؤمن حجتی قرار نداده است؛ یعنی کافر نمی‌تواند مؤمن را در منطق ایمانی او مغلوب کند و او را دلیلی نباشد که به سبب آن ظفر یابد، اما با این وجود حق تعالی از کفاری خبر داده است که پیامبران را به ناحق کشتند و چنین قتلی ناقض نفی سیل نیست؛ زیرا قاتلان نتوانستند از لحاظ منطقی بر آنان چیره شوند» (ابن بابویه قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۲۰) البته این امر کاملاً واضح است که حجت و دلیل یکی از مصادیق «سبیل» در آیه می‌باشد و از آن جا که این کلمه نکره بوده و در سیاق نفی به کار رفته است، عمومیت را می‌رساند. (طوسی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۳۶۴؛ طیب، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۲۴۶؛ خمینی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۵۴۱)

نکته قابل توجه آن است که کافران نه تنها از نظر منطق بلکه از نظر نظامی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و خلاصه از هیچ نظر نباید بر افراد با ایمان، چیره گردند؛ و اگر پیروزی آن‌ها را بر مسلمانان در میدان‌های مختلف با چشم خود می‌بینیم به خاطر آن است که بسیاری از مسلمانان، مومنان واقعی نیستند و راه و رسم ایمان و وظائف و مسئولیت‌ها و رسالت‌های خویش را به کلی فراموش کرده‌اند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۴۷)

در نظر امام رضا علیه‌السلام هر نوعی از فعالیت‌های اقتصادی باید به دور از هر گونه احساس ذلت انجام پذیرد و محافظت کردن از عزت مسلمانان و مانع شدن از تحقیر ایشان بسیار مهم می‌باشد. سیره آن امام معصوم علیه‌السلام در مورد پرداخت صدقه به طور پنهانی بهترین شاهد بر این ادعا خواهد بود که از جمله آن صدقه دادن به مردی از خراسان از اتاقی دیگر می‌باشد.

(مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۹، ص ۱۰۱). در روایت دیگری، امام رضا علیه‌السلام می‌فرماید: «الَّذِي يَطْلُبُ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ «عَزَّوَجَلَّ» مَا يَكْفِيهِ عِيَالَهُ أَكْثَرُ أَجْرًا مِنَ الْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ «عَزَّوَجَلَّ»؛ کسی که دنبال فعالیت اقتصادی است تا درآمدی کسب کند و به وسیله آن درآمد زندگی خود و عیال و کسانی که تحت تکفل او هستند را تأمین کند، ارزش و پاداش کار این انسان از کسی که در راه خدا جهاد می‌کند، بالاتر است» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۸۸) عبارت «مَا يَكْفِيهِ عِيَالَهُ»، به معنای استقلال اقتصادی داشتن و تکیه نمودن بر نیروی خویش، بدون دخالت دیگران برای اداره معیشت زندگی می‌باشد.



ضعف اقتصادی به هر علتی که باشد - یا به خاطر عدم مدیریت و برنامه‌ریزی داخلی یا به علت فشار تحریم‌های خارجی - موجب خوار و ذلیل شدن امت اسلامی در برابر دشمنان اسلام می‌شود؛ در طرف مقابل اگر جامعه اسلامی از نظر اقتصادی در وضع خوبی به سر برد و بر اثر تلاش و زحمت خود را از دیگران بی‌نیاز سازد، دارای عزت و شرافتی می‌گردد که خداوند در قرآن آن را مخصوص مؤمنان خوانده است: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (منافقون، ۸)

۳. حفظ اصول و ارزش‌های اسلامی

رعایت اخلاق در امور اقتصادی یکی از آموزه‌های اسلام است که این امر باید در اقتصاد مقاومتی هم در نظر گرفته شود. منظور از رعایت اصول اخلاقی در اقتصاد، مجموعه خوبی‌ها و بدی‌هایی است که بر رفتار اقتصادی انسان در مرحله تحصیل درآمد و مصرف تأثیر گذار است. (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۷۹، ۲۰۷)

امام رضا علیه السلام در تبیین این موضوع فرموده‌اند: «أَفْضَلُ الْمَالِ مَا وَقِيَ بِهِ الْعَرَضُ؛ بهترین مال آن مالی است که با آن آبرو مصون بماند» (عطاردی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۳۰۲) بر اساس این روایت، امام رضا علیه السلام حفظ آبروی هر شخص مسلمان یک اصل مهم در اقتصاد اسلامی می‌باشد. با توجه به این روایت امام رضا علیه السلام باید عرضه داشت: حفاظت نمودن از عزت و آبروی نظام جمهوری اسلامی ایران، قطعاً از حفاظت آبروی فردی و خانوادگی اهمیت بیشتری دارد. حضرت رضا علیه السلام در حدیثی دیگر می‌فرمایند:

«يَا عَلِيُّ بْنُ شَعِيبٍ! مَنْ أَحْسَنَ النَّاسَ مَعَاشاً؟ قُلْتُ: أَنْتَ يَا سَيِّدِي أَعْلَمُ بِهِ مَنِي. فَقَالَ: مَنْ حَسَنَ مَعَاشٍ غَيْرِهِ فِي مَعَاشِهِ. يَا عَلِيُّ! مَنْ أَسْوَأَ النَّاسَ مَعَاشاً؟ قُلْتُ: أَنْتَ أَعْلَمُ. قَالَ مَنْ لَمْ يَعْشَ غَيْرِهِ فِي مَعَاشِهِ؛ اَي عَلِيُّ بْنُ شَعِيبٍ! چَه كَسِي از همه مردم بهتر زندگي مي‌كند؟ گفتم: اَي سرور من، شما داناتر. آن حضرت فرمودند: آن كس كه ديگران در زندگي او شريك باشند. چَه كَسِي از همه بدتر زندگي مي‌كند؟ گفتم: شما داناتر هستيد. آن حضرت فرمودند: آن كس كه ديگران در زندگي او شريك نباشند» (ابن شعبه حراني، ۱۴۰۴، ۴۴۸)

این امر اساسی، قاعده‌ای بسیار با ارزش در روابط اقتصادی و گردش ثروت‌ها می‌باشد که هر مسلمانی باید دیگران را در زندگی خود شریک کرده و مانند برادر با ایشان برخورد نماید. زکریا بن آدم چنین عرضه می‌دارد: «سَأَلْتُ الرِّضَا عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الذِّمَّةِ أَصَابَهُمْ جُوعٌ، فَاتَى رَجُلٌ بَوْلَدَ لَهُ، فَقَالَ: هَذَا لَكَ أَطْعَمَهُ وَهُوَ لَكَ عَبْدٌ. قَالَ «عَلَيْهِ السَّلَامُ»: لَا يُبْتَاعُ حُرٌّ فَانَّهُ لَا يَصْلَحُ لَكَ وَلَا مِنْ أَهْلِ الذِّمَّةِ؛ از امام رضا علیه السلام پرسیدم که مردی از اهل ذمه که

به فقر و گرسنگی دچار شده بود فرزندش را آورد و گفت: فرزندم مال تو، او را خوراک بده و او برده تو باشد. امام علیه السلام فرمودند: (انسان) آزاده خرید و فروش نمی‌شود. این کار شایسته تو نیست، از ذمیان نیز روا نمی‌باشد» (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۷۷)

امام در حدیث مذکور، بر کرامت انسان تأکید کرده و هرگز جایز نمی‌دانند که انسان‌ها با ارزش‌های مادی ارزیابی گردد. در سیره امام رضا علیه السلام دین و مذهب شخص هم ملاک ابتدایی نمی‌باشد بلکه محور توجه امام، انسانیت اوست.

۴. اصلاح الگوی مصرف

در اصطلاح اقتصادی، مصرف به معنای استفاده از کالا یا خدمات برای برطرف نمودن نیازهای مختلف در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. (ر.ک: رزاقی، ۱۳۷۴، ۱۳۵؛ ابراهیمی، ۱۳۷۵، ۱۱۵) بدون تردید هر فردی می‌کوشد تا درآمد به دست آورده تا آن را مصرف نماید و در نتیجه زندگی مطمئن و آرامی برای خود و خانواده‌اش فراهم آورد. (مصباحی، ۱۳۸۶، ۳۷۰)

بی‌تردید یکی از مهم‌ترین - و شاید بتوان گفت: مهم‌ترین - عناصر در اقتصاد مقاومتی، عنصر مصرف می‌باشد بویژه در شرایطی که جامعه تحت فشار و تحریم‌های دشمنان قرار داشته باشد که نیاز به مدیریت عالمانه و مدبرانه مصرف یک ضرورت مهم به شمار می‌آید. (ر.ک: پیام نوروزی مقام معظم رهبری به مناسبت آغاز سال ۱۳۸۸). در نگاه اسلامی مصرف به عنوان ابزاری در جهت رشد کمالات انسانی و رسیدن به قرب الهی است (ایروانی، ۱۳۸۴، ۲۶۹) و به همین خاطر محدودیت‌ها و چارچوب خاصی برای آن در نظر گرفته شده است. خداوند متعال در سوره نحل در رابطه با مطلوبیت استفاده از نعمت‌ها می‌فرماید:

«فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَ اشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ؛ پس، از آن چه خدا روزیتان کرده است، حلال و پاکیزه بخورید و شکر نعمت خدا را بجا آورید اگر او را می‌پرستید!» (نحل، ۱۱۴) هم‌چنین در برخی از آیات برای مصرف حد تعیین شده و از برخی نعمت‌ها نهی شده است (طه، ۸۱؛ أعراف، ۳۲؛ مائده، ۸۷)

تاکیدات مختلف مرتبط با «اصلاح الگوی مصرف» رهبری معظم انقلاب از جمله در متن سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، حاکی از نقش اساسی اصلاح الگوی مصرف در مقاوم سازی اقتصاد کشور در مقابل مخاطرات داخلی و خارجی است. ایشان در متن ابلاغیه سیاست‌های اقتصاد مقاومتی هم به این امر توجه داشته و در بند هشتم آن چنین آورده‌اند: «مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی همراه با برنامه‌ریزی برای ارتقاء کیفیت و رقابت‌پذیری در تولید»

مهم ترین مؤلفه های اصلاح الگوی مصرف در کلام امام رضا علیه السلام و مقام معظم رهبری عبارتند از:

الف) اعتدال و میانه روی

این عنصر یکی از مبانی مهم در بخش مصرف می باشد تا جایی که شهید مطهری می فرماید: «پیمودن راه تکامل و دستیابی به هدف نهایی در گرو رعایت اعتدال و میانه روی در تمام زمینه های زندگی است» (مطهری، ۱۳۵۸، ۴۱)

از دیدگاه امام رضا «علیه السلام»، تصرفات شخص در اموال خویش، محدود است؛ یعنی این گونه نیست که حال که اموال انسان ملک اوست و به وی تعلق دارد، بتواند در آن ها هر گونه که خواست، تصرف کند، بلکه تصرف او باید در حد میانه و متعادل و به دور از اسراف و خست باشد. او هم اجازه ندارد که خست ورزد و در مصرف بر خود سخت گیرد و هم مجاز نیست که اموال خویش را ریخت و پاش نماید. (ر ک: حکیمی، ۱۳۷۶، ۸۳)

یکی از یاران امام هشتم علیه السلام می گوید: از امام رضا علیه السلام درباره چگونگی تأمین مخارج خانواده جویا شدم. فرمودند: «مخارج خانواده، حد وسط است میان دو روش ناپسند» گفتیم: «فدایت شوم، به خدا سوگند! نمی دانم این دو روش چیست؟» فرمود: «دو روش ناپسند، اسراف و خست است. آیا نمی دانی که خداوند بزرگ، اسراف (زیاده روی) و اقتار (خسیمی) را ناخوشایند می دارد و در قرآن می فرماید: «آنان که هرگاه چیزی ببخشند، نه زیاده روی می کنند و نه خست می ورزند بلکه در میان این دو، حد اعتدالی دارند» (ابن بابویه قمی، ۱۴۰۳، ۵۵)

حضرت در حدیثی دیگر می فرمایند:

«عَلَيْكُمْ بِالْقَصْدِ فِي الْغِنَى وَالْفَقْرِ وَالْبِرِّ مِنَ الْقَلِيلِ وَالْكَثِيرِ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُعْظِمُ شِقَّةَ التَّمَرَةِ حَتَّى يَأْتِيَ يَوْمَ الْقِيَمَةِ كَجَبَلٍ أَحَدٍ؛ بر شما باد به میانه روی در فقر و ثروت، و نیکی کردن چه کم و چه زیاد، زیرا خداوند متعال در روز قیامت یک نصفه خرما را چنان بزرگ نماید که مانند کوه احد باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۳۴۶). در روایتی دیگر از حضرت امام رضا «علیه السلام» در مورد معنای قناعت سؤال شد که حضرت در پاسخ فرمودند: «قناعت، جامع صفات خویشتن داری و ارجمندی و آسوده شدن از زحمت فزون خواهی و بندگی در برابر دنیاپرستان است» (ابن ابی الفتح الإربلی، ج ۳، ص ۱۰۰)

ب) داشتن روحیه قناعت

یکی از شاخصه های اقتصاد مقاومتی داشتن روحیه قناعت در جامعه اسلامی می باشد؛ قناعت

در لغت در معنای «راضی بودن به قسمت و روزی انسان یا راضی بودن به قلیل و کم است» (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۵۵۲) و در اصطلاح به حالتی گفته می‌شود که برای نفس اتفاق می‌افتد و عامل اکتفا کردن انسان به مقدار حاجت و ضرورت است. (نراقی، ۱۳۷۴، ۲۸۲). حضرت امام رضا علیه السلام، پیروانشان را به رضایت به رزق اندک توصیه می‌کردند: «مَنْ رَضِيَ عَنِ اللَّهِ تَعَالَى بِالْقَلِيلِ مِنَ الرِّزْقِ رَضِيَ اللَّهُ مِنْهُ بِالْيَسِيرِ مِنَ الْعَمَلِ؛ هر کس به رزق و روزی کم از خدا راضی باشد، خداوند از عمل کم او راضی باشد» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ۴۴۹). اساس زیاده‌روی در مصرف، عدم روحیه قناعت و چشم طمع داشتن به اموال دیگران و آرزوی دستیابی به داشته‌های آنان می‌باشد. داشتن روحیه قناعت در اقتصاد مقاومتی سبب آرامش روحی و فکری برای امت اسلامی بوده و تلاش دشمنان اسلام برای از بین بردن این آرامش را از بین خواهد برد.

ج) ایجاد فرهنگ صحیح مصرف

مراد از فرهنگ صحیح مصرف، یعنی مصرفی که مبتنی بر عقلانیت و دانش و با توجه به شرایط و زمان و همچنین نیازهای اساسی جامعه شکل گرفته و از هر گونه افراط و تفریطی به دور باشد. امام رضا علیه السلام حتی به دور انداختن نیم خورده میوه‌ای اعتراض فرمودند و آن را نکوهش کردند: «أَكَلُ الْغُلَمَانِ فَكْهَةٌ وَ لَمْ يَسْتَقْصُوا أَكْلَهَا وَ رَمَوْا بِهَا! فَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ «عَلَيْهِ السَّلَامُ»: سَبْحَانَ اللَّهِ! إِنْ كُنْتُمْ إِسْتَغْنَيْتُمْ فَإِنَّ النَّاسَ لَمْ يَسْتَغْنُوا أَطْعَمُوهُ مِنْ يَحْتَاجُ إِلَيْهِ؛ روزی غلامان میوه‌ای را می‌خوردند ولی پیش از آن که آن را کاملاً مصرف کنند، دور می‌انداختند! حضرت به آن‌ها فرمودند: سبحان الله! اگر شما از آن بی‌نیازید عده‌ای از مردم از آن بی‌نیاز نیستند. آن را به کسی که محتاج است، بخورانید» (برقی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۴۴۱)

د) لزوم مصرف کالاهای داخلی

همان‌طور که قبلاً اشاره شد قرآن و پیشوایان معصوم علیهم السلام بر عزت و سربلندی فرد و جامعه اسلامی و نفی سلطه بیگانگان بر آن‌ها تأکید دارند؛ رسیدن به استقلال همه جانبه واقعی و کرامت و شرافت انسانی برای افراد یک ملت زمانی ممکن است که همگان در برابر منافع ملی و تولیدات داخلی حساس باشند. در نتیجه باید استقلال اقتصادی به مرحله خودکفایی برسد.

خودکفایی به این معناست که جامعه اسلامی بتواند کالاهای مورد نیاز را خودش تولید کند

و ناگزیر از وارد کردن کالا از خارج نباشد؛ البته گاهی به منظور جلوگیری از هزینه‌های زیاد تولید داخلی باید برخی از کالاها از خارج وارد گردند که این هم منافاتی با خودکفایی ندارد زیرا جامعه توانایی تولید آن کالاها و برطرف نمودن نیازمندی‌های خود را داراست؛ بنابراین در تعریف خودکفایی، گونه‌ای از توان‌مندی اقتصادی نهفته است. (ر ک: عظیمی، ۱۳۸۷، ۳۸۸)

خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ و [شما مسلمانان] سست نشوید! و غمگین نگردید! و شما برترید اگر ایمان داشته باشید» (آل عمران، ۱۳۹) طبق صریح آیه یاد شده، مؤمنین نسبت به دیگران برتری خواهند داشت. از طرفی می‌دانیم که یکی از لوازم برتری، بی‌نیازی اقتصادی از دولت‌های استکباری و خودکفایی مسلمانان است زیرا بدیهی است که نیاز و احتیاج به دیگران همیشه ملزم با ذلت و اسارت است.

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «الَّذِي يَطْلُبُ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ «عَزَّوَجَلَّ» مَا يَكْفِيهِ عِيَالَهُ أَكْثَرُ أَجْرًا مِنَ الْمَجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ «عَزَّوَجَلَّ»؛ کسی که دنبال روزی می‌رود تا آبروی خود و خانواده‌اش را حفظ کند، اجر و پاداشش از رزمنده‌ای که در راه خدا جنگ می‌کند بیشتر است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۸۸) یعنی کار و تلاش در دیدگاه امام رضا «علیه السلام»، برای حفظ آبروی خانواده آن قدر با ارزش است که آن را بالاتر از جهاد در راه خدا اعلام نمودند و قطعاً حفظ آبرو با تأکید بر تولید داخلی محقق خواهد شد.

۵. مبارزه با مفاسد اقتصادی

مبارزه با مفاسد اقتصادی، یکی از مهم‌ترین ارکان اقتصاد مقاومتی است. بر اساس آموزه‌های قرآن کریم، قوام جامعه به اقتصاد و سلامت آن است. خداوند متعال در آیه پنجم سوره نساء در این باره فرموده است: «لَا تَوْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا؛ و اموال خود را که خداوند آن را وسیله قوام [زندگی] شما قرار داده به سفیهان مدهید و [الی] از [عواید] آن به ایشان بخورانید و آنان را پوشاک دهید و با آنان سخنی پسندیده بگویید» (نساء، ۵)

خداوند متعال در قرآن کریم، علاوه بر تأکید بر اقتصاد سالم، درباره عاقبت مفسدان اقتصادی و کسانی که در زمین دست به فسادهای گسترده می‌زنند، می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ؛ و کسانی که زر و سیم را گنجینه می‌کنند و آن را در راه خدا هزینه نمی‌کنند ایشان را از عذابی دردناک خبر ده» (توبه، ۳۴)

سرمایه‌داری و پول‌پرستی از دیدگاه امام رضا علیه‌السلام نیز پدیده شوم و شیطانی است که با تعلیم پیامبران و ایمان به روز رستاخیز سازگاری ندارد. امام رضا علیه‌السلام در نکوهش این موضوع می‌فرماید: «... و البرائه ممن نفی الأخیار ... و جعل الأموال دولة بين الأغنياء ...» (از ایمان است) بیزاری از کسانی که نیکان را از جامعه (اسلامی) تبعید کردند و اموال (مسلمانان) را میان ثروتمندان به گردش گذاشتند» (ابن بابویه قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۳۳)

هم‌چنین امام رضا علیه‌السلام در سخنی دیگر در مذمت سرمایه‌داری و حرص مال می‌فرماید: «لا يجتمع المال إلا بخصال خمس: ببخل شديد و أمل طويل و حرص غالب و قطيعه الرحم و إثار الدنيا على الآخرة؛ مال دنیا جمع نشود مگر در سایه پنج خصلت: بخل زیاد، آرزوهای دراز، آزمندی چیره (بر انسان)، ترک صله رحم (و رسیدگی به بستگان تنگدست) و دنیادوستی و فراموش کردن آخرت. (ابن بابویه قمی، ۱۴۰۳، ۲۸۲)

یکی دیگر از مهم‌ترین معیارهای باطل رشد سرمایه‌داری در جامعه که در احادیث امام رضا علیه‌السلام نیز به عنوان عامل فساد معرفی شده است، پدیده رباخواری است. این پدیده به عنوان یکی از مهم‌ترین امور ناپسند اقتصادی است که مورد مذمت دین اسلام و نکوهش ائمه اطهار علیهم السلام نیز واقع شده است. امام رضا علیه‌السلام درباره تحریم این موضوع می‌فرماید: «عَلَّةُ تَحْرِيمِ الرَّبَا، أَنَّما نَهَى اللهُ «عَزَّوَجَلَّ» عَنْهُ، لِمَا فِيهِ مِنْ فَسَادِ الْأَمْوَالِ، ... كَمَا حَظَرَ عَلَى السَّافِيهِ أَنْ يَدْفَعَ إِلَيْهِ مَالَهُ لِمَا يَتَخَوَّفُ عَلَيْهِ مِنْ إِفْسَادِهِ؛ علت تحریم ربا این است که خداوند عزوجل از ربا نهی کرد، چون مایه تباهی اموال است ... چنان‌که سفیهان را از این‌که اموال خود را در دست گیرند، منع نمود چون بیم تباهی آن اموال می‌رود. (ابن بابویه قمی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۵۶۶)

۶. عدالت اقتصادی

راغب اصفهانی در کتاب مفردات عدالت را برابری و توازن تعریف می‌کند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۳۳۶) حضرت علی علیه‌السلام هم در بیان معنای این واژه فرموده‌اند: «يُضَعُ الْأُمُورُ مواضعها؛ عدالت هر چیزی را در جای خود می‌نشاند» (نهج البلاغه، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۰۲، حکمت ۴۳۷)

اصل عدالت در فعالیت اقتصادی از مهم‌ترین اصول در نظام اقتصادی است و در قرآن کریم اقامه قسط و عدل هدف فرستادن کتاب و نهادن میزان میان مردمان شمرده شده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا

الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ؛ ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آن‌ها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند؛ و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منافعی برای مردم است، تا خداوند بداند چه کسی او و رسولانش را یاری می‌کند بی‌آن‌که او را ببینند؛ خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است» (حدید، ۲۵)

در تعالیم رضوی بر لزوم اجرای عدالت تأکید فراوان شده است و در روایتی کوتاه عدالت اجتماعی را عامل پایداری اقتصاد بر می‌شمرد؛ امام علیه‌السلام می‌فرماید: «إستعمال العدل و الإحسان مؤذن بدوام النعمة؛ به کار بستن دادگری و نیکوکاری عامل پایداری نعمت‌هاست» (ابن بابویه قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۶)

نتیجه‌گیری

جمع بندی فرمایشات ثامن الحجج امام رضا علیه‌السلام در مورد مبانی اقتصاد مقاومتی را می‌توان در موارد زیر بر شمرد:

۱. یکی از بزرگترین عوامل برای مقابله با تهدیدات دشمن، رسیدن به مرحله‌ای است که نیازهای جامعه اسلامی در درون خود کشور تولید گردد و کشور در زمینه اقتصادی به اقتدار کامل دست یابد.
۲. یکی از مهم‌ترین مبانی اقتصاد مقاومتی، از قاعده نفی سبیل استفاده می‌گردد؛ بی‌تردید در زمان فعلی، مناسب‌ترین روش برای جلوگیری از نفوذ استعمار و بیگانگان، تمسک به این قاعده در بعد اقتصادی و پیاده نمودن اقتصاد مقاومتی در کشور خواهد بود.
۳. رعایت اخلاق اسلامی در امور اقتصادی یکی از آموزه‌های اسلام است که باید در اقتصاد مقاومتی هم به عنوان مبنایی کارآمد در نظر گرفته شود.
۴. یکی از مهم‌ترین مبانی در اقتصاد مقاومتی، اصلاح نمودن الگوی مصرف می‌باشد که با مؤلفه‌هایی نظیر اعتدال و میانه‌روی، داشتن روحیه قناعت، ایجاد کردن فرهنگ صحیح مصرف و لزوم استفاده و مصرف کالاهای داخلی امکان‌پذیر می‌باشد.
۵. یکی دیگر از ارکان اقتصاد مقاومتی مبارزه با مفاسد اقتصادی است؛ سرمایه‌گذاری مردمی و کار سالم مردمی، بدون مبارزه با مفاسد اقتصادی مفهومی نخواهد داشت.
۶. یکی دیگر از مبانی اقتصاد مقاومتی عدالت‌مداری است به طوری که رونق اقتصادی بدون عدالت اجتماعی فائده‌ای ندارد و در هرگونه پیشرفت اقتصادی کشور، باید وضع طبقات محروم به معنی واقعی کلمه، بهبود یابد.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، تحقیق و شرح: عبده، محمد، اول، قم، دارالذخائر، ۱۴۱۲ ه. ق.
۳. ابراهیمی، محمد حسین، اقتصاد در قرآن، اول، قم، مرکز انتشارات دفتر حوزه علمیه قم، ۱۳۷۵ ه. ش.
۴. ابن ابی الفتح الإربلی، علی بن عیسی، كشف الغمة فی معرفة الأئمة، بیوت، دار الأضواء، بی. تا.
۵. ابن بابویه قمی، محمد بن علی بن حسین، الخصال، تصحیح و تعلیق: غفاری، علی اکبر، قم، منشورات جماعه المدرسين فی الحوزة العلمية، ۱۴۰۳ ه. ق.
۶. عیون أخبار الرضا «علیه السلام»، تصحیح و تعلیق: أعلمی، حسین، بیروت، مؤسسة الأعلمی للطبوعات، ۱۴۰۴ ه. ق.
۷. من لا یحضره الفقیه، تصحیح و تعلیق: غفاری، علی اکبر، دوم، قم، منشورات جماعه المدرسين فی الحوزة العلمية، ۱۴۰۴ ه. ق.
۸. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول «صلی الله علیهم»، تصحیح و تعلیق: غفاری، علی اکبر، قم، مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعه المدرسين، ۱۴۰۴ ه. ق.
۹. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، قم، نشر ادب حوزه، ۱۴۰۵ ه. ق.
۱۰. ایروانی، جواد، اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۴ ه. ش.
۱۱. بخاری، محمد بن اسماعیل، الصحيح، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱ ه. ق.
۱۲. برقی، أحمد بن محمد بن خالد، المحاسن، اول، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۰ ه. ق.
۱۳. جوهری، فخرالدین، مجمع البحرين، تحقیق: حسینی، سید أحمد، مکتب النشر الثقافه الإسلامیه، ۱۴۰۸ ه. ق.
۱۴. حکیمی، محمد، معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی «علیه السلام»، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۷۶ ه. ش.
۱۵. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، جانزاده، ۱۳۶۲ ه. ش.
۱۶. دیلمی، احمد - آذربایجانی، مسعود، اخلاق اسلامی، دوم، قم، دفتر نشر و پخش معارف، ۱۳۷۹ ه. ش.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم، ۱۴۱۲ ه. ق.
۱۸. رزاقی، ابراهیم، الگوی مصرف و تهاجم فرهنگی، تهران، انتشارات چاپخش، ۱۳۷۴ ه. ش.
۱۹. زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ه. ق.
۲۰. شهید ثانی، زین الدین، مسالک الأفهام إلى تنقیح شرایع الإسلام، اول، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه، ۱۴۱۸ ه. ق.
۲۱. صدر، محمدباقر، اقتصادنا، مشهد، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵ ه. ش.
۲۲. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، منشورات جماعه المدرسين فی الحوزة العلمية، بی. تا.
۲۳. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرين، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵ ه. ش.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، اول، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۳ ه. ق.
۲۵. التهذیب الأحکام فی شرح المقنعه، تحقیق و تعلیق: موسوی، سید حسن، چهارم، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵ ه. ش.
۲۶. طبیب، سید عبدالحسین، أطیب البیان فی تفسیر القرآن، دوم، تهران، نشر اسلام، ۱۳۷۸ ه. ش.
۲۷. عطاردی، عزیز الله، مسند الإمام الرضا «علیه السلام»، مشهد، مؤسسه طبع و نشر آستان قدس رضوی، ۱۴۰۶ ه. ق.
۲۸. عظیمی، حسین، مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران، تهران، نشر نی، ۱۳۸۷ ه. ش.

۲۹. فراهیدی، خلیل بن أحمد، العین، قم، دارالهجرة، ۱۳۶۸ هـ ش.
۳۰. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، بیروت، دارالعلم، بی تا.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح و تعلیق: غفاری، علی اکبر، چهارم، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵ هـ ش.
۳۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، تحقیق: بهبودی، محمد باقر، دوم، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ هـ ش.
۳۳. محقق کرکی، علی بن حسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، دوم، قم، مؤسسه آل البيت «علیهم السلام»، ۱۴۱۴ هـ ق.
۳۴. مصباحی مقدم، غلامرضا، مبانی اقتصاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۶ هـ ش.
۳۵. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴ هـ ش.
۳۶. مطهری، مرتضی، انسان کامل، قم، صدرا، ۱۳۵۸ هـ ش.
۳۷. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۰ هـ ش.
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، اول، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴ هـ ش.
۳۹. موسوی بجنوردی، سید حسن، القواعد الفقهیة، اول، قم، نشر الهادی، ۱۴۱۹ هـ ق.
۴۰. نراقی، ملا أحمد، معراج السعادة، قم، هجرت، ۱۳۷۴ هـ ش.

استراتژی‌های معنوی در مدیریت استرس (با تأکید بر مطالعه تطبیقی تعالیم امام رضا علیه السلام و آراء روان‌شناسان معاصر)

احسان پوراسماعیل^۱

حانیه خوش^۲



چکیده:

مدیریت استرس از جمله مباحث مهمی است که در قرن اخیر توجه روانشناسان معاصر را با توجه به پیچیدگی‌های زندگی ماشینی به خود جلب کرده است. برای کنترل و مهار آن و بهبود سلامت روان، وزارت بهداشت به عنوان نهاد رسمی در کشور از پنج مؤلفه‌ی مهم به عنوان استراتژی معنوی به منظور کاهش استرس یاد می‌کند که این مؤلفه‌ها عبارتند از: حمایت اجتماعی، شرکت در مراسم مذهبی، شکرگزاری، بخشش و انجام کارهای خیر و داوطلبانه.

این مؤلفه‌ها با نظرات روان‌شناسان معاصر تطبیق داده شد و به منظور بسط و گسترش این مؤلفه‌ها، تحقیقات و پژوهش‌هایی که اثرگذاری این عوامل را در ارتقای سلامت فرد نشان می‌دهد جمع‌آوری گردید و مشخص شد افرادی که باورهای مذهبی داشته و از این مؤلفه‌ها در زندگی خود بهره‌مند هستند، از سلامت روان بالاتر و استرس کمتری برخوردارند. نکته‌ی حائز اهمیت که بعد از بررسی زندگی امام رضا علیه السلام بدان رسیدیم، تأکیدات فراوان ایشان در سخنان و سیره‌ی خویش، در ابعاد مختلف، نسبت به این مؤلفه‌های پنج‌گانه است. همچنین با بررسی سخنان و سیره‌ی امام رضا(ع) ضمن تأکید به این مؤلفه‌های پنج‌گانه، شاهد عنوان‌های جدیدی هستیم که هنوز تمام ابعاد آن را اندیشمندان بررسی نکرده‌اند؛ مانند: توکل، مثبت‌اندیشی، لزوم برنامه‌ریزی در زندگی، بیمار بیمار و شادزیستی مؤمنانه و...

کلیدواژه‌ها: امام رضا علیه السلام، مدیریت استرس، استراتژی معنوی، سلامت روان، مذهب

۱. استادیار علوم قرآن و حدیث، مؤسسه آموزش عالی آرمان رضوی مشهد مقدس (نویسنده مسوول) dr.ehsanpouresmaeil@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی تهران haniyeh.khosh1995@gmail.com

بیان مسئله

یکی از مشکلات امروز انسان‌ها در دنیای معاصر، مدیریت، کنترل و مقابله با استرس است. روان‌شناسان داخلی و خارجی مؤلفه‌های مختلفی را برای کاهش استرس و اضطراب معرفی کرده‌اند، اما پرسش این است که وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به‌عنوان نهاد رسمی در ایران، چه مؤلفه‌هایی را برای بهبود سلامت روان فرد و ارتقای کیفیت زندگی شخص معرفی می‌کند. این مؤلفه‌ها در مقایسه و بررسی با پژوهش‌های روانشناسان معاصر، چه تفاوت‌هایی دارد؟ سپس پس از جمع‌بندی و تطبیق مؤلفه‌ها در فرهنگ رضوی، به چه نتایج جدیدی می‌رسیم؟

برای پرسش اول، مبنای بررسی‌ها، کتاب مرجع «مدیریت استرس» نوشته فهمیه فتحعلی لویسانی، مندرج در سایت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی قرار داده شد که به همت دفتر سلامت روانی اجتماعی و اعتیاد این وزارتخانه در دسترس همگان است. در قسمت بررسی دیدگاه‌های روان‌شناسان معاصر نیز مقاله‌های علمی در بازه زمانی سال ۱۹۷۰ تا ۲۰۲۰ مندرج در پایگاه‌های علمی معتبر، بررسی و در نهایت این مؤلفه‌ها با کلام امام ابوالحسن علی بن موسی الرضا (ع) بر اساس جوامع حدیثی شیعه، تطبیق داده شده است.

۱. رابطه معنویت و سلامت

تعریف‌های متفاوتی از معنویت ارائه شده است. برخی آن را ایمان به وجود هستی برتر و پیروی از مذهب تعریف کرده‌اند و برخی دیگر به توانایی کاوش و کشف هدف و معنای زندگی، شامل تجربه کامل زندگی، لذت‌بردن از صلح و آرامش و کمک به خود و دیگران برای تحقق کامل توانایی‌هایشان و یا خودشکوفایی اشاره می‌کنند. به عبارت دیگر، معنویت حاصل رسیدن به پاسخ این سه پرسش است: «من چه کسی هستم؟»، «چرا اینجا هستم؟» و «کجا می‌روم؟»؛ پرسش‌هایی که فرد را با حقیقت وجود خود و معنای زندگی مواجه می‌کند. نوع پاسخی که فرد به این پرسش‌ها می‌دهد، می‌تواند احساس آرامش ایجاد کند و استرس را با اعتقاد به اینکه زندگی فرد هدف و معنایی به‌غایت مهم‌تر و والاتر دارد، تخفیف دهد یا فرد را آشفته کند. بنابراین، نبود معنویت خود می‌تواند یک عامل استرس‌زا باشد؛ پدیده‌ای که در تقسیم‌بندی انواع استرس، آن را استرس فلسفی می‌نامند.

در دهه‌های گذشته مطالعات نشان می‌دهند هم مذهب و هم معنویت، بر سلامت اثر می‌گذارند. مذهب و معنویت با مؤلفه‌های گوناگون سلامت مانند فشارخون ارتباط دارند. از معنویت به‌عنوان مداخلاتی برای بهبود سلامت و کاهش استرس استفاده می‌شود. برای مثال، مطالعات نشان

داده است معنویت یا مذهب با سطح پایین تر تشویش روان شناختی، کاهش خطر بیماری های جسمی، نرخ پایین تر مصرف سیگار و مرگ و میر ارتباط دارد. همچنین، معنویت به شکل کلی با رفتارهای سالم ارتباط دارد. در نتیجه، افراد مذهبی یا معنوی معمولاً سالم تر هستند. همچنین، سلامت معنوی در کاهش استرس و اضطراب و افسردگی نقش دارد (فتحعلی لواسانی، بی تا، ص ۲۵).

تبیین های مختلفی برای رابطه معنویت و سلامت ارائه شده است، ولی به طور کلی مطالعات نشان می دهد وقتی کسی احساس می کند در جای کنترل بر عامل استرس زا دارد، نسبت به کسی که تصور می کند کنترل کمی دارد یا هیچ کنترلی ندارد، کمتر دچار بیماری می شود. این کنترل می تواند به شکل تلاش برای تغییر موقعیت با دعا و نیایش (کنترل اولیه که شبیه مقابله مسئله مدار است) و یا دیدن موقعیت به عنوان تقدیر، خواست، مصلحت یا امتحان خداوند و یا انجام اعمال مذهبی برای ایجاد آرامش در خود (کنترل ثانویه) باشد.

نوع دوم بیشتر شبیه مقابله هیجان مدار است که واکنش هیجانی به استرس را کم می کند. به طور کلی، مذهب با افزایش احساس کنترل فرد، یک مکانیزم مقابله ای مؤثر است که می تواند شکل های مختلفی داشته باشد:

- **اتکا به خود و توکل:** در این سبک مقابله، فرد خود را مسئول پیامدها می داند، ولی خداوند (یا نیروهای طبیعت) را منبع لایزالی ادراک می کند که برای موفقیت به آن نیاز دارد. چنین فردی باور دارد که خداوند به کسانی که به خودشان کمک می کنند، کمک می کند.

- **همکارانه:** فرد خداوند را همه جا یار و یاور خود می بیند و با حس همراهی او با زندگی مواجه می شود.

- **تسلیم و رضا:** کل موقعیت به خدا (یا نیروهای طبیعت) واگذار می شود با این اطمینان خاطر که او موقعیت را مدیریت خواهد کرد.

- **استغاثه فرد:** از خدا (یا نیروهای طبیعت) برای حل مشکلات درخواست کمک می کند. دو رویکرد اول مقابله، با سلامت روان و اعتماد بنفس بیشتری همراه هستند اگرچه در موقعیت هایی که در آن فرد واقعاً کنترل کمی دارد، مانند ابتلا به یک بیماری صعب العلاج، تسلیم و رضا استغاثه می تواند مفید باشد (فتحعلی لواسانی، بی تا). اما در این قسمت ضمن معرفی مؤلفه های پنج گانه به شرح هر یک می پردازیم.

۱-۱. شرکت در مراسم مذهبی:

بسیاری از افراد، عقاید افراطی و تفریطی در خصوص نقش مذهب در درمان بیماری های

روانی افراد دارند که این موضوع را بیشتر از پیش به مسئله‌ای قابل بررسی مبدل می‌کند. در این میان، شرکت در مراسم مذهبی یکی از جلوه‌های انسان‌های اهل مذهب است. با بررسی تاریخ حیات بشر ملاحظه می‌شود حضرت آدم (ع) اولین انسان و پیامبر خداست که با بنای کعبه و برگزاری مراسم حج، اولین مراسم مذهبی را در کره زمین به نام خود ثبت می‌کند (شیخ کلینی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۱۸۸) که این حاکی از نقش تأثیرگذار مذهب و شعائر آن در نهاد انسان دارد.

ویژگی مراسم حج این است که به صورت گروهی انجام می‌پذیرد و انجام مراسم مذهبی به صورت جمعی در افراد، مؤثرتر است، زیرا دردها مشترک است و انسان احساس برقراری ارتباط با دیگران کرده و تنهایی را احساس نمی‌کند. اگرچه جدای از مراسم حج، اجتماع مردم جامعه در کنار یکدیگر در هر نماز جماعت و حداقل سه بار در شبانه روز برای فرد مسلمان قابل تجربه است، در سایر ادیان نیز این روحیه کار جمعی حداقل در یک روز دیده می‌شود. بر این اساس، مردم بنا بر اعتقاد خود در روزهای شنبه (یهودیان) و یکشنبه (مسیحیان) در کنار یکدیگر جمع می‌شوند و با شرکت در مراسم مذهبی، احساس آرامش می‌کنند.

این همه در حالی شکل می‌گیرد که نگرش مذهبی در انسان‌ها به وجود آمده باشد. بر اساس تحقیقاتی که درباره رابطه بین نگرش مذهبی، مهارت‌های مقابله و سلامت روان بر روی ۲۰۰ تن از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد انجام شد، مشخص گردید هرچه سن افراد بالاتر می‌رود، نگرش مذهبی آن‌ها نیز بیشتر می‌شود. ارزش‌هایی مانند: توکل و استعانت با ۱۳/۵ درصد، صبر کردن با ۱۲/۵ درصد، دعا کردن با ۱۰/۵ درصد، توسل به پیامبران و ائمه اطهار (ع) با ۳/۵ درصد و توسل به قرآن، نماز و مغفرت هر کدام با ۲/۵ درصد در رتبه‌های بعدی مقابله با استرس قرار داشتند. همچنین، افرادی که سلامت روانی ندارند، همبستگی بین سلامت روان و نگرش مذهبی آنان ۴۲ درصد بوده است، اما افرادی که دارای سلامت روانی هستند، همبستگی سلامت روانی آن‌ها با نگرش مذهبی، ۷۱ درصد بوده است (مجدتیموری، ۱۳۸۰).

نزد دورکیم نیز دین، بیان ارزش‌های اخلاقی یک اجتماع و باورداشت‌های دسته‌جمعی آنان است. نظامی از عقاید و اعمال منتسب به اشیا و امور مقدس که همه مؤمنان را در یک اجتماع معنوی واحد یا تشکیلات دینی، گرد هم می‌آورد. دورکیم بر این باور است که دین از طریق مناسک و مراسم مذهبی، همبستگی و انسجام اجتماعی را ایجاد و حفظ می‌کند. در نظر وی، برگزاری مراسم و مناسک مذهبی، سبب تعامل و پیوند میان مردم می‌شود. این تعامل و پیوند به نوبه خود می‌تواند عامل کاهش انزوای اجتماعی و احساس تنهایی تلقی شود. اگر از طریق مناسک، پیوندهای اجتماعی ایجاد و حفظ می‌شوند، به این دلیل است که آن‌ها با این احساس

که مقدس و با حرمت هستند، انجام می‌شوند و همه کنشگران در کنار هم به شکل یکسان این احساس و عمل را تجربه می‌کنند (کلانتری و آرانی، ۱۳۹۶ ص ۲۹).

در تحقیق دیگری، مراسم مذهبی مانند مراسم اعتکاف نیز باعث بهبود سلامت روانی دانش‌آموزان شده است و در کاهش علائم اضطراب، افسردگی، علائم جسمانی و اختلال در عملکرد اجتماعی تأثیر بسزایی می‌گذارد و شادکامی را نیز به‌طور معناداری افزایش می‌دهد. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده در این مطالعه، می‌توان گفت شرکت در مراسم مذکور و مناسک مذهبی و معنوی مشابه، باعث بهبود سلامت روانی و افزایش نشاط و شادابی نوجوانان می‌شود که فراگیر شدن آن برنامه‌ریزی دقیق مسئولان را می‌طلبد (شجاعی و پرزور، ۱۳۹۶). در همین زمینه، از امام رضا (ع) نقل است:

«عُمْرَةٌ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ تَعْدِلُ حَجَّةً وَاعْتِكَافٌ لَيْلَةً فِي شَهْرِ رَمَضَانَ يَعْدِلُ حَجَّةً وَاعْتِكَافٌ لَيْلَةً فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعِنْدَ قَبْرِهِ يَعْدِلُ حَجَّةً وَعُمْرَةً وَمَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَغْتَكِفَ عِنْدَهُ الْعَشْرَ الْأَوَّخِرَ [الْعَوَابِر] مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ فَكَأَنَّمَا اعْتَكَفَ عِنْدَ قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَنْ اعْتَكَفَ عِنْدَ قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ ذَلِكَ أَفْضَلَ لَهُ مِنْ حَجَّةٍ وَ عُمْرَةٍ بَعْدَ حَجَّةِ الْإِسْلَامِ قَالَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ لِيُحْرُسَ مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ أَنْ لَا يَفُوتَهُ لَيْلَةُ الْجَهَنِّي عِنْدَهُ وَ هِيَ لَيْلَةُ ثَلَاثٍ وَ عَشْرِينَ فَإِنَّهَا اللَّيْلَةُ الْمَرْجُوءَةُ قَالَ وَ أَذْنَى الْإِعْتِكَافِ سَاعَةٌ بَيْنَ الْعِشَاءَيْنِ فَمَنْ اعْتَكَفَهَا فَقَدْ أَدْرَكَ حَظَّهُ أَوْ قَالَ نَصِيْبَهُ مِنْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ». (ابن طاووس، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۱۹۵)

یک عمره در ماه رمضان با یک حج برابر است و اعتکاف یک شب در ماه رمضان با یک حج برابر است و اعتکاف در مسجد رسول خدا (ص) و نزد مزار او با یک حج و عمره معادل است. و هر کس امام حسین (ع) را زیارت کند و دهه آخر ماه رمضان را در کنار مزار او اعتکاف کند، گویی نزد مزار پیامبر (ص) اعتکاف نموده است. و هر کس نزد مزار رسول خدا (ص) اعتکاف کند، برای او برتر از یک حج و عمره - به جز حجّه الاسلام - خواهد بود. امام رضا (ع) در ادامه فرمود: «هر کس در ماه رمضان، امام حسین (ع) را زیارت کند، بسیار مواظب باشد که شب جهنمی در کنار قبر آن حضرت اقامت کند و آن، شب بیست و سوم و شبی است که امید می‌رود شب قدر باشد. سپس فرمود: کمترین مدت اعتکاف یک ساعت بین دو نماز مغرب و عشاء است. بنابراین، هر کس این مدت را اعتکاف کند، بهره‌ی خود از شب قدر را درک کرده است.

در بررسی دیگری که در باب فواید شرکت در مراسم مذهبی انجام شده بود، نتایج نشان داد اختلال‌های روانی یکی از مشکلات جدی در تمام دنیا و از جمله ایران به‌شمار می‌آیند که با پیشرفت صنعت و تکنولوژی، رشد بیشتری داشته‌اند. ایمان به خداوند متعال نوعی قدرت معنوی

به انسان می‌بخشد و او را در تحمل سختی‌ها کمک می‌کند. همچنین، اضطراب او را کاهش می‌دهد و مقاومت او را تقویت می‌کند. شرکت در مراسم مذهبی آثار مفید روحی و جسمانی را در انسان نشان داده است (شیرآبادی و ریسی زاده، ۱۳۹۷). همچنین، نتایج تحقیقات دیگر نشان می‌دهد شرکت در مراسم مذهبی در ابعاد مختلف سلامت روان حتی خویشتنداری جنسی، اثرگذار است. در پژوهشی نقش عزاداری در محرم در افزایش خویشتنداری جنسی گروهی از دانشجویان دانشگاه‌های تهران بررسی شد. از آنجاکه عزاداری برای سالار شهیدان جزء باورهای اعتقادی و دینی مسلمانان، به‌ویژه شیعیان شمرده می‌شود و در فرهنگ‌های دیگر کمتر مشابه چنین باورهایی وجود دارد، مقایسه یافته‌های پژوهش حاضر با بررسی‌های انجام‌شده در سایر کشورهای غیرمسلمان در زمینه ارتباط معنویت و باورهای مذهبی با خویشتنداری جنسی، تا حدودی ممکن است. در تبیین تأثیر شرکت در مراسم عزاداری محرم بر افزایش خویشتنداری جنسی دانشجویان، باید گفت، در مراسم عزاداری محرم توجه به یکی از معانی عمیق هستی یعنی وجود مقدس امام سوم شیعیان و ذکر مصایب و صبر و خویشتنداری ایشان در برابر ناملایمات و سختی‌ها و... صورت می‌پذیرد که این امر می‌تواند عامل بازدارنده‌ای در برابر انجام رفتارهای ضدمعنوی مانند رفتارهای جنسی غیرخویشتندارانه قلمداد شود (عابدینی، ۱۳۸۹). امام رضا(ع) می‌فرماید: «فَعَلَى مِثْلِ الْحُسَيْنِ فَلْيَبْكِ الْبَاكُونَ فَإِنَّ الْبُكَاءَ يَحُطُّ الذُّنُوبَ» (ابن بابویه، ۱۴۰۰، ص ۷۳). یعنی: گریه‌کنندگان باید بر کسی همچون حسین(ع) گریه کنند، چرا که گریستن برای او، گناهان بزرگ را فرو می‌ریزد. اینکه انسان، احساس گناه نکند و بتواند با این احساس زندگی کند، تأثیر فراوانی بر روحیه او می‌گذارد.

پیامدهای یافته‌ها در نقش دینداری مسیحی در سلامت و سلامت روان مورد بحث قرار گرفته است (میچل و ودلرلی^۱، ۲۰۰۰). همچنین، تحقیقی در باب اثرهای شرکت در مراسم مذهبی بر مادران جوان نشان می‌دهد که جوانانی که مادران آن‌ها حداقل هفته‌ای یک بار در مراسم مذهبی شرکت می‌کردند، رضایت کلی بیشتری از زندگی خود داشتند، ارتباط بیشتری با خانواده خود داشتند و مهارت بیشتری در حل مشکلات مربوط به سلامتی داشتند و در مقایسه با جوانانی که مادران آن‌ها مشارکت کمتری داشتند، حمایت بیشتری در خدمات مذهبی از دوستان خود داشتند.

نتایج تحقیقات داخلی و خارجی در مورد اثرهای شرکت در مراسم مذهبی حاکی از نتایج مثبتی است که نشان می‌دهد افرادی که به‌صورت مستمر یا حتی گاهی در این مراسم شرکت

می‌کنند، از سلامت روان بالاتر و استرس و اضطراب و افسردگی کمتری رنج می‌برند. حتی می‌توان گفت اگر فرد باورهای مذهبی عمیقی نداشته باشد، می‌تواند با حضور در اجتماعاتی مانند گروه‌های خودیاری که گاهی فعالیت‌هایی با مضامین معنوی دارند، شرکت کنند و از آثار مثبت حضور در این اجتماعات بهره‌مند شوند. امام معصوم به عنوان کسی که از متافیزیک برای بشر خبر می‌آورد، تأثیر این اجتماعات را فراتر از محاسبات بشری ترسیم می‌کند. در این زمینه، از امام رضا(ع) منقول است که فرمود: «مَنْ جَلَسَ مَجْلِسًا يُحْيَا فِيهِ أَمْرًا لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ» (ابن بابویه، ۱۴۰۰، ص ۷۳). یعنی: هر کس در مجلسی بنشیند که در آن، امر ما احیا می‌شود، دلش در روزی که دل‌ها می‌میرند، نمی‌میرد.

۲-۱. دریافت حمایت اجتماعی

افراد، جزئی از جامعه هستند که از تماس با دیگران تشکیل شده است. این ارتباط‌ها و تماس‌ها محیط ساختاری و شبکه شخصی افراد را تشکیل می‌دهند که منجر به فراهم کردن حمایت کارکردی برای افراد می‌شود. شبکه‌های شخصی ترکیبی از همه آن‌ها (دیگران) با یک شخص (خود) است که در مرکز روابط قرار دارد. این قسمت مهم از این شبکه شخصی شامل دیگرانی است که حمایت اجتماعی را پدید می‌آورند و حمایت اجتماعی نیز با استرس، رفاه روانی، عاطفی، جسمانی، سلامتی و طول عمر افراد رابطه دارد (اگنسس و واگه و لیوینز^۱، ۲۰۰۶). طبق نظریه دورکیم، هر چه احساس نزدیکی و پیوند فرد با گروهش (برای مثال خانواده) قوی‌تر باشد، احتمال به خطر افتادن سلامتی فرد کاهش می‌یابد. حضرت رضا (ع) از پیروان خود می‌خواهند برای ایجاد گشایش در زندگی و رفاه اهل خانه بکوشند: «صاحب النعمة يجب أن يوسع على عياله» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۱۱۱). یعنی: افرادی که از نعمتی برخوردارند، باید بر زن و فرزند خود گشایش دهند. پیوندهای بین اشخاص که افراد را به جمع متصل می‌کند، در جهت حفظ آنان از خودگرایی افراطی، عمل می‌کند. تا زمانی که فرد با جمع بزرگ‌تر و اهداف آنان متصل نشده است، آنان خودگرا و خودمحور می‌شوند، به طرزى که نسبت به بهداشت روانی‌شان تخریب‌کننده است.

ابراهیم بن عباس در بیان حالات امام هشتم شیعیان می‌گوید: هرگز شخصیتی برتر از امام رضا(ع) ندیدم. هرگز پای خویش را در مقابل همنشین خویش دراز نمی‌نمود و پیش از او تکیه نمی‌داد. به خدمتگزاران دشنام نمی‌گفت، صدایش به خنده بلند نمی‌شد و همواره با غلامان و زیردستان

خود کنار سفره غذا می نشست (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۲۷۴).

دور کیم پریشانی روانی را به نبود همبستگی اجتماعی نسبت می دهد. چون فرد در فقدان پیوندهای استوار، هدف اخلاقی اش را گم می کند و اسیر ملال و انزوای مرگ آور می شود. دور کیم استدلال می کند که وجه بارز جوامع ماقبل صنعتی، ادغام اجتماعی چنان شدیدی است که فرد در آن مستحیل می شود. با پیدایش جمع صنعتی و رشد تقسیم کار، شکل ادغام اجتماعی تضعیف شد و تغییر کرد. همبستگی اجتماعی از آن پس مبتنی بر کیش فردیت بوده و وابستگی متقابل افراد، جامعه را به هم پیوند می بخشیده است. اما این تحول از جامعه ای منسجم که مبتنی بر ادغام اجتماعی شدید بود، به جامعه ای بی شکل تر که ساختاری نامنسجم داشت، ضرورتاً آسان و راحت صورت نگرفت. از یک سو اگر ادغام اجتماعی خیلی ضعیف شود، منزوی شدن افراد خطری برای آن هاست و از سوی دیگر، اگر هویت فرد نتواند جانشین هویت جامعه شود، در این صورت می گویند فرد دچار بی هنجاری است. از نظر دور کیم، مشکل اصلی جوامع جدید، رابطه فرد با جامعه است. مشکلی که به از هم پاشیدن اجتماعی و ضعف پیوندهایی برمی گردد که فرد را به جامعه مربوط می کند. از پیامدهای سست شدن رابطه فرد با جامعه، قضیه خودکشی است (آرمسترانگ، ۱۳۸۷). خداوند در قرآن کریم پیرامون خودکشی، وعید عذاب جاوید جهنم داده است:

«وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عُدُوًّا وَ ظُلْمًا فَسَوْفَ نُصْلِيهِ نَارًا وَ كَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا» (النساء، ۳۰) یعنی: و هر کس این عمل را از روی تجاوز و ستم انجام دهد، به زودی او را در آتشی وارد خواهیم ساخت و این کار برای خدا آسان است.

بر کمن و سیم (۱۹۷۹) نیز به عنوان نظریه پردازان ایده تأثیر حمایت اجتماعی بر سلامت روانی، بر شاخص هایی مانند ازدواج، تعداد تماس های فرد با دیگران (تماس های حضوری تا تلفنی و پستی)، کیفیت تماس های مورد بحث، تأکید کرده اند. آن ها استدلال می کنند که هر چه شبکه اجتماعی فرد بهتر باشد، او کمتر در معرض بیماری قرار می گیرد. همچنین، نوع ادراک فرد از تماس ها و ارتباطاتش با دیگران، اهمیت خاصی در احساس او نسبت به خود و سلامتی اش دارد (نبوی، رضادوست و بهرامی نژاد، ۱۳۸۸).

در نگاه امام رضا (ع) انسان باید با همه افراد جامعه معاشرت خوبی داشته باشد. ایشان می فرمایند: «... وَ أَجْمَلُ مُعَاشَرَتِكَ مَعَ الصَّغِيرِ وَ الْكَبِيرِ..» (علامه مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۳، ص ۱۶۷) یعنی: برخورد خود را با افراد کوچک و بزرگ زیبا و نیکو گردان.

یافته های تحقیق نشان می دهد بین حمایت اجتماعی و سلامت روان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ بدین معنا که هر چه حمایت اجتماعی دانشجویان بیشتر باشد، سلامت روان آنان نیز

در وضعیت بهتری قرار می گیرند. همچنین، میان حمایت اجتماعی خانواده‌ها، حمایت اجتماعی دوستان، حمایت اجتماعی افراد مهم زندگی، حمایت اطلاعاتی، حمایت عاطفی، حمایت ابزاری، با سلامت روان هم رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. این استنباط می شود که نقش هر یک از ابعاد حمایتی ذکر شده برای دانشجویان پررنگ تر باشد، سلامت روان بهتری خواهند داشت (حبیبی، ۱۳۹۵).

پژوهش‌ها درباره ارتباط حمایت اجتماعی و استرس نشان می دهند تعاملات حمایتی میان افراد، از پیامدهای سلامتی استرس زندگی محافظت می کند. به نظر می رسد حمایت اجتماعی می تواند افراد بحران زده را از انواع مختلف بیماری های پاتولوژیک محافظت کند: از وزن کم هنگام تولد تا مرگ، از آرتروز از طریق سل تا افسردگی، اعتیاد به الکل و سندرم فروپاشی اجتماعی. علاوه بر این، حمایت اجتماعی ممکن است میزان داروی مورد نیاز را کاهش دهد، روند بهبودی را سرعت ببخشد و مطابقت با رژیم های پزشکی تجویز شده را تسهیل کند (کوب^۱، ۱۹۷۶).

همچنین، نتایج مثبتی از اثرهای حمایت اجتماعی بر زندگی افراد سالمند نیز به دست آمده و نتایج حاکی از این است که امروزه با توجه به میزان رشد درخور توجه سالمندی در ایران، بیش از گذشته به حفظ و ارتقای سلامت و کیفیت زندگی سالمندان به عنوان یک گروه جمعیتی آسیب پذیر توجه می شود. هدف از انجام دادن این مطالعه، بررسی رابطه حمایت اجتماعی و اضطراب در سالمندان است. با توجه به روند روبه رشد سالمندی، توجه به تعیین کننده اجتماعی سلامت مانند «حمایت اجتماعی»، برای کاهش اضطراب سالمندان ضروری است و اهمیت خاصی دارد (راشدی، غریب، رضایی و یزدانی، ۱۳۹۲).

امام رضا (ع) توجه به بزرگ ترها و مهربانی با آنان را سفارش کرده و می فرماید: «وَقَرُّوا كِبَارَكُمْ وَ ارْحَمُوا صِغَارَكُمْ وَ صَلُّوا اَرْحَامَكُمْ» (ابن بابویه، ۱۴۰۰، ص ۹۴) یعنی: به بزرگترهایتان احترام بگذارید و با کوچک ترها مهربان باشید و صله رحم نمایید.

طبق تحقیقات موجود و بررسی های انجام شده، انسان، موجودی اجتماعی است و تمایل دارد در زمان ها و مکان های مختلف با دیگران ارتباط برقرار کند. این حس اتصال و ارتباط با دیگران، به کاهش تنهایی و احساس اضطراب کمک می کند و اثر مثبتی روی سلامت افراد دارد. ساختن یک شبکه اجتماعی حمایتی توسط هر فرد، می تواند به عنوان یک راهبرد مهم در برابر حوادث و مشکلات مختلف زندگی، به کار برود.

۳-۱. کارهای خیریه و داوطلبانه

امروزه، سلامت اجتماعی به عنوان یکی از ابعاد سلامت، در کنار سایر ابعاد جسمانی، روانی و معنوی نقش و اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است، به نحوی که دیگر سلامتی فقط عاری بودن از بیماری‌های جسمی و روانی نیست، بلکه به معنای چگونگی عملکرد انسان در روابط اجتماعی و تأثیرگذاری این روابط بر زیست اجتماعی است. نظریه پردازان معتقدند کیفیت زندگی و عملکرد شخصی فرد را نمی‌توان بدون توجه به اجتماع ارزیابی کرد و در واقع این جامعه است که بر روی روند و کیفیت زندگی اشخاص و عملکرد ایشان تأثیر می‌گذارد. فرد سالم از نظر اجتماعی، فردی است که اجتماع را به صورت یک مجموعه معنادار و قابل فهم و بالقوه مؤثر برای رشد و شکوفایی خود بداند و نسبت به جامعه و گروه‌های اجتماعی تنها احساس تعلق داشته باشد، و جامعه و اجتماع را نه در مقابل خویش، بلکه کنار و همراه خویش تلقی کند. از نظر آن‌ها، مؤلفه‌های سلامت اجتماعی عبارت است از: شکوفایی اجتماعی، همبستگی اجتماعی، پذیرش اجتماعی، مشارکت اجتماعی، و انسجام و یکپارچگی اجتماعی.

از سوی دیگر، فعالیت خیریه را می‌توان یک اقدام شخصی و داوطلبانه در جهت خیر عمومی و نفع اجتماعی دانست که به معنای مشارکت اجتماعی افراد در بهبود وضعیت جامعه و گروه‌های اجتماعی است. یافته‌های تحقیقات نشان می‌دهد سلامت اجتماعی از پنج شاخص اصلی تشکیل می‌شود که عبارتند از: شکوفایی اجتماعی، همبستگی اجتماعی، پذیرش اجتماعی، مشارکت اجتماعی و انسجام و یکپارچگی اجتماعی. از سوی دیگر، کنشگری در امور خیریه به منزله نوعی حمایت اجتماعی است که در بطن یک شبکه اجتماعی صورت می‌پذیرد. در نتیجه، فعالیت در امور خیریه نوعی کنش به شمار می‌آید که اگرچه به منزله حمایت اجتماعی از اقشار به خصوص آسیب پذیر صورت می‌گیرد، اما از آنجاکه: نخست، به رشد اجتماعی افراد جامعه کمک می‌کند؛ دوم، پایه‌های همبستگی اجتماعی را در گروه‌های اجتماعی فرودست محکم می‌کند؛ سوم، سبب پذیرش اجتماعی گروه‌های پایین اجتماعی در بطن جامعه می‌شود؛ چهارم، مقدمات مشارکت اجتماعی اقشار آسیب پذیر را در حیات اجتماعی فراهم می‌کند، و در نهایت به انسجام و یکپارچگی اجتماعی منجر می‌شود؛ می‌توان گفت که سبب ارتقای سلامت اجتماعی در جامعه نیز می‌شود و توجه و اهتمام به آن از این منظر بسیار حایز اهمیت است (موسوی وهندی، ۱۳۹۷).

- **اثر نوع دوستی:** یافته‌های تحقیق نشان داد بدون توجه به احساس دلبستگی فرد به جامعه و حسن نوع دوستی و خیر رساندن به دیگران، سلامت اجتماعی به طور کامل محقق نمی‌شود. بدون توجه به این امور، هرگونه برنامه ریزی و سیاست گذاری تربیتی، آموزشی و فرهنگی در

راستای سلامت اجتماعی، فاقد پشتوانه اجرایی خواهد بود، زیرا اجرای برنامه‌ها و کارآمدی امور خیر و نیکوکاری، متضمن علاقه مردم به تداوم حیات اجتماعی و همبستگی در جامعه خواهد بود. در نتیجه، اگر در جامعه هرکس به فکر خودش باشد، سازگاری، همبستگی و وحدت اجتماعی از بین خواهد رفت و افراد جامعه در جهت حفظ و پایه‌ریزی ارزشی رفتارهای نیکوکارانه تلاش نخواهند کرد و به تبع آن، سلامت اجتماعی تهدید خواهد شد (صمیمی، حیدری و خوش‌زوی، ۱۳۹۷).

پرسش این است: «آیا هدیه‌دادن باعث خوشبختی بیشتر می‌شود؟» یکی از اولین مطالعات تجربی نشان می‌دهد خوشبختی، رفتار خیرخواهانه را افزایش می‌دهد. تحقیقات نشان می‌دهد پس از تجربه مثبت رویدادها (مانند: دریافت کوکی‌ها یا یافتن سکه‌ای برای تلفن همراه)، احتمال کمک به دیگران افزایش می‌یابد. بنابراین، افرادی که احساس خوبی داشتند، بیشتر کمک می‌کردند.

امام رضا(ع) هدیه را نابودکننده کینه‌ها و دشمنی‌ها دانسته و به نقل از پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «نِعْمَ الشَّيْءُ الْهَدِيَّةُ تَذْهَبُ الضَّغَائِنُ مِنَ الصُّدُورِ» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۷۴) یعنی: بهترین چیز هدیه است. هدیه، کینه‌ها را از دل‌ها می‌برد.

- **خلق و خوی مثبت:** طبق تحقیقات دیگر مشخص شد که شرکت کنندگان در یک تحقیق در صورت داشتن خلق و خوی مثبت بیشتر به نفع محقق در طول آزمایش کمک می‌کند و حتی قول دادند که در آزمایش دوم نیز شرکت کنند. داشتن سایر حالات مثبت خلقی نیز نشان داده شده است که نועدوستی را افزایش می‌دهد. به عنوان مثال، احساس صلاحیت، رفتار و کمک داوطلبانه را افزایش می‌دهد (آنیک و آکنین و نورتون و دان، ۲۰۰۹).

کارکرد احسان: از نظر آموزه‌های دینی نیز، نیکوکاری نخستین تأثیر را در زندگی دنیوی و اخروی شخص گذاشته و سلامت روان دنیوی و سعادت ابدی اخروی او را تضمین می‌کند. عبادت در هر شکلی که باشد، یکی از عوامل سلامت روان بوده است. حسن و نیکویی عمل هم به تناسب و سازگاری اجزای آن با یکدیگر، و سازگاری و تناسب مجموعه اجزا با غایت و هدفی است که از انجام آن عمل، مدنظر است. بنابراین، احسان و نیکوکاری، رعایت این دو تناسب با مقام عمل است. حال، سؤال این است که این فعالیت‌های نیکوکارانه چه تأثیری بر سلامت روان دنیوی و سعادت ابدی اخروی افراد دارد.

بررسی توصیفی تحلیلی، روانشناختی، و استناد به آیات و احادیث، حاکی از آن است که آثار

دنیوی چون افزایش طول عمر و روزی، دریافت پاداش الهی و... آثار اخروی چون چشم‌پوشی از عقاب، رسیدن به نعمت‌های بهشتی و پاداش ابدی و... موجب سلامت روان فرد در دنیا و سعادت ابدی او در آخرت می‌شود (احمدی بیغش، ۱۳۹۷). در پژوهش دیگری مشخص شد خیران در نظام سلامت ایران به ارائه خدمات سلامت در ابعاد جسمی، روانی و اجتماعی در سطوح خدمات پیشگیری، درمانی و توانبخشی می‌پردازند. خیران به‌طور مستقیم با ارائه انواع خدمات سلامت و به‌طور غیرمستقیم با ارائه خدمات پشتیبانی مثل ساخت و تعمیر بیمارستان‌ها و مراکز بهداشتی و درمانی و تعمیر تجهیزات پزشکی، مشارکت دارند. مشارکت خیران به‌صورت فردی و غیرسازمان‌یافته یا گروهی و سازمان‌یافته، انجام می‌شود. خیران سلامت، مشارکت فعالی در ارائه خدمات در نظام سلامت ایران دارند. سیاست‌گذاران نظام سلامت باید با شناسایی نیازهای بهداشتی و درمانی کشور، مشارکت خیران سلامت را در ارائه خدمات سلامت هدفمند کنند. مدیران سازمان‌های بهداشتی و درمانی باید با مدیریت ارتباطات، تعامل مناسب و جلب اعتماد خیران سلامت، مشارکت پایدار آن‌ها را در ارائه خدمات سلامت تقویت کنند (مصدق‌راد، تاجور و احتشامی، ۱۳۹۸).

عامل محرک تکرار خدمت: همچنین، تحقیقات نشان می‌دهد انجام امور داوطلبانه با مشارکت مذهبی در ارتباط است، اما مشخص نیست که کدام یک از جنبه‌های مذهب بر طرفداران تأثیر می‌گذارد تا داوطلبانه خدمات و وقت خود را ارائه دهند. در یک پژوهش، افرادی که پرسش‌نامه درباره اعتقادات مذهبی، تجربیات و شیوه‌های خود، از جمله سبک‌های نماز را تکمیل کردند، درباره تجربیات خود از خدمات داوطلبانه، در صورت وجود انگیزه‌های آن و احتمال داوطلب شدن دوباره آن‌ها را نتیجه داد. در پایان جلسه، به شرکت‌کنندگان این فرصت داده شد تا داوطلب خدمات شوند و توسط دانشجویان پروژه‌های مختلف، با آنان تماس گرفته شد. بهترین پیش‌بینی‌کننده، قصد تکرار خدمت داوطلبانه، انگیزه ذاتی داوطلب بودن بود که با سبک‌های دعا همراه بود که بیانگر رابطه شخصی با خدا بود. اعتقاد به خدا پیش‌بینی‌کننده‌ای برای درگیری داوطلبانه برای مردان بود، اما برای بانوان این‌گونه نبود. بانوان، تجربه داوطلبانه بیشتری را نسبت به مردان گزارش کردند و به احتمال زیاد می‌گفتند که دوباره داوطلب خواهند شد. بنابراین، به‌نظر می‌رسد هم طرح‌های مذهبی و هم طرح‌های جنسیتی، بر نگرش فرد نسبت به خدمت تأثیر می‌گذارد، به‌گونه‌ای که زمینه داوطلب شدن را فراهم می‌کند (ویسس اوزوراک^۱، ۲۰۰۳).

به‌طور کلی می‌توان گفت، انجام کار خیر و داوطلبانه برای دیگری، منافع مثبتی را به‌همراه دارد. انجام این امور منجر به سطح بالاتر شادی، رضایت از زندگی، عزت نفس و حس کنترل بر زندگی می‌شود. گاهی انجام این امور می‌تواند به‌صورت فردی یا گروهی و با عضویت در مؤسسات خاص، صورت بگیرد. در مجموع، نتایج به‌دست‌آمده از تحقیقات بیانگر آن است که انجام چنین اموری از لحاظ دینی نیز بسیار پسندیده است و می‌تواند به‌عنوان استراتژی معنوی برای مقابله با مشکلات و حتی سپر دفاعی در مقابل بلایا و مریضی‌ها به‌کار رود.

۴-۱. بخشش:

عفو و بخشش یکی از فضایل اخلاقی است که در دین مقدس اسلام بر آن تأکید شده است. در سالیان اخیر، پژوهشگران وجود رابطه بین عفو و سلامت روان را در پژوهش‌های متعددی بررسی کرده‌اند. دین می‌تواند یکی از عوامل اصلی در پیش‌بینی و ارتقای سلامت روان به‌شمار آید. همچنین، باورهای آخرت‌نگرانه همچون عفو و بخشش و التزام به آن‌ها، به‌عنوان یکی از عناصر اصلی ادیان الهی، از جوانب مختلف می‌تواند به سلامت و بهزیستی روانی افراد کمک کند.

باورهای آخرت محور با این پیش‌فرض که هدف نهایی از زندگی انسان، حیات اخروی اوست و زندگی دنیا تنها مقدمه و کشتزاری برای آن زندگی جاودان است از سویی، در معنابخشی به زندگی انسان و نجات او از پوچی و از سوی دیگر، با تغییر شناخت انسان از مرگ و ارضای صحیح انگیزه بقا و نیز با ارائه مفهوم پاداش و جبران سختی‌ها، می‌تواند در بهزیستی روانی فرد و جامعه نقش مؤثری داشته باشد. التزام عملی به باورهای آخرت‌نگرانه‌ای همانند عفو، با جهت‌دهی به رفتارهای انسان و با دادن بینش صحیح نسبت به دنیا، از سویی، باعث می‌شود تا انسان از اقدام به رفتارهای پرخطر که سلامت جسمی و روانی فرد و جامعه را تهدید می‌کند بپرهیزد و از سوی دیگر، با کاستن از تنیدگی‌ها و ناکامی‌ها، به آرامش روانی دست یابد.

عفو درمانی: رشد روزافزون توجه به مسائل مطرح در حوزه تحقیقات روانشناسی سلامت، ضرورت بررسی ساختارهای دینی همچون عفو و بخشش را که در حوزه سلامتی از مؤلفه‌های مهم به‌شمار می‌روند، ایجاد کرده است. عفو، موهبتی است که هیچ انگیزشی به‌منظور جبران آن وجود ندارد (هولو وای^۱، ۲۰۰۲). شواهد تجربی مزیت عفو درباره افراد آسیب‌دیده را به اثبات رسانده است. در آن پژوهش‌ها نشان داده شده که عفو و بخشش از بزه دیگری،

می تواند مؤلفه هایی همچون سلامت فیزیکی، بهزیستی، روانشناختی، معنی در زندگی، افزایش هماهنگی، اعتماد و صلح را افزایش و خشم را کاهش دهد. علاوه بر این، در افراد مبتلا به اختلال های روانی همچون افسردگی، میزان عفو و بخشش به مراتب کمتر از افراد بهنجار است (فیاض، بشارت و فراهانی، ۱۳۹۰).

تحقیقات اخیر نشان می دهد عفو درمانی می تواند مداخله مهمی در زمینه درمان و مدیریت بیماری های مزمن باشد. روان شناسان از عفو درمانی به منظور کمک به بیمارانی که با عدم سازگاری های اجتماعی - روانی که به واسطه روابط بین شخصی مختل در زندگی آن ها به وجود آمده، استفاده می کنند. حتی در جوامع غیرروحانی، عفو یک گزینه درمانی است که به آن توجه ویژه ای می شود (خجسته کاشانی و بخشی محبی، ۱۳۹۷، ص ۲۳۳). در واقع، بزرگ ترین فایده عفو و گذشت، ایجاد تعادل در زندگی فردی و اجتماعی است. «تعادل اجتماعی» موجب بهبود روابط با دیگران و کاهش روش های نامطلوب تخلیه هیجانی مانند انتقام جویی، بدگویی از دیگران و افترا و حسد - که همگی موجب به هم خوردن ارتباط افراد با دیگران است - می گردد. توجه به همبستگی های بهداشت روان و نتایج بخشش، برای افراد مهم است. حداقل چهار دلیل وجود دارد که بخشش غالباً جزء اصلی استرس ناشی از آن است. نخست، نبود بخشش سبب استرس می شود و با کاهش سلامت روان، همراه است. دوم، بخشش ناشی از تخلفات درون شخصی ممکن است موجب افزایش سطح گناه، شرم و پشیمانی شود که به نوبه خود بر سلامت روانی فرد تأثیر منفی می گذارد. بخشش ممکن است یکی از راه های مقابله با استرس های بین فردی و درون فردی در یک فرد باشد که سبب تعدیل مثبت می شود. سوم، هزینه بیماری روانی برای جامعه بسیار زیاد است. چهارم، سلامت روان اغلب با سلامت جسمی مرتبط است. به همین ترتیب، بیماری روانی ممکن است هزینه های سلامت جسمی را افزایش دهد. پس می توان بخشش را عاملی برای بهبود سلامت روان نشان داد که به عنوان یک وسیله درمانی مناسب و یک متغیر محافظ، مهم شناخته شده است.

به صورت کلی بخشش، مؤلفه بسیار مهمی است که نه تنها بر سلامت روان ما اثرگذار است بلکه بر سلامت جسم ما هم اثرهای مثبتی دارد زیرا تحقیقات نشان می دهند عدم بخشش دیگران، بر سیستم ایمنی نیز اثرگذار بوده و فعالیت مغزی همراه با استرس، خشم و پرخاشگری را فرا می خواند، هورمون های استرس ترشح می شوند و فشار خون و سایر متغیرهای فیزیولوژیک شبیه زمانی می شود که فرد تحت استرس قرار دارد. بنابراین، وقتی فرد می تواند دیگری را ببخشد یا وقایع ناراحت کننده و ناگوار را به دست فراموشی بسپارد، به این معناست که خالصانه و نه صرفاً کلامی، می تواند گذشت کند و به دنبال انتقام جویی نیز نباشد و هیجان های مثبت را در

وجود خود جایگزین هیجان‌های منفی کند. همین امر در سلامت روان فرد و کاهش اضطراب و افسردگی و درگیری‌های ذهنی فرد نقش پررنگی را ایفا می‌کند.

در سیره امام رضا (ع) بخشش جایگاه ویژه‌ای دارد و به شکل خاصی انجام می‌شود. به عنوان نمونه: مردی بر امام رضا (ع) وارد شد و سلام کرد و گفت: «من یکی از دوستداران تو و پدرت هستم. از حج باز می‌گردم و هزینه راه تمام کرده‌ام و چیزی ندارم تا خود را به جایی (منزلی) برسانم. حال اگر هزینه بازگشت مرا تأمین کنی، بر من لطف کرده‌ای و چون به شهر خود برسم، آن مبلغ را از طرف شما صدقه می‌دهم.»

امام (ع) فرمود: «خدایت رحمت کن! بنشین.»

آن گاه امام با مردم سخن گفت. هنگامی که مجلس از حاضران تهی شد و تنها امام (ع) «سلیمان بن جعفر» و «خیثمه» ماندند، حضرت از آن دو اجازه خواست و به اندرون رفت. سپس بیرون آمد و در را بست و از بالای در، کیسه‌ای به سمت بیرون آورد و فرمود: مرد خراسانی کجاست؟ آن مرد برخاست، پاسخ داد. امام (ع) به او فرمود: این دویست دینار را بگیر و هزینه راه کن و از سوی من صدقه نده، بلکه تمام آن از آن توست.

آن مرد که خود را غرقه عنایت و بزرگواری امام (ع) می‌دید، شادمانه آن جا را ترک کرد. سلیمان به امام (ع) گفت: فدایت گردم، عطیه‌ات بسیار بود و بر او مهربانی کردی، دیگر از چه رو چهره‌ات را از او پوشانده، خود با او روبرو نشدی؟ امام (ع) در پاسخ فرمود: از آن رو خود را از دید او دور نگاه داشتم تا ذلت درخواست را در چهره او نبینم. آیا این حدیث پیامبر (ص) را شنیده‌ای که فرمود: نیکی و احسان پنهانی معادل هفتاد حج است و آن که گناه و بدی را فاش کند، تنها و رانده شده باشد؟

آن گاه فرمود: شاید گفته [آن] شاعر را شنیده‌ای که می‌گوید:

متی آته یوما لأطلب حاجتی رجعت إلی أهلی و وجهی بمائه
اگر روزی برای درخواست نیاز خود نزد او بروم؛ [به یقین] با آبروی حفظ شده پیش خانواده‌ام باز می‌گردم (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۲۳).

یا نقل شده است هرگاه سینی غذا برای امام رضا (ع) می‌آوردند، حضرتش بهترین و گواراترین آن را در همان سینی می‌نهاد و می‌فرمود تا آن را برای مستمندان ببرند و [در آن هنگام] این آیه را می‌خواند: «فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ» (البلد، ۱۱) یعنی: نخواست از گردنه بالا رود، سپس می‌فرمود: خداوند می‌داند که هر کس توان آزاد کردن بنده‌ای ندارد، از این رو [اسیر کردن گرسنه را] وسیله او برای رفتن به بهشت قرار داد». (علامه مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۹، ص ۱۰۱).

همچنین در روایت آمده است: بینوایی به امام رضا (ع) گفت: به اندازه مروت و جوانمردی‌ات

به من مالی بده! امام(ع) فرمود: این مقدار در توانم نیست. مرد بینوا دریافت که در نحوه درخواست، دچار خطا شده. لذا این بار گفت: به اندازه جوانمردی من به من عطا کن! امام(ع) فرمود: در این صورت باشد. آن گاه به غلام خود فرمود: ای غلام، دویست دینار به او بده» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۳۹).

۵-۱. شکرگزاری

در متون روانشناسی، شکرگزاری به عنوان یکی از مؤلفه های روان شناسی مثبت نگر، در سال های اخیر توجه محققان را به خود جلب کرده است (هامپرسون^۱، ۲۰۰۵). سازه شکرگزاری برای دلالت بر مفاهیم متعددی به کار رفته است؛ از جمله، قدردانی از نیکی های دیگران، قدرشناسی از داشته های خود، حیرت از شگفتی های جهان، انجام مناسک شکرگزاری، تمرکز لحظه به لحظه بر جنبه های مثبت زندگی، توجه به فناپذیری نعمت های جهان و مقایسه وقایع با اتفاق های بدتر.

امام رضا(ع) فرصت شکرگزاری را محدود ترسیم می کنند و در بیانی می فرمایند: «أَحْسِنُوا جَوَارِ النِّعَمِ فَإِنَّهَا وَحْشِيَّةٌ مَا نَأَتْ عَنْ قَوْمٍ فَعَادَتْ إِلَيْهِمْ» (علامه مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۳۴۱) یعنی: «وقتی نعمتی به شما رسید، قدر آن را کاملاً بدانید که نعمت گریزپاست، وقتی از دست رفت دیگر باز نمی گردد!»

شکرگزاری به عنوان نوعی هیجان، یک صفت شخصیت، یک فضیلت اخلاقی، یک عادت، نوعی بازخورد یا نگرش و یک پاسخ مقابله ای طبقه بندی شده است. صفت شکرگزاری یا گرایش به شکرگزاری، بر جهت گیری زندگی به سمت توجه و قدردانی نسبت به اتفاق های مثبت در زندگی اطلاق می شود (وود و فروه و گراتی^۲، ۲۰۱۰).

امام رضا(ع) از قول پدران خویش تا پیامبر(ص) می فرمایند: «أَسْرَعَ الذُّنُوبِ عُقُوبَةً كُفْرَانُ النِّعْمَةِ» (شیخ طوسی، ۱۴۱۴، ص ۴۵۰) یعنی: «سریع ترین گناهی که عقوبت آن دامن گیر انسان می شود، کفران و ناسپاسی نعمت های خداست». شکرگزاری به عنوان گرایش فرد برای قدردانی از نیکی و احسانِ بارزشی به کار می رود که محصول تلاش خود فرد نیست (مک کولاگ و امونز و تسانگ^۳، ۲۰۰۲). ادراک بهره وری از یک نعمت همراه با این برداشت که فرد دیگری مسبب بهره وری او از آن نعمت است، احساس شکرگزاری را ایجاد می کند.

1 Harpman

2 Wood & Froh & Geraghty

3 McCullough & Emmons & Tsang

تحقیقات گذشته نشان داده‌اند شکرگزاری در بهزیستی روانی و جسمانی (وود و جوزف و مالتبی^۱، ۲۰۰۹)، پیش‌بینی رضایت از زندگی، افزایش رفتارهای سودمند اجتماعی (تسانگ^۲، ۲۰۰۶) و شکل‌دهی روابط بین‌فردی با دیگران مؤثر بوده است (الگو و هایدت و گابل^۳، ۲۰۰۸). در تحقیقات همبستگی، شکرگزاری با طیفی از عواطف مثبت مانند: امیدواری، بخشایش، برانگیختگی، غرور (فروه و یارکیویسز و کاشادان^۴، ۲۰۰۹)، کیفیت ذهنی و طول مدت خواب بهتر و نهفتگی خواب و اختلال عملکرد روزانه کمتر (وود و جوزف و لیود و اتکینز^۵، ۲۰۰۹) ارتباط نشان داده است. از سوی دیگر، رابطه‌ای منفی بین افسردگی، تنش و شکرگزاری گزارش شده است (وود و مالتبی و گیلت و لینلی و جوزف^۶، ۲۰۰۸).

در واقع، راهبردهای شاکرانه، می‌تواند عواطف مثبت و شادکامی را در افراد بهنجار افزایش دهد. در متون دینی، کلمه شکرگزاری دربردارنده سه مؤلفه شناخت و آگاهی از نعمت، قدردانی از صاحب نعمت به صورت آشکار (کلامی) یا نا آشکار (باطنی) و استفاده درست و بهینه از نعمت در مسیر کمالی است که نعمت‌دهنده از او خواسته است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳). امام رضا (ع) می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمُنْعِمَ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۴) یعنی: «کسی که سپاس نعمت مخلوقین را انجام ندهد، شکر خدا را انجام نداده است.»

در واقع، شکرگزاری احساسی است که وقتی شخص، چیزی ارزشمند از دیگری دریافت می‌کند، عموماً در مبادلات بین‌فردی رخ می‌دهد. عموماً سپاسگزار بودن برای کمک به تنظیم روابط از طریق تحکیم، تأیید و تقویت آن‌ها نیز به کار می‌رود. معنای متعالی شکرگزاری در روایات مهم معنوی، به‌طور گسترده‌ای شناخته شده است که در آن شکرگزاری پاسخی جهانی به زندگی است. این کیفیت معنوی اساسی به قدردانی، در هسته اصلی هر سنت مهم مذهبی قرار دارد. شکرگزاری واقعی منجر به خوشحال شدن دیگری می‌شود. هدف نهایی آن، فرصت برای دادن بازتاب خوبی است که شخص با جستجوی خلاقانه دریافت کرده است. در واقع، قدردانی در برابر اعتقاد به خودخواهی فردی است که خود را مستحق نعمت‌هایی می‌داند که برخوردار

- 1 Wood & Joseph & Maltby
- 2 Tsang
- 3 Algoe & Haidt & Gable
- 4 Froh & Yurkewicz & Kashdan
- 5 Wood & Joseph & Lloyd & Atkins
- 6 Wood & Maltby & Gillett & Linley & Joseph

است. اما قدردانی در اصل دانستن لطفی است که فرد به وسیله آن زندگی می‌کند و این یک تحقق معنوی عمیق است. احساس ارتباط با بشریت ناشی از احساس شگفتی و شادی است که شرکت در یک شبکه پیچیده، آن را به وجود می‌آورد (استرن و امونس^۱، ۲۰۱۳). محققان شکرگزاری را به دو صورت معرفی کرده‌اند: شکرگزاری به صورت حالتی گذرا و شکرگزاری به صورت صفتی پایدار. شکرگزاری موجب مثبت‌نگری می‌شود و به افراد کمک می‌کند در صورت بروز بیماری یا ناکامی، مواجهه موفق با آن داشته باشند. توانایی یافتن نعمت‌ها و نکات مثبت در زندگی و شکر گزار بودن به خاطر آن‌ها، تاب‌آوری افراد را در واکنش به وقایع منفی زندگی افزایش می‌دهد. بنابراین شکرگزاری تأثیر بسزایی در سلامتی دارد و عاطفه مثبت و رضایت از زندگی را افزایش و عاطفه منفی را کاهش می‌دهد (مارتنیز-مارتی و آویا و هرناندز-لوردا^۲، ۲۰۱۰).

شکر، جلوه‌های متفاوتی دارد که می‌توان آن را به سه دسته کلی قلبی، زبانی و عملی تقسیم کرد. شکرگزاری با بسیاری از جنبه‌های زندگی از جمله امید، رضایت و همکاری گروهی و اجتماعی رابطه دارد و بر آن‌ها تأثیر مثبت می‌گذارد. کاهش استرس و افزایش احساس شادکامی، از فواید دیگر شکر است. همچنین، می‌توان از شکر برای پیشگیری و درمان استفاده کرد. توجه به نعمت‌ها، درست مصرف کردن و عبادت بهترین راه‌های شکرگزاری است (علمی منش، ۱۳۹۶).

به طور کلی، شکرگزاری محدود به زمان و مکان خاصی نمی‌شود و افرادی که از سلامت روان بالاتری برخوردار هستند، عموماً همواره به جنبه‌های مثبت‌تر زندگی توجه ویژه‌ای دارند و شکرگزاری می‌کنند. اما بهتر است به این نکته نیز توجه داشت که شکرگزاری محدود به توجه به جنبه‌های مثبت زندگی نیست، بلکه گاهی در حوادث ناگوار زندگی نیز معنایی نهفته است که انسان بابت این حوادث نیز بهتر است جنبه مثبت را در نظر بگیرد و در همه حال سپاسگزار باشد. در واقع، طبق بررسی‌های انجام‌شده، شکرگزاری با همه مؤلفه‌های بهزیستی روان‌شناختی، بهزیستی فاعلی و شخصیت (به جز استقلال عمل و برون‌گردی) همبستگی مثبت و معنادار دارد. انسان شکر گزار به دلیل اینکه سعی می‌کند به دنبال جنبه‌های روشن زندگی خود باشد، عموماً استرس و اضطراب کمتری را متحمل می‌شود.

1 Stern & Emmons

2 Martínez-Martí & Avia & Hernández-Lloreda

۲. مؤلفه‌های متمایز کنترل استرس در معارف رضوی علیه السلام

ویژگی دین اسلام و رهبران این آیین این است که همواره در هر موضوعی، ارائه‌کننده یک بسته کامل از معارف مبدأ و معادی هستند. چنانکه تا این قسمت مشخص شد، تمام آنچه روان‌شناسان معاصر و وزارت بهداشت ایران برای کنترل استرس ارائه کرده‌اند، در معارف رضوی یافت می‌شد، اما با بررسی‌های بیشتر به مؤلفه‌های جدیدتری می‌رسیم که هنوز ابعاد مختلف آن برای بشر مشخص نشده است. در این قسمت، به بررسی اجمالی آن‌ها می‌پردازیم. این شاخصه‌ها به شرح زیر است:

۱-۲. لزوم برنامه ریزی در زندگی

یکی از دلایل بروز استرس در زندگی افراد، نداشتن برنامه مشخص در زندگی است. این برنامه که باید به صورت کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت طرح‌ریزی شود، به کنترل استرس می‌انجامد زیرا انسان با نقشه راه مشخص، حرکت می‌کند. فقدان برنامه دقیق باعث می‌شود انسان اولویت‌های خود را نشناسد و این عدم شناخت با بروز مشکلات در آینده، استرس‌زا خواهد بود.

امام رضا(ع) می‌فرماید: «... وَاجْتَهِدُوا أَنْ يَكُونَ زَمَانُكُمْ أَرْبَعَ سَاعَاتٍ سَاعَةً لِلَّهِ لِمُنَاجَاتِهِ وَ سَاعَةً لِأَمْرِ الْمَعَاشِ وَ سَاعَةً لِمُعَاشَرَةِ الْإِخْوَانِ الثَّقَاتِ وَ الَّذِينَ يَعْرِفُونَكُمْ غُيُوبَكُمْ وَ يُخْلَصُونَ لَكُمْ فِي الْبَاطِنِ وَ سَاعَةً تَخْلُونَ فِيهَا لِلذَّاتِكُمْ وَ بِهِذِهِ السَّاعَةُ تَقْدِرُونَ عَلَى الثَّلَاثِ السَّاعَاتِ...» (علی بن موسی، ۱۴۰۶، ص ۳۳۷) یعنی: «بکوشید که زمانتان را به چهار بخش تقسیم کنید: زمانی برای مناجات با خدا، زمانی برای تأمین معاش، زمانی برای معاشرت با برادران و معتمدانی که عیب‌هایتان را به شما می‌شناسند و در دل شما را دوست دارند، و ساعتی برای کسب لذت‌های حلال. با بخش چهارم توانایی انجام دادن سه بخش دیگر را به دست می‌آورید.»

استفاده از واژه «اجتهدوا» بسیار دقیق است چه اینکه در موارد مختلفی دیده می‌شود که انسان با برنامه‌ریزی دقیق پیش می‌رود، اما عواملی خارج از اراده انسان در برهم‌زدن برنامه انسان مؤثر هستند. از این رو، امام رضا(ع) با نگاهی واقع‌بینانه از ما می‌خواهد تمام توان خویش را برای اجرای این تقسیم چهارگانه در زندگی، به کار بگیریم. نکته قابل تأمل دیگر در این سخن، کسب لذت‌های حلال است که زمینه‌ساز سه بخش اول است. بنابراین، این تقسیم چهارگانه به‌منظور افزایش کارایی و اثربخشی در زندگی است. به عبارت دیگر، با مدیریت زمان می‌توان آگاهانه بر فعالیت‌های زندگی اثر گذاشت.



۲-۲. توکل:

توکل از جمله صفات پسندیده ای است که استرس را به خوبی کنترل می کند. در باب معنای توکل، حسن بن جهم می گوید: از حضرت رضا (ع) پرسیدم و گفتم: «قربانت گردم! توکل را برایم تعریف کنید؛ ایشان فرمودند: «از هیچ کس جز خداوند نترسی» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۸۰۷) وقتی انسان برنامه ریزی دقیق بر اساس هدف مشخص داشته است و در جهت هدف خود تلاش می کند، نوبت به تکیه کردن و اعتماد کردن به خداوند می رسد. این مرحله ای است که انسان از هیچ چیز غیر از خدا نباید بترسد؛ تکلیفش را انجام داده و خدای قادر، ناظر بر اعمال اوست. این حقیقت به شکل قابل ملاحظه ای استرس را کنترل می کند چون وکیل، خداست و همین پشتوانه است که انسان را محکم و استرس را کاهش و برطرف می کند.

حضرت رضا (ع) در تفسیر آیه سوم سوره طلاق: «وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا» یعنی: «و از جایی که حسابش را نمی کند، به او روزی می رساند و هر کس به خدا اعتماد کند، او برای وی بس است. خدا فرمانش را به انجام رسانیده است. به راستی، خدا برای هر چیزی اندازه ای مقرر کرده است؛ می فرمایند: «التَّوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ، دَرَجَاتٌ مِنْهَا أَنْ تَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ فِي أُمُورِكَ كُلِّهَا...» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۶۵) یعنی: «توکل درجاتی دارد؛ یکی آنکه در هر کاری که با تو کرده، به او اعتماد داشته باشی، به همه راضی باشی و بدانی که در هیچ خبری و هیچ رأیی در حق تو کوتاهی نکرده و اختیار به دست اوست. پس بر او توکل کنی و کارها را به او واگذاری؛ و دیگر ایمان به غیب های اوست که تو از آن ها بی خبری. باید علمش را به او و امنایش واگذاری و درباره آن غیب ها و... به او اعتماد کنی.

رسیدن به این مراتب توکل، به ما در کنترل استرس کمک می کند. در سیره رضوی نیز، سفارش امام رضا (ع) به توکل زبانی به خدا هم ملاحظه می شود: «عَلَيَّ بِنِ اسْبَاطٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ لِي إِذَا خَرَجْتَ مِنْ مَنَزْلِكَ فِي سَفَرٍ أَوْ خَضَرْتُ فَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ آمَنْتُ بِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ فَتَلَقَّاهُ الشَّيْطَانُ فَتَضَرَّبَ الْمَلَائِكَةُ وَجُوهَهَا وَ تَقُولُ مَا سَبَّلَكُمْ عَلَيْهِ وَ قَدْ سَمِيَ اللَّهُ وَ آمَنَ بِهِ وَ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَ قَالَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَ رَوَاهُ ابْنُ فَضَالٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ عَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَّا أَنَّهُ قَالَ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» (برقی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۳۵۰) یعنی: «در زمان خروج از منزل این را بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ آمَنْتُ بِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ». بعد از عمل به آن، اگر شیطان راه را بر او بگیرد، فرشتگان او را از آن مرد دفع می کنند و می گویند تو را بر این کس راهی نیست و او نام خدا را بر زبان جاری کرد و ایمان آورد و بر خدا توکل نمود و گفت: «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ

إِلَّا بِاللَّهِ». در اینجا مؤمن به خدا توکل کرده و با توجه به اعتمادی که به خداوند دارد، خداوند نیز از طریق ملائکه این فرد را از گزند شیطان محفوظ می‌دارد.

۳-۲. مثبت‌اندیشی

مثبت‌اندیشی باعث جلوگیری از استرس می‌شود. ما انسان‌ها، در ارتباط با خالق خویش باید به این باور برسیم که آنچه داریم و نداریم به عنایت خداست، پس نسبت به داشته‌های خود شاکر باشیم و از نداشته‌های خود گلایه نکنیم. یکی از عوامل استرس‌زا در زندگی، تمرکز به نداشته‌های خود است که از برنامه‌ریزی‌های شیطان برای دوری انسان از مسیر حق است؛ در حالی که همیشه داشته‌های ما بیشتر از نداشته‌های ماست. توجه به همین مهم است که دانشوران شیعه در جوامع حدیثی، ابوابی را به این بحث اختصاص داده‌اند و آن را در حد وجوب ترسیم کرده‌اند؛ مانند: «وجوب حسن ظن بالله». با این نگرش، حتی در بلا یا باید شاکر خداوند بود. امام رضا(ع) می‌فرماید: «أَحْسِنَ الظَّنَّ بِاللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي بِي إِِنْ خَيْرًا فَخَيْرًا وَإِنْ شَرًّا فَشَرًّا». (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۲۲۹) یعنی: «نسبت به خدا گمان خوب داشته باش؛ زیرا خداوند به بندگان خود چنین می‌گوید که من به اندازه گمان بنده خود نسبت به خود هستم، اگر گمان خوب نسبت به من داشته باشد من نسبت به او خوب رفتار می‌کنم و اگر گمان بد به من داشته باشد، من نیز مانند گمان او اقدام می‌کنم.

در جای دیگر امام رضا(ع) همین مضمون را در روایتی به نقل از امام صادق(ع) بیان می‌کند که: «فَأَحْسِنَ الظَّنَّ بِاللَّهِ فَإِنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَقُولُ مَنْ حَسَنَ ظَنَّهُ بِاللَّهِ كَانَ اللَّهُ عِنْدَ ظَنِّهِ بِهِ وَمَنْ رَضِيَ بِالْقَلِيلِ مِنَ الرِّزْقِ قَبْلَ مَنْهُ الْيَسِيرَ مِنَ الْعَمَلِ» (همان) بنابراین اگر گمان انسان به خدا خوب باشد، خدا هم برای انسان بد رقم نمی‌زند و بالعکس که خود از عوامل پیشگیرانه از استرس است.

۴-۲. شادزیستی مؤمنانه:

اگر چارچوب‌های دین را بشناسیم و به درستی عمل کنیم، اسلام دین شادی است و مؤمن کسی است که شاد زندگی می‌کند. بررسی این ادعا نیازمند نگاشته مستقلی است، اما در کلام امام رضا (ع) یکی از مأموریت‌های انسان مؤمن، ایجاد حسن شادی و نشاط تعریف می‌شود. عجیب آنکه این مهم، بهترین کار بعد از انجام واجبات ترسیم شده است. حضرت می‌فرماید: «لَيْسَ شَيْءٌ مِنَ الْأَعْمَالِ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بَعْدَ الْفَرَائِضِ أَفْضَلَ مِنْ إِدْخَالِ السُّرُورِ عَلَى الْمُؤْمِنِ» (همان، ص ۳۳۹) یعنی: «بعد از انجام واجبات، کاری بهتر از ایجاد خوشحالی برای



مؤمن، نزد خداوند بزرگ نیست». این یعنی انسان مؤمن باید مهارت تغییر حال بد دیگران را داشته باشد. طبیعی است که برای ایجاد شادی باید انسان نیز از نشاط کافی برخوردار باشد، بنابراین، چرخه‌ای از حال خوب و شادی در زندگی مؤمنان شکل می‌گیرد و استرس‌ها به‌میزان قابل توجهی کاهش می‌یابد. این ایجاد شادی، می‌تواند با برطرف کردن مشکلات افراد انجام شود به‌طوری که امام رضا (ع) می‌فرماید: «مَنْ فَرَّجَ عَنْ مُؤْمِنٍ فَرَجَ اللَّهُ عَنْ قَلْبِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۰۰) یعنی: «هر کس اندوه و مشکلی را از مؤمنی برطرف نماید، خداوند در روز قیامت اندوه را از قلبش برطرف سازد.»

۲-۵. تیمار بیمار

حداقل دو جنبه بسیار مهم در تعامل با بیماران در سیره رضوی (ع) می‌توان لحاظ کرد که بر کاهش استرس مؤثر است. اولین مورد اثر عیادت از بیمار است که در صورت رعایت آداب عیادت، بر روند بهبود و سلامت بیمار مؤثر است. دومین موردی که می‌تواند در کاهش استرس برای افراد یک جامعه مؤثر باشد، زمانی است که به عیادت بیمار می‌رویم. ذهن تحلیلگر در این شرایط با مقایسه حال خود و بیمار، ضمن سپاسگزاری در پیشگاه خداوند، در صورت مواجهه با مشکلات، بی‌تابی نمی‌کند و نعمت سلامتی را ارج می‌نهد. اینک در ذیل، به نمونه‌هایی از این موارد در سیره رضوی (ع) اشاره می‌کنیم:

(الف) «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَرَضَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَعَادَهُ فَقَالَ كَيْفَ تَجِدُكَ قَالَ لَقِيتُ الْمَوْتَ بَعْدَكَ يُرِيدُ مَا لَقِيَهُ مِنْ شِدَّةٍ مَرَضِهِ فَقَالَ كَيْفَ لَقِيتَهُ قَالَ شَدِيداً أَلِيماً قَالَ مَا لَقِيتَهُ إِلَّا لَقِيتَ مَا يَنْدُوكَ بِهِ وَ يُعَرِّفُكَ بَعْضُ حَالِهِ إِنَّمَا النَّاسُ رَجُلَانِ مُسْتَرِيحٌ بِالْمَوْتِ وَ مُسْتَرَاخٌ مِنْهُ فَجَدِّدِ الْإِيْمَانَ بِاللَّهِ وَ بِالْوَلَايَةِ...» (راوندی، ۱۷۰۷، ص ۲۴۸) یعنی: «امام جواد (ع) نقل می‌کند: مردی از اصحاب امام رضا (ع) بیمار شد. امام به عیادت او رفت و احوالش را جویا شد. بیمار که مریضی شدیدی داشت، گفت: ای فرزند رسول خدا، پس از تو مرگ را دیدم. امام (ع) پرسید: چگونه دیدی؟ بیمار گفت: رنجی سخت دیدم. امام فرمود: آنچه تو دیدی، در حالت خاصی بودی - یعنی درباره ما شک داشتی. مردم دو گونه هستند. بعضی بعد از آنکه می‌میرند، راحت می‌شوند و برخی هستند که مردم از مرگ آنان راحت می‌شوند. ایمان و ولایت با اهل بیت (ع) را تجدید کن تا راحت شوی. بیمار چنین کرد و گفت: ای پسر رسول خدا! هم‌اینک ملائکه با تحیت آمدند و بر تو سلام می‌گویند و در پیشگاه شما ایستاده‌اند و اذن نشستن می‌خواهند. امام فرمود: ای ملائکه خدا بنشینید.

بنابراین، در برابر بیماری افراد جامعه نباید بی‌تفاوت بود و در مهندسی اسلام، یاری‌رساندن به

بیماران، فراتر از نظام پزشکی یک جامعه ترسیم شده است. تأثیر ولایت اهل بیت (ع) در روند بهبود بیماری و کاهش استرس در زندگی و... از جمله مباحث متافیزیکی است که با دانش بشری قابل اثبات نیست و فقط حجت‌های خداوند می‌توانند از آن سخن بگویند.

اسماعیل بن مهران می‌گوید: همسر من بیماری شدیدی گرفت که نزدیک به مرگ بود. خدمت امام رضا (ع) رفتم و از آن حضرت خواستم تا دعا کند. امام دعا کرد و گفت: برای طولانی شدن عمرش دعا کردم. آنگاه به من نگاه کرد و تبسمی کرد. من برخاستم به خانه رفتم و همسر خود را سالم دیدم. از او پرسیدم، گفت: فلان روز در فلان ساعت شفا یافتم، هنگامی که حساب کردم، ملاحظه کردم همان ساعتی بود که امام برای سلامتی او دعا کرده بود (چنارانی، ۳۸۸، ص ۲۸). در این روایت، با اینکه امام مستقیم به عیادت بیمار نرفتند، به برکت مقام امامت او را شفا دادند و موجبات از بین رفتن استرس را برای مهم‌ترین نهاد بشر یعنی خانواده، فراهم کردند.

نتیجه‌گیری:

هدف از این پژوهش آن بود که در ابتدا پنج مؤلفه مطرح شده توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ایران با دیدگاه روان‌شناسان معاصر تا سال ۲۰۲۰ بررسی شود و آنگاه این مؤلفه‌ها در سخنان و سیره امام رضا (ع) جست‌وجو شود.

اگرچه روان‌شناسان معاصر از مؤلفه‌های دیگری مانند: ایمان به خدا، توکل بر خدا، بینش فرد درباره وقوع سختی‌ها، داشتن افکار متباعد و بازداشتن افکار مثبت، واقع‌نگری، داشتن امید، جایگاه مهار یا منبع کنترل، داشتن ارزش‌های مثبت، اول اندیشه، وانگهی عمل نقش اعتقاد به مقدرات الهی، داشتن عزت نفس، صبر یا خویشتنداری و... به عنوان شیوه‌هایی جهت کنترل استرس یاد می‌کنند، اما طبق بررسی‌های انجام‌شده، مؤلفه‌هایی همچون حمایت اجتماعی و شرکت در مراسم مذهبی و شکرگزاری و بخشش و انجام کارهای خیر و داوطلبانه، می‌توانند مهم‌ترین نقش را به عنوان مؤلفه‌های معنوی در سلامت روان فرد و کاهش استرس داشته باشند. نکته قابل توجه این بود که همه مؤلفه‌های پنجگانه در بیان و سیره امام رضا (ع) تبیین و تقریر شده است لکن با بررسی روایات به ابعادی کامل‌تر از آنچه بشر در قرن بیست و یکم به آن رسیده است، پی می‌بریم که حاکی از منبع الهی علم امام رضا (ع) دارد. با این همه، می‌توان به مؤلفه‌های ویژه در سخنان و سیره رضوی پی برد که هنوز اندیشمندان معاصر به ابعاد مختلف آن پی نبرده‌اند. این مؤلفه‌ها عبارتند از: توکل، مثبت‌اندیشی، لزوم برنامه‌ریزی در زندگی، تیمار بیمار و شادزیستی مؤمنانه.

کتابشناسی:

۱. قرآن کریم
۲. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، (۱۴۰۰ق/۱۳۶۲ش)، الأمالی، بیروت: اعلمی.
۳. همو، (۱۳۷۸ق)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، مصحح: مهدی لاجوردی، تهران: نشر جهان.
۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۳۸۲ش)، تحف العقول، ترجمه: حسن زاده، انتشارات آل علی علیه السلام، قم: چاپ اول.
۵. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، (۱۳۷۹ق)، مناقب آل أبی طالب علیهم السلام، قم: علامه.
۶. ابن طاووس، علی بن موسی، (۱۴۰۹ق)، إقبال الأعمال، تهران: دار الکتب الإسلامية، چاپ دوم.
۷. احمدی بیغش، خدیجه، (۱۳۹۷ش)، «آثار روانشناختی فعالیت‌های نیکوکارانه بر سلامت روان دنیوی و سعادت ابدی اخروی از دیدگاه قرآن و حدیث»، دومین همایش ملی خیر ماندگار (مطالعه و ارزیابی امور خیر در ایران با تمرکز بر چالش‌های نیکوکاری در ایران امروز).
۸. اربلی، علی بن عیسی، (۱۳۸۱ق)، کشف الغمه فی معرفه الأئمه (علیهم السلام)، مصحح: هاشم رسولی محلاتی، بنی هاشمی، تبریز.
۹. آمسترانگ، دیوید (۱۳۸۷ش)، جامعه شناسی پزشکی. ترجمه: م. توکل، تهران: انتشارات حقوقی، چاپ دوم.
۱۰. برقی، احمد بن محمد بن خالد، (۱۳۷۱ق)، المحاسن، مصحح: جلال الدین محدث، قم: دار الکتب الإسلامية.
۱۱. چنارانی، محمدعلی، (۱۳۸۸ش)، رفتارهای اخلاقی و اجتماعی امام رضا (علیه السلام)، مشهد: عروج اندیشه.
۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، محقق: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
۱۳. حبیبی، مرجان، (۱۳۹۵ش)، «بررسی نقش حمایت اجتماعی بر سلامت روان دانشجویان»، دومین کنفرانس سراسری دانش و فناوری علوم تربیتی مطالعات اجتماعی و روانشناسی ایران.
۱۴. خجسته کاشانی، امیر و بخشی محبی، محمد، (۱۳۹۷ش)، «جایگاه عفو در دین اسلام و رابطه‌ی آن با سلامت روان»، رویش روان شناسی، سال هفتم، شماره ۹، شماره ۳۰، ص ۲۲۸-۲۱۳.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۸۳ش)، کتاب ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ترجمه: غلامرضا خسروی حسینی، ناشر مرتضوی، چاپ سوم.
۱۶. راشدی، وحید؛ غریب، مسعود؛ رضایی، محمد و یزدانی، عباسعلی، (۱۳۹۲ش)، «حمایت اجتماعی و اضطراب در سالمندان شهر همدان»، مجله‌ی توانبخشی، شماره ۴، دوره ۱۱، ص ۱۱۵-۱۱۰.
۱۷. راوندی، قطب الدین سعید بن هبة الله، الدعوات (سلوه الحزین)، (۱۴۰۷ق)، قم: انتشارات مدرسه امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف).
۱۸. شجاعی، احمد و پرزور، پرویز، (۱۳۹۶ش)، «بررسی اثربخشی مراسم معنوی اعتکاف در افزایش سلامت روانی و شادکامی دانش آموزان»، مجله‌ی مطالعات روانشناسی تربیتی، دوره ۱۴، شماره ۲۸، شماره ۱، ص ۱۰۵-۱۲۶.
۱۹. شیرآبادی، علی اکبر و رئیسی زاده، مریم، (۱۳۹۷ش)، «بررسی رابطه بین شرکت در مراسم مذهبی و سلامت روانی در دانشجویان دانشگاه زاهدان»، کنفرانس ملی دستاوردهای نوین جهان در تعلیم و تربیت، روانشناسی،

حقوق و مطالعات فرهنگی اجتماعی.

۲۰. صمیمی، رویا؛ حیدری، عصمت و خوشوزی، طیبه، (۱۳۹۷ش)، «بررسی اثرات مشارکت در کارهای عام المنفعه بر سلامت اجتماعی افراد»، چهارمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران.

۲۱. طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۱۴ق)، الأمالی، قم: دار الثقافة.

۲۲. عابدینی، نصیر، (۱۳۸۹ش)، «نقش عزاداری محرم در خویشتن‌داری جنسی دانشجویان پسر دانشگاه‌های تهران»، مجله‌ی روانشناسی و دین، سال سوم، شماره‌ی ۱، پیاپی ۹، ص ۵۳-۴۳.

۲۳. علمی منش، نیلا، (۱۳۹۶ش)، «اثرات قدردانی و شکرگذاری از خداوند در زندگی»، دهمین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی و علوم اجتماعی.

۲۴. علی بن موسی‌الرضا علیه السلام (۱۴۰۶ق)، فقه‌الرضا علیه السلام، مصحح: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، مشهد: مؤسسة آل البيت علیهم السلام.

۲۵. غباری بناب، باقر، (۱۳۸۱ش)، «رابطه‌ی عفو و گذشت با میزان اضطراب در والدین کودکان استثنایی و عادی»، مجله‌ی حوزه و دانشگاه، شماره‌ی ۳۱.

۲۶. فیاض، فاطمه؛ بشارت، محمدعلی و فراهانی، حجت‌الله (۱۳۹۰ش)، «مقایسه‌ی بخشش در افراد افسرده غیر بالینی، افسرده بالینی و افراد بهنجار»، مجله‌ی علوم رفتاری، دوره‌ی ۵، شماره‌ی ۴، ص ۳۳۵.

۲۷. فتحعلی لواسانی، فهیمه (بی تا)، مدیریت استرس، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی دفتر سلامت روانی اجتماعی و اعتیاد (<http://www.gmu.ac.ir>).

۲۸. کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۳۷۵ش)، الکافی، به کوشش غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

۲۹. کلاتری، عبدالحسین و حسینی زاده آرانی، سید سعید، (۱۳۹۶ش)، «سلامت روان و احساس تنهایی بررسی نسبت میان میزان دینداری و سلامت روان با احساس تنهایی (مورد مطالعه: شهروندان تهرانی)»، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران دوره‌ی ۶، شماره‌ی ۲، ص ۲۵۷-۲۸۳.

۳۰. مجد تیموری، میرمحمد ولی، (۱۳۸۰ش)، «مراسم مذهبی، عبادات و مکان‌های دینی در بهداشت روان» مقالات اولین همایش نقش دین در بهداشت روان.

۳۱. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

۳۲. مصدق راد، علی محمد؛ تاجور، مریم و احتشامی، فاطمه (۱۳۹۸ش)، «مشارکت خیرین در ارائه‌ی خدمات سلامت در ایران»، نشریه‌ی پایش، سال هجدهم، شماره‌ی ۵، ص ۴۵۳-۴۳۹.

۳۳. موسوی، میرطاهر و هندی، حمیدرضا، (۱۳۹۷ش)، «مشارکت در فعالیتهای خیریه به منزله‌ی حمایت اجتماعی در جهت ارتقای سلامت اجتماعی»، دومین همایش ملی خیر ماندگار (مطالعه و ارزیابی امور خیر در ایران با تمرکز بر چالش‌های نیکوکاری در ایران امروز).

۳۴. نبوی، سیدعبدالحسین؛ رضادوست، کریم و بهرامی نژاد، زهرا (۱۳۸۸ش)، «بررسی تأثیرحمایت اجتماعی بر سلامت عمومی سالمندان»، مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران، دوره‌ی ۱۰، شماره‌ی ۴، ص ۷۳ تا ۱۰۴.

۳۵. همتی، رضا و رحیمی علی آباد، (۱۳۹۳ش)، «بررسی رابطه‌ی حمایت اجتماعی با سلامت روانی مطالعه‌ی موردی زنان شهر خلخال»، فصلنامه‌ی تغییرات اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی ۱، شماره‌ی ۳، شماره‌ی پیاپی ۴۲، ص ۱۱۹-۱۰۵.



٣٦. یخچالی، محبوبه و وکیلی، پریش. (۱۳۹۶ش)، «تأثیر بخشش درمانی بر سلامت روان و روابط بین فردی زنان در آستانه‌ی طلاق»، مجله روانشناسی معاصر، شماره ۱۲، (ویژه نامه)، ۱۹۲۱-۱۹۲۵.
37. Anik, L., Aknin, L. B., Norton, M. I., & Dunn, E. W. (2009). Feeling Good about Giving: The Benefits (and Costs) of Self-Interested Charitable Behavior. Harvard Business School Marketing Unit Working Paper, 12-10.
38. Agneesse, F., Waeye, J., & Lievens, J. (2006). Diversity in social support by role relations. *Atypology social network*, 441-427, 28.
39. Algoe, S.B., Haidt J., & Gable, S.L. (2008). Beyond reciprocity: Gratitude and relationships in everyday life. *Emotion* (9-425, (8).
40. Beehr T. A., & McGrath J.E. (1992). Social support, occupational stress and anxiety. *An International Journal*.
41. Cobb, S. (1976). Social support as a moderator of life stress. *Social support as a moderator of life stress. Psychosomatic Medicine*, 314-300, (5)38.
42. Cheng, S.T., Tsui, P. K., & Lam, J. H. (2015). Improving mental health in health care practitioners. Randomized controlled trial of a gratitude intervention. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 186-177, (1)83
43. Emmons, R. A., & Stern, R. (2013). Gratitude as a Psychotherapeutic Intervention. *Journal of clinical psychology*.
44. Froh, J.J., Yurkewicz, C., & Kashdan, T.B. (2009). Gratitude and subjective well-being in early adolescence: Examining gender differences. *J Adolesc.* 50-633, 32.
45. Gençoğlu, C., Şahin, E., & Topkaya N. (2018). General Self-Efficacy and Forgiveness of Self, Others, and Situations as Predictors of Depression, Anxiety, and Stress in University Students. *Educational Sciences: Theory and Practice*. 626-605, (3)18.
46. Humphrey, C.W. (1999). A stress management intervention with forgiveness as the goal. (meditation, mind-body medicine). *Dissertation Abstracts International, Section B, The Sciences and Engineering*, -4)60B), 1855.
47. Harpman, E.J. (2004). Gratitude in the history of ideas. In: Emmons RA, McCullough M.E. (editors). *The psychology of gratitude*. New York: Oxford University, 36-19.
48. Hasemeyer, M.D. (2013). The relationship between gratitude and psychological, social, and academic functioning in middle adolescence. Florida. University of South Florida.
49. Holloway, R. (2002). On forgiveness: how can we forgive the unforgiveable. Edinburg: Cannongate books Ltd.
50. McCullough, M.E., Emmons, R.A., & Tsang, J.A. (2002). The grateful disposition: A



conceptual and empirical topography. *Journal of Personality and Social Psychology*. (1)82 27-112,.

51. Mitchell, J., & Weatherly, D. (2000). Beyond church attendance: Religiosity and mental health among rural older adults. *Journal of Cross-Cultural Gerontology*, 54–37 ,15.

52. Martínez, M. ML., Avia, M.D., & Hernández, L. MJ. (2010). The effects of counting blessings on subjective well-being: A gratitude intervention in a Spanish sample. *The Spanish Journal of Psychology*. 96-886, (2)13.

54. Tsang, J. (2006). Gratitude and prosocial behavior: an experimental test of gratitude. *Cogn Emot*. 48-20,138.

55. Toussaint, L., & Webb, J. R. (2005). Theoretical and Empirical Connections Between Forgiveness, Mental Health, and Well-Being. *Handbook of forgiveness*.

56. Toussaint, L. L., Williams, D. R., Musick ,M. A., & Everson S. A (2001). Forgiveness and Health: Age Differences in a U.S. Probability Sample. *Journal of Adult Development*.

58. Wood, A. M., Joseph, S., Lloyd, J., & Atkins S. (2009). Gratitude influences sleep through the mechanism of presleep cognitions. *J Psychosom Res*. 8-43 ,66.

59. Wood, A. M., Maltby, J., Gillett, R., Linley, P. A., & Joseph S. (2008). The role of gratitude in the development of social support, stress, and depression: Two longitudinal studies. *J Res Pers*. 71-854, (4)42.

60. Weiss, O. E (2003). Love of God and Neighbor: Religion and Volunteer Service among College Students. *Review of Religious Research*.

61. Wood, A.M., Froh, J.J., & Geraghty A. (2010). Gratitude and well-being: A review and theoretical integration. *Clin Psychol Rev*. 905-890 ,30.

62. Wood, A. M., Joseph, S., & Maltby J. (2009). Gratitude predicts psychological well-being above the big five facets. *Pers Individ Dif*. 7-443 ,46.

63. Wood, A. M., Joseph, S., & Maltby, J. (2008). Gratitude uniquely predicts satisfaction with life: Incremental validity above the domains and facets of the five factor model. *Pers Individ Dif*. 54-49 ,45.

تسهیل ارتباط میان مردم و حاکمیت مبتنی بر ارائه الگوی مفاهمه و درک متقابل در تعالیم قرآن و سیره رضوی

احمد عباسی دره بیدی^۱

چکیده

توانایی ارتباط، قدرت درک و تفهیم دیگران از جنبه‌های فطری انسان است که به صورت گرایش‌ها و توانمندی‌هایی در او وجود دارد. به فعلیت رساندن این توانایی، رشد و پرورش صحیح آن در ظهور سایر توانمندی‌های انسان مؤثر است. یکی از موضوعات راهبردی که قابل بررسی و دارای اهمیت بوده، درک متقابل و مفاهمه میان مردم و حاکمیت است که می‌تواند رشد و تعالی جامعه و آرمانشهر رضوی را به همراه داشته باشد. به همین دلیل ضرورت دارد تا با توجه به آموزه‌های قرآن، تعالیم و سیره‌ی رضوی که سرشار از نکات آموزنده و عناصر ارتباط، مفاهمه و درک متقابل است به بررسی این مفهوم پرداخته شود. لذا سوال اصلی این پژوهش که به شیوه‌ی توصیفی - تحلیلی با استناد به منابع روایی، کتابخانه‌ای و مصاحبه با کارشناسان دینی و تعدادی از اساتید حوزه انجام شده، بررسی نقش و جایگاه مفاهمه و درک متقابل در تسهیل روابط میان مردم و حاکمیت است و اینکه آموزه‌های قرآن، تعالیم دینی و سیره‌ی رضوی در این رابطه حاوی چه نکات و دستوراتی هستند؟.

این نوشتار پس از بررسی مفاهیم مرتبط با موضوع و جمع‌بندی نظرات کارشناسان و مطالب مرتبط با آن در قرآن و سیره‌ی رضوی در قالب یک مدل نظری، به این نتیجه دست یافته است که برای دستیابی به نتیجه‌ی مطلوب در رابطه با مفاهمه‌ی میان حاکمیت و مردم، لازم است به شش عنصر کلیدی ارتباط که به صورت زنجیره‌وار به هم مرتبط هستند توجه شود. این عناصر به ترتیب عبارت‌اند از: فرستنده، پیام، گیرنده، وسیله، بازخورد و محیط. طبق آیات قرآن و سیره‌ی رضوی فرستنده با رعایت هنجارهای اخلاقی در ارتباطات و معاشرت‌ها، و نیز مبتنی بر دستورات قرآن در زمینه دقت و توجه به سخن، ادب و احترام و مدارا با دیگران، داشتن روحیه نقد و انتقاد‌پذیری، پرهیز از پیش‌داوری و سوءظن، رعایت انصاف و نرمی در گفتار، پیام خود را به افراد گیرنده انتقال می‌دهد. بازتاب این فرآیند، وضوح و روشنی پیام فرستنده و خوش بینی و مثبت‌نگری گیرنده پیام است که در نتیجه آن، محیطی آرام و دور از هرگونه آسیب

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد شیعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان، ایران a.abbaasi.d2020@gmail.com

و تهدید برای ارتباط فراهم می‌آید. با رعایت فرآیند مذکور، می‌توان انتظار داشت که مفاهمه صورت پذیرفته است و از طریق آن رابطه میان مردم و حاکمیت به درک متقابل نزدیک گردد. **واژگان کلیدی: مفاهمه و درک متقابل، سیره رضوی، مردم، حاکمیت، ارتباط متقابل.**

۱. مقدمه و بیان مسئله

بحث از مفاهمه در گفتگو و رسیدن به دریافت مشترک از یک مفهوم و موضوع، امر با اهمیتی است که اگر برآورده شود، تأثیر فراوانی بر بخش‌های مختلف جامعه خواهد گذاشت. رسیدن به مفاهمه و درک مشترک، یکی از موضوعات اخلاقی است که در زندگی فردی و اجتماعی انسان تأثیر بسزایی دارد. سلامت و آرامش روانی هر انسانی تا حد زیادی مربوط به ارتباط صحیح، گفتگو و معاشرت با دیگران است. شخص ارتباط‌گر مؤمن، آداب و قوانین و قواعد حاکم بر انواع ارتباط را - حتی آنجا که قصد او از ارتباط، هدایت نیست - از آموزه‌های دینی گرفته و بر اساس آن عمل می‌کند و سعی دارد تا کمترین اختلاف و تناقضی با دیگران پیدا کند.

وقتی در ارتباط میان انسان‌ها، بحث و جدل پیش می‌آید، گفتگو به‌عنوان مقدس‌ترین راه و ساده‌ترین عمل ممکن برای رفع اختلاف مطرح می‌شود. انسان‌ها از طریق گفتگو و صحبت با یکدیگر و انتقال احساس و اندیشه خود از طریق کلمات و واژگان، می‌توانند به یک فهم مشترک و تفاهم از موضوع مورد نظر برسند و بدون کمترین مشکل و یا درگیری، در کنار هم زندگی کنند. لذا گفتگو و صحبت با یکدیگر برای رسیدن به فهم مشترک و مفاهمه، بهترین شیوه برقراری ارتباط و حل مسائل و مشکلات است. این امر در زندگی انسان‌ها به‌حدی مهم و اساسی است که خداوند متعال در انتقال حقایق و مصالح انسان همواره این راه را برگزیده است و در ارتباط با تمامی پیامبرانش اولین و بهترین راه برای انتقال اندیشه و حل اختلاف‌ها و رسیدن به یک نقطه مشترک را گفتگو می‌داند که عوامل زیادی بر این فرآیند (ارتباط گفتاری و گفتگو) از جمله رعایت ادب و احترام (نک؛ ایروانی، ۱۳۸۶: ۱۵-۵) تأثیرگذار است.

زندگی انسان‌ها بر اساس ارتباط و احترام به یکدیگر بنا شده است. در قرآن کریم احترام به دیگران در هنگام ارتباط و زندگی اجتماعی لازم دانسته شده است. در تعبیری زیبا آمده است: «وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ» (حجرات/۱۱) (با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید) و به همدیگر در تعاملات و ارتباطات اجتماعی و فردی احترام بگذارید و در هنگام ارتباط و گفتگو با یکدیگر، اصولی را رعایت کنید. به‌عنوان نمونه، سلام کردن بهترین شروع برای آغاز سخن با مؤمنان دانسته شده است: «وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ



بَايَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ...» (انعام/ آیه ۵۴) و نیز اینکه اکتفا کردن به سلام، بهترین جواب ابلهان است (نک: ...وَ إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا) (فرقان/ آیه ۶۳) و یا محکم و مستدل سخن گفتن: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا» (احزاب/ آیه ۷۰). در نصیحت کردن دیگران نیز سخن گفتن با نرمی، احتمال تأثیرش بیشتر است: «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى» (طه/ آیه ۴۴) یا با مردم با نیکی سخن گفتن: «... وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا...» (بقره/ آیه ۸۳) که از مهم ترین آداب سخن گفتن در قرآن هستند که می توانند زمینه ساز تفاهم و فهم مشترک گردند.

این مهم در سیره و رفتار معصومین (ع) همیشه به وضوح قابل مشاهده و دریافت بوده است. به عنوان نمونه، امام رضا (ع) در این باره می فرمایند: «با سلطان و زمامدار با ترس و احتیاط همراهی کن، و با دوست با تواضع و با دشمن با احتیاط، و با مردم با روی خوش» (حلوانی، ۱۴۰۸ق: ۱۳۳). همچنین درباره محبت و احترام به دیگران، فرموده اند: «احترام و محبت نسبت به مردم و اظهار دوستی به آنان، نیمی از عقل است» (مجلسی، ۱۴۰۰، ج ۷۸: ۳۳۵). بر اساس روایت نقل شده از حضرت امام رضا (ع)، ایشان با استناد به سخن حضرت رسول اکرم (ص)، از اینکه کسی دیگری را سب کند، نهی کرده است زیرا خداوند حضرت آدم را بر صورت خود آفریده است (قیومی، ۱۳۷۳: ۳۷۶). مجرد شباهت صورت انسان به روی آدم ابوالبشر که در همه انسان ها وجود دارد، موجب ثبوت کرامت برای همه آنان است و نباید به آن بی احترامی کرد، حتی اگر عقاید و رفتار آن ها برخلاف عقیده و رفتار یا نگرش ما باشد.

از طرفی، هر یک از انسان ها از جهان بینی خاص خود برخوردار هستند و هر کسی بر اساس یافته ها و دانش خود و زمینه های مختلفی که مختص هر فرد است، با دیگران مواجه می شود. لذا امری که مهم است برداشت یکسان و فهم مشترک و رسیدن به مفاهمه در میان انسان ها و حتی در سطوح بالاتر میان حاکمیت و مردم است که در آرمانشهر رضوی از اهمیت خاصی برخوردار است. به همین خاطر است که مفاهمه یکی از اصول اساسی ارتباط شمرده می شود. زیرا بدون مفاهمه و درک مشترک تعاملات، ارتباطات و معاشرت های انسانی با توجه به گستردگی راه های ارتباط و وسایل ارتباطی در جهان معاصر در معرض تهدید قرار می گیرد و زندگی اجتماعی را مختل می سازد. به همین دلیل، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که مفاهمه و درک متقابل چیست و چه نقشی در تسهیل ارتباط میان افراد مختلف و حاکمیت و مردم دارد؟ قرآن چه دستورهایی برای ارتباط سالم و گفتگوی صحیح بیان کرده است؟ آموزه های رضوی در این رابطه چه نکات و دستورهایی دارد؟

۲. پیشینه پژوهش

در راستای موضوع مورد نظر، تاکنون کتاب، مقاله و پژوهش مستقیمی صورت نگرفته است یا حداقل پژوهشگر موردی را مشاهده نکرد اما درباره مفهوم کلی مفاهمه و یا درک متقابل و مشترک، توسط برخی نویسندگان، پژوهش‌ها و مطالعاتی انجام شده است که به‌عنوان نمونه به چند مورد اشاره می‌شود:

یوسف‌زاده و فیاض (۱۳۹۳) در مقاله خویش با عنوان «مبنای مفاهمه در ارتباط میان فرهنگی»، اندیشه گفتگو و ارتباط میان فرهنگی را راهبردی جهت برون‌رفت از بن‌بست‌های فلسفی و فرهنگی میان انسان‌ها می‌دانند و معتقدند که نگاه اسلام نیز در راستای همین مفهوم است و طبق آیات قرآن و روایات حداقل «سه مبنای اسلام، ظرفیت مشترک ادیان و فطرت بشر» برای مفاهمه جهت‌گیری شده‌اند و هر سه به سمت توحیدگرایی سوق یافته‌اند. اگر چه سه مبنای کلی در این مقاله در رابطه با مفاهمه بررسی شده است، ولی می‌توان گفت مبانی دیگری نیز در قرآن برای سخن گفتن و درک مشترک بیان شده است و سیره معصومین (ع) نیز در این رابطه سرشار از مبانی و اصولی است که کمتر بدان پرداخته شده است.

ذاکری (۱۳۹۲) نیز در مقاله خویش با عنوان «از امکان مفاهمه تا اثبات معرفت: استدلال دیویدسن علیه شکاکیت» مفاهمه را باطل‌کننده شکاکیت می‌داند و بیشتر مقاله خود را پیرامون نظریات دیویدسن در رابطه با شکاکیت و انواع آن و نحوه ابطال آن بیان کرده است و کمتر اشاره‌ای به مفاهمه و تسهیل ارتباط و یا مبانی آن داشته است. مهرپرور (بی‌تا) نیز در گزارشی مفاهمه دانشگاه و حوزه از چشم‌انداز حوزویان را نقل و بازگو می‌کند که در این گزارش نیز به علت‌های جدایی حوزه از دانشگاه و برعکس و عدم مفاهمه و درک مشترک آن‌ها از یکدیگر به‌واسطه مصاحبه با افراد مختلف پرداخته است. از سایر کارهای انجام‌شده درباره مفاهمه و فهم مشترک که عمده آن‌ها کمتر اشاره‌ای به منابع دینی و به‌خصوص سیره رضوی و امامان معصوم (ع) داشته‌اند، می‌توان به کیارسی (۱۳۹۴)؛ «مفاهمه و گفتگوی متقابل راهی در جهت گسترش آموزش‌های چندفرهنگی»، نریمانی و صباغی (۱۳۹۳) «نقش ارزشی مفاهمه در مدیریت راهبردی ارتباط صنعت و دانشگاه»، محمود آبادی (۱۳۹۳)، «نقش کاریکاتور در مفاهمه میان طراح و کارفرما، در فرآیند طراحی معماری»، و سایر مقاله‌ها و پژوهش‌های مشابه اشاره کرد. از این‌رو، در این پژوهش سعی شده است تا با رویکردی جدید و با نگاهی کاربردی، مفهوم مفاهمه از منظر آیات قرآن و تعالیم دینی و سیره معصومین (ع) با توجه و تأکید بر سیره رضوی به صورت نظام‌مند بررسی و تبیین شود.



۳. اهمیت و ضرورت پژوهش

وقتی معنای نشانه‌ها خوب درک نشود، سوء تفاهم حاصل می‌شود. جهان زندگی ما پر از این سوء تفاهم‌هاست (کوثری، ۱۳۸۷: ۳۳-۳۴) یعنی آنچه مورد نظر فرستنده پیام بوده است، در ذهن گیرنده ایجاد نمی‌شود. به عبارتی، فهم مشترک و مفاهمه شکل نمی‌گیرد. عارف بزرگوار شیخ شبستری رحمه الله علیه درباره علت برقرار نشدن این مفاهمه کامل می‌فرماید: «سخن‌ها چون به وفق منزل افتاد، در افهام خلائق مشکل افتاد» (شبستری، ۱۳۸۹: ۲۲)؛ یعنی چون هر کس بر اساس منزلتی خاص از قرب به حق تعالی که منبع هستی است، عالم را به گونه‌ای تفسیر می‌کند. بر همین اساس است که تفاهمات دچار مشکل می‌شود.

رسیدن به تفاهم در امور مختلف زندگی، از جزئی‌ترین ارتباطات گرفته (ارتباط شخص با خانواده، پدر و مادر، فرزندان، دوستان) تا بالاترین سطوح ارتباطی و ارتباط با نهادها و به‌طور مشخص ارتباط میان مردم و حاکمیت، از اصول مهم زندگی و مرتبط با برقراری ارتباط و گفتگو میان انسان‌ها با یکدیگر است. یعنی از طریق فرهنگ صحیح گفتگو و برقراری صحیح ارتباط است که اشخاص می‌توانند بدان برسند. اهمیت گفتگو به گونه‌ای است که این واژه با مشتقات خویش در قرآن بسیار به کار رفته است. به عنوان نمونه، واژه «قل» ۳۱۵ بار و یا واژه «قال» نزدیک به ۵۰۱ بار در قرآن آمده است. بنابراین، آنچه ما را به وضع الفاظ واداشته، نیاز اجتماعی به فهم همدیگر و مفاهمه است. ما به این لحاظ با اجتماع روبه‌رو می‌شویم تا با کارهایی که زمینه آن امور مادی است، از نقص به کمال برسیم؛ پس الفاظ را علائمی برای مسمیاتی قرار می‌دهیم که از آن‌ها غایات و اغراض خاصی انتظار داریم... از این‌رو، معیار در صدق اسم، اشتغال مصداق بر غایت و غرض (مورد انتظار) است نه جمود و ایستایی بر شکل و هیئت خاصی از مصداق خارجی (طباطبایی، ۱۴۱۷ق ج ۱: ۱۰).

از طرفی، در نظریات اخلاقی پست‌مدرنیسم آمده است که انسان‌ها شریف و نجیب هستند، شایسته بودن را نسبی می‌دانند و ریشه اخلاقیات را در عواطف (Emotions) و انگیزش‌های (motivations) معمولی انسانی می‌دانند. به نظر آن‌ها، اخلاق و ادب امری تاریخی است و عقاید و افکار هر شخص برای خود او محترم است و به هیچ وجه نباید عقاید خود را بر گروه‌ها و افراد تحمیل کرد (سجادی، ۱۳۸۲). به عبارتی، هر فردی باید توانایی شنیدن و تحمل عقاید گوناگون و نظریات مختلف را کسب کند تا اگر از طریق گفتگو و تبادل نظر به درک همسو دست یافت، ادب و احترام همدیگر را حفظ کنند. همین امر می‌تواند پل ارتباطی و شیوه‌ای متناسب برای مفاهمه باشد. اما آنچه مهم و شایسته بحث است، اهمیت مفاهمه و فهم مشترک در زندگی اجتماعی انسان‌ها در جهان معاصر و آرمانشهر رضوی است که موجب تسهیل روابط

آن‌ها گردیده است. این امر وقتی دربارهٔ ارتباط مردم و حاکمیت مطرح شود، از ارزش بیشتری برخوردار می‌گردد. لذا اهمیت و ضرورت این پژوهش از چند منظر قابل بحث و بررسی است. نخست، «مفاهمه چیست؟ و چه نقشی در زندگی انسان‌ها و تسهیل روابط آن‌ها می‌تواند داشته باشد؟» دوم، «چگونه می‌توان از طریق مفاهمه ارتباط میان حاکمیت و مردم را تسهیل و به سمت جامعه آرمانی یا همان آرمانشهر حرکت کرد؟» سوم و مهم‌تر از همه، «در تعالیم دینی و آموزه‌های رضوی دربارهٔ مفاهمه و درک مشترک (مبانی، شیوه‌ها، اعمال، رفتار و...) چه نکات و دستورهای بیانی و به‌کار گرفته شده است؟»

۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر به روش کتابخانه‌ای و بر اساس مصاحبه با تعدادی از استادان حوزه و کارشناسان دینی انجام شده است. پژوهشگر بر مبنای موضوع مورد نظر، از روش توصیفی - تحلیلی بهره جسته است و برای جمع آوری و توصیف داده‌ها و اطلاعات از روش فیش‌برداری از منابع مختلف روایی، کتابخانه‌ای و مروری - اینترنتی و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، استفاده شده است. بدین‌صورت که پس از مصاحبه با استادان و کارشناسان دینی و سؤال و جواب دربارهٔ مفهوم مفاهمه و نقش آن در زندگی و جایگاهش در منابع و متون مختلف، روش‌ها و شیوه‌های دستیابی به آن میان حاکمیت و مردم و مبانی اصلی آن با توجه به اجزای پیام (فرستنده، پیام، وسیله، گیرنده، بازخورد و محیط)، داده‌های به‌دست آمده با تعالیم قرآنی - دینی و آموزه‌های رضوی تلفیق و در قالب این پژوهش و در نهایت در قالب مدل نظری مفاهمه بر اساس عناصر ارتباط (پیام) انسجام یافت.

۵. مبانی و مفاهیم پژوهش

۱-۵. مفاهمه

در «دانشنامه آزاد» آمده است: «مفاهمه به معنای فهم مشترک، ارتباط بر پایه تفاهم و رسیدن به تفاهم و تفهیم است». به عبارتی، مفاهمه عبارت است از عملی که توسط آن، معلومات، نظریات و احساسات از یک شخص به شخص دیگر و یا بیشتر از یک شخص تبادل شده و هر دو در ادراک آن نظریات و معلومات و گفتگو، تفاهم و فهم مشترک دارند. مفاهمه و تفهیم را بر دو نوع کلی می‌توان دانست: یکی مفاهمه لفظی (زبانی) که پیام در آن به شکل کلمات و جملات انتقال می‌یابد و ممکن است تحریری (نوشتاری) بوده و یا اینکه شفاهی و از طریق سخن گفتن، تقریر و سؤال و جواب صورت گیرد. دیگری مفاهمه غیرلفظی (غیرزبانی) است که

در آن از کلمات و جملات برای مفاهمه و تفهیم استفاده نمی‌شود، بلکه به واسطه اعمالی چون اشاوری (اشارات، حرکات دست و بدن و...)، مفاهمه بصری به واسطه دیدن و مشاهده کردن بعضی حالات و تصاویر و واقعیت‌ها صورت می‌گیرد. مفاهمه سمعی نیز نوع دیگری از تفهیم و افهام است که به واسطه شنیدن صورت می‌گیرد. شنیدن صداها و آواهای گوناگون مانند زنگ مکتب، بوق ماشین، رادیو و....

مفاهمه شرط برقراری ارتباط از طریق گفتگو و سخن گفتن است. اگر دو نفر زبان یکدیگر را متوجه نشوند و نفهمند، نمی‌توانند با همدیگر ارتباط کلامی و گفتگو داشته باشند. زبان مبتنی بر الفاظ ناظر به طبیعت انسان است و به شدت به شرایط مکانی و زمانی متغیر وابسته است و از آن نمی‌توان انتظار فراهم کردن بستر مفاهمه و ارتباط کامل انسان‌ها را داشت. انسان‌ها برای پاسخ به این نیاز فطری خود، باید به زبان دیگری مجهز باشند که از فراگیری کامل در تمام زمان‌ها و مکان‌ها برخوردار باشد و فطرت انسانی، زبان ثابت، همیشگی و همگانی انسان‌هاست (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۴۰، نقل از یوسف زاده و فیاض، ۱۳۹۳).

۲-۵. ارتباط

ارتباط واژه‌ای عربی است به معنای پیوند دادن، ربط، رابطه، مرآوده، پیوستگی و رابط همان فن انتقال اطلاعات، افکار و رفتارهای انسانی از یک شخص به شخص دیگر. انجمن بین المللی تحقیقات ارتباط جمعی، منظور از ارتباط را روزنامه، نشریات، مجله، کتاب، رادیو، تلویزیون و سایر وسایل ارتباطی همچون تلگراف و کابل‌های زیر دریایی می‌داند (کاظم زاده و کوهی، ۱۳۸۹: ۱۸۹).

در دانشنامه رشد در رابطه با مفهوم ارتباط آمده است، ارتباط ترجمه لغت Communication است. هر چند استعمال این لغت در کتب نوشته‌های فارسی عمومیت ندارد اما با این وصف از سایر لغات متداول تر به نظر می‌رسد. ریشه این لغت کلمه لاتین Communis است که می‌توان آن را به تفاهم، مفاهمه و اشتراک فکر ترجمه کرد. وقتی که با شخصی ارتباط برقرار می‌کنیم کار ما در حقیقت برقراری یک نوع اشتراک فکر و تفاهم اندیشه با اوست. مفهوم واقعی ارتباط با توجه به ریشه لاتین آن (در میان گذاشتن و تقسیم کردن) مفهومی است که لازمه آن فقط یک فرستنده فعال و یک گیرنده انفعالی نیست بلکه بازخورد یا فیدبک Feed back دومی را که نیز تغییر دهنده طرز رفتار اولی است به حساب می‌آورد. و از آن مهم‌تر مستلزم شرکت فعال تمام افراد ذی‌نفع در روند ارتباط نیز هست.

ارتباط در این حالت به صورت یک جریان چند بعدی با بازخورد در می‌آید. به عبارتی ارتباط را

می‌توان جریانی چند طرفه دانست که طی آن دو یا چند نفر به تبادل افکار، نظریات، احساسات و حقایق می‌پردازند و از طریق بکاربردن پیام‌هایی که معنایش برای همه آنها یکسان است به انجام این امر مبادرت می‌ورزند. هنگامی که ارتباط را کوشش آگاهانه فرستنده پیام برای سهیم ساختن گیرنده در اطلاعات، عقاید و طرز فکرهاش می‌دانیم، مسئله تفاهم و هماهنگی فرستنده و گیرنده اهمیت اصلی و اساسی خود را به دست می‌آورد، هرگونه انتقال پیام میان فرستنده از یک طرف و گیرنده از طرف دیگر ارتباط محسوب می‌شود (دانشنامه رشد، آنالین). اجزای ارتباط را به صورت کلی می‌توان، فرستنده، پیام، وسیله، گیرنده، بازخورد، محیط (مکان و زمان) تبادل و انتقال دانست که برای تحقق یک ارتباط وجود هر کدام از این اجزا لازم بوده و بدون آن‌ها ارتباط شکل نخواهد گرفت.

۶. یافته‌های پژوهش

۱-۶. مفاهیم در قرآن کریم

در قرآن دست‌کم سه مبنای «امت اسلام»، «اشتراکات ادیان» و «فطرت یکسان بشر» برای مفاهیم در ارتباطات انسانی و فرهنگی بیان شده است. آیات مرتبط با این مبانی بر اساس دعوت با حکمت و موعظه و جدال احسن (نحل/۱۲۵)، آیه امت و واحد بودن انسان‌ها (مؤمنون/۵۲)، آیه اشتراک (آل عمران/۶۴) و آیه تعارف و ملاک برتری بر اساس تقوا (حجرات/۱۳) هستند (یوسف‌زاده و فیاض، ۱۳۹۳: ۱۳) که در ارتباطات فردی، جمعی و نهادی و رابطه میان مردم و حاکمیت نیز مورد استناد قرار می‌گیرند و در کنار سایر تعالیم و دستورهای قرآن، پیرامون ارتباط و مفاهیم و همچنین سیره ائمه معصومین (ع) و به‌ویژه امام رضا (ع) می‌تواند الگوی مناسب برای مفاهیم و درک مشترک و متقابل میان مردم و حاکمیت را فراهم کند.

در قرآن کریم و سیره و سنت معصومین (ع) آموزه‌های فراوانی درباره گفت‌وگوی پسندیده و زمینه‌ساز مفاهیم، وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها را می‌توان در موارد زیر بیان کرد:

۱-۶. **دقت و توجه:** یکی از تعالیم قرآن در راستای فهم همدیگر و درک متقابل، دقت و توجه است. به‌عنوان نمونه، می‌توان به آیات ۱۷-۱۸ سوره مبارکه زمر اشاره کرد که خداوند متعال می‌فرماید: «بشارت بده به آن بندگان من که به سخن گوش فرا می‌دهند و بهترین آن را پیروی می‌کنند. اینانند که خدایشان راه نموده و اینانند همان خردمندان.» حضرت علی (ع) نیز در این رابطه می‌فرماید: «نگاه کن به سخنی که گفته می‌شود و نگاه نکن به کسی که سخن می‌گوید.» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۳۶۱). در جایی دیگر می‌فرماید: «هر کس از آرای دیگران استقبال کند (به گفته‌ها دقت و توجه داشته باشد)، موضع‌های خطا را بهتر می‌شناسد.» (نهج

البلاغه، حکمت ۱۷۳) و خود را از کج فهمی و آنچه مانع مفاهمه می‌گردد، دور می‌کند. یعنی داشتن سینه گشاده و شرح صدر و همچنین توانایی شنیدن نقل‌ها و اقوال مختلف با دقت و توجه، می‌تواند زمینه‌ساز مفاهمه و درک متقابل شود. این امر جزء سیره عملی امام رضا (ع) در موقعیت‌های مختلف به‌ویژه در مناظرات بوده است.

۲-۱-۶. پاسخ به‌نحو شایسته: پاسخگویی و داشتن واکنش مناسب به دیگران، قسمتی از گفت‌وگو و ارتباط است. طبق بیان قرآن، بهتر است پاسخ دیگران را به‌نحو شایسته و نیکو و یا حداقل به همان شیوه خودشان داد. خداوند متعال در آیه ۸۶ از سوره نساء می‌فرماید: «وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا» (هرگاه به شما تحیت گویند، پاسخ آن را بهتر از آن بدهید؛ یا (لااقل) به همان گونه پاسخ گویند). تاریخ زندگی و احادیث نقل‌شده از ائمه معصومین (ع) حاکی از آن است که تمام سیره عملی و گفتمان‌های ایشان، نیز بر مبنای مفاهمه، برخورد شایسته، حفظ کرامت انسانی و رعایت ادب و احترام به‌منظور تربیت و رشد و بالندگی افراد، صورت می‌گرفته است. لذا با هر کسی از مردم، حتی مخالفان، گفت‌وگو و یا برخوردی انجام شده، پاسخ آن‌ها به‌نحو شایسته داده می‌شده است. قرآن کریم سخن معروف و قول مهم را در این راستا بیان کرده است (نک: نساء ۸ و ۵ و بقره ۲۳۵ و سوره محمد، آیه ۲۱). در همین زمینه، تعاملات شایسته امام رضا (ع) با گروه‌های مختلف حتی جریان خلافت غاصب عباسی، قابل توجه است.

۳-۱-۶. مدارا با دیگران و رعایت ادب و احترام: مدارا با دیگران و رعایت ادب و احترام، اصل مهم دیگر در برقراری ارتباط و دستیابی به مفاهمه است. این اصل طبق فرمان خدا و بر اساس آیه ۶۱ از سوره انفال بود که خداوند می‌فرماید: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا...» (اگر مخالفان تمایل به صلح نشان دادند، تو هم تمایل نشان بده) (سعادت، ۱۳۸۵: ۱۵۸). مدارا با دیگران یک اصل اخلاقی - اجتماعی برخورد با دیگران و خصوصا مخالفان با عقاید و افکار ما در جهت رسیدن به مفاهمه و فهم مشترک و تسهیل روابط است. چنان‌که یکی دیگر از مصادیق و آداب تعامل و برخورد اجتماعی، رعایت ادب و احترام در برخورد با دیگران همراه با احترام گذاشتن و مسخره نکردن آن‌هاست. در قرآن هم آمده است: «لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ» (حجرات/۱۱) (نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را مسخره کنند). اصل اولیه رفتار معصومین (ع) این بود که همواره با مخالفان و کسانی که عقیده متفاوت و مخالف داشتند، با مدارا برخورد می‌کردند و با رعایت ادب و احترام، آن‌ها را به دین حق دعوت می‌کردند. همان‌طور که بیان گردید، احترام و تکریم دیگران از مهم‌ترین شیوه‌های دستیابی به فهم متقابل و مشترک و مفاهمه در تعلیم قرآن و راهکاری در این رابطه در آرمانشهر رضوی است که در

تعالیم دینی و آموزه‌های ائمه معصومین (ع) پیرامون آن دستورها و سفارش‌هایی بیان شده است. در سیره پیامبر اکرم (ص) آمده است، وقتی دعوت به اسلام می‌کرد، طرف مقابل را احترام و نصیحت می‌فرمود (فائضی، ۱۳۷۵: ۴۳). ایشان فرمودند: «**لَا تَحْقِرَنَّ أَحَدًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ، فَانْ صَغِيرَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ كَبِيرٌ**» (آشتیانی و فائضی، ۱۳۷۵: ۲۴۴) (هیچ کس از مسلمین را تحقیر نکنید و کوچک نشمارید، زیرا مسلمانی که در نظر شما کوچک است، نزد خداوند بزرگ است). همچنین می‌فرمودند: «کسی که برادر مسلمان خود را با کلمات مودت آمیز خویش احترام نماید و غم او را بزدايد، تا زمانی که این سَجِيه در او باقی است، پیوسته در سایه رحمت خداوند متعال خواهد بود» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۸۴). سایر معصومین (ع) نیز همیشه در برخورد با دیگران ادب و اخلاق و احترام را رعایت می‌کردند. چنان که آمده است، حضرت رضا (ع) در برخورد با انسان‌ها حرمت آن‌ها را پاس می‌داشت و هیچ‌گاه اجازه نمی‌داد ارزش افراد نادیده گرفته شود و انسانی کوچک به حساب آید (حکیمی، ۱۳۸۴: ۶۲).

۱-۶. مجالست و همنشینی با بزرگان و بیان قول آن‌ها: یکی از راه‌هایی که می‌تواند مفاهمه را به همراه داشته باشد و سبب تسهیل ارتباط‌های انسانی شود، مجالست و همنشینی با بزرگان و گفتن قول آنان و گفتار صحیح است. چنانکه امام حسن مجتبی (ع) فرمود: «هر که با علما بسیار مجالست نماید، سخنش و بیانش در بیان حقایق آزاد و روشن خواهد شد و ذهن و اندیشه‌اش باز و توسعه می‌یابد و بر معلوماتش افزوده می‌گردد و به‌سادگی می‌تواند دیگران را هدایت کند» (شوشتری، ۱۴۰۹، ج ۱، ق ۱: ۲۳۸). در قرآن کریم نیز در آیه ۱۸ سوره زمر خردمندان کسانی دانسته شده‌اند که از سخنان نیکو پیروی می‌کنند و خدا آن‌ها را هدایت کرده است: «**الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ**» (همان کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آن‌ها پیروی می‌کنند، آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده، و آن‌ها خردمندانند (زمر/ ۱۸)).

۱-۶. وحدت و انسجام: از دیگر راه‌های دستیابی به مفاهمه و درک مشترک که رابطه‌ای دوسویه و متقابل با مفاهمه دارد، وحدت و انسجام میان افراد جامعه به‌خصوص حاکمان و مردم است. وحدت، مبتنی بر تفاهم و مفاهمه بیشتر گروه‌های جامعه است و اگر مفاهمه ایجاد نشود، وحدت به‌درستی شکل نمی‌گیرد و پایدار نخواهد بود. اسلام به‌عنوان کامل‌ترین و جامع‌ترین دینی که از طرف خداوند متعال برای بشر فرستاده شده، به اتحاد و برادری و همگرایی تأکید بسیاری دارد. قرآن کریم به پیروان خود و مسلمانان صدر اسلام آموخت که همگی به ريسمان الهی چنگ بزنند و از تفرقه بپرهیزند (سوره آل عمران، آیه ۱۰۳) و گرنه شکست خواهند خورد (انفال / آیه ۴۶)، (گیلانی و همکاران، ۱۳۹۴).

شهروندان در آرمانشهر رضوی در اتحاد و انسجام کامل و همدلی با همدیگر هستند. این اتحاد و انسجام را می‌توان در وحدت فرد با جامعه، وحدت جامعه با محیط، وحدت اجزا در کل، وحدت در نگرش، وحدت در کالبد و سیمای شهری، وحدت در پراکندگی یکسان و متناسب اجزای شهری (در عین توجه به مفهوم عدالت)، وحدت مردم شهر با مسئولان و بالعکس، وحدت حاکمان و مردم، وحدت تفکر در رسیدن به خشنودی خالق یکتا، وحدت نظر و عمل و... مشاهده کرد که ترکیب و ساخت همه اجزای شهر و عقاید و خلقیات همه شهروندان در جهت تقویت این امر ترتیب داده شده و مشخص گردیده است. در آرمانشهر رضوی، شهروندان اگر بتوانند فراتر از تعاون و همدلی و همکاری، به تقریب و اتحاد و هم‌بانی به‌معنای یکصدا بودن نیز باشند، به همان میزان اتحاد آنان نیز افزایش می‌یابد (جواهردهی، ۱۳۹۴) و با افزایش اتحاد آنان، مفاهمه و فهم مشترکشان نیز افزوده می‌شود. به عبارتی، از طریق وحدت به مفاهمه و فهم مشترک رسیده و با مفاهمه و فهم مشترک، وحدت و انسجام آنان تقویت می‌شود. وحدتی که به‌دنبال خود همدلی را نیز به‌همراه دارد.

۶-۱-۶. همدلی و هم‌بانی: خداوند متعال در آیات بسیاری - از جمله آیه ۱۰۳ سوره آل عمران - می‌فرماید: «و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید. آنگاه که دشمنان یکدیگر بودید، پس میان دل‌های شما الفت انداخت، تا به لطف او برادران هم شدید و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رها کنید. این‌گونه، خداوند نشانه‌های خود را برای شما روشن می‌کند، باشد که شما راه یابید». از آیه ۱۰۸ همین سوره برمی‌آید که همدلی و هم‌بانی در کنار اعتصام مؤمنان به حبل الهی، یعنی قرآن و اهل بیت عصمت و طهارت (ع)، از آیات الهی است. امام باقر (ع) در این باره می‌فرماید: «**و اعلم ان الالف من الله و الفرق من الشیطان**». (بدان که انس و الفت گرفتن (با دیگران) از خداوند و دشمنی از شیطان است) (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۵: ۵۰۰). همچنین از آیه ۱۱ سوره رعد به‌دست می‌آید که همدلی و هم‌بانی و اصلاح امور فاسد جامعه زمانی تحقق خواهد یافت که هر یک از افراد جامعه بخواهد به اصلاح نفس خود بپردازد و خود را از هرگونه عوامل اختلاف و فسادانگیزی چون کبر و غرور و شیطنت و دیگر رذایل اخلاقی پاک کند و به اصلاح کردار و رفتار و گفتار خویش بپردازد. در این صورت است که اصلاح دیگران و جامعه، شدنی و دست‌یافتنی است. امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «**من لم یصلح نفسه لم یصلح غیره**» (هرکس خودش را اصلاح نکند، نمی‌تواند دیگران را اصلاح کند) (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ح ۸۹۹۰).

۶-۱-۷. توجه به قومیت‌های مختلف انسانی: از دیگر اصول و زمینه‌های مفاهمه که در آیات قرآن نیز به آن اشاره شده است، توجه و پذیرش این نکته است که جامعه از گروه‌ها و

قشرهای مختلف ساخته شده است و طبیعتاً نظرها و عقاید متفاوت وجود دارد. در آیه ۱۳ سوره حجرات به این مفهوم اشاره شده است. خداوند می‌فرماید: «ای مردم، ما همه شما را نخست از مرد و زنی آفریدیم و آن‌گاه شعبه‌های بسیار و فرق مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید، همانا بزرگوارترین و بافتخارترین شما نزد خدا با تقواترین شمایند. همانا خدا کاملاً دانا و آگاه است». بنابراین، قرار نیست عقاید و رفتارهای همه انسان‌ها به یک شکل و شیوه انجام شود. دقت و توجه و پذیرش این نکته می‌تواند بسیاری از آفت‌ها و آسیب‌های ارتباط را برطرف کند و خود امری مهم در برقراری مفاهمه باشد.

۸-۱-۶. دارا بودن روحیه انتقادپذیری و نقد: نکته دیگری که در تربیت فردی و اجتماعی حایز اهمیت و در برقراری مفاهمه بسیار کارگشاست، دارا بودن روحیه انتقادپذیری و نقد است. قرآن در آیات مختلف به روابط میان مؤمنان و نیز مؤمنان و دولتمردان اشاره و مسأله انتقاد و انتقادپذیری را به روشنی طرح و مصداق‌های بسیاری را بیان می‌کند. نخستین موردی که قرآن کریم به آن اشاره دارد داستان آفرینش انسان است که در سوره‌های مختلف مطرح شده است. در سوره مبارکه بقره آیات ۳۰ تا ۳۷ به نکاتی اشاره دارد که ارتباط تنگاتنگی با انتقادپذیری و تحمل دیگری دارد.

خداوند متعال با آنکه احاطه عملی کامل به هستی و آفریده‌های خویش دارد و در مقام لایسئل عما یفعل (بازخواست نمی‌شود از آنچه می‌کند) اجازه انتقاد و طرح مسئله را می‌دهد. در این داستان که خداوند خود گزارشگر مستقیم و بی‌واسطه آن است به این نکته اشاره می‌کند که فرشتگان رفتار خداوند را مورد ارزیابی و داوری قرار می‌دهند و از اینکه آفریده‌ای را می‌آفریند که خونریزی می‌کند و خشونت می‌ورزد به نقد می‌کشند. خداوند با آنکه در آن مقام بلند و عظم‌نا نشسته است همه این انتقادهای را گوش می‌دهد و بدان‌ها پاسخ‌های منطقی و قانع‌کننده می‌دهد. در حوزه مناسبات قدرت و ملت و دولت نیز این مسئله در داستان مورچگان و حضرت سلیمان (ع) به خوبی نشان داده شده است. حضرت با آنکه در مقام قدرت بود به انتقاد ملکه مورچگان گوش می‌دهد. ملکه مورچگان به صراحت و تندی رفتار و اعمال حضرت و لشکریانش را انتقاد می‌کند و بیان می‌کند که آنان بر هر سرزمینی که درآیند آن را ناخواسته به نابودی می‌کشند. لذا داشتن روحیه انتقادپذیری و نقد یکی دیگر از اصول و زمینه‌های مفاهمه است.

۹-۱-۶. پرهیز از پیشداوری و سوءظن: پرهیز از گمان و سوءظن نسبت به دیگران از دیگر ملاک‌ها و معیارهایی است که اگر رعایت شود، می‌تواند مفاهمه و فهم و درک متقابل را برای طرفین به‌همراه داشته باشد. خداوند متعال نیز در آیه ۱۲ سوره حجرات، این نکته را به خوبی بیان کرده است که: «ای کسانی که ایمان دارید، از بسیاری گمان‌ها بپرهیزید که بعضی گمان‌ها

گناه است و نیز هرگز (از حال درونی هم) تجسس نکنید و غیبت یکدیگر نکنید. آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ البته از خوردن آن نفرت و کراهت دارید (پس بدانید که صورت واقعی غیبت مؤمن چنین است) و از خدا پروا داشته باشید که خدا توبه پذیر و مهربان است». چنان که در آیات دیگر نیز پرهیز از گمان بد و سوء ظن بیان شده است (نک؛ فصلت/ ۲۳ و فتح/ ۱۲). درباره حسن ظن و پرهیز از بدگمانی نیز از حضرت رضا (ع) نقل شده است: «فَأَحْسِنِ الظَّنَّ بِاللَّهِ فَإِنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَقُولُ مَنْ حَسَنَ ظَنَّهُ بِاللَّهِ كَانَ اللَّهُ عِنْدَ ظَنِّهِ بِهِ وَمَنْ رَضِيَ بِالْقَلِيلِ مِنَ الرِّزْقِ قَبِلَ مِنْهُ الْيَسِيرَ مِنَ الْعَمَلِ» (گمان خود را نبست به پروردگار نیکو گردان زیرا حضرت اباعبدالله (ع) مکرر می فرمودند: کسی که گمانش نسبت به خداوند نیکو باشد، خداوند در نزد گمان آن بنده نسبت به خودش خواهد بود - با او مطابق همان گمان معامله خواهد نمود - و کسی که به مقدار اندکی از روزی اکتفا نماید، خداوند متقابلاً عمل کم او را قبول خواهد کرد.» (حرّ عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵: ۲۲۹).

علاوه بر موارد یادشده که زمینه‌هایی اساسی و کلی برای مفاهمه در قرآن می‌باشند، می‌توان سایر موارد مهم برای برقراری مفاهمه و فهم مشترک را که با ملاک‌های گفته شده همسو هستند، چنین برشمرد: رعایت انصاف در برخورد (آل عمران، آیه ۷۵)، نرمی در گفتار و پایین آوردن صدا در معاشرت و سخن گفتن (لقمان، آیه ۱۹ و حجرات، آیات ۲ و ۳)؛ تواضع و فروتنی و پرهیز از تکبر (مائده/ آیه ۵۴؛ اسراء/ آیه ۳۷ و لقمان/ آیات ۱۸ و ۱۹)؛ حفظ شخصیت افراد و آبروی آنان (بقره/ آیات ۲۲۰ و ۲۶۳ و نساء؟ آیه ۱۵ و آیات دیگر)؛ خوش خلقی و خوشرویی (آل عمران/ آیه ۱۵۹)؛ دفع بدی با خوبی (مؤمنون، آیه ۹۶ و فصلت/ آیه ۳۴)؛ سخن نیک و رفتار نیکو داشتن (بقره/ آیه ۸۳ و نساء/ آیات ۵ و ۸)؛ صبر و شکیبایی در برابر گفته‌های مخالفان (مزمّل/ آیه ۱۰ و بلد/ آیه ۱۷)؛ صداقت در گفتار و اعمال (توبه/ آیه ۱۱۹)؛ رعایت عدالت (نساء/ آیه ۱۳۵)؛ عفو و نادیده گرفتن لغزش‌های مردم و گذشت از خطای آنان (بقره/ آیه ۱۰۹ و نیز آل عمران/ آیات ۱۳۴ و ۱۵۹)؛ مشورت با مردم (همان)، معرفی خود به مخاطب (هود/ آیه ۸۱ و حجر/ آیات ۵۱ تا ۵۸ و آیات دیگر)؛ مهربانی در گفتار و رفتار (آل عمران/ آیه ۱۵۹ و فتح/ آیه ۲۹ و حدید/ آیه ۲۷)؛ وفای به عهد در روابط (بقره/ آیات ۱۰۰ و ۱۲۷ و اسراء/ آیه ۳۲)؛ وفای به وعده‌ها (مریم/ آیه ۵۴) و...

۲-۶. مفاهمه در سیره رضوی و تسهیل ارتباط حاکمیت و مردم

برای آنکه بتوان ارتباط صحیح و زمینه‌ساز مفاهمه و نقش آن را در تسهیل ارتباط میان مردم و حاکمیت بهتری بررسی کرد، لازم است اجزای ارتباط و مفاهمه به صورت جداگانه شناسایی و

بررسی شوند تا از این طریق بتوان ملاک‌ها و معیارها (شاخص‌ها و مبانی) مهم و تأثیرگذار آن را در سیره رضوی تبیین و تحلیل کرد. در این زمینه می‌توان با تبیین و تحلیل اجزای پیام و ارتباط که مفاهمه را به همراه دارد، در چند مورد کلی فرستنده، پیام، وسیله، گیرنده، بازخورد، محیط (زمان و مکان)، به درک عمیق‌تری از مسئله در سیره رضوی دست یافت. ذکر این نکته نیز حایز اهمیت است که اگر در یکی از این اجزا اختلال و نقص و کمبودی وجود داشته باشد، جریان مفاهمه با مشکل روبه‌رو می‌شود. در مقابل، اگر اصول و شرایطی را در رابطه با این موارد رعایت کند، درک متقابل شکل می‌گیرد و می‌توان با توسل به این اصول، روابط میان مردم و حاکمیت را تسهیل کرد.

۱-۲-۶. فرستنده پیام

برای افزایش درک متقابل، نیاز است تا فرستنده پیام یک سری ویژگی‌هایی داشته باشد و آدابی را رعایت کند تا علاوه بر یک معاشرت نیکو و ارتباط شایسته، مفهوم مفاهمه با سهولت و سرعت بیشتری اتفاق بیفتد. با توجه به اطلاعات به دست آمده از مصاحبه‌ها و گفت‌وگو با استادان حوزه و کارشناسان دینی و دقت در سیره رضوی، مهم‌ترین ویژگی‌های عناصر پیام، از جمله منبع پیام و یا همان فرستنده، در موارد زیر جمع‌بندی می‌شود:

- صبر، بردباری و شکیبا بودن: یکی از ویژگی‌های اصلی فرستنده پیام، صبور بودن و داشتن بردباری و شکیبایی است. امام رضا (ع) در دوران زندگی و زندانی بودن پدر بزرگوارشان، مکرر سعه صدر از خود نشان می‌دادند و مراقب اهل و عیال پدر ارجمندشان بودند. ایشان اهل حلم و شکیبایی بودند. در برابر افرادی که با ایشان ستیزه و نزاع داشتند، حلم و صبر می‌ورزیدند. در برابر دهن‌کجی‌های دیگران سعی می‌کردند سکوت کنند. افرادی بودند که نسبت به ایشان بی‌احترامی می‌کردند، اما این بزرگوار در برابر آن‌ها خاموشی را انتخاب می‌کردند (عمادزاده، ۱۳۹۳: ۱۰۶۴). به‌طور کلی، صبر راهبردی ایشان در طول زندگی اثبات نمود که مبارزه و راهبری معنوی جامعه همراه با صبر و شکیبایی، تأثیرگذار است نه مبارزه شتابزده، مقطعی و موسمی.

- تواضع و فروتنی: ویژگی دیگر منبع پیام برای آنکه بتواند مفاهمه را برقرار کند، تواضع و فروتنی است. آیات قرآن، احادیث معصومین (ع) و سیره رضوی سرشار از مضامین و مفاهیمی است که درباره تواضع و فروتنی بیان شده است. حضرت علی (ع) در سخنی زیبا، تواضع را از بزرگ‌ترین عبادت‌ها شمرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲: ۱۱۹). از نظر امام رضا (ع)، با فروتنی و خضوع می‌توان با طرف مقابل ارتباط مؤثر برقرار کرد و حس همدلی و صمیمت را گسترش داد.

فرد با انجام رفتاری که دوست دارد در قبالش اتخاذ شود، می تواند سبب شود تا رفتاری مناسب با خود و خصوصیاتش، از کسی که طالب صمیمیت و همدلی با اوست، سر بزند. امام رضا (ع) در حدیثی ارزشمند می فرماید: «التواضع إن تعط الناس ما تحب أن تعطاه»؛ (فروتنی و تواضع در آن است که با مردم چنان کنی که دوست داری با تو چنان باشند) (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۵: ۲۲۵).

— توجه به کرامت انسانی: در نظر گرفتن ارزش و کرامت انسانی دیگران توسط فرستنده پیام، از دیگر آداب و اصولی است که باید رعایت شود تا مفاهمه شکل پذیرد. امام رضا (ع) در برخورد با انسان ها، حرمت آن ها را پاس می داشت و هیچ گاه اجازه نمی داد ارزش افراد نادیده گرفته شود و انسانی کوچک به حساب آید. ایشان در این رابطه می فرمایند: «لازم است با تمام اطفال و بزرگسالان، مؤدب و با احترام برخورد کنید.» همیشه یادآور می شدند که پروردگار همه یکی است، پدر و مادر همه یکی است، و پاداش هم به اعمال است. (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۸: ۲۳۰).

— داشتن دانش و اطلاعات کافی در زمینه های مورد نظر و ضرورت تفکر قبل از سخن: علم و اطلاع از موضوع ارتباط و گفت و گو و تفکر کردن قبل از سخن گفتن، ویژگی مهم دیگر فرستنده پیام است که برای درک متقابل و مفاهمه لازم است مورد توجه قرار گیرد و رعایت شود. علاوه بر اینکه حضرت رضا (ع) عالم آل محمد (ص) و در جمیع علوم سرآمد بودند، همیشه یادآور شده اند که تفکر کردن بسیار مهم است و عبادت شمرده می شود. لذا فرموده اند: «عبادت به زیادبودن نماز و روزه نیست، بلکه تفکر کردن در کار خدای عزوجل است (عطاردی، ۱۴۰۶، ج ۱: ۳). و درباره علم آموزی فرموده اند: «کسی که علوم ما را فراگیرد و آن را به مردم بیاموزد، امر ما را زنده کرده است، چون اگر مردم از سخنان زیبای ما آگاه گردند، قطعاً از ما پیروی خواهند کرد (عطاردی، ۱۴۰۶، ج ۱: ۶).

— رعایت تقوا: داشتن تقوا و پرهیزکاری فرستنده پیام، نقل، سخن و عمل او را قابل قبول تر کرده و درک آن را بهتر می گرداند. لذا، می بینیم که تقوا در عمل و سخن امام رضا (ع) همیشه رعایت می شد. ایشان درباره تقوا فرموده اند: اگر کسی عرضه گناه کردن داشت، اما گناه نمی کرد، آرام باش، فریب نخور، ممکن است گناهی را ترک می کند، اما مرتکب گناه دیگری می شود. زیرا شهوات مردم مختلف است و باید در عمل، تقوای او را در نظر بگیریم (حرّ عاملی، ۱۴۱۴، ج ۳۱۷).

— انس با قرآن: آشنایی و انس با قرآن یکی دیگر از ویژگی هایی است که فرستنده پیام برای درک متقابل و مفاهمه باید داشته باشد. امام رضا (ع) خود بر تلاوت فراوان قرآن تأکید کرده و همگان را به خواندن قرآن ترغیب می کردند. حضرت کتاب الهی را چنین توصیف می کردند:

«قرآن ریسمان محکم خداست و دستگیره مطمئن او و راه نمونه او که به بهشت می‌رساند و از آتش می‌رهاند. با گذشت زمان کهنه نمی‌شود و بر زبان‌ها ناخوش نمی‌آید. چه برای زمان خاصی جز زمان دیگر قرار داده نشده؛ بلکه دلیل و برهان است و حجت بر هر انسان و از هیچ سوی، باطل را به آن راهی نیست و فرو فرستاده‌ای از خدای حکیم حمید است. (ابن بابویه، ۱۳۸۳، ج ۲: ۱۳۰). برنامه نقل شده در سیره امام رضا (ع) درباره خواندن و انس ایشان با قرآن، چنین است: ۱- بعد از نماز صبح، قرآن کریم را باز و از روی آن تلاوت می‌کردند (شیخ صدوق، ۱۴۰۴، ج ۱: ۵۰۴)؛ ۲- شب‌هنگام که در بستر قرار می‌گرفتند، آیات قرآن را تلاوت می‌فرمودند (ابن بابویه، ۱۳۸۳، ج ۲: ۱۸۳)؛ ۳- هرگاه به آیه‌ای می‌رسیدند که در آن از بهشت یا دوزخ سخن رفته بود، گریه و از خداوند درخواست بهشت می‌کردند (ابن بابویه، ۱۳۸۳، ج ۲: ۱۸۳).

- نیکو سخن گفتن: این آموزه اخلاقی گاه با عنوان فرمان به زیبا سخن گفتن با مردم، بیان شده (بقره/۸۳، اسراء/۵۳) و گاه به شکل نهی از هرگونه بی‌ادبی و درشتی در گفتار تجلی یافته است. چنان‌که از تمسخر، لقب زشت دادن به دیگران، غیبت (حجرات/۱۱) و درگوشی سخن گفتن، نهی شده است (مجادله/۷-۱۱) که رعایت و توجه به این موارد، از ویژگی‌های مهم فرستنده پیام در جهت مفاهمه و درک متقابل است. امام رضا (ع) با استناد به سخن حضرت رسول، از اینکه کسی دیگری را سب کند، نهی کرده است زیرا خداوند حضرت آدم را بر صورت خود آفریده است (قیومی، ۱۳۷۳: ۳۷۶) و همیشه با دیگران حتی دشمنان خویش نیکو سخن می‌گفتند.

- خوش اخلاقی و خوشرویی: اخلاق نیکو و خوش خلقی در برخوردها، از دیگر ویژگی‌های فرستنده پیام در جهت مفاهمه است. قرآن کریم پیامبر اکرم (ص) را که الگوی رفتاری مسلمانان است، دارای خلق عظیم (قلم/۲-۳) قلبی مهربان (آل عمران/۱۵۹)، سعه صدر (انشراح/۱)، شنوا و پذیرای دیگران (توبه/۶۱) معرفی و بیان کرده است که اگر پیامبر (ص) دارای اخلاق نیکو نمی‌بود، قطعاً مردم از اطراف او پراکنده می‌شدند و حتی ارتباطی میان آن‌ها شکل نمی‌گرفت (نک؛ آیه ۱۵۹ آل عمران). در سیره رضوی نیز ایشان همیشه با افراد مختلف اعم از موافق و مخالف، خوش اخلاق بودند و با مهربانی رفتار می‌کردند (ماجرای کیسه کشیدن امام رضا (ع) برای مرد ناشناس در حمام (نک؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴: ۳۶۲). همچنین، خوشرویی نیز که جزئی از اخلاق نیکوست، می‌تواند معیار مهمی برای فرستنده پیام باشد. امام رضا (ع) در این باره می‌فرماید: «با سلطان و زمامدار با ترس و احتیاط همراهی کن و با دوست با تواضع و با دشمن با احتیاط، و با مردم با روی خوش» (حلوانی، ۱۴۰۸ ق: ۱۳۳). و در رابطه با محبت و

احترام به دیگران که قسمتی از خوشرویی است، فرموده‌اند: «احترام و محبت نسبت به مردم و اظهار دوستی به آنان، نیمی از عقل است» (مجلسی، ۱۴۰۰، ج ۷۸: ۳۳۵).

— همدلی: همدلی فرستندهٔ پیام با مخاطبان نیز در درک متقابل و مفاهمه اثر زیادی دارد. سیرهٔ رضوی سرشار از مفاهیم همدلانه و توجه به دیگری است. عبدالله بن صلت می‌گوید: از یکی از مردم بلخ شنیدم که گفت: در مسافرت امام علی بن موسی الرضا (ع) به خراسان، با او همراه بودم. روزی همگان را بر سر سفره فراخواند و غلامان او از سیاه و غیر سیاه آمدند و بر سر سفره نشستند. به او گفتم: فدایت شوم! بهتر نیست برای اینان سفره‌ای جداگانه گسترده شود؟ گفت: خاموش! خدای همه یکی است و مادر یکی و پدر یکی و پاداش هر کسی بسته به کردار اوست. (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۸: ۲۳۰). یاسر، خادم امام، می‌گوید: امام رضا (ع) به ما فرموده بود: اگر بالای سرتان ایستادم (و شما را برای کاری طلب کردم) و شما مشغول غذا خوردن بودید، برنخیزید تا غذای شما تمام شود. به همین جهت، بسیار اتفاق می‌افتاد که امام ما را صدا می‌زد و در پاسخ او می‌گفتند: «به غذا خوردن مشغول هستید. و آن حضرت می‌فرمود: بگذارید غذایشان تمام شود. (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۶: ۲۹۸).

— مخاطب‌شناسی: اصل مهمی که فرستندهٔ پیام در هنگام ارتباط باید رعایت و به آن توجه کند، مخاطب‌شناسی است (یعنی با توجه به درک و فهم و سطح گوناگون مخاطب، ارائه شود). مسیری که امام (ع) از مدینه تا مرو پیمودند، قابل تأمل است زیرا ایشان را از مسیر و شهرهایی به مرو آوردند تا کمترین برخورد را با مردم و شیعیان داشته باشند، اما ایشان از همان آغاز حرکت، راه ارتباطی خود را پیدا کردند. اولین راه ارتباطی، «زبان» است. حضرت در هر منطقهٔ ایران و به هر شهر و دیاری که رسیدند، با زبان مردم آن دیار سخن گفتند. ایشان به زبان‌های سندی، هندی، مغولی و فارسی با مردم دیار مختلف صحبت کردند. همچنان که امام رضا (ع) با منطق و کتاب و آنچه مخاطب خویش قبول داشتند، با ایشان مناظره و صحبت می‌کردند. چنان‌که در مناظره و گفت‌وگو با جاثلیق، امام رضا (ع) بر مبنای اعتقادی شخص مخاطب، ضمن احترام به عقاید، مقدسات و کتاب‌های آسمانی ایشان، با زبان، منطق و مکتب خودشان با آن‌ها مواجه شده و آنان را قانع کرد. از این روست که حضرت فرموده است: «من با اهل تورات به تورات‌شان، با اهل انجیل به انجیل‌شان، با موبدان به شیوهٔ پارسی‌شان، با رومیان به روش خودشان و با اهل بحث و گفت‌وگو به زبان‌های خودشان استدلال کرده، همه را به تصدیق خود وا می‌دارم (ابن بابویه، ۱۳۸۳، ج ۱: ۱۵۶).

— نیکو صدازدن مخاطب: مورد خطاب قرار دادن و صدازدن مخاطب در ارتباط توسط فرستنده پیام، عامل مهمی در مفاهمه است. دربارهٔ صدا زدن دیگران نیز از امام رضا (ع) وارد شده است

که: «اگر فردی در مجلسی حاضر است، او را با کنیه (مانند ابوالحسن که نشانه احترام است) صدا بزن و اگر حاضر نیست، اسمش را بخوانید.» (حرانی، ۱۳۸۳: ۵۲۴) و هیچ وقت افراد را با نام‌ها و لقب‌های زشت صدا نزنید.

– دوری از عجب و خودبرتر بینی: فرستنده پیام برای شکل‌گیری مفاهمه و درک متقابل باید همیشه در ارتباط با دیگران در کارهای نیک با آنان همراهی و همنشینی کند و خود را برتر از آن‌ها نداند (مجلسی، ۱۴۰۰، ج ۱۲: ۱۲۹) و دچار عجب و خودبرتر بینی نشود زیرا این صفت ناپسند اخلاقی باعث آسیب‌ها و چالش‌هایی چون غرور، غفلت، بزرگ‌بینی و سقوط انسان و نهایت فاصله‌گیری از ارزش‌های انسانی و مختل شدن ارتباط می‌شود. لذا، لازم است انسان در مقابل دیگران از این اعمال بپرهیزد. در ارتباط و گفت‌وگو با دیگران باید به این نکته توجه کرد. امام رضا (ع) در سخنی زیبا و مرتبط با این امر، فرموده‌اند: «عجب و خودبینی در جاتی دارد: یکی اینکه کار بد انسان در نظرش زینت شود و آن را نیک بداند و همین مایه خودبینی شود. دیگر اینکه، بنده به خدا ایمان می‌آورد ولی بر خدا منت می‌گذارد که ایمان آورد، در حالی که خدا بر او منت دارد به‌خاطر آن ایمان» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۳۱۳). همچنین، صدق نیت و گفتار، شکل ظاهری آراسته و پسندیده و دلسوزی و خیرخواهی منبع و فرستنده پیام از مهم‌ترین ملاک‌های مرتبط با فرستنده پیام درباره مفاهمه است که همه در سیره و رفتار امام رضا (ع) به‌خوبی مورد توجه بوده و توسط ایشان رعایت می‌شده است.

۲-۲-۶. پیام

قسمت دیگر ارتباط که نقش و سهم مهمی در مفاهمه و درک متقابل دارد، پیام و محتوای گفت‌وگوست. با توجه به اطلاعات به‌دست آمده و آنچه در سیره رضوی به آن اشاره شده است، برای اینکه بتوان به مفاهمه رسید، پیام باید دارای ویژگی‌هایی زیر باشد:

– روشن، ساده و قابل فهم: پیام برای آنکه بتواند خوب فهمیده شود و مفاهمه را به همراه داشته باشد، باید روشن، ساده و قابل فهم باشد. به‌عنوان نمونه، بیان پیام در قالب زبان طرف مقابل از ویژگی‌هایی است که آن را قابل فهم می‌گرداند. در سیره رضوی و به‌ویژه مناظرات حضرت آمده است که ایشان با هر طرف مناظره، با زبان خودش صحبت کرده است. در مناظره و گفت‌وگویی که بین آن حضرت و ابواسماعیل سندی رخ داد، ابواسماعیل چون عربی نمی‌داند، در ابتدا به زبان سندی با ایشان احوالپرسی می‌کند، امام هم به زبان سندی جواب می‌دهد. سپس با زبان سندی گفت‌وگو می‌کند. در آخر مناظره، ابواسماعیل به ایشان می‌گوید: من عربی نمی‌دانم. از خداوند بخواهید آن را به من الهام کند تا با اهل آن با زبان خودشان گفت‌وگو کنم.



در این هنگام، حضرت رضا (ع) دست خودشان را بر لب‌های ابواسماعیل کشیدند و او زبان عربی را یاد گرفت (عطاردی، بی‌تا: ۶۲۰) چنان‌که در مناظره دیگری (مناظره با عمروبن هذاب) هم که منکر علم امام به تمام زبان‌ها بود، اتفاقاً مجلسی تشکیل شد که در آن هندی، رومی، فارسی و ترکی بود. امام با هر یک از آن‌ها با زبان خودشان گفت‌وگو کرد عطاردی، بی‌تا: ۶۲۱).

— صداقت پیام: صدق و کذب پیام، یکی دیگر از ویژگی‌هایی است که اگر همراه پیام باشد، نقش مهمی در پذیرش آن و رسیدن به مفاهمه می‌تواند داشته باشد. اگر پیام صداقت داشته باشد، می‌تواند زمینه بیشتری برای مفاهمه فراهم کند. امام رضا (ع) در سخنی به نقل از پدران خویش، شاخص و میزان سنجش دینداری و قابل اعتماد بودن فرد و جامعه را چنین ترسیم می‌فرماید: «به نماز و روزه بسیار آنان منگرید؛ به زیادی انجام حج و کارهای خیر و شب‌زنده‌داری آنان نگاه نکنید، بلکه به راستگویی و امانتداری آنان بنگرید.» (ابن بابویه، ۱۳۸۳، ج ۲: ۵۱). در حدیثی دیگر، پرهیز از دروغگویی و راستگو بودن و صداقت داشتن را نشانه جوانمردی می‌داند و می‌فرماید: «اگر کسی با مردم رفتار کند ولی به آنان ستم نکند، با آنان گفتگو می‌کند ولی به آنان دروغ نمی‌گوید، به آنان وعده می‌دهد و خلف وعده نمی‌کند. چنین شخصی مروت و جوانمردی‌اش کامل و عدالتش آشکار و غیبت‌کردنش حرام است (همان، ج ۲: ۳۳).

— اختصار پیام و پرهیز از پرگویی: پیام باید علاوه بر صداقت و سادگی، مختصر و مفید باشد. بنابراین، پیام‌های طولانی ممکن است نه تنها مفاهمه را در پی نداشته باشد، بلکه باعث سوءتفاهم و بحث و جدل گردند. بنابراین، صحبت زیاد و پرگویی کردن، یکی از لغزش‌های انسان است. کسی که می‌خواهد خود را از لغزش و سقوط نجات دهد و از عمر خود استفاده بهینه داشته باشد، باید کم‌حرفی را پیشه و از کارها و گفتار زاید پرهیز کند (کرباسی‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۵۷). در ارتباط و گفت‌وگوها نیز لازم است تا این مؤلفه رعایت شود. امام رضا (ع) در این باره فرموده‌اند: «سکوت و خاموشی بسیار زیباست. اشخاص پر حرف و بیهوده‌گو همیشه در لغزش و بر لب پرتگاه و سقوط هستند.» (عطاردی، ۱۴۱۳، ج ۱: ۲۶۵) ممکن است انسان به واسطه پرگویی و صحبت زیاد، به سمت منکرات و حتی سخنان حرام مانند غیبت سوق پیدا کند و حتی از هدف اصلی دور شود.

۳-۲-۶. وسیله

وسیله یا ابزار انتقال پیام نیز سهم زیادی در مفاهمه و درک متقابل میان گفت‌وگوکنندگان در هنگام ارتباط دارد. در سیره رضوی نیز همیشه به این امر توجه شده است. امام رضا (ع) برای انتقال بهتر پیام و مفاهمه و درک متقابل بیشتر، در بسیاری مواقع از ابزارهای مختلف استفاده

می کردند. علاوه بر زبان و گفتار فصیح و زیبا و جذابیت سخنان، امام از سایر ابزارها (وسیله) در انتقال پیام و ایجاد گفت و گو و ارتباط در جهت مفاهمه استفاده می کردند که برخی از آن ها عبارتند از:

– عمل مناسب و رفتار گویا: امام رضا (ع) در میان مردم و با آنان می زیست و اسوه رفتار مطلوب در جامعه بود. از این رو، با رفتار خویش به مردم، نحوه زندگی مطلوب را می آموخت و این عمل و رفتار ایشان وسیله ای در جهت انتقال پیام و مفاهمه به شمار می آید. محمدبن ابی عباد می گوید: فرش آن حضرت در تابستان حصیر و در زمستان پلاس بود. لباس او [در خانه] درشت و خشن بود؛ اما هنگامی که در مجالس عمومی شرکت می کرد، لباس های خوب و متعارف می پوشید و خود را می آراست (طبرسی، ۱۳۹۰: ق: ۳۲۸). همچنین، ایشان بعد از کمک و پول دادن به فقیر و پوشیده نگاه داشتن صورت خویش و نگاه نکردن به چهره فقیر، وقتی سلیمان جعفری رو به امام کرد و دلیل این عمل ایشان را پرسید، امام در پاسخ فرمود: «این کار را از این جهت انجام دادم که مبدا آثار حقارت و شرمندگی را به خاطر برآورده شدن حاجتش در صورتش ببینم.» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۴: ۲۴). لذا وسیله انتقال پیام و گفت و گو نباید موجب رنجش یا آسیب به ارتباط باشد.

– بیان مصداق و نمونه: گفتن مثال و بیان نمونه یکی از ابزارها و وسایل مهم ارتباط و برقراری مفاهمه است. در سیره رضوی، گفتن مثال ها و بیان نمونه ها از ادیان و کتب مختلف در گفت و گوها و مناظرات ایشان، از روش های مهم امام رضا (ع) در جهت مفاهمه و فهم متقابل و مشترک و مناسب سازی فضای گفت و گو برای اثرگذاری ارتباط است. ایشان در مناظره با ابوقره، زمانی که ابوقره می گوید به ما گفته شده است که همه کتاب ها روز قیامت می آیند در حالی که مردم در یک صف برای پروردگار جهانیان ایستاده اند، نگاه می کنند تا اینکه آن کتاب ها به سوی او برمی گردند. زیرا آن ها قسمتی از او هستند و او جزئی از آن هاست. پس به سوی او برمی گردند. امام می فرمایند: «همین نصارا گفتند که مسیح روحی از خدا بود، جزئی از او بود و به سوی او باز می گردد. همچنین مجوس گفتند که آتش و خورشید جزئی از او هستند و به سوی او باز می گردند. خدا برتر از همه این هاست که قابل تجزیه یا مختلف باشد.» (قرشی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۲۱۰؛ طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۳۹۶-۳۹۵). امام (ع) در مناظره با عمران صابئی، وقتی عمران از امام سؤال می کند: «آیا خدا قبل از آفرینش ساکت بوده است و بعد تکلم را آغاز کرد؟» با بیان مثال چراغ و روشنایی، او را قانع می کند و تا حد زیادی مفاهمه میان آن ها صورت می گیرد. (نک؛ صدوق، ۱۳۹۰: ۱۴۷-۱۴۰، نقل از ارزانی و ربانی ۱۳۹۱: ۶۳-۶۱).

– استفاده از واسطه ها: استفاده از واسطه های سخن مانند پرسش، یکی دیگر از ابزار و وسایل

پیام در راستای شکل‌گیری مفاهمه و درک متقابل طرفین است. امام رضا (ع) همیشه توسط رفتار خویش و یا الگوهای دیگر سعی می‌کردند علاوه بر گفت‌وگو و صحبت مستقیم، از سایر واسطه‌ها نیز برای تفهیم مطلب یا همان مفاهمه استفاده کنند. در مناظرات ایشان آمده است علاوه بر پاسخ به سؤال‌های افراد، آن‌ها را به طرح پرسش‌های بیشتر برای فهم موضوع تشویق می‌کردند. مخاطبان امام (ع) معمولاً سؤال‌های خود را در یک عبارت و حداکثر، در چند عبارت کوتاه بیان می‌کردند که عمدتاً، جامعیت کافی نداشت. اما امام سعی می‌کرد مخاطب را ضمن وادار کردن به فکر و تعمق، به سمت جامعیت سؤال بکشاند، زیرا در مناظره، هدف، تکامل شکل‌گیری ذهنیت مخاطب مناظره از موضوع یا مشکل مطرح شده است، نه صرفاً پاسخ‌گویی. می‌توان اذعان داشت، اهمیت شکل‌گیری تکامل ساختار ذهنی مخاطب از مسئله، وی را خودبه‌خود برای گرفتن بی‌کم و کاست پاسخ هدایت می‌کند. در غیر این صورت، هرچند پاسخ صحیح داده شود، پس از مدتی، همان سؤال ناقص با ساختاری متفاوت اما همچنان ناقص مطرح شده، شبهه مجدّد در ذهن شکل می‌گیرد (هاشمی‌اردکانی و میرشاه جعفری، ۱۳۸۷: ۱۸-۱۹). از جمله دیگر واسطه‌هایی که امام (ع) برای درک بهتر دین اسلام و دعوت عملی حضرت به اخلاق و دینداری (از جمله واسطه‌های پیامی و وسایل انتقال پیام) در سیره ایشان قابل بیان است، رهاکردن مناظرات برای انجام فریضة نماز در اول وقت است (خاکپور، ۱۳۹۳: ۳۲).

— تغییر لحن و آهنگ و تن صدا: ویژگی مهم دیگر درباره وسیله انتقال پیام که معمولاً زبان و بیان است، تغییر لحن و آهنگ و تن صداست که می‌تواند در جهت یاددهی بیشتر و اثرگذاری بهتر در ارتباطات و به‌خصوص رسیدن به مفاهمه استفاده شود. با نگاهی به گفت‌وگوها و به‌خصوص مناظره‌های حضرت رضا (ع) و نوع کلمات و عبارات ایشان، روشن میشود، در کنار خطاب به اندیشه‌های مخاطبان، به دل و فطرت آنان، یا از زاویه دیگر، در همان مناظره توجه و خطاب می‌شد، لحن گفتارها و کیفیت تغییر لحن حضرت گویای این حقیقت است (هاشمی اردکانی و میرشاه جعفری، ۱۳۸۷: ۱۱) که متناسب با نیاز مخاطب و درک او، لحن و شیوه گفتار تغییر می‌کرد.

۴-۲-۶. گیرنده

عنصر مهم دیگر ارتباط که نقش مهمی در مفاهمه و درک متقابل دارد، گیرنده پیام است. برای آنکه درک متقابل شکل گیرد، لازم است تا گیرنده پیام نیز یک سری ویژگی‌ها داشته باشد. مهم‌ترین ویژگی‌هایی که باید گیرنده پیام داشته باشد و با رعایت آن‌ها به مفاهمه کمک کند (علاوه بر ویژگی‌هایی که برای فرستنده پیام گفته شد، زیرا گیرنده پیام در موقع پاسخ خود به

عنوان فرستنده نیز محسوب می‌شود و ممکن است تداخل‌هایی در این ویژگی‌ها پیش آید) را می‌توان در موارد زیر خلاصه و بازگو کرد:

- اجازه برای سخن گفتن: بهتر است گیرنده پیام در هنگام صحبت و یا پاسخ‌دادن به پیام، اجازه بگیرد تا از این طریق به مفاهمه و درک متقابل نزدیک شود. بنابراین، مخاطب و گیرنده پیام باید ضمن توجه به سخنان و پیام طرف مقابل، حرف او را قطع نکند و برای صحبت کردن، اجازه بگیرد. امام رضا (ع) هیچ‌وقت سخن کسی را کوتاه نمی‌کرد. در روایات آمده است: ایشان هرگز اتفاق نیفتاد که در سخن گفتن به کسی جفا کند. هر که با او گفت‌وگو می‌کرد، کلامش را قطع نمی‌کرد و فرصت می‌داد تا آخرین سخن خود را بگوید... (صدوق، ۱۳۸۷، ج: ۱، ۱۸۴).

- داشتن صبر و حوصله: گیرنده پیام باید صبر و حوصله داشته باشد تا بتواند به درک متقابل و تفاهم از موضوع دست یابد. لذا، صبر کردن ویژگی‌ای برای گیرنده پیام در ارتباط است. امام رضا (ع) در این رابطه می‌فرماید: «مؤمن را مؤمن واقعی ندانند تا آنکه در او سه خصلت باشد: سنتی از پروردگارش، سنتی از پیامبرش و سنتی از امامش. اما سنت خدایش، رازداری است؛ سنت پیامبرش، رفق و مدارا با مردم و سنت امامش، شکیبایی در سختی و صبر کردن در همه احوال است.» (ابن بابویه، ۱۳۸۳، ج: ۱، ۲۵۶) خود حضرت نیز همیشه در ارتباط‌ها و گفت‌وگو، با صبر و حوصله بودند.

- خوب گوش‌دادن: خوب گوش‌دادن یکی از ویژگی‌های گیرنده پیام است که مفاهمه را به‌همراه دارد. در نقل محمدبن سنان و روزهای دوشنبه و پنج‌شنبه که امام رضا (ع) به همراه مأمون در دربار و دیوان مظالم به حرف مردم گوش می‌دادند، هنگام محاکمه صوفی‌ای که از دیوان مظالم دزدی کرده بود، با دلیل و برهان پاسخ مأمون را داد. مأمون برآشفته و روی به امام رضا (ع) کرد و گفت: نظر شما درباره این مرد و کردارش چیست؟ امام فرمود: «اینک این مرد دلایلی آورده است. تو نیز جواب او را با دلیل و برهان بده و او را قانع کن.» در آن هنگام مأمون دستور داد فرد صوفی را آزاد کنند. (نک؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج: ۴۹، ۲۸۸) لذا، خوب گوش‌دادن، وظیفه‌ای است برای گیرنده پیام در راستای مفاهمه.

- کنترل احساسات: برخورد صحیح با احساسات و هیجان‌ها و تحت تأثیر قرار نگرفتن در محیط و مکان، از دیگر ویژگی‌ها و کارهایی است که گیرنده پیام باید ضمن توجه به آن، رعایت کند و به مفاهمه یاری برساند. این امر در سیره رضوی نیز به چشم می‌خورد، چنانکه بیان شده است: روزی یکی از بزرگان نیشابور مهمانی بزرگی برپا کرد و امام رضا (ع) را دعوت کرد. راه و رسم آن روزگار چنین بود که اگر به‌خاطر بزرگی و عزیزی مجلسی برپا می‌شد، پیش از آمدن آن میهمان، همگان به مجلس می‌آمدند تا او انتظار نکشد. از این‌رو، همه مهمانان حاضر شدند.

عالمان و بزرگان آن شهر جمع شدند و بر بلندی مجلس تختگاهی قرار دادند و بزرگان بر آن جا نشستند. این نیز از رسوم آن روزگاران بود که در مجالس بزرگان بر بلندی مجلس می نشستند و خادمان و کارگران و مردمان عادی در کنار آنان قرار می گرفتند. آن گاه امام رضا (ع) به مجلس وارد شد. راه را باز کردند تا امام به آن جایگاه برود. اما امام به آن جا توجهی نکرد و همراه با خادمان و کارگران در یک جا نشست. از آن روز به بعد چنین شد که شاه نشینان از درجه اعتبار و منزلت افتادند و همگان در مجالس در کنار یکدیگر می نشستند (حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ۲۱۰). همچنان که در مقابل فقیر و غنی و دانا و نادان دچار تهییج نمی شدند و در گفت و گوها و مناظراتش با دیگران و مواجهه با پرسشگران، با کمال تواضع و خشوع به پرسش های آنان پاسخ می داد. این در حالی بود که فرقی نداشت پرسش کننده فقیر باشد یا ثروتمند، مسلمان باشد یا غیرمسلمان (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۳: ۴۴۸).

– انس با مخاطبان: انس با مخاطب، چه برای گیرنده پیام و چه برای فرستنده، می تواند نقش مهمی در شکل گیری مفاهمه و درک متقابل از موضوع داشته باشد. لذا در سیره رضوی می بینیم که ایشان هرگاه تنها می شد (فارغ از کارهای رسمی و تشریفات) تمام اطرافیان خود را – از کوچک و بزرگ – پیرامون خود، جمع می کرد، با آنان حرف می زد و با آنان انس می گرفت. آنان هم با وی مأنوس می شدند. هرگاه بر سفره می نشست، هم کوچک و بزرگ ها را صدا می کرد، حتی کارپرداز (سائس) و حجام را، و همه را بر سفره خویش می نشاند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۹: ۱۶۴).

۵-۲-۶. بازخورد

بازخورد یا اثر پیام یکی دیگر از عناصر مهم و اثرگذار در ارتباط و شکل گیری درک متقابل و مفاهمه است. طرف های گفت و گوکننده با مشاهده بازخورد و اثر پیام می توانند آن را جرح و تعدیل و به مفاهمه کمک کنند. لذا، ارزشیابی از پیام و دیدن بازخورد آن، می تواند به مفاهمه کمک کند. امام رضا (ع) همیشه در گفت و گوهای خود متوجه برخورد و بازخورد پیام های خویش بودند. لذا لازم است تا بازخورد پیام نیز دارای معیارها و ملاک هایی برای شکل گیری مفاهمه باشد. مهم ترین این معیارها را می توان در موارد زیر خلاصه کرد:

– وضوح بازخورد: بازخورد چه به شیوه کلامی و یا غیر کلامی، نشان از آن دارد که گیرنده، پیام را دریافت کرده و نسبت به آن بی تفاوت نبوده است. اما آنچه مهم است، وضوح بازخورد و آشکار بودن آن است تا فرستنده و منبع پیام متوجه حسن یا ایراد پیام گردد. در سیره رضوی نیز همیشه امام رضا (ع) در ارتباطات خویش به این امر توجه داشته و ضمن گفت و گو با دیگران،

بازخورد مناسب از خویش نشان می‌دادند و همواره حرمت دیگران را حفظ می‌کردند.

- خوش‌بینی و مثبت‌نگری: بهتر است برای شکل‌گیری مفاهمه و درک متقابل، ضمن وضوح بازخورد، مثبت‌نگری و خوش‌بینی نیز همراه شود تا مفاهمه ساده‌تر برقرار گردد. چه بسا منظور و هدف فرستنده پیام مثبت بوده و برداشت گیرنده ناقص و این دلیلی بر بازخورد و واکنش نامناسب نیست. به‌همین خاطر، باید در بازخورد پیام مثبت‌اندیش بود و گمان نیک داشت. در همین رابطه، امام رضا (ع) می‌فرمایند: (گمانت را به خدا نیکو گردان، چراکه خداوند می‌فرماید: من نزد گمان بنده‌ام هستم. اگر او به من خوش بین باشد من با او به خوبی معامله می‌کنم و بالعکس اگر نسبت به من بدبین باشد، من هم مطابق همان نیت با او معامله می‌کنم). (حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۵: ۲۲۹).

۶-۲-۶. محیط (زمان و مکان)

از عوامل مؤثر در ارتباط که نقش مهمی در شکل‌گیری مفاهمه و درک متقابل دوطرف از گفت‌وگو و ارتباط دارد، محیط ارتباط (زمان و مکان) است. لذا محیط گفت‌وگو و ارتباط باید دارای ویژگی‌های زیر باشد؛

- راحت و آرام: برای آنکه یک ارتباط سازنده و منتهی به مفاهمه شکل گیرد، فضای آن باید مناسب، آرام و به‌دور از ترس و دلهره یا احساس خطر باشد و طرفین در آرامش و امنیت قرار داشته باشند و بتوانند راحت نظرهای خویش را بیان کنند. به‌همین خاطر، امام رضا (ع) همیشه در برخوردها و گفت‌وگوهای خویش، توجه خاصی به ظرفیت شناختی مخاطب و فضای فکری و فرهنگی جامعه داشتند. برای نمونه، شخصی از ثنویه (دوگانه پرستان) خدمت حضرت رسید و بر یکتایی وجود خداوند دلیل خواست. ایشان با توجه به میزان فهم و قدرت شناخت وی، به پاسخی اقتناعی اکتفا نمود و فرمود: «اینکه تو می‌گویی خداوند دوتاست، خود دلیل بر یکتایی است؛ زیرا تو «دومی» را نمی‌خوانی، مگر آنکه اولی را اثبات کنی. پس اولی، مورد اتفاق همگان بوده و دومی، محل اختلاف است.» (صدوق، ۱۳۹۸ق: ۲۷۰).

- دور از آسیب و چالش: مکان و محیط ارتباط و گفت‌وگو باید به دور از هر آسیب و چالش باشد. به‌عنوان نمونه، باید ارتباط در فضایی به دور از ریا و سمعه باشد. امام رضا (ع) نیز با ریا و سمعه مخالف بوده است. محمدبن عرفة می‌گوید: یک روز با حضرت رضا (ع) روبه‌رو شدم. حضرت با دیدن من فرمود: «بدون ریا (نمایاندن کار نیک خود به مردم) و بدون سمعه (شنوایی عمل خیر خود به مردم) عمل کنید، زیرا هر که برای غیر خدا کار کند، خداوند او را به کارش وا می‌گذارد، هیچ‌کس عملی نکند مگر اینکه خدا به سبب آن عمل اراده

(پاداش برای) او می کند، اگر عملش خوب باشد، پاداش خوب و اگر بد باشد، پاداش بد است» (عطار دی، ۱۴۱۳، ج ۱: ۲۷۵ - مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۹: ۲۸۴).

۷. جمع بندی و نتیجه گیری

برقراری ارتباط و توانایی درک و فهم دیگران، از ویژگی های اصلی انسان بوده که او را نسبت به سایر موجودات برتر و بالاتر قرار داده است. اگرچه سایر حیوانات نیز با یکدیگر ارتباط دارند، توانایی صحبت و گفت و گو مخصوص انسان است که بدین واسطه می تواند در مواردی که اختلاف سلیقه و نظر پیش می آید، آن را به راحتی رفع کند و با حفظ احترام و ارزش متقابل، اصول و مبانی ارتباط سالم را برای رسیدن به فهم مشترک و تفاهم رعایت کنند.

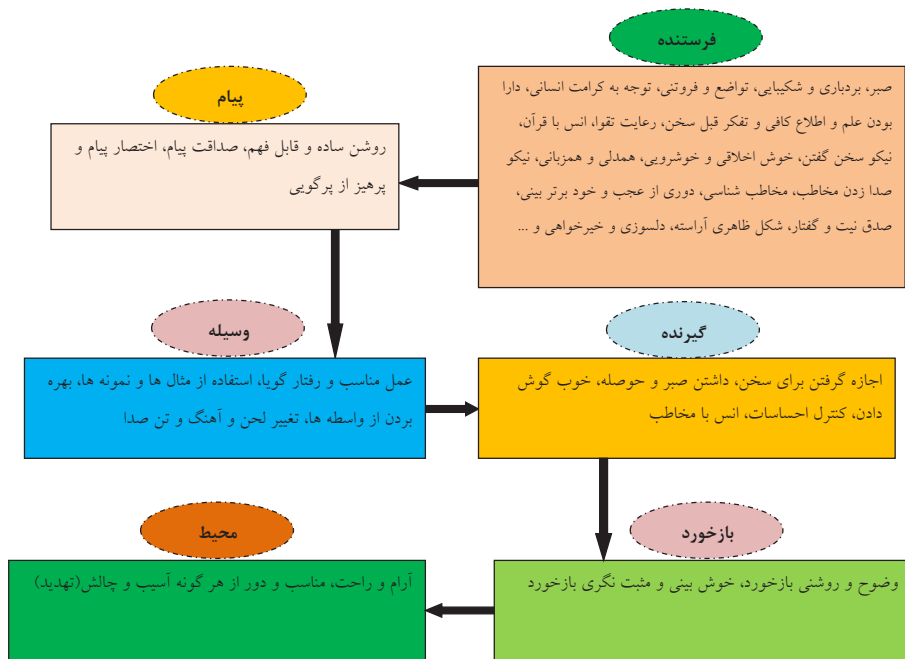
مفاهمه به معنای فهم مشترک و ارتباط بر پایه تفاهم و تفهیم است که به واسطه آن، نظریات و احساسات بر پایه فهم و درک مشترک تبادل می شود. این امر بر اساس عناصر مختلف و اجزای یک پیام، معیارها و ملاک هایی را لازم دارد تا بتواند به خوبی شکل بگیرد و میان مردم و حاکمیت در تسهیل روابط آن ها کارساز شود. آنچه مهم است توجه به دستورهای قرآن برای برقراری ارتباط صحیح و سالم در راستای درک مشترک و مفاهمه است. لذا در قرآن، دقت و توجه هنگام گفت و گو، واکنش و پاسخ به نحو شایسته، مدارا با دیگران و رعایت ادب و احترام، مجالست با بزرگان و بیان قول آن ها، اتحاد و انسجام، همدلی و هم زبانی بعد از اتحاد، پذیرش تنوع اقوام و گروه ها، داشتن روحیه نقدپذیری و انتقاد، پرهیز از پیشداوری و سوءظن و رعایت انصاف در سخن، نرمی در سخن، حفظ شخصیت افراد و غیره به عنوان یک سری دستورالعمل و مبانی برای گفت و گو مطرح شده اند، که اساس و زیربنای مفاهمه را تشکیل می دهند.

برطبق نتایج این پژوهش، برای دستیابی به نتیجه مطلوب درباره مفاهمه میان مردم و حاکمیت، توجه به شش عنصر کلیدی ارتباط و پیام (فرستنده، پیام، وسیله، گیرنده، بازخورد، محیط) که به صورت زنجیره وار به هم مرتبط هستند، لازم و ضروری است. طبق آیات قرآن و سیره رضوی، فرستنده با «رعایت هنجارهای اخلاقی ارتباط، معاشرت و گفت و گو و دستورهای قرآن مبنی بر دقت و توجه در سخن، ادب و احترام در برابر همدیگر، مدارا با دیگران، داشتن روحیه نقد و انتقادپذیری، پرهیز از پیش داوری و سوءظن، رعایت انصاف و نرمی در گفتار»، پیام خود را که داری ویژگی هایی از جمله «صراحت و روشنی، سادگی و قابل فهم بودن، صداقت، اختصار و پرهیز از پرگویی است»، به فرد یا افراد گیرنده که دارای خصوصیتی از جمله داشتن «صبر و حوصله، خوب گوش دادن و کنترل احساسات» هستند، به وسیله «عمل مناسب و رفتار گویا، استفاده از مثال ها و نمونه ها، بهره بردن از واسطه ها، تغییر لحن و آهنگ و تن صدا»، انتقال

می‌دهد.

بازخورد این فرایند، وضوح و روشنی پیام فرستنده و خوش بینی و مثبت نگری گیرنده پیام است که در نتیجه آن، محیطی آرام و راحت، مناسب و دور از هرگونه آسیب و چالش (تهدید) فراهم می‌آید. لذا، این فرایند در قالب مدل نظری زیر انسجام یافته که با دقت و توجه در آن و رعایت نکات و دستورهای رسیده از امام رضا (ع) پیرامون هر کدام از بخش‌های آن، می‌توان انتظار داشت که مفاهیم شکل گرفته و رابطه میان مردم و حاکمیت، از طریق آن تسهیل شده و به درک متقابل برسد.

شکل ۱- الگوی عناصر و اجزای پیام و ویژگی‌های آن‌ها برای مفاهیم، با استناد به آیات قرآن و سیره رضوی



در نتیجه، در ارتباطات جامعه امروز و آرمانشهر رضوی، لازم است به مفاهیم و نقش آن در تسهیل ارتباطات دقت و توجه بیشتری گردد. زیرا با گسترش ارتباطات و شیوه‌های مختلف برقراری ارتباط با یکدیگر در دنیای معاصر و به تبع آن پدید آمدن چالش‌ها و مسائل گوناگون میان انسان‌ها و در برخی مواقع میان مردم و حاکمیت، همچنین گسترش وسایل ارتباطی و تنوع پیام‌ها، تنوع وسایل ارتباطی، تغییرات معنایی و برداشت‌های مختلف از کلمات و رفتار،

بازخوردهای مبهم و محیط‌های گوناگون، پدیدآمدن مسائل و چالش‌های مختلف که تهدیدی برای امنیت و زیست اجتماعی است، رسیدن به مفاهمه کار چندان آسانی نیست. به همین دلیل، لازم است تا با اتخاذ رویکردهای مختلف و از جمله کاربردی نمودن مدل مذکور که برگرفته از سیره و تعالیم امام رضا (ع) است، در این راستا اقدام شود. بنابراین، بررسی رویکرد فرهنگی قرآن و در این رابطه امام رضا (ع) و نحوه برخورد ایشان در ارتباطات خویش و لحاظ نمودن اصول و مبانی اخلاقی ایشان برای مردم و حاکمان در جهت شکل‌گیری مفاهمه و درک متقابل، می‌تواند یاریگر و مؤثر باشد.

منابع

- قرآن کریم

۱. نهج البلاغه (۱۳۹۶)، ترجمه ی محمد دشتی، چاپ دوم، قم: انتشارات آثار فرهنگ برتر
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، شیخ صدوق (۱۳۹۸ق)، التوحید، قم: جامعه مدرسین
۳. همان (۱۳۸۳)، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ترجمه علی اکبر غفاری، تهران: انتشارات صدوق
۴. همان (۱۴۰۴)، من لایحضره الفقیه، تصحیح: علی اکبر غفاری، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، قم: موسسه نشر الاسلامی
۵. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹ق) مناقب آل ابی طالب (لأبن شهر آشوب)، چاپ اول، قم: نشر علامه
۶. ابوعبدالله حاکم نیشابوری (۱۳۷۵)، تاریخ نیشابور، چاپ اول، تهران: نشر آگه
۷. ارزانی، حبیب رضا؛ ربانی اصفهانی، حوریه (۱۳۹۱)، «سبک ارتباطی اخلاقی رضوی در تعامل با پیروان ادیان با تکیه بر مناظرات امام علیه السلام»، فصلنامه علمی - ترویجی اخلاق، سال ۲، شماره ۶، صص ۶۶-۳۹
۸. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، غرر الحکم و درر الکلم، محقق و مصحح، سید مهدی رجائی، چاپ دوم، قم: انتشارات دار الکتب الاسلامی
۹. جواهر دهی علی (۱۳۹۴)، «اصول قرآنی همدلی و همزبانی»، قابل پیگیری در <http://yazdanpress.com>
۱۰. حرّ عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴ق)، وسائل الشیعه، قم: نشر موسسه آل البيت
۱۱. حرانی، ابن شعبه (۱۳۸۳)، تحف العقول، ترجمه صادق حسن زاده، چاپ سوم، قم: انتشارات آل علی علیه السلام
۱۲. ——— (۱۴۰۳)، تحف العقول، بیروت: جامعه مدرسین
۱۳. حکیمی، امیر مهدی (۱۳۸۴)، سیره امام رضا علیه السلام، چاپ هفتم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی
۱۴. حلوانی، حسین بن محمد (۱۴۰۸ق)، نزهه الناظر و تنبیه الخاطر، قم: مدرسه الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۱۵. خاکپور، حسین (۱۳۹۳)، «نقش و آثار مدیریت فرهنگی امام رضا علیه السلام بر جامعه شیعه»، فصلنامه

فرهنگ رضوی، سال دوم، شماره هشتم

۱۶. ذاکری، مهدی (۱۳۹۲)، «از امکان مفاهمه تا اثبات معرفت: استدلال دیویدسن علیه شکاکیت»، نشریه ی غرب شناسی بنیادی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۴، شماره ۲، صص ۹۰-۷۱
۱۷. سجادی، عبدالقیوم (۱۳۸۲)، «استراتژی کلان جامعه دینی در برخورد با جهانی شدن»، نشریه پگاه، شماره ۴۷
۱۸. سعادت، احمد (۱۳۸۵)، «مدارای پیامبر اعظم (ص) با مخالفان و دیگرانیشان»، فصلنامه ی طلوع، ش ۲۰، زمستان ۱۳۸۵

۱۹. شبستری، محمود (۱۳۸۲)، گلشن راز، تهران: نشر زرین

۲۰. صدوق، محمدین بابویه (۱۳۹۰)، عیون اخبار الرضا علیه السلام، قم: انتشارات پیام علمدار

۲۱. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن (۲۰ج)، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی

۲۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰ق)، إعلام الوری بأعلام الهدی، تهران: نشر اسلامی

۲۳. عطاردی، عزیز الله (۱۴۱۳)، مسند الامام الرضا علیه السلام، چاپ دوم، بیروت: انتشارات دار الصفوه

۲۴. همان (۱۴۰۶ق)، مسند الامام رضا علیه السلام، چاپ اول، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی

۲۵. عطاردی، عزیز الله (بی تا)، اخبار و آثار امام رضا علیه السلام، بی جا

۲۶. عمادزاده، حسین (۱۳۹۳)، مجموعه زندگی چهارده معصوم علیهم السلام، جلد اول و دوم، چاپ ۲۸، تهران: نشر طلوع

۲۷. فاضلی، علی (۱۳۷۵)، جایگاه روش تنبیه در تعلیم و تربیت، تهران: انتشارات فیض کاشانی، چاپ سوم.

۲۸. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۴۰۶)، الوافی، اصفهان: کتابخانه امام امیر المؤمنین علیه السلام.

۲۹. قاضی شوشتری، نورالله (۱۴۰۹ق)، احقاق الحق و ازهاق الباطل، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی

۳۰. قیومی، جواد (۱۳۷۳)، صحیفه الرضا علیه السلام، قم: دفتر انتشارات اسلامی

۳۱. کاظم زاده، موسی؛ کوهی، کمال (۱۳۸۹)، «نقش وسایل نوین ارتباط جمعی در توسعه فرهنگی، موانع و راهکارها»، نشریه نامه پژوهش فرهنگی، سال ۱۲، شماره ۱۲، صص ۲۱۲-۱۸۳

۳۲. کرباسی زاده، علی (۱۳۷۹)، هشتمین سفیر رستگاری، چاپ اول، قم: نشر مولود کعبه

۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳)، الکافی، تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه

۳۴. همان (۱۳۶۵ش)، اصول کافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه

۳۵. کوثری، مسعود (۱۳۸۷)، «تشنه شناسی رسانه های جمعی»، فصلنامه رسانه، شماره ۷۳، بهار ۱۳۸۷

۳۶. کیارسی، سمیه (۱۳۹۴)، «مفاهمه و گفتگوی متقابل راهی در جهت گسترش آموزش های چند فرهنگی»، مجموعه مقالات دومین کنفرانس ملی روانشناسی و علوم تربیتی، خوزستان، شادگان: دانشگاه آزاد اسلامی شادگان

۳۷. گیلانی نجم الدین، جمینی داود، عباسی احمد (۱۳۹۴)، «نقش آموزه های قرآن کریم در اتحاد اقوام مختلف در صدر اسلام»، مقالات برتر و پذیرفته شده برای ارائه شفاهی، هفتمین کنگره پیشگامان پیشرفت، تهران: کتابخانه ملی



۳۸. مجلسی محمدباقر (۱۴۰۰ق)، بحار الانوار، چاپ دوم، بیروت: موسسه الوفا

۳۹. همان (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت: نشر موسسه الوفا

۴۰. محمودآبادی، علیرضا (۱۳۹۳)، «نقش کاریکاتور در مفاهمه میان طراح و کارفرما، در فرآیند طراحی معماری»، مجموعه مقالات دومین همایش ملی پژوهش های کاربردی در عمران، معماری و مدیریت شهری، تهران: دانشگاه جامعه علمی کاربردی

۴۱. نریمانی، امیررضا؛ صباغی، مهرداد (۱۳۹۳)، «نقش ارزشی مفاهمه در مدیریت راهبردی ارتباط صنعت و دانشگاه»، مجموعه مقالات دومین کنفرانس ملی کارافرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان، بابلسر، شرکت پژوهشی طرود شمال

۴۲. هاشمی اردکانی، سید حسن و میر شاه جعفری، سید ابراهیم (۱۳۸۷)، «روش مناظره علمی در سیره آموزشی امامان معصوم علیهم السلام، (مطالعه موردی مناظرات امام رضا علیه السلام)، دو فصلنامه علمی- تخصصی تربیت اسلامی، سال ۳، شماره ۷، صص ۲۱-۷

۴۳. یوسف زاده، حسن؛ فیاض، ابراهیم (۱۳۹۳)، «مبنای مفاهمه در ارتباط میان فرهنگی»، پژوهشنامه تبلیغ و ارتباطات دینی، شماره ۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، صص ۳۵-۵
پایگاه اینترنتی:

<http://daneshnameh.rosht.ir/mavara>

تحلیل مناظرات رضوی در فرآیند اقناع و تبلیغ معارف دینی (بر اساس الگوی Assure)

نگار کاظمی اسفه^۱



چکیده

از شیوه‌های مهم و مؤثر تبلیغ دین و نشر معارف الهی، مناظره با هدف اقناع مخاطب و تغییر نگرش او برای فهم منابع اصیل است. از مهم‌ترین مناظره‌های اسلامی و شیعی، مناظره‌های امام‌رضا(ع) با افراد مختلف، از مذاهب و گرایش‌های فکری گوناگون است که کیفیت تنوع آن‌ها باعث می‌شود بتوان آن‌ها را از ابعاد و زوایای گوناگون بررسی و تحلیل نمود. آنچه در این مناظرات اهمیت دارد اقناع مخاطب و استفاده از شیوه‌های مختلف برای یادگیری و یاددهی است.

در ادبیات آموزشی یکی از مدل‌های مناسب برای یادگیری-یاددهی، الگوی اشور (Assure) است که توسط مولندا، راسل و اسنمالدینو در سال ۱۹۸۹ ارائه شده است. طراحان الگوی اشور معتقدند، با استفاده از الگوی مذکور می‌توان از اثربخشی آموزش اطمینان حاصل کرد. این الگو به افراد کمک می‌کند تا گام‌های لازم برای آموزش را شناسایی و برای هر یک از این گام‌ها تدابیر لازم را جهت اقناع مخاطبان اتخاذ کنند. بنابراین هدف پژوهش حاضر تحلیل مناظرات رضوی بر اساس الگوی مورد اشاره در جهت اقناع و تبلیغ معارف دین است که می‌توان گفت امام‌رضا(ع) از طرق مختلف و با به کارگیری رسانه‌ها و مواد متعدد توانستند به هدف خود که اثبات حقانیت دین اسلام و مذهب شیعه و اقناع مخاطبان است، دست یابند.

واژگان کلیدی: مناظره، امام رضا علیه السلام، مخاطب، الگوی اشور، اقناع.

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد هنر، دانشگاه الزهراء سلام الله علیها، تهران nkazemiesfeh@yahoo.com

۱- مقدمه و بیان مسئله

در طول تاریخ، روش‌ها و شیوه‌های مختلفی برای جلب توجه و تأثیر بر مخاطبان کشف شده است و اساساً بشر از همان ابتدا در پی کشف علل مرموز تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بوده است (مؤذنی و احمدی، ۱۳۹۳: ۱۰۹). سخن گفتن و ارتباط کلامی راهی در جهت تأثیر بر مخاطبان و جلب توجه آن‌ها بوده است که ابزارهای متفاوتی برای تبلیغ و اشاعه‌ی دین از طریق سخن بیان شده است، مواردی همچون؛ موعظه، خطابه، مناظره، نثر و نظم از مهمترین عوامل تبلیغ از طریق سخن هستند که هر کدام ویژگی‌ها و جایگاه خاص خود را دارا می‌باشند. مناظره یک روش تبلیغ و آموزش ارزنده و جذاب است که می‌تواند در امر تبلیغ دین بسیار موثر باشد. زیرا نتیجه‌ی بحث و استدلال است و به همین دلیل در اذهان ماندنی است، از طرفی به دلیل غیرمستقیم بودن، پذیرفتنی و جذابتر است که ارزش بلاغی مناظره در حین پیام‌دهی غیرمستقیم آن است و چون معایب و محاسن موضوع یا مسأله باین می‌گردد، امکان تبلیغ، توسعه و تکامل را فراهم می‌آورد (مهدویان و رحیم زاده، ۱۳۸۹: ۱۴۹). مناظره یکی از وسایل تبلیغ و اشاعه‌ی فرهنگ دینی دانسته شده است و در مباحث علمی و تبلیغی نقش زیادی دارد (ارزانی و ربانی اصفهانی، ۱۳۹۱: ۴۳). چنانکه در قرآن کریم نیز یکی از راه‌های تبلیغ و اشاعه دین، مناظره و بحث و گفت و گو دانسته شده است و به پیامبر دستور داده شده است که: «ادْعَ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»، با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما، و با آنها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن» (نحل/۱۲۵).

تاریخ ادیان توحیدی نشان می‌دهد که مناظره از همان آغاز آفرینش از ابزارهای مهم ارتباطی برای آموزش، تفهیم و تفاهم بوده است و انسان در موقعیت‌های گوناگون از این شیوه بهره برده است. به عنوان مثال احتجاج حضرت نوح، هود، صالح، ابراهیم، لوط، شعیب، موسی و عیسی (ع) با کافران قوم و مخالفان فکری خود، در قرآن گزارش شده است (نک؛ هود: آیات ۲۵-۳۵ و ۵۷-۵۹؛ شعراء: آیات ۶۹-۸۱ و ۱۶۰-۱۸۸؛ مریم: آیات ۴۱-۴۷؛ انعام: آیات ۷۵-۷۹؛ بقره: ۲۵۸ آیه؛ طه: آیات ۴۲-۶۲).

دقت در سیره ارتباطی امامان معصوم علیهم السلام و سیره تربیتی- اخلاقی امام رضا (ع) و مخصوصاً مناظرات ایشان، نشانگر توجه آن‌ها به اقناع و تغییر نگرش در جهت رشد و تعالی پیروان آن‌ها و سایرین بوده است. هدف ایشان از برقراری ارتباطات، ترغیب و تبلیغ در معنای انسانی آن است. حوزه دین پژوهی از صور جدید در عرصه مطالعات نوین تبلیغ و ارتباطات است و گزافه نیست که یکی از اصول و ملزومات رشد علم، وابسته به مباحثه و مناظره‌های

علمی است و نتیجه یک مباحثه اصولی و اخلاقی، به دور از پیش داوری و لجاجت، رسیدن به حقیقت است (سپنچی و مؤمن دوست، ۱۳۹۰: ۱۱۸) پس شناخت و تبیین روش‌های صحیح این نوع ارتباط و ویژگی‌های مخاطبان و ابزار و وسایلی که در مناظره‌ها استفاده می‌شده است، امری اجتناب ناپذیر است.

از طرفی مناظرات امام رضا (ع) دارای تعدد و تنوع زیادی است که به نظر می‌رسد می‌توان از آن‌ها تحلیلی آموزشی ارایه نمود. یعنی اینکه آن‌ها را یک نوع آموزش به حساب آورد که در خود مواد آموزشی و شیوه‌ها و آنچه در رابطه با آموزش به کار می‌رود را، دارا هستند و لذا قابل تحلیل و بررسی از این منظر هستند. یکی از مدل‌های آموزشی که به نظر می‌رسد می‌توان انطباق آن را با مناظرات پیدا و بررسی نمود، مدل آموزش اشور است که توسط هینیچ، مولندا، راسل و اسنمالدینو در سال ۱۹۸۹ ارائه شده است. اشور سرواژه‌ی اصطلاحاتی است که مراحل یا مؤلفه‌های این الگو را تشکیل می‌دهد. معادل این واژه «اطمینان دادن» است. دلیل این نام گذاری آن است که طراحان الگوی اشور معتقدند، با استفاده از الگوی مذکور می‌توان از اثربخشی آموزش اطمینان حاصل کرد. این الگو به افراد کمک می‌کند تا گام‌های لازم برای آموزش را شناسایی و برای هر یک از این گام‌ها تدابیر لازم را اتخاذ کنند و بتوانند نیازهای مخاطب و سطح درک و انگیزش او را در جهت اقناع و یادگیری بیشتر درک کنند. الگوی اشور به آموزش موضوع خاصی محدود نیست و به نحوی تدوین و اصلاح شده است که قادر است برای موضوعات گوناگون و مختلف استفاده گردد. لذا مسئله‌ی اصلی این پژوهش تحلیل مناظرات رضوی براساس این الگو در جهت اقناع مخاطبان و تبلیغ دین است.

۲- اهمیت و ضرورت پژوهش

نقد و مناظره در تاریخ بشر سابقه دیرینه‌ای دارد که به عنوان یک شیوه‌ی بسیار مهم، ظریف و حساس در آموزش و تبلیغ و اقناع مخاطبان است به گونه‌ای که انجام مطلوب آن بسیار سودمند و اثربخش است و انجام غیر صحیح و نامناسب آن نتیجه‌ی عکس می‌دهد (هاشمی اردکانی و میرشاه جعفری، ۱۳۸۷: ۸). تاریخ ادیان توحیدی نشان می‌دهد که پیامبران بزرگ الهی همواره در موقعیت‌های گوناگون تبلیغی، از این ویژگی عمومی و فطری بشر بهره‌های فراوان برده‌اند (طبرسی، ۱۴۰۳: ق: ۲۲) و هدف‌های متفاوتی برای آن، در نظر داشته‌اند که همیشه بیان و استفاده از آن برای بیان برتری خود بر دیگری نبوده است. هدف اصلی مناظره‌ها را رسیدن به حقیقت یک امر دانسته‌اند که در کنار سایر اهداف مانند آموزش؛ (آموزشی غیر مستقیم که به دلیل شیوه‌ی خاص مناظره در اذهان ماندگارتر است) (شهیدثانی، ۱۳۷۴: ۵۵۱-۵۵۲).



(۵۴۷) می‌تواند عقاید و تعالیم را به نحو موثرتری در مباحث دینی و حتی سایر مباحث دیگر انتقال دهد. به بیان ساده می‌توان مناظره را یک شیوه‌ی آموزشی در جهت تبلیغ و اقناع مخاطب دانست که در تعالیم دینی و قرآنی (نک؛ نحل، آیه ۱۲۵) نیز به آن توجه شده است، لذا ضرورت دارد تا این مفهوم از زوایای بیشتری بررسی و تبیین گردد.

مناظره اگرچه بیشتر یک روش تبلیغ و گسترش دین و اثبات برتری حقانیت امری بر امر دیگر است، ولی یک شیوه‌ی آموزشی نیز محسوب می‌گردد که می‌تواند در جهت آموزش تعالیم و مفاهیم مختلف مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین اهمیت و ضرورت این پژوهش برای آن است تا ضمن شناساندن مناظره و تبلیغ و اقناع، آن را یک ابزار و مدل آموزشی در جهت فهم مفاهیم دینی بداند و با توجه به الگوی آموزشی مورد نظر (الگوی Assure) مناظرات امام رضا(ع) را از دیدگاه و مراحل این الگو تحلیل و بررسی نماید.

۳- مفهوم‌شناسی

- مناظره

مناظره واژه‌ای عربی از ماده «نَظَرَ يَنْظُرُ مَنْظَرَةً» به معنای دیدن با چشم است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸: ۱۵۴) و گاه مراد، معرفت حاصل شده بعد از فحص و تأمل (قرشی، ۱۳۹۵، ج ۳۷) سپس این کلمه از لحاظ معنا توسعه یافته و به مفهوم تدبّر و تفکّر در یک امر نیز به کار رفته است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵). مناظره را همانند جدال و مناقشه، از فنون کلامی دانسته‌اند که هریک از طرفین گفت و گو تلاش دارد با استفاده از مقدمات مسلّم و پذیرفته شده از سوی طرف مقابل، به گونه‌ای که نقض آن دشوار باشد، مطلب خود را اثبات و در مواردی نیز برتری و فضیلت خود را بر دیگران ثابت کند (سپنچی و مؤمن دوست، ۱۳۹۰: ۱۲۲).

مناظره در لغت؛ «مباحثه کردن درباره‌ی حقیقت و ماهیت چیزی، یا با هم سوال و جواب کردن است» (دهخدا، ۱۳۶۶؛ ج ۱۴: ۲۱۵۶۳). به تعبیر دیگر مکالمه و گفتگویی است دو طرفه که هر طرف با استدلال و ارائه‌ی براهین سعی می‌کنند برتری و فضیلت خویش را بر دیگری به اثبات رسانند (شمیسا، ۱۳۸۵: ۲۲۶). در اصطلاح، مناظره (مناظره علمی) جریان جست و جو برای به دست آوردن پاسخ یا راه حلی از راه گفتگو، تبادل اطلاعات و عرضه ایده‌ها و نظرهاست. این روش هم به یاددهنده و هم به یادگیرنده فرصت می‌دهد که در فرایند مباحثه شرکت داشته، درباره موضوعات مختلف تبادل اطلاعات کنند. مهم‌ترین ویژگی این روش آن است که فرصتی برای یاد گرفتن به وسیله بیان و کشف ایده‌های متعدد و تجربه‌های ناشی از همکاری دوجانبه ارایه می‌کند (سجادی، ۱۳۸۰).

از منظر ادبی نیز مناظره را مکالمه و گفتگویی دوطرفه دانسته‌اند (دیالوگ)^۱ که هر یک با استدلال و ارائه براهین، سعی می‌کند برتری و فضیلت خویش را بر دیگری به اثبات برساند (رمزجو، ۱۳۷۰: ۱۳۳). یا اینکه علمی است که به وسیله آن آداب طرق اثبات مطلوب و نفی دلیل خصم استفاده می‌شود و قوانین مباحثه در آن مندرج می‌باشد (تهانوی، ۱۹۹۶، ج ۲: ۱۶۵۲). در عبارتی خلاصه تر، مناظره عبارت است از گفتگو و نکته بینی طرفینی رو در رو، و به میان آوردن هر آنچه به آن معتقدند (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲: ۴۹۸).

– اقناع

دیدگاه‌ها درباره طبیعت اقناع متفاوت است و اقناع در هر گفتمانی (discourse) به شکلی متفاوت ظهور می‌کند؛ به همین دلیل، تعریف جامع و کاملی از این فرآیند، بسیار دشوار است (مؤذنی و احمدی، ۱۳۹۳: ۹۴) و تعاریف متنوعی از آن ارایه شده است. در یک تعریف آمده است که، اقناع یا ترغیب؛ به کوشش آگاهانه یک فرد یا سازمان برای تغییر نگرش، باورها و ارزش‌ها یا دیدگاه گفته می‌شود (سورین و تانکارد، ۱۳۸۶: ۵۱). در فرهنگ لغت منظور از اقناع، قانع ساختن و متقاعد نمودن مخاطب است (معین، ۱۳۷۱، ج ۱: ۳۲۶). اقناع، فرایندی است که در آن هر نوع پیامی به قصد شکل دادن، تقویت کردن یا تغییر دادن کنش دیگران به وجود می‌آید (لسر، ۲۰۱۱: ۲).

در اصطلاح دانش منطق، اقناع یکی از هدف‌های صنعت جدل و غرض و هدف فن خطابه به شمار می‌آید و خطابه صنعتی است که از پرتو آن اقناع توده‌ی مردم در زمینه‌های گوناگون ممکن می‌گردد. این اقناع در مورد مسائلی است که مردم باید آن‌ها را بپذیرند (صدرحاج سیدجوادی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۳۵۲). در عبارتی دیگر اقناع فرآیندی است که با توسل به تعقل و احساس، در قالب مهارت‌های کلامی، غیرکلامی و رسانه ای، ذهنیت افراد را غالباً جهت تغییر رفتار و وادار کردن آنها به عمل معین، تحت تأثیر قرار می‌دهد (بینگر، ۱۳۶۷: ۱۰). همچنین اقناع فرآیندی ارتباطی است که هدف آن نفوذ در گیرنده پیام است. به این معنی که یک پیام ترغیبی، یک نظر یا رفتار را، به شکل داوطلبانه به گیرنده ارائه می‌دهد و انتظار می‌رود که این پیام در مخاطب یا گیرنده پیام، مؤثر واقع شود (مرادی، ۱۳۸۹: ۲۱).

– تبلیغ

تبلیغ، کلمه‌ای است که در قرآن کریم زیاد استعمال شده است. این کلمه (از بلاغ) گرفته شده و بلاغ و بلوغ یعنی رسیدن به انتهای مقصود، خواه مقصود زمانی یا مکانی یا امری از امور معین دیگر باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۸: ۴۲۰). تبلیغ در اصطلاح عبارت است از «جمع اقدام‌های مؤثر در عقیده، تصور و تصمیم‌گیری فرد فرد انسان‌ها یا گروهی از آن‌ها، به شرط آنکه مشتاقانه به سوی هدف‌های تبلیغ گام بردارند» (سلاحی، بی تا: ۲۱). تبلیغ رویکردی روشنگرانه و آگاه‌کننده دارد. یعنی دانشی است که در پرتو آن، روش‌ها و فنون تبیین اعتقادات، اخلاق و احکام اسلامی شناخته می‌شود (احمدغلو، ۱۹۸۷: ۱۰).

تبلیغ عبارت است از روش یا روش‌های مهم به هم پیوسته – در قالب یک مجموعه – برای بسیج و دادن جهت به نیروهای اجتماعی و فردی از طریق نفوذ در شخصیت، افکار، عقاید و احساسات آنها، جهت رسیدن به یک هدف مشخص. (صادقی نیری، حاجی زاده، ۱۳۹۰: ۱۶۶).

ابلاغ و [تبلیغ] در لغت به معنای [رساندن] و [رسانندگی] است ولی در فرهنگ اسلام آنچه از این واژه منظور بوده و هست بیش از رساندن صرف پیام است بلکه باید ابلاغ مبین: [ما علی الرسول الابلاغ المبین] صورت بگیرد. پیام رسا و گویا و متناسب با فرهنگ هر عصر باشد تا در دلها و اندیشه‌ها نفوذ نماید. قید [مبین] که در این آیه شریفه و در دیگر آیات بیشتر با [ابلاغ] آمده شاهد گویایی است بر این مدعا زیرا باید محتوای پیام که همان دستورات و احکام شریعت است برای مکلفی که می‌خواهد بدان جامه عمل بپوشد و در روز واپسین در مورد انجام و یا عدم انجام آن مورد بازخواست قرار بگیرد به گونه‌ای روشن بیان گردد تا حجت بر وی تمام گشته و عذری برای او باقی نماند (کتابخانه دیجیتالی تبیان).

۴- الگوی آموزشی آشور (Assure)

الگو باز نمود جنبه‌های مختلف پیرامون یک موضوع یا نظریه است که به درک مطلب کمک می‌کند و ابزار مناسبی برای سازماندهی و تبیین مجموعه‌ای از اطلاعات و دانش است (ارنشتاین و هانکینز، ۱۳۸۴) و از آنجایی که نتایج، شرایط، روش‌ها و مواد متعددی در موقعیت‌های آموزشی وجود دارد، الگوهای طراحی آموزشی نیز متفاوت است (فرد دانش، ۱۳۸۳) به گونه‌ای که برخی از اندیشمندان مانند چن^{۳۷} (۲۰۰۸) معتقدند در حال حاضر بیش از صد الگوی طراحی آموزشی وجود دارد که هر کدام قابلیت‌های خاص خود را دارا می‌باشند. یکی از این الگوها، الگوی آشور

است که توسط مولندا، راسل، اسمالدینو در سال ۱۹۸۹ ارائه شد (گوستافسون و برنچ، ۱۹۹۷، نقل از نوروزی و رضوی، ۱۳۹۳: ۲۰۷). الگوی ASSURE (آشور) از سرواژه‌هایی تشکیل شده است که مراحل این الگو را تشکیل می‌دهد و آن عبارت است از: ۱- تجزیه تحلیل ویژگی‌های فراگیر^۱، ۲- بیان اهداف آموزشی^۲، ۳- انتخاب روش، رسانه و مواد آموزشی^۳، ۴- کاربرد رسانه و مواد آموزشی^۴، ۵- مشارکت یادگیرندگان^۵، ۶- ارزشیابی و بازنگری آموزش^۶، این الگو فقط مختص آموزش موضوعی خاص نیست و می‌توان از آن برای آموزش موضوعات و مسائل مختلف استفاده نمود (نوروزی و رضوی، ۱۳۹۳: ۲۰۸-۲۰۷).

در الگوی نامبرده طراح، مربی و یا معلم باید؛ ۱. ویژگی‌های یادگیرندگان را تحلیل کند، ۲. هدف‌های آموزشی را بیان کند، ۳. روش‌ها، رسانه‌ها و مواد آموزشی را انتخاب کرده، ۴. مواد و رسانه‌های آموزشی را به کار برده، ۵. و یادگیرندگان را در کار آموزشی مشارکت دهد، ۶. و نهایتاً مراحل آموزش را ارزش‌یابی و آن را بازنگری کند (چن، ۲۰۰۸).

گام اول: تحلیل ویژگی‌های یادگیرندگان

در گام نخست الگو، ویژگی‌های یادگیرندگان شناسایی می‌شود و بدین ترتیب، تحلیل توانایی و ظرفیت آنان میسر می‌گردد. چرا که این کار باعث هماهنگی بین ویژگی‌های مخاطب و محتوای آموزشی می‌شود. بنابراین بهتر است خصوصیات کلی و عمومی آن‌ها مانند سن و جنس و ویژگی‌های فرهنگی-اقتصادی و اجتماعی و نظایر آن‌ها در کنار ویژگی‌های ورودی خاص مانند دانش و مهارت‌های آن‌ها شناسایی گردد (نوروزی و رضوی، ۱۳۹۳: ۲۱۱).

گام دوم: بیان هدف‌های آموزشی

گام دوم در طراحی آموزشی، بیان هدف‌ها در قالب عباراتی خاص و مشخص است. هدف‌ها باید در قالب آن چه یادگیرنده قادر به انجام آن است (رفتار مخاطب)، و به عنوان بازده آموزش بیان شود. شرایطی که مخاطب و یا دانش‌آموز به انجام یک عمل می‌پردازد یا شایستگی خود را نشان می‌دهد نیز باید ذکر شود (همان؛ ۲۱۲-۲۱۱).

- 1 Analyze Learner Characteristics
- 2 State Objectives
- 3 Select Media And Materials
- 4 Utilize Media And Materials
- 5 Require Learner Participation
- 6 And Revise Evaluation

گام سوم: انتخاب روش ها، رسانه ها و مواد آموزشی

در این قسمت، پس از آن که عمل تحلیل مخاطبان و بیان هدف های آموزشی انجام شد، به نظر می رسد گام شروع آموزش (دانش، مهارت و نگرش فعلی مخاطب) و هم چنین گام پایانی آموزش (هدف های آموزشی) مشخص شده است. و لذا بین این دو نقطه پیوندی برقرار می شود و مواد آموزشی متناسب (موجود، جدید، در دسترس) همراه با رسانه ها و شیوه های آموزشی (اکتشاف و پرسش و پاسخ و ...) انتخاب می شوند (همان؛ ۲۱۲).

گام چهارم: به کارگیری رسانه ها و مواد آموزشی

پس از آن که مواد آموزشی انتخاب، اصلاح یا طراحی شد، برای بهره گیری از آن ها باید طرحی اندیشیده شود. معلم یا مربی نخست مواد آموزشی و فعالیت هایی را که در نظر دارد مورد بازبینی قرار می دهد و سپس مخاطبان و یا دانش آموزان را آماده می کند و تجهیزات و امکانات مورد نیاز را فراهم می آورد. آن گاه مواد آموزشی را در اختیار مخاطبان قرار می دهد و از آن ها در فرآیند آموزش در موقعیت های مناسب استفاده می کند (نک؛ نوروزی و رضوی، ۱۳۹۳: ۲۱۴).

گام پنجم: مشارکت یادگیرندگان

یادگیری مؤثر هنگامی صورت می گیرد که مخاطبان و یادگیرندگان برای رسیدن به هدف های آموزشی تمرین های کافی و مناسب انجام دهند. این کار سبب می شود خطاها و اشتباهات آن ها تصحیح شود. ضروری است که در آغاز تمرین هیچ نوع ارزش یابی یا امتحانی از یادگیرنده به عمل نیاید. مشارکت یادگیرندگان در فعالیت ها و مراحل مختلف آموزش و یادگیری، برای آنان بازخوردهایی فراهم می آورد که بتوانند صحت پاسخ های خود و میزان یادگیری خود را درک کنند و مطلب آموزشی را بهتر یاد گیرند (نک؛ نوروزی و رضوی، ۱۳۹۳: ۲۱۵).

گام ششم: ارزش یابی و بازنگری آموزشی

بعد از آن که موضوعات مورد نظر تدریس شد، ارزش یابی اثربخشی تدریس و آموزش صورت می گیرد. برای آن که بتوان سیمای کاملی از آموزش به دست آورد، ارزش یابی از کل فرایند آموزش ضروری است. از این رو، نه تنها میزان تحقق هدف های آموزشی در مورد مخاطب یا مخاطبان ارزش یابی می شود، بلکه میزان کارایی رسانه های آموزشی، تناسب روش های آموزشی و... نیز باید ارزش یابی شود. به همین دلیل ارزشیابی هایی از عملکرد یادگیرندگان، رسانه ها و روش ها، فرآیند آموزش، بازبینی و اصلاح فرآیند آموزش و به کارگیری ایده های

جدید در این مرحله انجام می‌گیرد (نوروزی و رضوی، ۱۳۹۳: ۲۱۶-۲۱۵).

۵- تحلیل مناظرات رضوی بر اساس الگوی آموزشی آشور گام اول؛ تحلیل ویژگی‌های یادگیرندگان (مخاطبان)

همانطور که بیان شد الگوی آشور دارای مراحل شش گانه‌ای است که در هر مرحله یک گام برای آموزش برداشته می‌شود. مناظرات رضوی نیز یک نوع آموزش و دارای مرحله‌ای است که با کمی اغماض می‌توان آن‌ها را در مراحل الگوی آشور پیدا نمود. چنانکه اولین گام الگو، تحلیل ویژگی‌های یادگیرندگان از مناظر مختلف است. در این مرحله ویژگی‌های عمومی و کلی یادگیرندگان، ویژگی‌های اختصاصی آن‌ها، دانش‌ها و مهارت‌هایشان در کنار سایر ویژگی‌های شناختی و انگیزشی مورد بررسی قرار می‌گیرد. رسول اکرم (ص) با توجه به در نظر گرفتن سطح فکری مخاطب برای آموزش و صحبت با او می‌فرمایند: «ما پیامبران مأمور شده ایم تا با مردم بر اساس سطح فکری و عقل آن‌ها سخن بگوییم» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۴۶).

امام رضا (ع) در مناظرات گوناگون ضمن شناخت کامل از طرف‌های مناظره‌کننده، توجه به ویژگی‌های عمومی و خصوصی آن‌ها نیز داشته و با شناخت کامل از طرف مقابل با او به مناظره و گفتگو می‌نشستند. برای مثال در مناظره با جاثلیق نصرانی، ضمن سوال کردن از او در مورد دانش و اطلاعاتش در رابطه با شهادت عیسی (ع)، با یک پرسش و پاسخ او را نسبت به نادانی خود در این رابطه آگاه نمود (صدوق، ۱۳۹۰، ج ۱: ۱۴۰). امام رضا (ع) در مناظرات خویش همیشه با توجه به ویژگی‌های حریفان مناظره بر اساس کتاب‌های خود آنان و براساس منطقی محکم و استوار به اثبات حقانیت و احیای اسلام و اثبات برتری و حقانیت اهل بیت می‌پرداختند (ارزانی و ربانی اصفهانی، ۱۳۹۱: ۴۸) همچنین ایشان فضای کلی مناظره و اوضاع سیاسی و علمی آن زمان را که باعث شده بود آزادی بیان رشد پیدا کند و فرقه‌های گوناگون پدیدار شوند در نظر می‌گرفتند.

از دیگر اقدامات امام رضا (ع) در جهت شناسایی مهارت و دانش و کسب اطلاعات عمومی و خصوصی در رابطه با مناظره‌کنندگان این سخن زیبا و متواضعانه است که همیشه در ابتدای مناظرات می‌فرمودند: «اگر کسی در بین شما هست که می‌خواهد سوال کند، بدون خجالت و رودربایستی بپرسد» (صدوق، ۱۳۹۰، ج ۱: ۱۵۴).

به صورت کلی مخاطب شناسی امام رضا (ع) در مناظرات را می‌توان در راستای اولین گام از الگوی آموزشی آشور دانست که از طریق آن ویژگی‌های یادگیرندگان به خوبی مشخص و تحلیل می‌شد. یعنی با درک صحیح از تفاوت استعدادها و توان وجودی انسان بدون ورود به



مباحث پیچیده به پاسخگویی سوالات می‌پرداخت. چنانکه در مقابل برخی مخاطبان صرفاً به پاسخ افغانی اکتفا می‌نمود و از بیان پاسخ دقیق علمی خودداری می‌نمود. به عنوان مثال در پاسخ فردی که می‌گفت خدا دوتاست، فرمود: اینکه تو می‌گویی خدا دوتاست خود دلیل بر یکتایی است، زیرا تو دومی را نمی‌خوانی مگر اینکه اولی را اثبات کنی، پس درباره‌ی اولی همگان توافق دارند، ولی دومی محل اختلاف است» (صدوق، ۱۳۸۷: ۲۶۹).

گام دوم؛ تعیین اهداف آموزشی (اهداف مناظرات)

گام دوم از الگوی آموزشی اشور تعیین اهداف آموزشی است که باید پس از شناخت مخاطبان هدف‌هایی را در رابطه با آموزش آن‌ها در نظر گرفته و تدوین نمود. هدف اصلی امام رضا(ع) در مناظرات، اثبات حقانیت دین اسلام و ائمه معصومین(ع) است که انتظار دارد در مخاطبان ایجاد گردد و ایشان در تمام مناظرات خود به دنبال اهداف اخلاقی و هدایت افراد بوده‌اند (محمودی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۶۵). طبق الگوی نامبرده اهداف باید به گونه‌ای باشد که در شناخت و رفتار مخاطب تأثیر گذارد.

هدف امام رضا(ع) از ارتباطات و مناظرات مختلف، جدای از برقراری این ارتباطات، ترغیب و تبلیغ در معنای انسانی آن بوده است که به معنی ارائه راه و شیوه صحیح است و از بحث الزام و اجبار متمایز است لذا اقناع از نظر ایشان بسیار حائز اهمیت است (سپنچی و مؤمن دوست، ۱۳۹۰: ۱۱۹) اهداف امام رضا(ع) در مناظرات خویش در واقع، ۱. رسیدن به فهمی انتقادی و روشن از موضوع مورد بحث، ۲. ارتقای خودآگاهی فرد شرکت کننده در مباحثه و ۳. ایفای نقش کاتالیست (تسریع کننده) برای کمک به مخاطب است تا به روش آگاهانه‌تر و روشن‌تری به مباحث نگاه کند (هاشمی اردکانی و میرشاه جعفری، ۱۳۸۷: ۱۰) به گونه‌ای که افراد به یک فهم انتقادی دست یافته و ارتقای خودآگاهی داشته باشند (ارزانی و ربانی اصفهانی، ۱۳۹۱: ۴۴) حضرت امام رضا(ع) در مناظره با علمای اهل کتاب، با عدم تعصب در استناد به قرآن کریم و بیان استدلال‌هایی از کتب مورد وثوق طرف مناظره، به درستی هدف مناظره را روشننگری و عدم منفعت طلبی بیان کردند (سپنچی و مؤمن دوست، ۱۳۹۰: ۱۳۵) که از طریق آن آموزش به دور از تعصب و پیش داوری و یادگیری بهتر اتفاق خواهد افتاد.

همانطور که بیان گردید، امام رضا (ع) در تمام مناظرات خود به دنبال اهداف اخلاقی و هدایت افراد بوده و هیچگاه تخطئه و تخریب افراد را بر نمی‌تابید. هیچ‌گاه خشمگین نمی‌شد، حتی اگر سخنان باطل می‌شنید. با مبانی طرف مقابل استدلال می‌کرد و رعایت انصاف را می‌نمود. از جمله دعوت عملی حضرت به اخلاق و دین (از اهداف رفتاری و عملی در آموزش و مناظره)، رها

نمودن مناظرات برای انجام فریضه نماز در اول وقت بود. توجه به بُعد تعالی بخشی و آزاداندیشی از ویژگی‌های دیگر مناظرات امام است به طوری که تلاش‌های امام سبب احیای مجدد اسلام گردید (خاکپور، ۱۳۹۳: ۳۲). امام در مناظرات خویش همواره سعی داشت مخاطبان خود را با تذکرات سازنده از دام شیطان و وسوسه‌های نفسانی نجات دهد و به سوی اهداف مناسب رهنمون کند. در حقیقت با شیوه تربیتی موعظه و ارشاد در پرتو مناظرات سازنده، امام (ع) با ارائه شناخت کافی از مسیر حرکت متربیان، آنان را با نتایجی که حرکت آنان به آن منتهی می‌شد؛ واقف می‌ساخت و با بشارت‌ها و اندازها و زنده کردن عواطف فطری‌شان، آنان را به حرکت در مسیر درست سوق داده و از حرکت در مسیر نادرست باز می‌داشتند (دریس‌اوی و فقیهی، ۱۳۹۴: ۱۹۰).

به صورت کلی، عمده‌ی مناظرات امام رضا (ع) به مباحث اعتقادی شامل معارف توحیدی، نبوت، حقانیت قرآن و مسئله امامت مربوط می‌شد (مردانی نوکنده، ۱۳۹۱: ۱۵) و اهداف حضرت نیز در بیشتر مناظره‌ها اثبات نبوت پیامبر (ص)، برگزیدگی عترت و اهل بیت (ع) و برتری آنها، معصوم بودن ائمه معصومین (ع)، روشن و واضح نمودن مفهوم آل و ... بود (ارزانی و ربانی اصفهانی، ۱۳۹۱: ۴۵) که در این رابطه از مواد و روش‌های آموزشی مختلف بهره می‌گرفتند.

گام سوم؛ انتخاب رسانه، مواد و روش آموزشی

پس از آنکه گام اول شروع آموزش (دانش، مهارت و نگرش فعلی مخاطب) و هم چنین گام پایانی آموزش (هدف‌های آموزشی) مشخص شد در این گام از آموزش، بین این دو نقطه پیوندی برقرار است و مواد و روش‌های آموزش انتخاب و مشخص می‌گردد. در مناظرات رضوی نیز از روش‌های یاددهی و آموزش و شیوه‌های گوناگون برای اقناع بیشتر مخاطبان و اثر گذاری موضوع استفاده شده است.

امام رضا (ع) در عمده‌ی مناظرات خویش سعی می‌نمودند تا مستند صحبت کرده و از شیوه‌های مختلف برای اقناع و تغییر نگرش و همچنین آموزش آنچه مد نظر است، استفاده نمایند. چنانکه برای آموزش و مناظره با مخاطبان خویش از روش‌های مختلف استفاده می‌فرمودند. به گفته امام علی (ع): «من العبادة لین الكلام (آمدی، ۱۳۴۶)؛ بخشی از عبادت مسلمان دلنشین سخن گفتن اوست». امام رضا (ع) برای تأثیر هر چه بیشتر سخن در طرف مناظره‌ی خود و رسیدن به درک همدلانه با او همواره مطالب را نرم، ملایم و در قالبی موزون می‌ساخت و از معانی و مفاهیم تند، رنج آور و ناراحت کننده خودداری می‌نمود. (هاشمی اردکانی و میرشاه جعفری، ۱۳۸۷: ۱۱) مناظرات امام رضا (ع) سرشار از براهین و احتجاجاتی است که از مبانی عقلی و یقینی برآمده و

متناسب با فهم و درک مخاطب و دسترسی او به انواع این برهان ها، در مناظره و بحث استفاده می شده است. از عمده مواد و رسانه هایی که در مناظرات رضوی انتخاب شده می توان به برهان، جدل، پرهیز از مغالطه، خطابه، شعر و ضرب المثل، تشبیه، استفاده از آیات قرآن و نوشته های سایر کتب آسمانی اشاره نمود که برای فهم دقیق تر و بهتر موضوع در بین مناظرات استفاده می شده است.

در بحث روش شناسی و استفاده از روش های مناسب برای یاددهی و یادگیری، امام رضا در مناظرات خویش همیشه سعی می نمود تا با رعایت انصاف و منطق مناظره و گفتگو نماید، چنانکه در مناظره با عمران صائبی به او فرمود: «ای عمران هر چه می خواهی بپرس اما انصاف داشته باش و از سخن بیهوده و باطل برحذر باش» (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۴۱۹) همچنین ایشان در مناظرات خود همیشه می کوشیدند تا یک سیره اخلاقی در بین مردم پایه گذاری شود و احترام و تکریم افراد حفظ گردد چنانکه در مناظرات به هیچ کس توهین نکرد و همیشه احترام طرف مقابل و مخاطب را حفظ می نمود (ضیغم زیدی، ۱۳۹۰: ۱۸۰). امام رضا (ع) در مناظرات خویش هیچگاه با تعصب رفتار ننمود و اگر مخاطب پیامبر اسلام (ص) و قرآن را قبول نداشت، از همان کتاب و پیامبری که به او معتقد بود حجت و دلیل اقامه می کرد. در مناظره ی جاثلیق با امام رضا (ع) که توسط مأمون ترتیب داده شده بود، جاثلیق به مأمون گفت که من چگونه با کسی مناظره کنم که از کتابی دلیل می آورد که من منکر آن هستم و از پیامبری سخن می گوید که من به او ایمان ندارم؟! در این میان امام رضا (ع) با مهربانی به او فرمود: «ای نصرانی اگر من برای تو از انجیل دلیل و حجت بیاورم، می پذیری؟» که جاثلیق در پاسخ امام گفتند: آیا من قادرم آن چیزی که انجیل گفته، رد کنم؟ بله به خداوند سوگند من قبول می کنم اگر چه علیه من باشد (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۴۰۴).

به صورت کلی می توان بیان کرد که الزام طرف مناظره با استفاده از دانسته های خودش، بهره گیری از تمثیل و تشبیه، برانگیختن نیروی خرد طرف مناظره، اثبات وجهه عقلانی احکام و اهمیت تفکر، اجازه ی پرسش و آزادی بحث، تأکید بر رعایت انصاف، تکیه بر دلایل متقن به جای استفاده از شیوه مغالطه، احترام و تکریم متقابل، بیان اصول و معیارهای کلی و عقلانی، استفاده از شیوه جدل برای ارشاد و هدایت نظم منطقی مباحث و سامان علمی، الزام طرف مقابل به پذیرش اشتباه خود و توجه به فرایض در وقت خود حتی در اوج مناظره که خود یک شیوه عملی آموزش و تبلیغ است (نقی زاده و رضاداد، ۱۳۸۶: ۱۲۲-۱۱۴)، می تواند در جهت انتخاب شیوه آموزش مناسب و انتخاب مواد و رسانه در الگوی اشور باشد که توانسته است ظرفیت و پتانسیل مناظره های رضوی را در رابطه با این بخش از الگو به خوبی نشان دهد.

گام چهارم؛ کاربرد رسانه و مواد

یکی از اقدامات اساسی امام رضا(ع) در مناظرات خود فراهم کردن شرایط مناسب در جهت تسهیل امر یادگیری و اثرگذاری بیشتر مناظرات خویش است که برای این امر در برخی مناظرات از نوگروندگان به دین اسلام دعوت می نمود. نمونه این را در مناظره ایشان با سلیمان مروزی می بینیم. نخست که وارد صحنه مناظره می شوند، امام عمران صائبی را که از تازه مسلمان شده ها بود و خود در جلسه مناظره پذیرای اسلام شده بود، وارد صحنه مناظره با سلیمان می کند و عمران هم در مناظره پیرامون مسئله ی «بدء» پیروز می شود. پس از آن امام رضا علیه السلام خودشان مناظره را ادامه می دهند(قرشی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۲۰۸-۱۹۲، طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۳۷۳) که در این مورد از مناظره به خوبی کاربرد مواد و رسانه یا همان شاهد عینی و مثال زنده به خوبی به کار رفته است.

تغییر لحن و آهنگ و تن صدا نیز می تواند در جهت یاددهی بیشتر و اثر گذاری بهتر در مناظرات و آموزش ها استفاده گردد. با نگاهی به مناظره های حضرت رضا (ع) و نوع کلمات و عبارات ایشان روشن می گردد که در کنار خطاب به اندیشه های مخاطبان، به دل و فطرت آنان، یا از زاویه دیگر، در همان مناظره توجه و خطاب می شد؛ لحن گفتارها و کیفیت تغییر لحن حضرت گویای این حقیقت است(هاشمی اردکانی و میرشاه جعفری، ۱۳۸۷: ۱۱) که متناسب با نیاز مخاطب و درک او لحن و شیوه گفتار تغییر می کرد. همچنین استفاده از زبان مخاطب و سخن گفتن با زبان او از دیگر شیوه های کاربرد رسانه در جهت اقناع مخاطب و آموزش ایشان است. در بیان مناظرات و گفتگوهای امام رضا(ع) آمده است که ایشان با هر کسی مناظره نموده اند، با زبان خودش صحبت فرموده اند. در مناظره و گفت و گویی که بین ایشان و ابواسماعیل سندی رخ داد؛ ابواسماعیل چون عربی نمی دانست در ابتدا به زبان سندی با ایشان احوالپرسی می کند، امام هم به زبان سندی جواب می دهد، سپس با زبان سندی به گفتگو می نشینند. در آخر مناظره، ابواسماعیل به ایشان می گوید، من عربی نمی دانم از خداوند بخواهید آن را به من الهام کند تا با اهل آن با زبان خودشان گفتگو کنم. در این هنگام، حضرت رضا(ع) دست خودشان را بر لب های ابواسماعیل کشیدند و او زبان عربی را یاد گرفت(عطاردی، بی تا: ۶۲۰) چنانکه در مناظره دیگری (مناظره با عمرو بن هذاب) هم که منکر علم امام به تمام زبان ها بود، اتفاقاً مجلسی تشکیل شد که در آن هندی، رومی، فارسی و ترکی بود. امام با هریک از آنها با زبان خودشان به گفتگو نشست (عطاردی، بی تا: ۶۲۱).

تقدیم مثال و بیان نمونه از ادیان و کتب مختلف در مناظره از روش های دیگر امام رضا(ع) و مناسب سازی فضای گفتگو برای اقناع بیشتر و اثر گذاری آموزش است. ایشان در مناظره



با ابوقره، زمانی که ابوقره می‌گوید به ما گفته شده است که همه کتاب‌ها روز قیامت می‌آیند در حالیکه مردم در یک صف برای پروردگار جهانیان ایستاده‌اند نگاه می‌کنند تا این که آن کتاب-ها به سوی او بر می‌گردند. زیرا آنها قسمتی از او هستند و او جزئی از آن‌هاست. پس به سوی او برمی‌گردند. امام می‌فرماید: «همین نصارا گفتند که مسیح روحی از خدا بود، جزئی از او بود و به سوی او باز می‌گردد، همچنین مجوس گفتند که آتش و خورشید جزئی از او هستند و به سوی او باز می‌گردند. خدا برتر از همه این‌هاست که قابل تجزیه و یا مختلف باشد» (قرشی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۲۱۰، طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۳۹۶-۳۹۵).

حضرت رضا(ع) همیشه در مناظرات و گفتگوهای خود از مثال‌های ساده و ملموس که در زندگی روزانه قابل مشاهده و درک بود استفاده می‌نمودند و استدلال‌های خود را بر این پایه استوار ساخته و مجال شک و تردید برای مخاطب باقی نمی‌گذاشتند. گفتگوی عمران صائبی با امام نمونه‌ای این مدعا است. وقتی که عمران از امام سؤال می‌کند آیا خدا قبل از آفرینش ساکت بوده است و بعد از آن تکلم را آغاز کرد؟ امام رضا(ع) فرمود: «سکوت معقول نیست مگر آنکه قبل از آن نطقی صورت گرفته باشد. به عنوان مثال گفته نمی‌شود، «چراغ ساکت است و سخن نمی‌گوید» همانطور که گفته نمی‌شود «چراغ با اراده‌ی خود به ما روشنایی می‌دهد»؛ زیرا روشنایی فعل ارادی آن نیست و چراغ ماهیتی به غیر از روشنایی ندارد. وقتی چراغ روشن شد می‌گوییم: چراغ روشن است و ما از روشنایی آن برخوردار هستیم و از آن فروغ و پرتو می‌گیریم. با این مثال حقیقت مطلب برای تو روشن می‌شود». عمران گفت، سرورم، من بر این باور بودم که خدا با خلق آفرینش تغییر یافته است و در حال او دگرگونی پدید آمده است. (پس از سکوت به نطق تحول یافت). امام فرمود: ای عمران، اینکه بگویی خداوند به گونه‌ای دچار تغییر شده است، یعنی از آنچه ذات مقدس او است متأثر گردید و تحول یافت، محال است. ای عمران آیا دیده‌ای که تغییر آتش موجب دگرگونی ذات او گردد یا می‌پنداری که گرمای خود را می‌سوزاند و (خود را دچار تغییر می‌کند) یا می‌پنداری که بیننده‌ای در حین رویت بتواند دیدگان خود را ببیند؟ عمران گفت نه چنین باور نداشته و اینچنین امری را ندیده‌ام. سپس عمران پرسید آقای من! مرا آگاه فرما که آیا خداوند درون مخلوقات جای دارد یا مخلوقات درون اویند؟ امام فرمود: ای عمران خدا برتر از آن است که می‌گویی، خداوند نه درون خلق و نه خلق درون اویند و خداوند برتر از آن است. اینک من رابطه‌ی خدا با مخلوقات را به تو می‌آموزم. و لا قوه الا بالله.

ای عمران به من بگو، آن هنگام که عکس تو در آینه منعکس می‌شود تو در آینه‌ای یا آینه در توست؟ اگر هیچ یک درون دیگری نیست چگونه به انعکاس عکس خودت در آینه استدلال

می‌کنی؟ (کدام سبب می‌شود تصویر خود را در آینه بنگری؟) عمران پاسخ داد: با آن پرتو و روشنایی که بین من و آینه وجود دارد. امام رضا(ع) فرمود: آیا پرتوی که در آینه می‌بینی بیش از پرتوی است که در چشم خود می‌بینی؟ عمران گفت آری. امام گفت آن را نشان من بده. عمران دیگر نتوانست پاسخی بدهد. اما فرمود نتیجه آن نور است که نه در آینه است نه در تو، بلکه چیزی است جدا که شما را به یکدیگر مربوط ساخته است(و هم تو را و هم آینه را نشان می‌دهد). البته برای توضیح این حقیقت مثال‌های دیگری وجود دارد که افراد نادان را راهی بدان نیست(و **لله المثل الاعلی**) (صدوق، ۱۳۹۰: ۱۴۷-۱۴۰، نقل از ارزانی و ربانی ۱۳۹۱: ۶۳-۶۱).

اقدام عملی و انجام فرائض نیز می‌تواند از شیوه‌های مؤثر آموزش باشد و در رفتار و تفکر مخاطب اثر داشته باشد. در مناظره های امام رضا(ع) آمده است، هنگامی که امام با عمران صائبی مناظره می‌نمود و زمینه پذیرش در عمران آماده شده بود، وقت اذان و نماز رسید و امام رضا(ع) از ادامه مناظره خودداری کرد و برای اقامه نماز آماده شدند. عمران از ترس اینکه مبدا مناظره او با امام از سر گرفته نشود، اظهار داشت: آقای من رشته گفتگو را قطع مکن زیرا قلب من با تو سازگار است(برای پذیرش کلامتان نرم شده است). اما امام به او وعده دادند که مناظره بعد از نماز پی گرفته می‌شود(صدوق، ۱۳۹۰: ۱۴۷) بر اثر همین رفتار علمی و عملی امام، عمران صابی شهادتین گفت، در برابر پروردگار به سجده افتاد و مسلمان شد(مکارم، ۱۳۸۸: ۶۴-۶۳) و روشن است که منطق و هدف امام از بحث‌ها و مناظره‌ها، تبیین و اجرای تعالیم الهی بود (عمادزاده، ۱۳۶۱: ۲۷۶-۲۷۸).

گام پنجم؛ مشارکت فراگیر

همانطور که در الگوی اشور گفته شد، یادگیری مؤثر هنگامی صورت می‌گیرد که مخاطبان و فراگیران برای رسیدن به هدف-های مورد نظر مشارکت و همکاری بیشتری داشته باشند و بازخورد فعالیت خود را درک کنند که این کار سبب تصحیح خطاها و اشتباهات آن‌ها می‌شود و فراگیر به هدف آموزش نزدیک‌تر می‌گردد. در مناظرات رضوی نیز همیشه سعی شده است که افراد مناظره کننده در بحث و گفتگو مشارکت بیشتری داشته باشند و جنبه‌های مختلف موضوع را دریابند. به همین دلیل امام رضا(ع) سعی می‌نمودند با سوال از مخاطب، جنبه‌های مختلف موضوع را مشخص نموده و فراگیر و مخاطب را وادار به تفکر و تعمق نمایند. امام (ع) ضمن تحریک مناظره‌گر، از وی اطلاعات یا پرسشگری‌های بیشتر طلب می‌فرمودند. چنان که در مباحثات مشهود است، مخاطبان امام (ع) معمولاً، سؤال‌های خود را در یک عبارت

و حداکثر در چند عبارت کوتاه بیان می‌داشتند که عمدتاً جامعیت کافی نداشتند اما امام (ع) سعی می‌فرمودند مخاطب را ضمن وادار کردن به فکر و تعمق، به سمت جامعیت سؤال بکشانند؛ چرا که در مناظره، هدف، تکامل شکل‌گیری ذهنیت مخاطب از موضوع یا مشکل مطرح شده است نه صرفاً پاسخگویی؛ چنان‌که می‌توان اذعان داشت اهمیت شکل‌گیری تکامل ساختار ذهنی مخاطب از مسئله، وی را خود به خود، برای گرفتن بی‌کم و کاست پاسخ هدایت می‌کند که در غیر این صورت، هر چند پاسخ صحیح داده شود، پس از مدتی، با همان سؤال ناقص با ساختاری متفاوت، شبهه‌ی مجدد در ذهن شکل می‌گیرد (هاشمی اردکانی و میرشاه جعفری، ۱۳۸۷: ۱۹-۱۸).

امام رضا (ع) در مناظرات خود با افراد مختلف سعی می‌نمود تا حضار را نیز در فرآیند مناظره و آموزش دخیل کند و حقانیت عقاید و اعتقادات خویش را هم بر مناظره شونده و هم سایر مخاطبان اثبات نماید. به صورت کلی می‌توان گفت که مشارکت فراگیران و مخاطبان اعم از فرد مناظره کننده و سایر افراد در مناظرات رضوی به خوبی قابل مشاهده است زیرا درگیر نمودن تمام افراد در بحث باعث می‌شود تا آن‌ها بهتر و بیشتر توجه و دقت نمایند و پذیرش و یادگیری بهتری در مورد آن‌ها انجام پذیرد.

در مناظره ی امام رضا (ع) با جاثلیق امام (ع) پس از تأیید نبوت در مورد شهادت علمای انجیل سؤال می‌کند و او همگی را حق می‌داند، سپس امام می‌فرماید: «آیا می‌دانی که متی گفته است: مسیح، فرزند داود بن ابراهیم بن اسحاق بن یعقوب بن یهوذا بن خضر بن است و مرقابوس درباره اصل و نسب عیسی بن مریم (س) گفته است: او «کلمه» خداست که خداوند او را در جسد انسانی قرار داد و به صورت انسان در آمد و الوقا گفته است: عیسی بن مریم (س) و مادرش انسان‌هایی بودند از خون و گوشت که روح القدس در آنان حلول کرد و در ضمن قبول داری که از جمله مطالب عیسی درباره خودش، این است که فرموده: ای حواریون! به راستی و صداقت برایتان می‌گویم: هیچکس به آسمان نخواهد رفت، جز آنکه از آن فرود آمده است مگر آن شترسوار، خاتم الانبیاء، که او به آسمان صعود می‌کند و فرود می‌آید، نظرت درباره این سخن چیست؟ جاثلیق گفت: این سخن عیسی است و ما آن را انکار نمی‌کنیم، حضرت فرمودند: نظرت درباره شهادت و گواهی الوقا، مرقابوس و متی درباره عیسی و اصل و نسب او چیست؟ جاثلیق گفت: به عیسی افترا زده اند، حضرت به حضار فرمودند: آیا (همین الان) پاکی و صداقت آنان را تأیید نکرد و نگفت آنان علمای انجیل هستند و گفتارشان حق است و حقیقت؟! جاثلیق گفت: ای دانشمند مسلمین، دوست دارم مرا در مورد این چهار نفر معاف داری، حضرت فرمودند: قبول است، تو را معاف کردیم» (ابن بابویه، ۱۳۷۲: ۳۳۱).

گام ششم؛ ارزیابی و تجدید نظر

در مرحله ششم از الگوی اشور میزان یادگیری و مؤثر بودن رسانه‌ها و مواد آموزشی با پرسش و محک زدن فراگیران و مخاطبان انجام می‌شود. همچنین بازبینی در عملکرد و میزان اثر گذاری مطالب بر مخاطبان در کنار تأثیر رسانه‌ها و شیوه‌ها و مواد آموزشی در این مرحله صورت می‌پذیرد. در مناظرات رضوی نیز می‌توان به صورت غیرمستقیم این مرحله را مشاهده نمود. به عنوان نمونه می‌توان بیان کرد که امام رضا(ع) از روش‌ها و شیوه‌های عقلانی در مناظره استفاده می‌نمود و معتقد بود که دفاع از هر قضیه‌ای باید مبتنی بر اصول عقلانی باشد. اگرچه ممکن است مغالطه و سفسطه بتواند در برخی موارد در اقناع و آموزش مخاطب مؤثر باشد، ولی تأکید ایشان بر اصلاح روش و استفاده از اصول عقلانی در مناظره می‌بود (ارزانی و ربانی، ۱۳۹۳) به همین دلیل می‌توان گفت که مناظرات و احتجاج‌های امام هشتم(ع) بستری برای رشد، تعالی و برانگیخته شدن روحیه حق جویی نهفته در فطرت طرف‌های مناظره شد و علوم اسلامی با آن نشر پیدا کرد. این روش شناسی نمود عینی مجادله احسن و دوری از مراء و جدال‌های تخریبی است (میراحمدی و رضایی پناه، ۱۳۹۵: ۹۲). به عبارت کلی پیشرفت و یادگیری مخاطبان در مناظره، نشان از ارزیابی و در صورت لزوم، تجدید نظر در شیوه‌ها و مراحل الگوست. همان‌طور که اشاره شد نمونه این امر را در مناظره ایشان با سلیمان مروزی می‌بینیم که امام عمران صائبی را که از تازه مسلمان شده‌ها بود و خود در جلسه مناظره پذیرای اسلام شده بود، وارد صحنه مناظره با سلیمان می‌کند و به گونه‌ای از او ارزیابی به دست می‌آورد و او در مناظره در رابطه با «بدء» پیروز می‌شود (طبرسی، ۱۴۰۳، ج: ۲، ۳۷۳).

امام رضا(ع) با پیمودن راه اعتدال در مناظرات خویش و دوری از تمسخر و دروغ‌گویی و مغالطه کاری، و پرهیز از نقد شخصیت افراد، توانسته‌اند توجه مخاطبان را به سوی خویش جلب کنند و تغییرات لازم را در رفتار و سطح یادگیری آن‌ها مشاهده نمایند. توجه به این نکته و دوری از آن، یعنی خروج از اعتدال و توسل به سخنان دروغ، تحریف یا مغالطه -آنچنان که جاثلیق نصرانی از تنها فرصتی که برای نقد امام پیش آمده سریع استفاده کرده و حضرت را به داشتن ضعف متصف می‌کند- می‌تواند توجه مخاطبان را به سوی حق مداری طرف مناظره کننده جلب کند و از متمایل شدن مناظره علمی به یک دعوای شخصی و جناحی جلوگیری کند (صادقیان، ۱۳۸۸: ۶۶-۶۵).

۶- نتیجه گیری

در این نوشتار، با توجه به جریان مناظره‌های امام رضا(ع) و کیفیت و تنوع آن‌ها، روش‌های



مناظراتی امام رضا (ع) به عنوان یک الگوی آموزشی مورد نظر قرار گرفت که همواره می‌توان از آن نتیجه گرفت و به عنوان یک روش یاددهی - یادگیری در مکان‌ها و زمان‌های آموزشی مختلف استفاده کرد.

مناظره علاوه بر اینکه یک روش تبلیغ و اشاعه‌ی فرهنگ دینی است، در سایر مباحث علمی و آموزشی نیز می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد و به عنوان یک الگوی آموزشی مورد بررسی و استفاده قرار گیرد. استفاده از الگوهای آموزشی به تسهیل فرآیند یادگیری و ساده‌سازی درک مفاهیم کمک می‌کند. آنچه در این متن ارائه شد، تحلیل مناظرات رضوی با توجه به الگوی آموزشی و یاددهی - یادگیری اشور (Assure) بود که گام‌های مختلف الگو در مناظرات ردیابی شد و تحلیل و بررسی گردید.

مطابق با مراحل الگوی اشور در اولین گام، ویژگی‌ها و خصوصیات فراگیران مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد که در مناظرات رضوی نیز امام رضا (ع) متوجه شناخت ویژگی‌های مخاطبان بود و همیشه قبل از مناظرات از مخاطبان درخواست می‌نمود تا سوالاتی که دارند بیان کنند تا سطح فکری و علمی و ویژگی‌های آن‌ها برای امام بهتر مشخص شود. در گام دوم از الگو تعیین اهداف صورت می‌گیرد که در مناظرات رضوی به خوبی اثبات برتری و حقانیت دین اسلام و اقناع فکری و اخلاقی مخاطبان و رسیدن به یک خودآگاهی در مخاطب و دست یافتن به یک فهم انتقادی و روشن از موضوعات مد نظر بوده است.

در سومین گام از الگوی نامبرده که انتخاب رسانه، مواد و روش آموزشی است، امام رضا (ع) برای اثرگذاری بهتر و بیشتر از مستندات قابل قبول در قالب وزن و آهنگ متناسب و لحن آرام و دلنشین برای این امر استفاده کرده است. همچنین مناظرات ایشان سرشار از براهین و احتجاجاتی است که با رعایت انصاف بیان می‌شده است. رسانه‌ها و مواد آموزشی مناظرات امام رضا (ع) را می‌توان، قرآن، کتب آسمانی و کتاب‌های مورد قبول مخاطبان، شعر، ضرب المثل و آیات و نشانه‌های الهی برشمرد که در مرحله چهارم از الگو و کاربرد رسانه‌ها و مواد به خوبی از این مواد و روش‌ها استفاده شده است. مرحله پنجم از الگو که مشارکت فراگیران است در تمام مناظرات رضوی قابل بازبینی و ردیابی است. چرا که ایشان همیشه سعی می‌نمود تا طرف‌های مناظره به خوبی در جریان بحث و گفتگو وارد سازد و با درگیر ساختن آن‌ها در جریان مناظره به خوبی به اقناع و آموزش آن‌ها دست یابد. حتی در برخی مناظرات آمده است که امام رضا (ع) حضار و شنوندگان حاضر در مناظره را نیز در جریان آموزش و گفتگو مشارکت می‌داده است. آخرین گام از الگوی نامبرده، ارزشیابی و تجدید نظر است که در آن میزان اثربخشی و تغییر رفتار و سطح یادگیری مخاطبان مورد بررسی قرار می‌گرفته است و در مناظرات امام رضا (ع)

نیز ایشان با پرسیدن سوال و در خواست اینکه اگر دیگر سوالی باقی مانده است، مخاطبان را مورد آزمون قرار می‌داده است. همچنین با شیوه‌هایی که به کار می‌برده است تغییرات رفتاری و فکری - ذهنی مخاطبان را مدنظر داشته و در مناظرات بعدی و دیگری از شیوه‌های متفاوت استفاده نموده‌اند. در نتیجه می‌توان گفت که امام رضا(ع) از طریق مناظرات خویش و توجه به همه ویژگی‌های گفته شده در تمام مناظرات خویش توانسته است به اهداف خود دست یابد و مخاطبان را اقناع کرده و بر آن‌ها پیروز گردد. بنابراین نگاه آموزشی به مناظرات امام رضا(ع) برای اقناع و تبلیغ دین و تحلیل‌های آن، می‌تواند در همه زمان‌ها در برابر سایر شیوه‌ها سودمند و کارساز بوده و زمینه ساز نیل افراد به درک جامع و بهتری از معارف دین و در نهایت رشد و تعالی آن‌ها در پرتو این شیوه‌ی آموزش گردد.

کتابنامه

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۲)، عیون اخبار الرضا علیه السلام، مترجم علی اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق.
۲. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴)، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتبه الأعلام الإسلامی.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، لسان العرب، بیروت: انتشارات دارالفکر.
۴. احمدغلو، احمد (۱۹۸۷)، الدعوه الاسلامیه، اصولها و وسائلها، بیروت: دارالکتب البنانی.
۵. ارزانی، حبیب رضا، ربانی اصفهانی، حوریه (۱۳۹۱)، «سبک ارتباطی اخلاقی رضوی در تعامل با پیروان ادیان با تکیه بر مناظرات امام(ع)»، فصلنامه علمی - ترویجی اخلاق، سال ۲، شماره ۶، صص ۶۶-۳۹.
۶. ارنشتاین، الن سی و فرانسس پی هانکینز (۱۳۸۴)، مبانی، اصول و مسائل برنامه درسی، ترجمه ی قدسی احقر، جدل اول، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
۷. آمدی تمیمی، عبد الواحد (۱۳۶۶)، تصنیف غرر الحکم و دررالکلم، چاپ اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۸. بینگلر، اتولر (۱۳۶۷)، ارتباطات اقناعی، ترجمه علی رستمی، تهران، مرکز تحقیقات مطالعات و سنجش برنامه ای صداوسیما.
۹. نقی زاده، حسن و رضا زاد، علییه (۱۳۸۶)، «مناظرات امام رضا(ع)، ویژگی ها و روش ها»، فصلنامه ی مشکوه، شماره ۱۳، صص ۱۲۵-۱۰۷.
۱۰. تهاونی، محمد (۱۹۹۶)، کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، چاپ اول، بیروت: کتابخانه ناشرون.
۱۱. خاکپور، حسین (۱۳۹۳)، «نقش و آثار مدیریت فرهنگی امام رضا بر جامعه شیعه»، فصلنامه فرهنگ رضوی، سال دوم، شماره هشتم.
۱۲. دریسای، سمیه و فقیهی، علی نقی (۱۳۹۴)، «شیوه‌های تربیتی در گفت‌وگو معصومین(ع) با تأکید بر سیره رضوی(ع)»، مجموعه مقالات همایش خانواده و سبک زندگی، از سری برنامه‌های چهاردهمین جشنواره بین المللی امام رضا(ع)، مشهد: کمیته امداد امام خمینی(ره).

۱۳. دهخدا، علی اکبر (۱۳۶۶)، لغت‌نامه‌ی دهخدا، تهران: موسسه‌ی دهخدا.
۱۴. راغب اصفهانی، ابوالقاسم (۱۳۶۲)، المفردات فی غریب الفاظ القرآن، چاپ دوم، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
۱۵. رزمجو، حسین (۱۳۷۰)، انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، چاپ اول، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۶. سپنجی امیر عبدالرضا؛ مومن دوست نفیسه (۱۳۹۰)، «اقتناع و تغییر نگرش، جایگاه آن در سیره ی ارتباطی امامان معصوم(ع)؛ مروری بر مناظرات مکتوب حضرت امام رضا(ع)»، دو فصلنامه علمی پژوهشی دین و ارتباطات، سال ۱۸، شماره ۲، پیاپی ۴۰، صص ۱۴۴-۱۱۷.
۱۷. سجادی، سید مهدی (۱۳۸۰)، تبیین رویکرد استنتاج در فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۱۸. سلاحی، عزیز؛ عباس، تکیه(بی تا)، تبلیغات بازرگانی، تهران: مدرسه عالی بازرگانی.
۱۹. سورین، ورنر، تانکار، جیمز (۱۳۸۶)، نظریه های ارتباطات، ترجمه علیرضا دهقان، چاپ سوم، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۲۰. شمیسا، سیروس (۱۳۸۵)، انواع ادبی، تهران: انتشارات میترا.
۲۱. شهید ثانی (۱۳۷۴)، منیه المرید فی آداب الفمید و المستفید، مترجم سید محمد باقر حجتی، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۲. صادقی نیری، رقیه؛ حاجی زاده، مهین (۱۳۹۰)، «روش های دعوت و تبلیغ قرآنی از دیدگاه علامه طباطبائی»، مجله پژوهش های دینی، دروه-، شماره ۲۲، صص ۱۹۲-۱۶۵.
۲۳. صادقین، محمد (۱۳۸۸)، «نگاهی بر شیوه مناظره امام رضا(ع) با بزرگان ادیان»، نشریه مشکوه، شماره ۱۰۲، صص ۷۶-۶۰.
۲۴. صدرحاج سید جواد، احمد (۱۳۷۵)، دایره المعارف تشیع، چاپ اول، تهران: نشر شهید محبی.
۲۵. صدوق، محمدبن بابویه (۱۳۸۷)، التوحید، قم: انتشارات مکتب الصدوقی.
۲۶. همان (۱۳۹۰)، عیون اخبار الرضا(ع)، قم: انتشارات پیام علمدار.
۲۷. ضیغم زیدی، سیدعلی (۱۳۹۰)، «مناظره و ویژگی های مناظرات امام رضا(ع)» نشریه پیام بلیغ، سال ۵، شماره ۶، صص ۱۹۰-۱۵۹.
۲۸. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳)، الإحتجاج، مشهد: انتشارات مرتضی.
۲۹. عطاردی، عزیزالله(بی تا)، اخبار و آثار امام رضا(ع) بی جا.
۳۰. عمادزاده، حسین (۱۳۶۱)، زندگانی حضرت امام رضا(ع)، تهران: انتشارات گنجینه محمد.
۳۱. فراهیدی خلیل بن احمد (۱۴۰۹)، العین، قم: نشر هجرت.
۳۲. فرددانش، هاشم (۱۳۸۳)، مبانی تکنولوژی آموزشی، تهران: انتشارات سمت.
۳۳. قرشی، محمدباقر شریف (۱۳۸۲)، پژوهشی دقیق در زندگانی امام علی بن موسی الرضا(ع)، ترجمه سیدمحمد صالحی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۴. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷)، اصول کافی. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۳۵. محمودی، مرضیه؛ خاکپور، حسین؛ گلی، مهرناز؛ نوری، ابراهیم (۱۳۹۴)، «اخلاق مناظراتی و مناظرات اخلاقی در سیره رضوی و شیوه ی بکارگیری آن در کرسی های آزاد اندیشی»، فصلنامه ی اخلاق زیستی، سال ۵، شماره ۱۵، صص ۱۹۴-۱۶۳.

۳۶. مرادی، حجت الله (۱۳۸۴)، اقناع سازی و ارتباطات اجتماعی، چاپ دوم، تهران: نشر ساقی.
۳۷. مردانی نوکنده، محمدحسین (۱۳۹۱)، «ضرورت و چیستی مناظرات و مباحثات امام رضا(ع)»، مجموعه مقالات درآمدی بر مناظرات امام رضا(ع)، تهران: دبیرخانه دائمی جشنواره بین المللی امام رضا(ع).
۳۸. معین، محمد(بی تا)، فرهنگ معین، چاپ هشتم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۳۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۸)، مناظرات تاریخی امام رضا (ع) با پیروان مذاهب و مکاتب دیگر، چاپ دوم، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
۴۰. مهدویان، محبوب و رحیم زاده، کبری (۱۳۸۹)، «شیوه ی آموزشی مناظره در سنت و قرآن»، نشریه منهج، سال ۶، شماره ۱۰، صص ۱۵۹-۱۴۳.
۴۱. مؤذنی، علی محمد؛ احمدی، محمد (۱۳۹۳)، «درآمدی بر جایگاه فرآیند اقناع در فن خطابه و مطالعات ادبی»، نشریه ی پژوهش نامه ی نقد ادبی و بلاغت، سال ۳، ش ۲، صص ۱۱۱-۹۳.
۴۲. میراحمدی، منصور؛ رضایی پناه امیر (۱۳۹۵)، «تحلیل گفتمان مناظره ها و مجادله های حضرت رضا(ع) با دگرهای گفتمانی (مبانی قرآنی کلامی ساخت بندی هویت اسلامی)، فصلنامه فرهنگ رضوی، سال ۴، شماره ۱۴، صص ۹۶-۷۵.
۴۳. نوروزی، داریوش؛ رضوی، سیدعباس (۱۳۹۳)، مبانی طراحی آموزشی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سمت.
۴۴. هاشمی اردکانی، سید حسن و میر شاه جعفری، سید ابراهیم (۱۳۸۷)، «روش مناظره علمی در سیره آموزشی امامان معصوم(ع)، (مطالعه موردی مناظرات امام رضا(ع))»، دو فصلنامه ی علمی- تخصصی تربیت اسلامی، سال ۳، شماره ۷، صص ۲۱-۷.

45. Chan, Irene(2008). " Instructional Design Methodologies" In Kidd, Terry T. and Song, Holim(Eds), Handbook of research on Instructional system and Technology. New York: Information Science Reference

46. Lesser, Laurie (2011), Persuading Your Audience, USA: Brandeis

منابع الکترونیکی:

کتابخانه دیجیتال تبیان (آنلاین)، «عصر تبلیغ در پیکره ی دین»، بازبینی شده در ۱۳۹۶/۵/۲۰، قابل بازبینی در آدرس؛ <http://library.tebyan.net/fa/Viewer/Text/0#2/81333>

Behavioral-verbal Requirements of Removing Doubts in Razavi Sireh

Hasan kharaghani

Alborz mohaghegh garafmi



قصه نامه علی امام رضا علیه السلام و علوم روز: شماره اول - زمستان ۱۴۰۰

Abstract

Removing doubts is based upon cognition in the forms of debate, discussion, systematic mutual conversation, or letter writing. Recognizing the behavioral-verbal methods of removing doubts in Imam Reza Sireh and teachings is extremely effective in providing a proper pattern for doubts recognition.

Accordingly, the present research aims at stating the behavioral-verbal requirements of removing doubts in Razavi Sireh through an analytical-inferential method, utilizing library sources. Some of these requirements are as follows: paying attention to the rhetorical prerequisites and necessities, firm reasoning, motivating the addressee towards truth-seeking, satisfying the addressee, respecting the freedom of speech and expression, defending the righteousness of monotheistic religions against blasphemy, influential warnings, and avoiding the debate trauma.

Based on the research, Imam Reza (AS) could utilize Islamic ethical rules, the true recognition of the addressee, and the roots of doubts while confronting them for providing answers that are useful for systematizing the answering procedures.

Keywords: Doubts; Answering etiquette; Behavioral-verbal method; Razavi Sireh

Explaining the Conceptual Network of Communication; a Model based on the Debates of Imam Reza (Peace Be upon Him)



Behzad H. Kashani
Mahsa payesteh

Abstract

The purpose of this article is to know the communication characteristics of Imam Reza (Peace Be upon Him) in facing his audience and to explain the communication methods in conducting debates to explain and propagate the religion of Islam, to resolve the differences and different opinions of his time. For this purpose, a communication triangle method (Heider communication model) was used. According to this model, the best state of a relationship is when there is a positive relationship among the three sides of the communication triangle, i.e. message sender, message, and audience. The current research is based on a qualitative method as well as the main question and research topic using the library method. The results showed that Imam Reza (Peace Be upon Him), despite proving the legitimacy and refutation of the debate party's claims, avoided unethical behavior and was able to deal with the representatives of religions with full frankness, precision, politeness, and respect, using effective communication features. Moreover, the various religions that Ma'moun had invited for the debates with sinister purposes were turned into an arena for defending the religious borders of Islam, Imamate, and Shia's rightful beliefs, especially to prove the authority and legitimacy of the Imam for Imamate and Caliphate. Imam Reza's method of debate including having desirable personal and social characteristics, paying attention to interpersonal skills, debating methods, and audience awareness in establishing communication were among the findings of these results.

Keywords: Imam Reza (Peace Be upon Him); Communication; Debate; Audience; Message sender; Message.

The Components of Resistance Economy in Imam Reza (AS) Hadiths

Seyed Abolghasem Hosseini Zaidi

Mahdi Ebadi



قصص امام علي امام رضا عليه السلام وعلوم روز - شماره اول - زمستان ۱۴۰۰

Abstract

One of the criteria for evaluating the government strength is its reliance on the theory of resistance economy, stated by the supreme leader, in 1389, for the first time. In this study, firstly, the terms “economy” and “resistance” are defined, and, secondly, the term “resistance economy” is clarified; later, this term has been investigated based on Imam Reza (AS) hadiths.

The foundations of resistance economy from Imam Reza (AS) viewpoint (the source of the supreme leader’s words) are as follows: achieving economic authority, independence, resisting the unbelievers’ domination, preserving the Islamic principles and values, modification of the consumption pattern, resisting the economic corruption, and economic justice. Furthermore, the present study states that, probably, the most significant foundation of resistance economy is modification of the consumption pattern which contains four prominent components: moderation, contentment, development of a standard consumption culture, and the need for purchasing domestic merchandise.

Keywords: Resistance economy foundations; Imam Reza (AS)



Spiritual Strategies of Stress Management Focusing on the Comparative Study of Imam Reza ^(AS) Teachings and the Viewpoints of Contemporary Psychologists

Ehsan Pooresmaeel

Haniyeh Khosh

Abstract

Stress management is among the significant issues that has attracted the contemporary psychologists, in the recent century, concerning the complex mechanical life. For controlling and regulating it as well as improving the mental health, the Health Organization (as a formal organ in Iran) refers to five prominent components (social support, participation in religious ceremonies, gratefulness, generosity, and voluntary charity deeds) as the spiritual strategy for reducing stress.

These components were confirmed by the viewpoints of the contemporary psychologists, and research and studies showing the impact of these on the individual health improvement were collected for developing the components mentioned. The results showed that the individuals with religious beliefs who utilize these components in life enjoy higher mental health while experiencing less stress; having studied the Imam Reza (AS) life, we concluded that he has emphasized these five components in his speech as well as his practical life regarding various dimensions. Moreover, apart from his emphasis on the five components, new topics were discovered (the topics not completely studied by thinkers so far) such as trust in God, optimism, life planning, taking care of the patients, and a godly happy life.

Keywords: Imam Reza (AS); Stress management; Spiritual strategy; Mental health; Religion

Facilitating the Relationship between the People and the Government based on a Model of Communication and Mutual Understanding according to the Teachings of Imam Reza (AS)

Ahmad Abbasi Darehbidi



قصه نامه علی امام رضا علیه السلام و علوم روز - شماره اول - زمستان ۱۴۰۰

Abstract

The ability to communicate and the power to understand are innate aspects of human being existing in the form of his tendencies. Two of the strategic issues that can be studied are mutual understanding and relationship between the people and the government, which can lead to the growth of society and the Razavi utopia. For this reason, it is necessary to study this concept according to the teachings of the Qur'an as well as the teachings of the practical life of Imam Reza (AS), which is full of elements of communication and mutual understandings. Therefore, the main question of this research, which was conducted with reference to hadiths and interviews with religious experts, was as follows: what points do the teachings of the Qur'an and Razavi manners contain in this regard? For that, the six key elements of communication (sender, message, receiver, device, feedback, and environment) were addressed. According to the Qur'an and the practical life of Imam Reza (AS), the sender conveys its message using "observing moral norms in communication, having a spirit of criticism, prejudice, and observance of fairness and softness in speech". This message has features such as clarity, simplicity, and honesty, appropriate to the recipient. Based on the findings, it can be expected that the relationship between the people and the government will be approached. In this way, with the inspiration of the verses of the Quran and the practical life of Imam Reza (AS), it is possible to facilitate the relationship between the people and the government.

Keywords: Communication and mutual understanding; Practical life of Imam Reza (AS); People; Government; Mutual connection.

An Analysis of Razavi Debates in terms of Spiritual Satisfaction and Advertising Religious Teachings (based on Assure model)

Negar Kazemi Asfeh



قصصنامه علی امام رضا علیه السلام وعلوم روز: شماره اول- زمستان ۱۴۰۰

Abstract

One of the prominent and influential methods of religious advertisement and development of spiritual teachings is debating with the aim of satisfying the addressee and changing his mentality for comprehending the authentic resources. One of the significant Islamic and Shia debates is Imam Reza (AS) debates with different people believing in various religions and intellectual inclinations; these debates are so qualified in terms of variety that could be analyzed from different angles. The focal points of the debates are addressee satisfaction and utilizing various educational methods.

In the realm of education, Assure is one of the appropriate instructional methods, presented by Molenda, Russel, and Smaldino, in 1989. The Assure designers believe that using this model assures the effectiveness of education. This model helps people to know the educational steps and wisely utilize them for satisfying the addressee. Therefore, the aim of the present study is analyzing the Razavi debates, based on this model, for satisfying others and advertising the religious teachings; Imam Reza (AS) has reached the goal of proving the righteousness of Islam and Shia sect as well as satisfying the addressee with the help of various methods and media.

Keywords: Debate; Imam Reza (AS); Addressee; Assure model; Spiritual satisfaction.

Guide for Authors

-Manuscripts should be submitted only if they are scientific, original research and contain innovation.

-Manuscripts have not already been published or submitted elsewhere or copied from internet.

-Manuscripts should have 6000 words in minimum and 9000 words in maximum.

-The abstract should be an objective representation of the article and a total of about 200 words in maximum and be a single paragraph. keywords need to be added after abstract.

-In the text, reference should be placed in parentheses

The main titles should be numbered 3 ,2 ,1, etc., and their sub-titles should be specified with 2-1 ,1-1, ..., and 2-2 ,2-1, etc.

The abstract of the article, which is a full-fledged and concise mirror of the discussion, should be attached in a maximum of ten lines, and the keywords of the article (three to seven words) should follow each abstract.

References in the text of the article should be written in parentheses (author's last name, year of publication: page number or cover / page number).

If the next reference is immediately to the same source, use (same or the same: volume number / page) and if it is another source from the same author (Homo, year of publication: page).

Latin sources should be written in Latin from the left in parentheses (page / cover: year of publication, surname) and in the next reference if immediately (Ibid.). Direct quotes should be inserted separately from the text with indentation (one and a half centimeters) from the right. Latin form of special names, specialized words and foreign compounds should be inserted in a footnote.

Explanatory notes (explanations that the author considers necessary) should be included in a footnote.

- References in the notes should be in the same order as the text and detailed specifications of the source in the list at the end of the article.

- The sources used in the text, at the end of the article and in alphabetical order, the surname or famous name of the author (s) should be given as follows: Book: surname, name (author / authors), book name, translator, researcher or proofreader, time of publication (if the first edition is not required), place of publication, name of the publisher, date of publication. ق. یا م. (Respectively for solar, lunar or Gregorian years).

Article: Surname, name (author / authors), "title of article in quotation marks", name of journal, period / year, issue number, date of publication.

Websites: Last name, author name, "subject of the quotation mark", name and address of the website.

- The full name of the author, university degree or academic title and the name of his / her respective institution should be mentioned in both Persian and English languages and should be sent along with postal address, telephone number and e-mail address. The journal is free to edit articles. Observance of the Persian calligraphy approved by the Academy of Persian Language and Literature is mandatory.



Table of Contents



Behavioral-verbal Requirements of Removing Doubts in Razavi Sireh

7

Hasan kharaghani

Alborz mohaghegh garafmi

Explaining the Conceptual Network of Communication; A model Based on the Debates of Imam Reza (Peace Be Upon Him)

28

Behzad H. Kashani

Mahsa payesteh

The Components of Resistance Economy in Imam Reza (AS) Hadiths

52

Seyed Abolghasem Hosseini Zaidi

Mahdi Ebadi

Spiritual Strategies of Stress Management

68

(Focusing on the Comparative Study of Imam Reza (AS) Teachings and the Viewpoints of Contemporary Psychologists

Ehsan Pooresmaeel

Haniyeh Khosh

Facilitating the Relationship Between The people and the government Based on a Model of Communication and Mutual Understanding According to the Teachings of Imam Reza (as)

95

Ahmad abbasi darehbidi

An Analysis of Razavi Debates in terms of Spiritual Satisfaction and Advertising Religious Teachings (based on Assure model)

124

Negar Kazemi Asfeh

Translation of Abstracts:

145

Journal of Imam Reza (as) and Science of the day

First year, first issue, winter of 2020

Publisher: Imam Reza (P.B.U.H) International University

Director-in-Charge

Dr. Nemat Firoozi

Editor-in-Chief

Dr. Mohammadreza Rezvantaleb

Editorial Board

Dr. Adel Peyghami (Associate Professor at Imam Sadegh University)

Dr. Ali asghar Pourezzat (Professor at Tehran University)

Dr. Hasan Bashir (Professor at Imam Sadegh University)

Dr. Hassan naghizadeh (Professor at Ferdowsi University of Mashhad)

Dr. Jamileh Alamolhoda (Associate Professor at Shahid Beheshti University)

Dr. Mohammad Ali Khalilzadeh (Associate Professor at Imam Reza University)

Dr. Mohamad reza Rezvantaleb (Associate Professor at Tehran University)

Dr. Mahmoud Khodadoust (Associate Professor at Shahid Beheshti University)

Dr. Nemat Firoozi (Assistant Professor at Imam Reza International University)

Dr. Seyed Reza Moadab (Professor at Qom University)

Acting Editor

asma kheyri yazdi

Editor

Dr. Hamidreza Navidi Mehr

English Text Editor

Dr. Akram Hosseini

Page Designer

Hamed Homayooni

Executive Director

Zahra Khandan- Toktam Khanbabazadeh



فصلنامه علمی امام رضا علیه السلام و علوم روز - شماره اول - زمستان ۱۴۰۰

۱۵۲

Journal website: <http://ijs.imamreza.ac.ir>

Telephone contact: 05138041 extension 3120

E-mail of the journal: science@imamreza.ac.ir

Postal address: Imam Reza International University (AS), 15
University St., Holy Mashhad, Khorasan Razavi